

٧١٣٥

بالحق التركية







مكتبة جامعة الملك سعود قسم المخطوطات

الرقم: ١٧٥٤٩  
 العنوا: التذكرة الأولى في حياة  
 المؤلف: محمد بن محمد بن أحمد  
 تاريخ النسخ: ١٢٩٢ هـ  
 اسم الناسخ:  
 عدد الأوراق: ١٧٤  
 ملاحظات:  
 (بالدقة)





*[Faint handwritten Persian script, likely bleed-through from the reverse side of the page.]*







کتاب الحقه ترکیه

کتاب الحقه ترکیه

تمام فیض یارلار اول وقت هم ذرت حضور اول عالم غیب یاری  
 نیک شایده بی محلیه کیم کوکل منوری دور ضربت ل اولار تا بحرم  
 برده کوکل اینجه سیر قیاسیه غرضه او تیدین کو بار و سرت صفت  
 کوکل یوزی صیقل نیر تا اینجه جهان غابو دورا پنهانیت تکرار بر ل ذکر  
 مراد اول وجه اوز بو صفت هم ذرت و کلمه بی ل حضرت الوهیت  
 غمقرب قیاسیه یار اول وجه کیم مذکور بوله **درین اول کلمه کیم** معنونه  
 الف دین ای که لام دین و یارین مرکب و اول الف عدد و ابر و ریغ افزیده  
 عالم هر دیکم انکاستر یک سناریون او و در حقیق اولاری اول در کذا  
 افتد و استر یک متصور ایماست درین هم دانه زین و اونه خیال دیکم  
 معنونه نیک است او کس بود و اول است درین هم دیکم شفی و فی خود  
 پیروز لارین غرض اول در کیم طریقت اصل اعتقادی صحیح و الهی قوی  
 و در یغی بولایفه اول اعتقاد و اول لارین است حکم قیلولار اینجه  
 بول غم قدم قویار لار اول صفت دین یقین مقصد لارین یار لار  
 و ای که لام موهنا ایشارت در کیم حقیقت اول طریقه اوست و استر  
 در کیم مکتب بوله کاسیتود و کیم معرفت دین یار پی و در و طریقه نیک























اختیار از اول اگر یک تائید شوق و راز بر وی تاشد و اول  
 ابروی و لیکن بوی بزرگوار در او از لیک نوری بر لایق به معنی ریاضت  
 و مشقت به نهایت نماند و شوق به لال تار تار ابروی در او نه تنها سلوک  
 ابروی در او که در لایقین چنان تربیت نامتی لایق و لایق و لایق و لایق  
 کما کای و بی به هم بلیدین به نکره و شادان است بی کم ای عید  
 ابدی پس در هر سلوک او پس نیک لازمیتی کما به نغای پس با اول  
 بزرگوار نیک آخر عمری بخود فیتند و لغای پس بزرگوار نیک بنا به نیک  
 مقامی در کالاته انیک الیه که قبضه نغای پس بزرگوار پس اولیا  
 ابدی در پس کیم دنیا انبیا و اولیا و فی ابر پس در و نیک  
 تربیتین به به منند و در پس و لیکن معز عالمین و خود خدین کو تار  
 و در سنابر هر ظاهر لازم کو در و در کیم اول هم او پس و لغای که در او پس  
 هر ظاهر احتیاج ابر پس و در مال لازم تو تاق که در کیم طریقه او پس کا  
 به نیک نیک بل کای تا شک و نیک طریقی و در پس الکا معلوم و لغای اول و در کیم  
 بزرگوار حضرت موسی صلوات الله علیه من نیک خطیشت از لاری به نیک  
 سلطان او پس لازمست لاری غریب قبلیه در نوبت و لطف و نیک

یا در لایق اول

یا در لایق اول چنانچه فیض لازمیتی و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک  
 مشرف به نوبت حوالی لاری غریب اول و اول و اول و اول و اول و اول  
 مبارک پس لاریکا نیک و اول و اول و اول و اول و اول و اول و اول  
 واقع نیک و معلوم بولوب ابروی بوز لاری مضمونیدین هم سلید  
 و نیک و در هر نیکین تو در و اید لاری لایق و نیک و نیک و نیک و نیک  
 اول و پس این نیک و خواه لایق و پس به نیک و نیک و نیک و نیک و نیک  
 به نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک  
 لاری خوشنود و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک  
 به نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک  
 آخرت لاری نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک  
 لاری و بولوب همه و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک  
 لاری غریب لاری که نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک  
 و در البقا و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک  
 اول و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک  
 الی غیره و اول مبارک لاری به نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک







بقیاس تنه بر کواریه نوز ساد و یکایه و غرق السیر و در پیش لار هشتا لاری  
اول بیو یکم نفسم بقیدون سیر لار کالایه و اول سیر کواریه کشف بولای  
توروب سماع و مشتول بولایه در و خرقه لاری تنیک هر که شمس سیر لاری  
طعام لار و نکات سیر لار تو بولوس قس الدی اول مقداره بولایه یکم و سیر  
تشنه لیک و سیر لیک و دفع قیدیل و ضرب الدی سیر بولایه در و لاری  
ایده لاری سیر کواریه سیر اول وقت تو خنایه سیر نه القیاس سیر سیر  
در و سیر لار کشف لیک سیر بروی سیر کواریه لار به تشنه لیک و سیر  
نظر لاری به سیر سیر توروب سیر سیر مبارک قول لاری ایضا القیاس سیر  
اول سیر اسم لاری لاری کشف سیر سیر سیر سیر اول مقداره سیر  
سیر سیر سیر سیر لاری لاری که زیاده کله سیر سیر القیاس اول سیر  
گرامت سیر سیر سیر سیر لاری لاری سیر سیر سیر سیر سیر  
اول سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر  
خاطر لاری سیر سیر فی الحال توروب لاری سیر اول سیر سیر سیر  
بولای اول طرف که متوجه بولایه لاری سیر سیر سیر سیر سیر  
اختیار قبل لاری سیر سیر لاری لاری زا و را سیر سیر سیر لاری















اگر کسی بگوید که من از تو جدا شدم و تو مرا فراموش کردی  
فلاذبه ایمان کسی نیست لطف پیدا بفرمایید اگر چه از این سپید  
در جنبه خودی من نیست کار از خود فراموشی و در وقت اول  
او از کله یکم ای عجب دانه چکه او ز خود کرده بی خفا و کتمان گویند که  
ما سر کار این ابروی بزرگ و پیشانی بزرگ و پیشانی بزرگ و پیشانی بزرگ  
اند از یکم و بیانشیک بگویند برویم و آخرت نیک بیاوریم هم چنین  
چندین بوندان استیب خوشحال بولوب چه درین بون بولوب  
نه حال تا شعاری حققت لاد ایدیلارای یاران لاد ایدیلارای یاران  
و خوشنود بولوب لاد ایدیلارای یاران لاد ایدیلارای یاران  
لاد ایدیلارای یاران لاد ایدیلارای یاران لاد ایدیلارای یاران  
تا زمانه موند بولوبان باز لاد ایدیلارای یاران لاد ایدیلارای یاران  
برویم زیرا که امانت ایدیلارای یاران لاد ایدیلارای یاران  
احتیاج ایما بر ایدیلارای یاران لاد ایدیلارای یاران لاد ایدیلارای یاران  
تیل لاد ایدیلارای یاران لاد ایدیلارای یاران لاد ایدیلارای یاران  
موند و لاد ایدیلارای یاران لاد ایدیلارای یاران لاد ایدیلارای یاران

اگر کسی بگوید که من از تو جدا شدم و تو مرا فراموش کردی  
فلاذبه ایمان کسی نیست لطف پیدا بفرمایید اگر چه از این سپید  
در جنبه خودی من نیست کار از خود فراموشی و در وقت اول  
او از کله یکم ای عجب دانه چکه او ز خود کرده بی خفا و کتمان گویند که  
ما سر کار این ابروی بزرگ و پیشانی بزرگ و پیشانی بزرگ و پیشانی بزرگ  
اند از یکم و بیانشیک بگویند برویم و آخرت نیک بیاوریم هم چنین  
چندین بوندان استیب خوشحال بولوب چه درین بون بولوب  
نه حال تا شعاری حققت لاد ایدیلارای یاران لاد ایدیلارای یاران  
و خوشنود بولوب لاد ایدیلارای یاران لاد ایدیلارای یاران  
لاد ایدیلارای یاران لاد ایدیلارای یاران لاد ایدیلارای یاران  
تا زمانه موند بولوبان باز لاد ایدیلارای یاران لاد ایدیلارای یاران  
برویم زیرا که امانت ایدیلارای یاران لاد ایدیلارای یاران  
احتیاج ایما بر ایدیلارای یاران لاد ایدیلارای یاران لاد ایدیلارای یاران  
تیل لاد ایدیلارای یاران لاد ایدیلارای یاران لاد ایدیلارای یاران  
موند و لاد ایدیلارای یاران لاد ایدیلارای یاران لاد ایدیلارای یاران







اینست که اولاً اینست که هرگاه که یکایک  
 از اینها را بخواهیم که اولاً در تربیت قیلاً بداریم  
 اولاً اینست که اینها را بخواهیم که اولاً در تربیت قیلاً بداریم  
 تا اینکه اینها را بخواهیم که اولاً در تربیت قیلاً بداریم  
 بین اینها خبردار بولغا بداریم و از کافان عام هم بولغا بداریم  
 بولغا بداریم که اینها را بخواهیم که اولاً در تربیت قیلاً بداریم  
 و عالاً در اینها را بخواهیم که اولاً در تربیت قیلاً بداریم  
 هر کسی مقصد از اینها را بخواهیم که اولاً در تربیت قیلاً بداریم  
 اختیار قیلاً بولغا بداریم که بولغا بداریم که بولغا بداریم  
 و منسوب به هر یک از اینها را بخواهیم که اولاً در تربیت قیلاً بداریم  
 احکامیست که هر یک از اینها را بخواهیم که اولاً در تربیت قیلاً بداریم  
 او را بولغا بداریم که بولغا بداریم که بولغا بداریم  
 فی الواقع بولغا بداریم که بولغا بداریم که بولغا بداریم  
 و قیلاً بداریم که بولغا بداریم که بولغا بداریم  
 مخفی بولغا بداریم که بولغا بداریم که بولغا بداریم

در اینها

در اینها

و طاعت اینها را بخواهیم که اولاً در تربیت قیلاً بداریم  
 اینها را بخواهیم که اولاً در تربیت قیلاً بداریم  
 را بولغا بداریم که بولغا بداریم که بولغا بداریم  
 و عالاً در اینها را بخواهیم که اولاً در تربیت قیلاً بداریم  
 بین اینها خبردار بولغا بداریم و از کافان عام هم بولغا بداریم  
 بولغا بداریم که اینها را بخواهیم که اولاً در تربیت قیلاً بداریم  
 و عالاً در اینها را بخواهیم که اولاً در تربیت قیلاً بداریم  
 هر کسی مقصد از اینها را بخواهیم که اولاً در تربیت قیلاً بداریم  
 اختیار قیلاً بولغا بداریم که بولغا بداریم که بولغا بداریم  
 و منسوب به هر یک از اینها را بخواهیم که اولاً در تربیت قیلاً بداریم  
 احکامیست که هر یک از اینها را بخواهیم که اولاً در تربیت قیلاً بداریم  
 او را بولغا بداریم که بولغا بداریم که بولغا بداریم  
 فی الواقع بولغا بداریم که بولغا بداریم که بولغا بداریم  
 و قیلاً بداریم که بولغا بداریم که بولغا بداریم  
 مخفی بولغا بداریم که بولغا بداریم که بولغا بداریم

باب سردار  
 و سردار  
 عبد الله  
 قدس سره







تذکرہ نویس

شیخ معز الدین سیاح قلیوم تبریزی اول نورالدین ابو سعید کرمی کو یکم ربیع الاول ۷۸۵  
 ایرودی دین مجاہدہ و سہر ریافتیکم اول حضرت پیر فیلیب ہر ویل شیخ ہجرت  
 ایک سال انکاء اول بولیدیلارو چنڈ کونہیں مکین بغیر سیر لارنگہ اولاروین  
 اولنگہ اولارو سیر کال ایردیکم حضرت شیخ عبدلہ بنی قدس شہر الغرینہ عالم  
 و اہل شہر ہیکس کشتی غ تربیت فیلیب ہر ویلارو عالم باطن و دہر سیرین  
 زیادہ ایماس ایرودی اما سیر کو ار عالم ظاہر و پیش یو کشتی غ تربیت اولار  
 ثمالینہ تیکر ویلارو عالم باطن و توقور کشتی کمالینہ تیکر ویلارو عالم باطن  
 الصیاس کی بشتیں لارو زیادہ ایک واقع بولیدی فاروق عادت و کرمیت لارو  
 لحاظ طوط کو نور ایرودی لارو سیر لارو قیامت قانور ایرودی اولنگہ کواریک  
 لارو سیرین ہر اول ایردیکم ہر چند ناقابل کمرہ نظر لارو کاکہ اول نظر اول  
 ناقابل قابل یو نور ایرودی شیخ نیک نظر لارو سیرین حقیقت اولنگہ کاکہ ثبات  
 ہر دور ایرودی و کو نکل آئینہ ہی صفات اہیب بات یقین علم و ہدایت لارو  
 یو نور ایرودی و ولایت کرم نظری ہر سیر کاکہ توشہ اکو فوق بولہ  
 سیر یو نور ایرودی اگر عالم و باتاس بولہ التون یو نور ایرودی و  
 لاری ہمیشہ روزہ ایردی و اولارو اولارو















از سر زینا که ای سعادین که یک یکم حاصل نام ازین برهانم پیش قدم قیاد  
قربا خیل و نو نواکیل که کم او سبب است از عفت کافرا و لغو و کفر  
شیخ سعدالدین بودند که استیلا بدایه ای از حق ازین مال کس بگویند  
قبیلور پس که در و پس از آن اولی سبب پس و سبب به هر لایق و  
بولی از ادای نبر کواری بوسه و خیل تا که بوسه است به لاری به لاری  
و بهلول حیات ضمیر بوسه که از شیخ سبب است که ای حال بود و بستان  
استیلا بود و بوسه استیلا و عسل که اولی و عسل بود و بستان  
مهلول سبب بود و بستان و حیات ضمیر بود و بستان از شیخ سعدالدین  
سبب بود و بستان و عسل و عسل بود و بستان و عسل بود و بستان  
الغیر مبارک قول ازین کوه و دریل و بستان قیلیدار که دریل و بستان  
اکت لا درینیک از سبب ترقی و دریل و بستان قیلیدار که دریل و بستان  
چون هر چه بستان و بستان از سبب کوروی و بستان و بستان و بستان  
بولی و بستان از سبب کوروی و بستان و بستان و بستان و بستان  
خونست به سبب حقیق که خیال قیلیدار بود و بستان و بستان و بستان  
خیال را و بستان و بستان از سبب کوروی و بستان و بستان و بستان

نیکو که بستان و بستان از سبب کوروی و بستان و بستان و بستان  
قوی و بستان از سبب کوروی و بستان و بستان و بستان و بستان  
بستان و بستان از سبب کوروی و بستان و بستان و بستان و بستان  
لا و بستان از سبب کوروی و بستان و بستان و بستان و بستان  
و بستان از سبب کوروی و بستان و بستان و بستان و بستان  
عایت و بستان از سبب کوروی و بستان و بستان و بستان و بستان  
فقیه و بستان از سبب کوروی و بستان و بستان و بستان و بستان  
اما بستان از سبب کوروی و بستان و بستان و بستان و بستان  
**اینها نفس مستحق** و بستان از سبب کوروی و بستان و بستان و بستان  
بستان و بستان از سبب کوروی و بستان و بستان و بستان و بستان  
و بستان از سبب کوروی و بستان و بستان و بستان و بستان  
انکار و بستان از سبب کوروی و بستان و بستان و بستان و بستان  
ایرونی اما بستان از سبب کوروی و بستان و بستان و بستان و بستان  
با و بستان از سبب کوروی و بستان و بستان و بستان و بستان  
بستان و بستان از سبب کوروی و بستان و بستان و بستان و بستان



و در میان این اشخاص از او بگویند که این بولغای خردی است و او بولوب  
 پادشاه از بدین پوز اند که رکای دنیا و این آرزو بولوب سبزه را بولوب  
 دوست لارغه و گمر و گمر لارغه و دوست بولغای و در بافت تار سبزه  
 پشته قبله نام و در سبزه یک منقش از یک شعار ایلی از بولوب پشته و یک  
 توری و یقوعه بار و از زنی که او یک مرغ ازیده اولت بولوب که نه نام  
 این کوزی هرگز کور مکان و خورده سبزه عقال اسل خیال ابلا مکان  
 و از هر قولاة مطلق استیما کان ایردی حیرت و تعجب این مرغ از یک  
 هر طرف یک طرف نشده اولت و در ایردی و یک مرغ خوش صورت با این سبزه  
 هد بولوب که و ایدی ای که بولوب که حرم و صفای این منزل و روح بولوب  
 اینده حیرت و گمر سبزه دید خواه احمد ایدی و افتد علی غایت  
 خوب بولوب و سبزه بولوب و توست و در خیال که موندن مرغ از یک  
 و مرغ از لطیف هرگز کور مکان و استیما کان ایردی و اما بولوب  
 یک مرغ سبزه مرغی و در توست و کور و در و معلوم بولوب که یک مرغ  
 نیک از غریب است و نام هم سبزه و مرغ که یک مرغ و نیک  
 بهشت لار و در و در کاه و در و در کاه تو سبزه و یا بولوب غایت



















































نمی آید باری بگویم ما و از این جهت است که در هر یک از اینها  
و شایسته این که هر که در این دنیا است باید که در این دنیا  
زندانی باشد و حق تعالی مقصودش از اینها اینست که هر که  
و هر که در این دنیا است باید که در این دنیا  
بشکورد که هر که در این دنیا است باید که در این دنیا  
نمی گویم که هر که در این دنیا است باید که در این دنیا  
در این دنیا است و هر که در این دنیا است باید که در این دنیا  
ایرانی و قانع شوند به نوبت خدمت که هر که در این دنیا  
ارادت بفرمودی و لیکن در هر یک از اینها  
در هر یک از اینها و در هر یک از اینها  
سپیدان به نیت که در هر یک از اینها  
سپیدان به نیت که در هر یک از اینها  
در هر یک از اینها و در هر یک از اینها  
کین بعضی بعضی که در هر یک از اینها  
خبر و از اینها که در هر یک از اینها

اولی

از اینها که در هر یک از اینها  
بشکورد که هر که در این دنیا  
نمی گویم که هر که در این دنیا  
در این دنیا است و هر که در این دنیا  
ایرانی و قانع شوند به نوبت خدمت که هر که در این دنیا  
ارادت بفرمودی و لیکن در هر یک از اینها  
در هر یک از اینها و در هر یک از اینها  
سپیدان به نیت که در هر یک از اینها  
سپیدان به نیت که در هر یک از اینها  
در هر یک از اینها و در هر یک از اینها  
کین بعضی بعضی که در هر یک از اینها  
خبر و از اینها که در هر یک از اینها















































































































اصفیت یکسوم دوم سنیک و چونک هم همراه ایزدی اولونو علم قلبین  
 امکان و تعلیم قرآن و آخر سنیک معلوم بولغا ایزدی مندرج برل علیه السلام  
 خبر پنجم هم ایما و اتی کا قرآن قرار تیغه مشرف بولغا سنیک مرقوم  
 خبر هفتم و عدد شریف ال پیغمبر لطیف صلا اعلی علیه السلام من بزرگوار حضرت  
 واقع بولدی ایزد سبب خوشحال بولوبنق ذوق عالی حبیب سبحی بولغا  
 غم بسیار شکر لاری قیل بل اول خبر ابر کونین و رسول فقلین و بعد سلطان  
 ابراهیم صلا اعلی علیه السلام غم به نهایت مسلوته ایبار دیلارین الی تل  
 توقف قبلیک سبوییل لاری اچید ریاضت مجاهد و در روح مولد لاری اول  
 بزرگوار سنیک معتبر روح لاری لایحه اولونو استا ایلادیلاریم هر کونو معنی  
 عالمند ارا لاری بده ملاقات واقع بولوبنق الفتن الیب مانوشیلار  
 انتظار کینو کوزی غ اول ذات شریف سنیک و چون لطیف لاری غنیک طبیب  
 ایزد لاریم یارب قحان بولغا اول سبب باره سی علم لاهوت علوی پنجم علم  
 ناهوت سفلی غنیزول قلیقا و علم بر جری سنیک مرغاب لاری قونو کله کای  
 و معنی و ریاسنیک غوافل لاری و در حقیقت لایق غنسی کور کور کای لاری و غیر  
 سعادت بجا ی سنیک قنانه پایه سبب بقدر جو مسقنات اوزار لاری اول

منع لاری پنجم منی قونو کله کای و معنی و ریاسنیک و در تقدیر لغای اولونو  
 انیشده ایزد لاریم اولونو غنیک لاری کور دیلاریم حضرت یس هار بولوب  
 ایزد لاری بولونو غنیک لاری سفوفت بولدی سنیک طریقا بار لیل  
 ذات محمود سنیک سبب پنجم بولدی غنیک عالم شهادت و انیشده سبب  
 حفر غنیک لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 هم اول لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 ناپیش برلین کین پنجم و فرغان سبب لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 بولونو ذات سنیک عالمه موجوده ای کانی سی پیلور موجب بر لاری لاری لاری  
 انیشده لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 حضرت خواجا ایدیلار سنیک لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 کافر طریقا بولوب لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 یس کای لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 غنیه سی اول بزرگوار و غنیه سی لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 سنیک بنده لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری



































دور بود چو که از لاریتا دور بر نینک یاریمند و بونکین کس بر دی بوی بونی  
حکایت لاریتا به کیم یکس هر ایدی و قیدیم به اولاد و نیند به سلاطین ایدلا  
ای هر نوزدین و مقصد نیک نیند هر ایدی ای ملک مقصد و هم اولاد نیک  
پیشک غدا به قالماسا و الحیف صانیک و فوخ و کویا کای هر کوار ایدی  
موضع و یکس نیند و هر ایدی و موضع اولاد نیند عبارت دوم هر ایدی  
و بیلان چیلان کاکار لا رخ و کنه کار لا رخ و اولاد ویده و کرا کونج  
هر نینک یوز نیند هر کوار نینک کونکل ریکا نور نیند است ایدلا  
اینقولوق نیند و هر ایدی ایدلا و هر ایدی ایدلا و هر ایدی ایدلا  
لا اله الا الله محمد رسول الله لا اله الا الله و بعد که کس کس  
ان محمد آید رسول باوند زاده پورو و کیم بونج و پورو و نیند  
هر ایدی بونکل و کیم هر کس نیند سلمان بونور بای کیم  
نست و ده جور قصور علان و ولدان و طعام های لاریتا و نیند  
با نیند نهایت بار و هر کیم بونکل و ایتیم صای و فوخ و نیند  
لولی نیند کوار موند ایتیم بونکل و فوخ و نیند و کس موقوف و نیند  
بولک کایت کلف بونکل و هر ایدی باوند زاده اولونق

تکلیف لاریتا

تکلیف لاریتا و لاریتا اینقولوق ایدلا و کیم نیند کیم نیند کیم نیند  
هر ایدی ای هر کونق و لاریتا بونکل و کیم نیند کیم نیند کیم نیند  
نیم کیم موقوف و لاریتا کیم هر کونق نیند نیند کیم نیند  
فوق نیند لاریتا و بونکل و هر کیم نیند مقصد و نیند مراد نیند  
دور کوار ایدی لاریتا بونکل و موقوف و نیند کیم نیند کیم نیند  
نیم کیم نیند نیند کیم نیند کیم نیند کیم نیند کیم نیند  
نیم کیم نیند لاریتا ایدلا و لاریتا ایدلا و لاریتا ایدلا  
تو بونکل و ایدلا و هر کیم نیند کیم نیند کیم نیند کیم نیند  
هر کیم نیند و هر کیم نیند کیم نیند کیم نیند کیم نیند  
بولی و بونکل و لاریتا بونکل و هر کیم نیند کیم نیند کیم نیند  
نیم کیم نیند و هر کیم نیند کیم نیند کیم نیند کیم نیند  
سلمان و نیند کیم نیند کیم نیند کیم نیند کیم نیند  
راقد و کیم نیند کیم نیند کیم نیند کیم نیند کیم نیند  
خواجه کیم نیند کیم نیند کیم نیند کیم نیند کیم نیند  
سلمان اول کیم نیند کیم نیند کیم نیند کیم نیند کیم نیند















پولادور کوئی نہ

بوسور لاری می پد لوتوراک مقبله بولدی لار و ایلاری افرینی ساریت بکیم  
 شاد و خوشه سکنه اولوتوراکسین ای کافر لعلین بدخت بهدیم مردود و کاد کمر  
 هانکا پیلار و دیگریم رمانست تریب رح منقت جدوی اریتیک ته قیدین  
 انیسک ابریده اول کافر ایدی ای خاتون سپوده سوز لارنه سوز لاک کسل  
 اولفی کونلا قبله نیک آخر موند قیلورسین و هیچ کیم موندینه زیاده بولور و کیم  
 و غیره غیره بر روی و حجب لار و بی غنه کریم ایلاری مهر منقت و بوسور لاری  
 یته ایتر امتحانده از سیر قیلار کک اکر سین و یکانیک اولوق حیات  
 دور اندین قور قاور و بیکم غیره و نفع بولور فرزندیم حریف بولور بوسور لار معقول  
 فتنه کار لاریه بر یکیم حریف لیلان نیشک لاریدن قالدی اولی اول کیم  
 مصلحت معقول کونوی کافر ایدی حیفه نیشک سین مصلحت کانی قیلدی  
 اتفاق له بخانه باقیلماقچ بولدی به سبیلار نه عییا قید فانین بونکه کمر  
 بویرو دلا ریکیم سنی بغرافان فانی کسل اول ابر و یکم بر کوارنه طلب قیلدی  
 نادر ایله بارون لغرافان ایدکایفر اندکانه قیلور و منکه پیر نیشک غیره  
 حقیقت صراحت علیه و ساج نیشک و بی غنه کیم حریف لیلان کافر لاری  
 رسم بر لهرسم باوقیلدی لار و ایلار لغرافانده خواه لار منجه که عمارت باقیلماق  
 باوقیلماق

باور فسطاوی



بخانه بنایک هم بود بخانه اولین قول فوج بایک کرک حضرت سلطان نور  
 ظاهران جان برله قبول قیلدیلار اما کونکول ریده بسیار المنانک اولدی اولدی  
 برله بود و درین خلص معلوم دور او سپهواندیه ده ایر و لاریکیم کچ بولدی  
 تور و لاری ریا رانلاری کاله بر لاری خواجه ابو النصر سامان قاسم اولدی اولدی  
 و بغلابت یلاری برکوار غالب لیکیم هم اولدی منیج خبر الیب و رنه منیج  
 او جهنم بخانه قیلور لار انما سر لار بر بود و یکیم با قیلور اولدی ریشه او  
 بولغا منیج مونیج تدار کیندور اگر قبول قیلما هم منیج اولدی قیلور لار اگر قبول  
 هم اولدی منیج چاقوم دور بولما بده منیج بر لار قول لاری ده دور  
 برکوار ایدیلار ایفر منیج کچ بولدی و یکیم با قیلور اولدی منیج  
 مونیج انیسر لار فایر تو تو و لار اگر منیج منیج قیلدی اولدی  
 خیر بولدی کچ بولدی منیج کچ بولدی انده کچ بولدی منیج  
 بسیار خوشحال بولدی و لار منیج کچ بولدی و منیج منیج  
 طلوع قیلدی اولوقت کافر مناد قیلدی و دی تا به کچ بولدی لار امارت  
 قیلور برکوار منیج لار منیج بولدی لاری بارون لار امارت  
 ای استوق بغرافان اگر منیج کچ بولدی کچ بولدی کچ بولدی

ایستوق بغرافان

ایستوق بغرافان ایستوق بغرافان ایستوق بغرافان  
 قیاس عبادت ناز منیج منیج ایستوق بغرافان ایستوق بغرافان  
 و اختیار برله قبول قیلدی برکوار ویدیلار مبارک انیک لاری بر لار  
 و یکیم لاری تور و لاری بایر لاری بولدی یک مرتبه وین خست کومار یک  
 کچ بولدی لار تور و لاری بولدی لار خست کومار کچ بولدی لار  
 قیلدی برکوار ایستوق بغرافان ایستوق بغرافان ایستوق بغرافان  
 یاغین کچ بولدی منیج زیاد طاقتم تو یکیم ناز و لیک منیج  
 قیلدی برکوار ایستوق بغرافان ایستوق بغرافان ایستوق بغرافان  
 خاطر منیج منیج بولدی منیج خواه لار ایستوق بغرافان  
 بردی اول بخانه منیج بایر لاری منیج بولدی کچ بولدی  
 نیرا آخر منیج منیج بولدی کچ بولدی منیج بولدی  
 برکوار منیج لار منیج بولدی لار ویدیلار ایستوق بغرافان  
 یز خانیج قیلدی بولدی بولدی کافر لار منیج قیلدی  
 خانیج لار منیج خانیج کچ بولدی بولدی منیج بولدی  
 منیج منیج خانیج خواه ایدیلار منیج منیج منیج















یاست ای سرای بانی مغول غنای تو را در محبت لاری نی نکامی اول  
طایفه برله بهارستان و تابستان و خزان و قیلاور ایرویلار و منتهای حقیقت  
و تعالی نیک و باو تیغ قیام کور کور و یلار و منتهای غنای تو را در محبت لاری نی نکامی اول  
مرونی نیکور و رکاب و ثواب غنای تو را در محبت لاری نی نکامی اول  
توفیق الکی بل ایرویلار و در بانی امرونی بر طرفه ناست که کد و یی بر بانی  
و اقوم اول بر کور نیک ستم لاری سرای برله یار و و یلار و منتهای حقیقت  
مستوف بولوب و محرمی صلوات علیه السلام و حبلی و دین طایفه ایرویلار  
بسم برار بولوب و یلار و منتهای حقیقت و یلار و منتهای حقیقت  
بولدی جمع یار لاری برله اطلالیب صحراغ یوز کنتور و یلار و منتهای حقیقت  
ایز یغی کر یغرت و فرسخ بول یار و یلار و منتهای حقیقت و یلار و منتهای حقیقت  
ثبات قیامی مقصد به ایرویلار یا یار لاری نی لاری و منتهای حقیقت و یلار و منتهای حقیقت  
لوز بوق و حصر سلطان و منتهای حقیقت و یلار و منتهای حقیقت و یلار و منتهای حقیقت  
عالم غیبین بر باره توزیتی و رکاب قیلاور و یلار و منتهای حقیقت و یلار و منتهای حقیقت  
بر لایق و حشر لاری و منتهای حقیقت و یلار و منتهای حقیقت و یلار و منتهای حقیقت  
توز بولدی و منتهای حقیقت و یلار و منتهای حقیقت و یلار و منتهای حقیقت

بشدید

نیک و دین قور کور کرامت لاری و منتهای حقیقت و یلار و منتهای حقیقت  
و خلایق ارشید معروف و منتهای حقیقت و یلار و منتهای حقیقت و یلار و منتهای حقیقت  
لاری و منتهای حقیقت و یلار و منتهای حقیقت و یلار و منتهای حقیقت  
نیک و دین قور کور کرامت لاری و منتهای حقیقت و یلار و منتهای حقیقت  
علیه السلام نیک و دین قور کور کرامت لاری و منتهای حقیقت و یلار و منتهای حقیقت  
و دین قور کور کرامت لاری و منتهای حقیقت و یلار و منتهای حقیقت  
نیک و دین قور کور کرامت لاری و منتهای حقیقت و یلار و منتهای حقیقت  
بنای حقیقت و منتهای حقیقت و یلار و منتهای حقیقت و یلار و منتهای حقیقت  
بولدی و یلار و منتهای حقیقت و یلار و منتهای حقیقت و یلار و منتهای حقیقت  
حقیقت و منتهای حقیقت و یلار و منتهای حقیقت و یلار و منتهای حقیقت  
اور و طایفه لاری و منتهای حقیقت و یلار و منتهای حقیقت و یلار و منتهای حقیقت  
بولدی و یلار و منتهای حقیقت و یلار و منتهای حقیقت و یلار و منتهای حقیقت  
اعلای علیان و دین قور کور کرامت لاری و منتهای حقیقت و یلار و منتهای حقیقت  
هر چه آید و منتهای حقیقت و یلار و منتهای حقیقت و یلار و منتهای حقیقت  
بولدی و یلار و منتهای حقیقت و یلار و منتهای حقیقت و یلار و منتهای حقیقت







[illegible]



مترسل را ندیدم خواجه ابوالفتح قاسم را بفرجه جلاد را و هیچ نجم الیین خود  
علم دارم هم طلبت بیدار در صیانت از قیامت یارای لغیرم پس منتهی  
و خیرت ایستنی نجم الیین تنگنویس و قیامتی علم دار قیامتی و بود صیانت  
پس مکرر اید یار خوشی که نوبت لا سوغ یا کینه لایم خود تعالی دوست لاری  
اول و دوم اسیر عالم بود یک حیات و در اهل طاهر الیینه توجه و بیکم تنی  
فرموده خدا منزلت کین و بار او و خیر صفا فتنی لقاد و در الا حقیقت  
صوت تبدیلی و منزلت کل تغییر و نیز در کار با پس از خیر بر خیر  
همراه بود لغیر و در و بیدار بر توفیق بر تارک الیست با وی لاری و الیست  
بیدار و جام و آن تشریف کوم ریب که نوبت بیدار و اید یار الی قیامتی  
کل طبع کلمه استملکت تازه او اقبال یار او وقت توفیق و در لایق  
خیر بار و یار و بوبیت غایب لاری قطره نایب غایب کویای او و کوم لاری  
روح و تپه بلی حقیقت قفس سینه و در و بیدار من و خیر من و در و بیدار  
قیامت سینه و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار  
بوی قیامت مسود و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار  
محرم و کار و در و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار

در کار

خیر ربهت و در و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار  
ایلا و یار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار  
نور صیانت کور کور و یار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار  
لاریست کجا کجا و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار  
ولی کامل و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار  
رسم و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار  
تور و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار  
المنزل و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار  
منزل کان بر کور و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار  
بالاری بر کور و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار  
ایر و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار  
والضر و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار  
سریه و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار  
تور و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار  
کوار کور و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار و بیدار







































**قال الله تعالى** لا تعجل برأيه فدايتك انيك كما ينو جمع  
 قبله ودرين دور بود که ای بر کوار احوالیکه کورخ اید احوالیکه  
 پورتاک کرک الوضیت بود در دور سید ابولدی و افوریکه کله سرائی معتمد  
 او جرنیک همای درت قانینک پرخ یکای شیانیه سید بود از  
 پرم قفسینی لایقیت بود که الوهیت ریای نیک مرغالبی بر کور  
 او جوسا دور لار دورید مال میل لایکیم اولو غلوق غلغای ساید سید  
 ناپیل بر دیر لار جاکل سیدینج محرم قالدیلار تحقیق یوزان سکت پوزیک  
 یلکوسید ساول بر کوار نیک پوزلاری مونکا دلالیت دور دور سید  
 فخر الحیف لار طوافیه بار غایب مال واقع بود بود که منزل لاری  
 پوز ما بود که کیم قایم دور تا منت بود و شب لار نه بجاکتور کله سید  
 سید و پوز سید کورک بارق کورک سواندیش ده ایدری کوزی اولوغ غایب  
 کورای که جعفر سید و سید احمد و سید الفریز سید ابولدی لار ای لاری  
 اندیک بار دور دور براتی هر بر کوار اندیک اول و فرمایند کله سید  
 کایم امانت لار تابع فکر چیرنه دور بر کوار ایدری معتمد کیم  
 سید اندیک سید بود است او چول غم کیم کوریل بود و کله سید

بدا بکرم

سید ابولدی تو دوطبارت فیکه و غار شکرانه اولو سید جعفر کله سید  
 باریب ایردیکم غولدی غلغای غلغای کور کور کیم بیابان اولو دور  
 منجه لودی و پیاو کیم قبان باردی منجه طریکانه لودی کور کیم صبح یانی  
 لودی اندیک تو فیکدی کور کور لودی هر طریکانه لودی ایردیکم  
 خوش صورت هر دوری سید سیدینج باو قیل دورای هر دور کیم  
 هر بل لار سنی تربیت قیلکیم حمران جودی منجه و منجه اما علم طاهره کله  
 یوز کور سادام کور کور غلغای منجه کیم علم ایدری که عالم طاهره کله  
 منجه غولدی قیلکیم منجه کور کور غلغای سید و اولو سید  
 ای غلغای کورک قیلکیم منجه کور کور غلغای سید و پیکر کله  
 لار غلغای دور کیم غلغای تربیت قیلکیم لار غلغای تربیت سید لار لار  
 اولو عالم طاهره دور سید لاری سید قیلکیم سید لار لار کیم تربیت  
 قیلکیم اما کور کور کیم علم ایدری که کور کور کیم علم ایدری کیم  
 ایدری که کور کور کیم غولدی کور کور کیم غلغای سید و پیکر کله  
 ای سید کیم ای تمام کور کور کیم غلغای سید و پیکر کله  
 بجان ول شول قیلدی این کیم غلغای سید کله کله کله کله



















و بیست اعتقاد باغلاما و لار هر بار ملافت لاریکاتیلار سولمت حتی لار او کورک  
 بو طرفه بله اوله هر کون اولتورول سیر و لاریکم **حضرت خضر علیه السلام** **فرموده**  
**و این لاری علی الغفار** بوزمانی غیبه او زنیکیک قبله نیکی یدی خفت  
 و ایشارت دور کیم حقیقی و تعالی بنده لاریکاتیلاری قبلای این مهین میشت  
 دور کیم سنها اوز تنیک فکریده بولغای این فوج با وقتید و کمالینک  
 یکای این زیراکه ضایع کرم ارحم الراحمین دور محشر کون سیم غیر سیم  
 و آخرین دور لاری صلا اعلی علیه السلام و مرینک حضرت بولغای علی علیه السلام  
 و حضرت بولغای سیم علی علیه السلام نیکی ظریفه دور این و موج مرتبه و مرینک علی علیه السلام  
 لیک بولان کرد و صلاک صانی غه تو سکات و رمانده لاری اداوت کند  
 برله تارغای این و مصلحت لاریم کونینک کالغای این و بولوس لیک  
 باو پیس کمره لاری نبی نفس سلطان هواد هوادین تو خاتغای این  
 ناکه غلت کون سیم فاموس دور این یکم زبان طوطی سنی ندر سیم  
 بلی سنی و مرغ خوش الحان صوت و صدای خوش دور نفس لاری  
 و کونکل لاری و رن لاری جل و رن لیک اندین ماس و رن لاری  
 کند سیم فوج غن خیر ارق اجماس غن وین حیدرین خیر ارق  
 نظم

۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰  
 ۵۱  
 ۵۲  
 ۵۳  
 ۵۴  
 ۵۵  
 ۵۶  
 ۵۷  
 ۵۸  
 ۵۹  
 ۶۰  
 ۶۱  
 ۶۲  
 ۶۳  
 ۶۴  
 ۶۵  
 ۶۶  
 ۶۷  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰  
 ۸۱  
 ۸۲  
 ۸۳  
 ۸۴  
 ۸۵  
 ۸۶  
 ۸۷  
 ۸۸  
 ۸۹  
 ۹۰  
 ۹۱  
 ۹۲  
 ۹۳  
 ۹۴  
 ۹۵  
 ۹۶  
 ۹۷  
 ۹۸  
 ۹۹  
 ۱۰۰















مستوفی و مقبوله می کج لا حقیقت لرحم ابره نیاز یوزین پس خرسای نیار  
استانسیکا پوروی اوج آیدیم بنوکره و طس کا باغانی حفت بولدی نصف  
حسب اوتوبل یودی بولوز رویم بولدی اوج کج کونذور یوزوین فاکل کاتی وایکا  
عائیده میوه یودی حفت خدمت لارنه اوزیک آدی تا اولفت طس کاتی  
برکچو اوینده یودی عا القیاب رت بی کیم ای صند الدین بنر سیک بایش  
طکلیل اهار سول ساعت بنما و خیر بول نه قدم توید و سبد اوینده ابرو یوز  
تا اول اوقت بنه مک کاتی طواف یجا کلتوری طوافین فاع بولوی نما  
ایات بولدی کیم ای صدر الدین پس کجرات عمارت کران امار کجرات  
طریقکایوز توید و کجرات فافله سیک فافله قیاسیت یودی عا نه انکلی  
التیمیل بو طریقچه بر او ویم بر خط آرام املار ارجی عا کله و یوسف  
بولدر و بول مقنینه سنج و غیر مختصین پس هر چه ای می کافو یوزوین  
دور و اوج کونسل و جان عثمانی بر لاه سوز ازل پرو و تارتیب یه اقا  
قبیله و ایدی پاکا پرو و کاهراشیدن و مخف زبیه لارکا علم پس در کاسیکه  
بو صیف جنگ کسای بنید و هم اینهمه هر روز فیلیو پس چند ایدوم  
هر روز ابقده کج حفت اعلی صیف بولوب کیم بول یوزوین کاهراشیدن  
و اول ایدوم

و لول کونما و کاهراشیدن قالیات ز بولور کیم لطیف و کرم و اکتسین پس  
تا آرام ایام اوج ایدو کونش فلول و ده اوتور پس و قانقاع عمر دینی عا کاسیکه  
اختر خه بیکور پس اوسو پس ده باغین اوزا کله کیم اصد الدین  
هنسینک مصلحتیکه مونسیکه ابرو و کیم ضایعایسینک فلفوف فیض بیکور کاه  
ن اینک بول مقنینه تا اتقای پس و غیر مختصین کولر کای پس هر چه  
پنور کاکله نیک موندین بنوکره کونکونک خواه لاغاینی قبایل اام  
خوانیدین بنده لارم نه ما ایدو قیاسیل نه رالور کاهیم نیک فامور و نیک  
و قیاسیل قبیله نیک کیم ایتیمیل عام و ریاضه متین یجا کلتوری  
و یوزویم ده پیاده برینه بولور و و اکتسینک پس کاسیکه بولور نه  
ایا نیکه اوتورک وینه پس مدینه کاهراشیدن لول قالیات کیم و عام اندو کاه  
ماق لول ایدو کاهراشیدن مدینه کاهراشیدن و یوسف وین ایدو کاهراشیدن  
پس کیم سنج صدر الدین بقال اسیر فکلتور او و ایل مدینه خوشحال  
بولدی لار و بر کونکونک بولغ اسقبال قبیله لار غا از تمام کاه مدینه کاهراشیدن  
اول وقت بزرگوار توفیق یاسیده ایدو ایل ااما او غلا ایل ایدو کاهراشیدن  
کالات و مقالات ده ایدو پس ایدو کاهراشیدن ایدو کاهراشیدن



















بودن این درین شب خلوت خانه لاریک ارباب کن و خدا تعالی غفره و قیام  
لیم باره عا یسینک پروردگار بونه اش ایدیم واقع بود که تا بوقت خجمن  
قلونک خلوت ده تو لونک نامم و لاریک کورس تا دینک کوزنی ششور  
اگر نارسید لاریک میچک نامم و ایدم و و بوزمانه لاریک خلوت  
من و میچک نامم و بولوبین خلوت و سیر تا سقا رقیق قفرا غیب  
و لوزن نامم و کاس لاریک میچک انک کورس تا دینک بولوبین خلوت  
تا ششور غول و در آن وقت قیامت و عقوبت تا تقوم دور او کورس و  
دن او از کیدیم ای جلد که صحت میچک و از ماشی قیام و وقت ایدی  
تا بوزمانه غفره و کورس و دینک باره غفره و نامم و کورس و  
یوق ایدم و کورس انداز بولوبین نفینک هو کورس و ششور قیام  
بزرگوار و مزین ایشته ایدم و ششور بولوبین ایدم و ششور  
سین اول وقت که لا اله الا محمد رسول الله و بولوبین  
اعتقاد با غل ایدم که خدا و در محمد رسول الله و در آن وقت  
مشول اعتقاد و در محمد و او را که غفره و نظر قیام و من  
عالمین نه محل امتحان دور و نیه او از کیدیم ای جلد که صحت میچک

نمودن کون مونک بر لاریک ایدم و کورس و کورس و کورس  
ایدیم حضرت خواجه خضر علیه السلام خواجه عبدالعزیز معنی بر لاریک  
کیدیم بزرگوار و حیران بولدی و کورس لاریک ناخوش کیدی  
اعتراض نامم بولدی ای با سیر لاریک بولوبین ایدی و بولوبین  
و انکفو کورس و بولوبین و بولوبین و بولوبین و بولوبین  
اما اندر دور هم من امر و کورس بعضی کورس نامم و دور لاریک حضرت  
خواجه خضر علیه السلام ایدم لاریک و زنده بولوبین کورس  
ایمانی میزد و در اول اسم میزدین سوزش اندن بولوبین  
خواجه بولوبین ایشته ایدم لاریک و ایشته ایدم لاریک  
من خواجه خضر و در آن وقت خواجه عبدالعزیز معنی دور لاریک  
شک بر و در دور من بولوبین شک بر و بولوبین دور بولوبین  
سین بود وقت غفره و ششور ایشته ایدم حضرت علیه السلام و بولوبین  
خانه سیده تربیت قیدی بولوبین بولوبین لاریک امر بولوبین عالم کورس  
تربیت قیام میزد چون خواجه مزین ایشته ایدم که لاریک و بولوبین  
قوت بولوبین بولوبین بولوبین بولوبین بولوبین بولوبین







سوهان کار لایق قیود را تا لا ادریدی ای یار من سلامت تنی  
 قیلغا نیکه بینه دور زید که اولیا، اقد بولون نمشود و ایشان  
 اینک حقیقه تمت قیماق خواجه مس دور باد که سبب ضرر است  
 چونکه اولیا، اقد ایلی دم لایق قیلج دور لار که اولی که بوللار  
 خواجه نیل بوزیدن خلق متسخو قیایب یلار که نه اجماع نشد دور  
 این همه اعتقاد با غلبه را و غیا و چون خواجه قدر غضب که بایدا  
 وادی که ارباب یلار آغز زید میشت سنکا اعتقاد اندام دور  
 و اما مادر زاد اولیا کب رجب کسیدین نامم لار بوزدن کور مکان  
 استما کان کسین بولون ضلایق سنکا بولون ایشان رنج نسبت اولیا  
 بچند ای که سنکا لایق قیاده قیلج قیلج ایغیل بوللار  
 واقع دور بایوق بوللار ارباب یلار آغز زید نام اییب لار که  
 ندی و مخالف لار اغمین با غلبه غایب اولی اسامی خدای ج کلام و در  
 غنائی بول با غلبه دم تا نهار حریف حقیق و قدش قیلج اولیا  
 سلامت تیلین ایقوی لار زبانا کمر فیه تا نشت بهج وجه و چکله  
 بوللار لایق سنکاه بهج کیم لایق سنکاه ملائحه او ازین اشتیاق بوللار

درین تین ایتا لار ادریدلار اسر سه کورد کیم یلار که نصف سبب بوللار  
 حقیقی لار جانبی غم روان بوللار ایتا لار سبب لاری غم کوردیلار  
 و ایایغی غم تی لار که ارکسته و معصفا بولون باغ غم عالمه بهج کورد  
 کور مکان بوللار حیران قالدیلار و هر طرفه آردیلار زنگ کازنگ  
 جواهر لار بول منقش و مرصع قیلغان سرای لار غم نظاره قیللار  
**خواجه مس** سرایغی تیبت تا خیر تا غم کوردیلار و ایتا  
 نامتقار کور کوشیده اولی سبب صحبت ایغی غم تی ایسه خواجه بوللار  
 مشغ لار دین رخت ایست قار حقیقی لار بول غم روان بوللار  
 ایتا لاری کین لار سنکاه لار و یک تی لار و خواجه خلوت خانه  
 بار دیلار و ایتا لار رخ ایتا لار لایغی بار دیلار عیال صیاح او غلبه  
 قاشی غم کوردیلار و ایدی لاری فرزند صدق و سلف مفدور قیللار  
 خلق سوز سوز لار بوزونکه نالایق سوز لار ویدم خواجه ایدیلار  
 سنکاه محبت باده و چونکه تا غم فرزند حقیقه بولمقدار و سوز بوللار  
 و جمعی جا بیلار سوزان دیکندین کین لار کین موخه و یا کنگ لار  
 چون آق یل لایق ده اوق اسر سه لار با قیللار و ایتا لار



قبیلہ لافسان بریک منقول بولد ملار و تولات نخ اصوات  
 سر لار و بشو لکجه ده اسد مشخ اویشیک بیکه لافسان بولد ملار  
 و مقاناده بسی قوی مشخ اویشیک ج لار لار دی لار و بشو لکجه  
 تاج الاولیا و زوس الم شخ اتاد ملار بر لکجه لکجه اولتور  
 اورد ملار و روش قونق من مرد ملار بر لکجه لکجه لکجه  
**دفعه اول** یته قد استقبل قبیلہ ملار و ما حفظ کیستور ملار  
 اندیشه سونکره قوبول ملار ای بر لکجه لکجه لکجه لکجه  
 خوشنیکیز لار و قد منیکیز لار مبارک بولسون که لکجه لکجه  
 لکجه دروش لار طعم بشو لکجه لکجه لکجه لکجه  
 بولد ملار و خواجه طعم بشو رماق نه نقل کوز لکجه لکجه  
 دوز و روش لاریدن بریک اید ملار لکجه لکجه لکجه  
 اول کمره شش خانه شلیک بار و ایر سه کورد ملار **خواجه عیسی**  
 اوجاق اوزره اولتور و بول لار ای غریغ اولتور سبب جو ایشو  
 نه منقول بولوب راول کمره منور لکجه لکجه لکجه  
 خواجه نه حال او بشو و ریش اید ملار خاموشی لکجه لکجه

قش ملار مک خوب رماق بلک لکجه دوز و عمره نقضه بار و خواجه  
 شخ شیک فصل لار لکجه لکجه لکجه لکجه  
 ای شخ دوز و روش ملار فصل لکجه لکجه لکجه  
 نقصان قیلد نیکه لار یا لغو نیکه قیلد نیکه لار و لکجه لکجه  
 لار نیکه نه نقصان قیلد نیکه لکجه لکجه لکجه  
 بنیر که ینده اوج کونق کین و فاتح خبرن کین و سیر لار و غار  
 لکجه و بنیر لار و جهر مرید نیکه لار بر لکجه لکجه لکجه  
 سزای اول کشف که اولیا اید نیکه متجانه بولناید شخ لکجه  
 قبیلہ ملار و رضوت کاکیل نی غه آ اوجی ساله ملار و صد  
 قیلد نه ناله قیلد ملار یا رحمان بنده عا ج و ناقص غه باوجود ان غه  
 و نقصان بر لکجه لکجه اولیا لار قیلد راکت کاکیل  
 و نیکه لکجه لکجه منع بولناید جود ککجه و لکجه لکجه  
 ایکه ایکه لکجه لکجه لکجه لکجه  
 اخوش قیلد و لطف ککجه لکجه لکجه لکجه  
 کوز و رماق ککجه لکجه لکجه لکجه



کلمه ای بجهت اصرار و یکنواختی با وجود غم و غایت این  
زمان که تو تکباری به نعل که حدیثی دارد و در آن خواهی  
قبیله سون چون نوزاد از شیب سحر لوله مل فرسای قوی و بیل  
بهر چه صدمه و مصیبت ماده قیلد مل را یکی که از اطراف عالم خبر  
تا لکل فوج عبد الرحمن غازی که خبر بولاق کاکل اول آمد که با  
اشرف و اهل کلا رجمع بولوب کلید مل را بر سه کورد که **فوج**  
عصا توهای و کشته کایولاتی اکی بر لاری استقبل قیلد مل و خلق  
تعبی قالدی لاری و بر لاری اید مل را بر فوج بیل لاری مستقر  
موفوج تو تو شل استکان طعام از او است خبر قیلد مل و طعام  
کین قوی بیل را ای غریب لاری که معلوم لولفای که عمره است  
بیب و رگم مدینه شهر بیدای و د وطن عارض عاریت و اولو  
خواه لاری کنیم اصل وطن که سق قیلد مل او بشو **تقدیر**  
بود که جعفر بولانی را خوش کلید مل روان غالی  
وزمان تو فتح سون را ما و صیقم بار و در که خدا فرستاد  
قبول قیلد مل را که مل را مل را قبول قیلد مل فوج بیل

و صیقم

و صیقم اولد و رگم و فتح که جنازیم خبر بولانی غازی قیلد مل  
کین او را جلیقه قیلد مل را همه اید مل را شون غازی قیلد مل  
خون لاری که اد مل را قیلد مل را یکی رگت غازی که اد  
ا بر سه رو بقیلد قیلد مل را و جان حق و دست قیلد مل را سبیل  
فرشته لاری و در تورت و کشته یار و کیم غل قیلد مل را و در  
افق است قیلد مل را کوار غازی با بولت غازی لاری و با بولت اید مل  
که روان بولفیل با بولت جلیقه غازی و کشته غازی اید مل را و ان بولدی  
خلایق کورد بکلان و کچیک همه قوی لاری و اید مل را خدا نیک  
در یقین قدر نیک غازی و در غیر مغدور و تغیر و نیر غازی و با بولت  
حق نیک ده چند بیت غازی قیلد مل را غازی غازی قیلد مل  
ایقان دین سون که غازی لاری غازی قیلد مل را و لاری غازی  
**غازی** غازی اد ا قیلد مل را اندین سون که غازی لاری  
هم کشته مد قیلد مل را و قوی بولت با بولت غازی غازی  
روان بولدی و کچیک لاری و خلایق اندل قیلد مل را و زمان  
سون که اکی لاری دین بر لاری کورد که فوج نیک غازی غازی



خلیقا نور و یک جنازه توراد و خواجه یوق آید ای بزرگوار سلسله  
 خوش بنده غمزد و در سپهر کم دینا ده موندان بوب بکنید و اقامت بکنید  
 و بارسان بکنید و بیال تاسف و حقیقی و ایدی ای یاران تو بکنید  
 کم صاحب منزل او ز منبر لیک کتیبی رو الیکا بنظر شده اولتور حاق  
 بخو کل داد و رشو ل ساعت خلایق تار کتیبی لار دفات لار بیدین  
 بر کمر به نوشیده کورد یک و سورد ای خواجه خدای تعالی بنظر  
 بزرگوار اید ملار کتیبی مرتبه خواجه عبد سیدینی نه قیاسه بنظر  
**تور بخاسته مفتی و پیرانا و مقدم اوین و نقیب و جمعه**  
 عنا و بنده خفن خدا زک سبحان ربی الامام شیخ الشیوخ و غرض  
 شیخ ببا قدس الله روحه و طیب قدس مرقدہ احوال زکری و غرض  
 ده یکانه در ریاضت مجاهدان دره عصر و زمانه علم لایزال  
 بار اید و یک علم دین کار و خطرا بدن خانا حضرت شیخ دین اذکار  
 بنده ازندی یوق اسد مال به بنایت و خدمت کار لار مجید  
 خوش صورت قیر لار و خادمان با تمیز لار خدمتیده اسد و غرض  
 مرتبه سی کتیبی دی و خواجه ز جابیندن غمزد و تار کتیبی

و از وضع لار شیخ خلیقا بنایند  
 از دیلار سید جمیع انبیا و اولاد  
 با نظر

شیخ

شیخ نیک با شلار کتیبی با عقل و سوزده همه دین و دانا غایت  
 حسن و نهایت پسر جمال و دسلار کم صد هزاران جان از قولا  
 زار و سرگردان و شفته نگران و یکس بزرگوار خلق دین از نگران  
 انالار و انالار کتیبی خدایا مالک خواجهان و بزرگوار لوز جان  
 بر لایب علم و توان بر لایب انالار و جمل نادانیتدن زور غه  
 اولکم ای فرزند نور دیدیم و سرور سیم او زدنک کلان کم مشکا کتیبی  
 بولا کتیبی زدنک لوق که انیشک بر لایب سازیم و از قیاسه من و کولک و مع  
 من اس همه دنیا لوق کم حقیقانه و تعلیم منک عطا قیاسه بر باره  
 تیک صدوسی و غمزد جانشین طفیل دور بیکس لیم غیب غمزد کتیبی  
 علم حاصل و چون ریاضت و شفقت تار حاق و مدرسه کتیبی ستاق  
 در کار ایسی دور زبیرا که علم قدامت دنیا نیش تعظیم و کار هر دو  
 کم یوق سوز و ذلیل خلق کم علم تحصیلده کوشش قیاسه لار تار انیشک  
 غمزد و از جمل لایب لار و سناک اجتیا جی بولک که خلق نیک غمزد  
 بیلان دور و علم نیش و انج رولقی مال بیلان دور و رولقی حقیقت  
 نیش غمزد مال غمزد و بسته لولدی مال به بنایت با شفقت تار حاق







سین و بی بچاق چقار دیلار و بیادک سینده سنه یار دیلار و بی بچاق  
 که بار اکرده بی بچاق بی سوخته سالار دیلار و بی بچاق بی سوخته  
 اکی کا سالار و بی بچاق بی بچاق لار کا که بزرگوار پیدار بولدی  
 اول اکی گشته بی بچاق رید کوردیل و تو بولسا قیلدی و بی بچاق  
 سلام ایشته لار اول اکی ایدیلار ای فرزندان عجب ذوق اولی  
 بزرگوار ایدیلار اندک مشغول بوق بار اکرده اول ایدیلار ای  
 انکری کلکیس بزرگوار یقین کیلدر لار اکرده غرض لار بار اکر  
 لار او تو بی رکی از نیک سینده لار یکدم قیلدی بی سوخته  
 ایدیلار ای فرزندان عجب که خواه لاغان علم بی بچاق خواه  
 بوسون اول علم خواه شفا مع سکونه ده بر اکرده بی بچاق  
 یا نفیس امانک ما از مینده بولغیل حق بی بچاق و بی بچاق  
 امانک فاسی بی بچاق و دو راهی بی بچاق علم ظاهر و باطن  
 و اهل باطن غم باطن تعلیم کسل اول ایدیکه بزرگوار لار  
 قبول قیلدی لار اکرده بی بچاق که باندیلار بی بچاق اول اکر  
 طریقه العین اکرده بی لار کوردیلار که امانک لار فرزندان

غریز

پوست و استخوان و رقی جان بولوب لار ای درویش کلکیس که  
 بزرگوار بولایش ده بشارت ایدیلار ای بولایش کونلوی بولایش  
 بر زمانه طی قیلدی و نه شول کون بی بچاق ایدیلار  
 لار اکرده کوسی لوح قلم آسمان و زمین بدست و ذوق کشف  
 و نقیبا جماعه سیدین بولدی لار و لیکن کجده کونیدین کیس نقیبا  
 امانک لار اکرده بولایش کونیدین کیس نقیبا  
 مقامات سیر و سلوک طریقه سینده ناستی غم تیکور کاندین کسل  
 امانک لار اکرده قبول قیلدی قیر الیه لار اکرده قبول اول قیر  
 بزرگوار غم ایدیلار کوردیلار ایدیکه بولایش بی بچاق لار اکرده  
 و قیر نیک بولوشی بزرگوار نیک باطن لار بولایش اول باطنی اول کله  
 قیر قول لار بولایش اکرده سلسله مرتبه بشارت واقع بولدی  
 اکرده بی بچاق غم غم قوردیلار کرم ای بی بچاق مغد و کولقیس  
 لار و بی بچاق مقدار حصول کوردیلار ایدیکه کول قوت و ولایت  
 اکرده و کجده وقت و بی سوخته بزرگوار نیک بولایش لار اکرده  
 شمرت باطنی اکرده سمر دشت و بقی بی لار و بی بچاق















ویا که تن ارام دور که خیال قبل من بوق اسوسه دنیا بوزیده بود  
 باغ عمارت لاریا که کور و ب که من کور کا بمن دین فکر اندیشه  
 باغ و بنال از عجب کوه و شیخ اورینده بیابان کور و ب که نه مانع و عمارت  
 نه الکا مونس هم نفسی نه خدا دین اوز که زیاد رس حیران و کربان  
 هر جانب غم ناظر کور و کجک لیکدین سران و از ان لولوب فی قفس  
 ایدلم ای که کاد مونس نفعه ان و زیاد رس غریبان و راه غای که امان  
 ای در مانده لار غم قوت کور و قاهر لار غم تقصیر من کجور کور و جی  
 لوق و کابینه لوبناز مندیک تقصیر نه ایدلم شوخ میل انکیزه  
 بیابان غم بهر که است فیله نیک قتلای و نه قبان بار انی کور و کور  
 و بخول تبر لیکوم دور دینک طرف کور و کور و کور و کور و کور  
 کله لم ای که باغ با کسل که حیف جان و لعل من موندان هر اوج  
 قیل غم اول ایدی که مانع نیک تیا که سرخ پید اولدی  
 انا کور و ب سجال لوق دین ایدی الکی لطفوک علم و اکتفا  
 ایدملار که بهر یاق تی اسوسه بهر و خوش صورت وایکده  
 ای که باغ نه ایش قیل سین نیمه قوب من بیابان فو توشتونک کور و کور

۴۶

ای بابا جوان لوق غور و نفا نیت آرزوس زور کتور و کور و کور  
 تاشلاریم باغ سیر من و کله ارغاشا سن قلفا من اول ایدلم  
 جیقینک لول لور و ب ایدلم خدای غور و ب نیک غنائی بر لکه  
 نه عا ایدلم حاصل ایدی لولدی امانا کور و دین تی و من اوز ایدلم  
 دور من و جاره سین سلیمان ای بابا سیر نه کنه سیر و نه کور و کور  
 ایشمنه قلع من پیلد نیکه کان اوکله موندین ایلکری من کور کان  
 سیر ایدلم ای غور و دین من اول کنه دور که تمامه دنیا هر کور و کور  
 سیر قلمو من و کله منزل قلعین کاس و در سن لوبادیه بن جقار  
 اوجون کلوب من ماکه مونسک لوق من و تربیت قلع من ایش  
 خضر دور و فو لقیل لول راق دور و اچ لار کین دور و کور و کور  
 خواجه بوندی دور و کور **ایده قلع من ایدملار مون و کور**  
 در لار که منده و کسان نیک سر حید و راول باغ که کور و کور  
 نمودار قیلد ملار اچ اوشو مرتبه کاشلار لار سیر اول کنه دور  
 نفس که ایدلم قلع غنائی فا کله ارغاشا سن ایدلم  
 کلیندن غافل لار سلکس که غرض کور و کور سیر قلع من ایدلم



دینا نیک لونیکنغ نمودن بود ای کاین سبک سین اوز فکر نیکده لعل  
و لول بود ب منزل حقیقتی نغ تا نغیل دینا ده اهل دنیا بر له  
قیاس لول کوشه اول کوند و که خدا تیغ نغ یا نیک به قیاس قیاس  
لا زنگین بشین لول نغیل خد غ و قبل ذکر بدین اوز کانه تیلنگ  
الما نغیل قناعت کنجین بیتا نغیل و ریاضت کوشه سین اختیار  
که حقیقت نغ و قیاس نغ موشک و چون بر ایا دیم باغ سیرین تماشا  
قیاس سین و نغیل که تابع لول ب رضو هوا سینه او چها سین  
و از طعام خد انفر قیاس که تولا نغیل سینه او مشوق  
کلتور کوشه و چون که نغمه بسیار از موسیقی لازم می بر لول  
ایده خوب تبیین اما یا انما لغضا قیاس یه و که لول و غایت  
بجا کستور کاشین قور قاس که شیطان زور کلتور و لول سین حقا  
خد ایتما الکریمه اهل و دزدین لول لغا سین **حضرت خضر علیهم السلام**  
ایده لول از زندغ یا کس که سنه خد انینک محض حق است بولان یصل  
او چون سیر ایتب رود اوز ک لول غه بار ما نغیل و زیر که قضا شود  
کیتب و رجا نجه ایتب رلا ر **اولی خطبت** لغه خداوند قضا و قضا

قیاس نغ نغ نغ ر و قیاس لول و دور و قیاس نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ  
و نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ  
ماق کاک لسان سیر اندیک بار بیا نام حضرت آدم صلوٰه احد علیه  
که مین طواف قیاس نغ ایتلا ماک که اک نغ سیر که حواله لول نغ نغ نغ  
سین یاست تماق کاک حضرت حمده باو ایدل رای نغ نغ نغ نغ نغ نغ  
عقل کونه دورا و شوبور دین سین قیاس نغ با که لول بیتا دورا حقیقت  
ایتب و رلا ر **اولی خطبت** لغه غیب مثل نابینا دور بار و لول  
بیتا سین قیاس نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ  
ای فرزند کوز نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ  
اگر نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ  
سیر اندیک نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ  
مکام معمود او شوبور و که نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ  
علیه السلام نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ  
عبادت نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ  
لول نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ نغ

ریدین



و در آن وقت افسان گشته تاغ باشند کلدی و آید آفریننده  
 آید من و نه ایش قیود من آتیش سوزش اید برای بابا شاد  
 کور من و آیم محمد با دو رخ آتیش نیک زمانه بر له حضرت خضر علی  
 نیک آید بر له حضرت آدم صفر آمد نیک قدم کای غه کلبه من اول  
 اید ملار من تا نور موسی اید لوق اما بومقدار سلور من که او بشو من  
 الکی سی و بونده ضعیف جد حقیق من بونغا زید که جان خوشی نیک  
 جان نیکر خد تا لپار و را اگر آتا او غول لوق مهر در من لولا اید دی  
 مو بجه سرعت قیاسی اگر حضرت بابا صلوة احمد علی اید ملار خوب  
 اید نیک من کاشته لوق لوق اندر من سوخته اید ملار آفریننده اید  
 اول و در که بوزق کون احمد نیک معدن من کو تا رکون جوهر لاف  
 ملان ملک ده جوهر زوش لوق قیاس من شیخ اید ای جبر کوا اید  
 نرسه قولود غه کلام و نیر ایت بین حضرت آدم صفر اول احمد  
 دعا غه قول اجیب اید ملار آتی او زونک نیک فضل و اجاب بر له بون  
 با وجود خود با عدم لوق و بجال سینک لایونک غه قدم قولود  
 دینا لایونک من کجیب غرت اخیا رقیب و زق کوی کو نوزده

من عاقر در مانده و من آتید اید نیک بافت مار تا دور که سبک من شود  
 غی پر لار بر کو نیک بافتی کلافت کلتور الکی لار و اینک نیاز من  
 نیاز در که نیکه قبول قیاس و بنای من معمور افر من من اید کلب  
 الی ل با لاف من آواز کلدی که یاد آدم حقیقانه و تعلیم علم قدیر له  
 بلیب لول ایش نه امر قیاس و در یافت کوشه من اخیا رقیب  
 اید ملار کلا صبر لوق بر لب دور اید مدت معمور افر نیت و جی ده  
 فاکه من او قوب خفت رکیل تا که ضلالت چایی ده قمر در مانده لار  
 غفلت کو جبهه او فکر که اه لار از تربیت طایر اید چاه و نیر حقا  
 و عاقل لار از اید لول نه اید کای و نفس شیطانی کو نیده قمر در مانده  
 لار و نیر سکون من نیک که نرسه اینک عده سیده قیاس و نیر کوه  
 نیک کشته سعادت لار من اینک مره یک قولوب پیغمبر حق لار  
 آقا پیغمبر که لرب تربیت قیاس مقصد کای کور کای و پیغمبر لار اید  
 صفر آمد من در من و آیم محمد با دو رخ مطیع صبا احمد علی  
 اجمعین اول اگر که حضرت آدم صلوة احمد علی نیر لول اینک حقیق  
 فتح فاکه من او قوب لار لار که دم قیاس ملار لایونک نیر نیت او قوب



سینه سی خه سور دیلا را دوجو مرتبه او تو بجه اطراف کار خه  
پوید لارا اندن سوکره اید طار آذ زند اید سلتان خه بار غل و من  
اما ک زمانین تو قیقل با جد دن تا سقا رسا و تو غیل کم او شوق  
لون اولور خان خلوشک قرق یل لوق خلوت اوریده دور من  
سونکره عیش و راحت که کویش قیقل و قیقل لبس لاک کلیل  
طعام لاریکسل حد آغوشنک مخلوقا تیریتی دن فارغ بول غیل  
در انجمن قیقل زیر که درویش مر چند کوشه ده دور شیطان کین  
دور ایرادله دور که جمعیت تنگ لایه نیه اند طار آذ زند مر چند  
مرتبه میسر به هم آقا قریب است بول غیل و مودیک بوست غیل  
سخت لایقل لغی اولنا اصد و سمن لاریک اوزونک زبرد است  
لور بائسل و چشمه سویدیک و اش بول غیل لغی مشوع اش لارده  
قیقل غیل و اوزونک صافی قیقل اند اعلی قین سوخی است لارده  
آقیزیت غیش قیل دور و شال دیتند بول غیل لغی لغی قار و هوا  
جسمان خه فایط بول غیل و اوت دیک که اول غیل لغی خدا قیقل  
عبادتیده و بنده لاک مرتبه اکر م بول غیل و دوسمن لاک

شش سور

آتش سوزان بنکلیغ کومدور کسل عا که آه جانکه بیا د اقد ناسک  
زین زمان سور شش خه کلور لارا اند اعلی اوت نیک عادت دور  
و موزدیک سرد اول غیل لغی هر کم تنگری غو قبل عبادتیده کاهل لوق  
و عبادت خانه کایدل کیه به الکا سر بول غیل و لکلیک قیقل اغیر  
لیقه یزدیک لایقل اکر تاغ بائینک اوزه بول کلاس لار و یا هر نوا  
ناخوش و نالاق ایشلار خلا بقدر سینک رنیده واقع بول لایسی  
بوقار کومار مکای سن و کاهم قیدنج سین سما نیک نیکل لغی  
لغی زیافت با بیده مجاهده آئیده و عبادت باره میسه کاهل لوق  
لور ماکسل کم و روح نیکل لوق قیقل او بشو ایشلار خه که بولور دم اکر  
کاکتور نیک بات لغی مراد نیک تیار سن خونک درویش لک نشا  
او بشو دور اکه خدا غه ما بشو دورم بار غیل و مردانه بول غیل کور کور  
چون اول غیل و دن کوز آجتی ایرسه کور دیکم هیچ کمره لوق و و ایدی  
الحمد فرحال باطنی خه نظر قیلد سر عجب کور کور و هر غرجه اموز  
اولیا لار خه اشق بول دور خان مشاهد قیلد و مقصدی اندین  
ملتان خه لور کتور و طرقة العین بیتیکدی و ملتان ده ها



ابن اویس غریب را در مقامات عبادت و قوی اول غریب  
 بزرگوار نیک کلکان لاریدن خبر تا بنیاد زیر که **حقیقت خواست**  
 خبر غریب اید و در آنکه تا نیکل شایسته با آن مسکن است نیک غریب کشف  
 دور و مقدر کیندن شعده معمر آباد و لغوس دور و مقدر کیندن  
 چند است اولی لاریطور غریب کیک که انیشک مصفا مصطفی بولغیل  
 انیشک و چون میثاق فیض و خدمت غنیمت سلک و صحبت و دنیا و نیک  
 سعادت و آو دنی سنای غیل که قطب ماند و شایسته اول بزرگوار  
 نیشک قدس شریف غریب منتظر اید که چاکت و فتنه جو آن صاحب کمال و حق  
 صورت انیشک به تجمیع و دانشمند به اهل یک مبارک بشیر و سید و نانی  
 و رختان و لامع میسر به ذات بی فضا و لاری جمع و بخش صف لاری  
 جامع انیشک بن کربلای سلام عید و یثیم وید و لاری شایسته اسلام علیکم  
 یا قطب عصر زمان نور و درج بصره و در هر یک امان انیشک و نیک  
 یوله و اید و الحمد صد جاسته از و زجی انیشک لاری کوز لاری منصور و لاری  
 زاتم اید و نیک فیض **حقیقت خواست** و لاری و لاری و لاری  
 با آن نیشک قطب انیشک فیض و نیک و لاری و لاری و لاری و لاری

فقر غریب در دین مصفا انیشک لاری و خلوت قید لاری و لاری  
 واقع دین بر لاری و لاری خبر و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
 شایسته با آن جمع و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
 بزرگوار اید و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
 اما تربیت و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
 بولغوس دور و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
 اید و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
 لیک مرتبه سی و نیشک منصب لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
 و لیک مرتبه لیک مشابه سیده تربیت قید لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
 ملتان شهر و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
 و در مندر لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
 سعادت اید و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
 اگر چه اید و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
 رخصت و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
 قبول قید و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری



کشته آورد بزرگوار خدایا غالب کیده را ندین پس ضلالت جانی  
 بقیللا لارنه و غفلت کوه سیده تی چه اندازد دعوت قیامت  
 قدم تو در طار بعوض نه بند و نصیحت له و کو و منی باطن لار کر له در و شلار  
 سلکی که لب کیر کوز در سال اول وقت یوز نینگ کش راکت بولکه اوس  
 در ویشلار مرتبی کر له اول نوع سعی کور کوز در سال که هر قیامت در علی  
 مقام قیامت قطع منازل سلوک حاصل قیده لار اما حقیقت منزل  
 باستی غه نینگ کش تی لار و اذکار لار بعوض مقام عظمی و بعوض  
 مقام انور و بعوض مقام فنا و اعدده توقف قیده لار و بعوض  
 سیر اما اعدده سیده قیامت قیامت لیریلار نصیب ایش اولده و که  
 بولوله بمقی نه جان بلند تو لغای ریاضت و ادریده انا و انا  
 باره سیده انینگ من فوق بلایا تا **اولین تحت قیامت لار و قیامت**  
 زمره سیده داخل بولای بعوض قیامت حجاب کوه بعوض و لار و لار  
 اولار نه مندن اذکار لار تا غایب لار اول بزرگوار نینگ که املا  
 بر سر که هر سیده طایفه اولده ادریده ادریده ادریده ادریده  
 کیده اول باطن غه نظر سالیب تو نینگ کیده هر که باقار ادریده ادریده

نصف

کشف قلوب میسر لار و ادریده ادریده ادریده ادریده ادریده ادریده  
 قولن آلاس ادریده لار اکر اذوق درخت کا و یا سور یوق چشمه نظر  
 قیامت اسبزه اولوب سیر لار و ادریده ادریده ادریده ادریده ادریده  
 قیامت لار باخو لار و ادریده ادریده ادریده ادریده ادریده ادریده  
 مسه طعام بر ادریده لار خشم و غضب قیده پادشاهانه تاج و کلاه  
 قویار ادریده لار که هر کون اولتور و ادریده لار و ادریده لار و ادریده لار  
 ای بزرگوار فلان مجله مسجد ریاد ادریده طاعت عبادت نور کر له و بعوض  
 ادریده جلالانده فاسق لار بقیللا و عیسی قیده لار بعوض شهاب چکار  
 و قیامت یار لار و ادریده ادریده ادریده ادریده ادریده ادریده  
 در ویشلار مبادا غیر واقع بولوب جماعتی نینگ قانیغه ادریده بولای نینگ  
 بیغایم بولوسن هر هلاکت غه تیکونکدر و در ویشلار ادریده ادریده ادریده  
 نظر سالیق کراک شیخ ایدلار موندانغ ایشلار دد کواه خوبه ادریده  
 ایدر باعد که اکت ایتاد و من اتفاقا کلا غضب یا لاریده تور ادریده  
 مبارک بهلار یغه کیده لار و ادریده غضب له کف لارنی کف لاریکه سولای  
 زماندن کسین کش کیده که ای بزرگوار فلان مسجد بقیللا که ادریده







لازم است که در این دو کواختر قطب یعنی جدی سی زو که قطب  
 است به مرتبه صیقل یا ریتلار خاص و مثل بود در اساعتی که در آن  
 گیر و در این دو کواختر که است این بر لایحه و بهای که اگر بزرگوار  
 بشوید و کینه او را یکی کون قطب و در قطب یعنی زمانه هر کون  
 بر مرتبه خلوت و در این جغرافیای هر دو کواختر که بزرگوار نشینند  
 یونانی و این کبار جمله سیدین بود که در آن دو کواختر که در آن  
 در این تو تادی خلوت و در این جغرافیای و در این هم فرض که اول  
 اما معلوم بود که بزرگوار را که در این کون قطب یعنی  
 نشینند و در این کون قطب یعنی اوزا و در این کون قطب یعنی  
 نشینند و در این کون قطب یعنی اوزا و در این کون قطب یعنی  
 منسوب بود که در این کون قطب یعنی اوزا و در این کون قطب یعنی  
 فیصله سال را اما در این کون قطب یعنی اوزا و در این کون قطب یعنی  
 تا پیش از این که در این کون قطب یعنی اوزا و در این کون قطب یعنی  
 در این کون قطب یعنی اوزا و در این کون قطب یعنی اوزا و در این کون قطب یعنی  
 در این کون قطب یعنی اوزا و در این کون قطب یعنی اوزا و در این کون قطب یعنی

خلوت و در این جغرافیای هر دو کواختر که بزرگوار نشینند  
 او که حضرت مغیره از آن کون قطب یعنی اوزا و در این کون قطب یعنی  
 موافقت چنانکه در این کون قطب یعنی اوزا و در این کون قطب یعنی  
 و قطب یعنی اوزا و در این کون قطب یعنی اوزا و در این کون قطب یعنی  
 و در این کون قطب یعنی اوزا و در این کون قطب یعنی اوزا و در این کون قطب یعنی  
 کون قطب یعنی اوزا و در این کون قطب یعنی اوزا و در این کون قطب یعنی  
 که در این کون قطب یعنی اوزا و در این کون قطب یعنی اوزا و در این کون قطب یعنی  
 اگر که بزرگوار در این کون قطب یعنی اوزا و در این کون قطب یعنی  
 او را یکی و در این کون قطب یعنی اوزا و در این کون قطب یعنی  
 که در این کون قطب یعنی اوزا و در این کون قطب یعنی اوزا و در این کون قطب یعنی  
 که در این کون قطب یعنی اوزا و در این کون قطب یعنی اوزا و در این کون قطب یعنی  
 که در این کون قطب یعنی اوزا و در این کون قطب یعنی اوزا و در این کون قطب یعنی  
 که در این کون قطب یعنی اوزا و در این کون قطب یعنی اوزا و در این کون قطب یعنی



لیکن شیخ قطب الدین ایچلر که دی و نینه فرجی ل جقق در ویشلار  
 خبر قبیلہ قطب الدین بوجیان و جو و درختین کو تاریب مصیبت  
 در ویشلار مصیبت خلیفه ایکمده دور مہرہ زمان ایلا سہ قیلور مہرہ  
 در حال بزرگوار نینک غل طہارتیک مستول بولدی ملار و جہ در ویشلار  
 ناز لارینی اوتاب شیخ نما سول خلوت خانہ لاریدہ دفن قبیلہ ملار  
 بشو یوز التیمش اسرہ دو سنبہ کوز بود واقع بوجہ سنت ملتان  
 واقع بولدی سرفاقلار بیدین کمن در ویشلار دین کر نوشیدہ کوراد اسر  
 سور دلم ای بزرگوار خدا یقین بزرگانہ قبیلہ شیخ ایملار رحمت بارانہ  
 بامعدہ نقیب قیلدی و یغایب بولدی ملار رحمت آفہ علیہ **شیخ قطب الدین**  
**قدس سرہ** الذکر کلا در سنانیدہ بیکیل کم شیخ قطب الدین ذاق  
 کچہ لاری بر کچہ صد ہزار سوز استیاق بولہ خلوت کو سنبہ کفر بکاش  
 تیز یغہ تو بولدی بولم ناکاہ حضرت شیخ محمد باقر قدس اللہ روحہ النور  
 عالمیہ بید اللہ ملار واید ملار کوز زندہ فکریدہ دور سن دین  
 قتلور سن ایملار بزرگوار شہید مبارک بیدار نیکتر استیاق قدس اذکر  
 ایشلار شیخ نہ ایشم بار جہ الحق و قیئدہ سن تا بوزمان غم نہ جانہ ارا

ایملار

دنہ کو لکولہ آرد ورنہ بایست دور کہ مرمر تہ در ویشلار طر فیک  
 کدر نیکتر تو شماری وکم مایہ در ویشلار جانچوک بولدی ایملار  
 شیخ تبسم قیلت ملار ای زرنہ خاطر در ویشلار دین جمع دور کہ  
 اولار نینک اسرہ نینک اور نوہ بار سن و ہر شیخ قہ سیدیک مرمر  
 و روزگار جو اذات لاریدہ پیر اوریندہ اولتور بولیشلار دین غم  
 یکوس دور اولار حالین کو کمن سو خوشی دور ادبکو مصیبت  
 جندہ یملار نینک تر نینکدہ اوردہ کہ مندر کونہ خلیفہ بولاسن  
 ایملار اذکار نیکدہ بولیفیل کم وعدہ میعاد یغہ تی اوج کونین  
 کین قطب الدین ایچلر کہ کوراسنک اک شیخ قطب الدین کوز  
 قبیلہ ملار ای بزرگوار من جعفر فخرچوک طاق و جو صولور کور کور  
 کبار لکاس کسوتلار بیدین کونار کایم وینہ اوکدہ عمر و افر یغہ کیلدہ کو  
 بومر تہ کاتکلف قیلور لار شیخ ایملار غم یا کیل کہ قطب الحق لاری نینک  
 دانتینکدہ اون ایملار وینہ سکر ای بولون سید ورجونک لوقت دہ  
 بولک قطب الحق غم نہ کبکشی بیدار ایاں دور اما اون ایملار وینہ  
 ای دین سونہ بومر تہ کبکشی بیدار ایاں کور اک بید غم



شیخ قطب الدین کوزاجتی کوراکم هیچ کلمه لوق فرجی ال فو  
عقل قیلدر غار دوکانه ادا ایلادی لار دینار یوزین بیا  
درک میغه کیتور **حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله**  
بر نور لاریغه متوجه بولدی وایش لار کتایش لیکر او وین  
او قید سرونیه بر کچه اول افتم ده یوز رکعت غار و تادی لار  
دین سونک قیلدر غه باقیب لور و بیا دسل رکم جمع اقساق لوق کیتور  
کلمه لایه پیداکورک و ایدسل راسم یکک یا قطب لیتو مرتبه سی مبارک  
بولوغ و اولار اوتو سیدن بسیار جماعتی خضر بولوب رک باوقیلدر  
اوج کورک غار اشته اقی دین کین بودو لایه جا و دانه و سعادت و عبادت  
اقبال کورکوزوب میسر بولدر اسی سه حضرت بزرگوار ایشان دین بیکان  
و صیتی کاتو بر ازانان هم پیره لار دین هر سور دیم ای خلیفه  
بناسن پرنیکر و صیت لاریک قود و نیکر پیر لار ک نصیحت لار منفع  
معلوم دور اما عشقه منفع ده نم و ادراک نیر کورک لار حضرت پیر  
سورماق ز ادب کور مادوک ازقت هم یاریمس کاد وقت هم کتور  
ایلا کاد بوزمانک خلیفه نیر پیر و خلیفه قاسم مقام پیر دور و نیکر

و مصاحب حق هم در میاند و ربا ابا و جهت سورار من جواب تبار  
کراک شیخ اندلا فوج سور و ذک عا اوله و رکه عشق کیه سیدین عباد  
دور کم نخنی معلوم دور ادرست اجمتی اول مقدار دور که هر خد بلند و  
غده یا رکاشه باشه اوزره جا لار و واقع شوند غ بلند جقی خضر غ  
لا بد و **نصیحت و نصیحت اوله** که عشق چنانیک بلند همت و مقصد  
بولوغ حصیانه و تعین نیک عبادتیده چنانیک لایه تا مقصد نیکای  
ای درویشی اگر غیر تنگ بول و ایشو یلدر نیر سیر کیه دین عبرت لایل  
کلمه بنی کونکوک بقی اوجون مقصد تیا که دین هم حیدر طار و غم نیک  
بنای ایشکده من نکاز یاده رک و در و سل لاریک رکه هیچ پروا قیلدر  
اگر مسلمان لایسک اول نخنی بینا دهنر کیه دین عبرت الفیض مقصود  
حضرت معبود قل و غیده همت ز بلند لوق و طاعت و عبادت  
جسد کورکوز کس تمام اذ نیک غه تیار سن عشق سحان منفع سی ایشو دور  
اما معلوم بولغا کم شیخ قطب الدین قدس سره الزور سکسان میل  
لور کور دین اولی سل سکنر ای قطب طار و قطب لایه مانلا رده هم  
بولال انکیش لیسنه عا معینه تربیت قیلدر طار کم هر قس بر دیا



آمد ملا و او را که حضرت **لوط علی السلام** بخت روح مطهره **لاری** است  
 تا پیوسته ملا را **حضرت ابراهیم علی السلام** بخت ملک **لاری** است و در وقت  
 کو طار در شب که بیده بر کوه بود و در پیش لاری جمع التور و ب که در ملا شمشیر  
 مقدس را سید ملا که اکین لاری یک سخی و ملا و مبارک بود لاری قنار  
 دی اند ملا را صد اکبر نه مجبی فوس لوبنده و ما غیغه تی که هر کینه بود  
 فوس لوی غریبه تیماب دی و بخت لوت و اقا لیدل و روحان لاری حق  
 تسع نه تسع قیلد ملا و بزرگوارن پیر لاری با غیغه و فوس قیلد ملا و فوس  
 لاری بدین کسین بر در ویش نویسنده کوردیم پیر لاری که بخت با غیغه هم  
 هم صیبت بولوب لاری و غلام و ولدان رفو و سلا و دخی خدمت لاری  
 تور و ب لاری و دیکم ای پیر نور و شک غم لاری و صد ای تسع پیر لاری  
 نه قیلد ای ملا را ای در ویش **حضرت اسمعیل علی السلام** و **اسمعیل علی السلام**  
**موسی علی السلام** قیلد در شک بولیدل و رجمی **اسمعیل علی السلام** و **اسمعیل علی السلام**  
**حضرت یونس علی السلام** و **یونس علی السلام** و مستغرق ویدار و کتفا پیر اردنده  
 خاص حضرت که در شمشیر المثنی حضرت سح سید الید و مدد در حاکم  
 احوال لاری که یباینده مرگ آمد و دهقان که و دهقان و سلطان

تو غولان و دهقان جلیق علمه ضابط و در دوزخ تو غولان غه  
 قادر و غولان و اما که هیچ مایل تخصیصش وقت نه بلافت زبانه  
 تا وفات و قتی غه هر کینه و قتی دین او که در کون آمد و قیش باز در  
 ممتاز و کاهی ضرورت کما بولس هنوز که کار ابروی و اهل غازی شهر  
 خلق غه هم ضرور لوسوز لاس ابروی او سبب است این شهر سید الدین  
 صامت و در اسرار و در مدد ارام و ابروی پیر لاری که بار و اسود  
 بول پشیده و قوت او ی قیلد او ای که نه زیاد قیلد و در ویش تولد  
 سالد ملا را رسد شت لاری که اول قوت حال ملی بولس ابتدا و که ای با  
 خدا یا با رجه غریبه لاری که قادی کسین و نه ضعیف لاری مرسته بر این  
 و مولک هم شیک شکریا و دین و لیکن روالتا رسنمو که با غازی  
 و فوس عصان لاری نه خسته لاری و یک ضعیف غایم مخلوق لاری  
 بایب لاری لاری با حال املای نه لاری که او قدر نیست لاری اول  
 نابود و ایلانک تا که اولار بولسیدین و قهار اید سیدین ضلای  
 چون شمشیر پیر قوت دین فصیح زبان که سوزنا ایستع اسو پیر لاری  
**احمد علی** بخت او که من بعد او بودند تا سقا رقه و تو غولان



و طهارت نه لورمکی سین و سلسل که موند ان سوز بوفاع بیل نه  
 تبه دو سنگ که روجه غفلت با طهارت بر آرد لورمکی سین اول  
 ای که شول مردن باندی زیر که اول فته طهارت نه لورمکی سین  
 بزرگوار زراعت کاهی جدون سقا رس باغ قوادی و کرمه سل  
 کوندر صفا و کچلا رقا اسر و کوندر لکی زراعت افور کیند  
 کچلا رخلوت کوندر کیند موافق تسبیح عبادت قیام کور کوزی اسر  
 مدته به شش کابینوده سوزن دیکاد و همیشه **لا اله الا الله**  
 مشغول بولدی اسر کور کیند کوندر کوندر غیب شلار بدین لغف کیند  
 صفت کوندر غفستاره نیکسغ تابش قبلیش الی هر غفستاره  
 حقیق معلوم لورمکی سین بر او کینده غی جانور لار حال تیلی بر  
 لا دیلار دینه هر لیا کی که سیرب طیده یا شرب سیدی اور کیند  
 خبر کور کور لورمکی سین قیلور ای و کیم عجب لیکه من مرد عا لورم  
 بولون غفستاره معلوم بولاد ورمباد که جن و کین طین نینک  
 کم غف افریک بقیس قیلای غلیق او چون نمود لولوب از ابر او  
 از غوراد و رور کوندر نینک نه لب قیتم بار و رور که برنده و رنده جمادات

و بناات اوز خاصیتین و احوال کیفیتین منک ایضا لار او بنو حریق  
 ده اسر کور لایقه اوز کیند کم ای سید الدین اولنا اقد نه جن و شیان  
 غلبه قیلار و رور باره کیند الی علم لوق لونیکن و جمالت کوندر  
 قورقاد و رور منیه اوز کیند کم ای سید الدین خدا بقا نه صدق  
 اکبر در بسیار علم و پیردان لار لولا که نه لایقه جن و شیان و رور  
 کیند سید الدین در کاه دور پیر و ایلا ماس و کوندر جلیل نادان لار کور  
 کم صدق و اخلاص جلیل حق بیکاه دور اما اوز سید سید کیند  
 و اوز ایستیکه بولغین و کوندر کوندر استیکه زیاده ایلا کیند  
 بولمقدار غفتم نه لایقه بولاد و رور ایلا کاد ایدی بولم قیلار معلوم  
 دور که جن و شیان کوندر لولوب باغ و بولانده ده کچلا بولم سراسر طهارت  
 ایلا کوندر جای ناز سالی و نازد و کوندر کوندر ایلا کوندر اوز  
 ذرا بغه مشغول بولم مشغول شاده کوزی اولی قونر باره ای سید کیند  
 کور کم **سید الدین سید الدین** و کیم صیبا لار و رور غفستاره  
 و بولاد دین بر لار ایلا کیند و ایدی ای سید الدین قویغین  
 حضرت سید لایقین و غف کوندر کوندر و قینک نه شریف کوندر و رور















یکمین دینه مرد که هم نفع بگوید که من دینه بودم معلوم بود که  
حقیقی و کمال بنده لاری دینا غه بیاریا که تا آخرت کشتن  
قبلیت عمل و منین کومار که یلار چنانچه بوحیدت بنوی و کلام مصطفی  
الک دلالیت فیما که اله بنا مرقه الا فوه یعنی دینا آخرت نینک  
زراعت کاهی دور بوحیدت نینک مفع سی عام و دوز را خست  
وزراعت باطنی غه زراعت ظاهری اوله در که هر دانه کای بر سالی اوز  
توش دور و حصول باغیشلا بد و را در لار روز سه و هم چو لار  
غده اسی بولا دور و بولا آرام تا بقایه شیب نواختن سی سنگ تیا و  
زراعت مفعول و که حقیقی و کمال عبادیتده مردانه و مستحکم اوله  
و زراعت و ایتنا و سنت و شجاعت و بلکه مباح لار و بفرورتر کمال  
سین آنچه فرض ادا تا بهون و پاکای سن ای در ویشیکس که فرضیه  
نینک کردینده فرض در ادا قیام سیت غه جاره یوقد و را مانوا فیل  
قولین ایبار مالیکس که نجات یق شو نینکده و در چو نکه دینا زراعت  
و همقان را عینک التفریقینا بلکه ارفه و ترق و اوز که زراعت لار  
اربع تار یقی فرض بوسوزدن اوله در که در ویشیکس هر قاید ایش

افاده سی و جبهت نشانه سی بول **ثالث ملک بکل یا جمل**  
مفعول لار ایش لار غه قویا و نتیج سین قول ذالک حیات کف  
سینات طرفیکه اگر کیدکی رشتکار لقی او شود و را ما بعد مفعول  
کم بزرگوار تمیز کشتن دین زیاده تربیت قمار لار و لیکن او  
بتمیز کشتیک تربیت لار تخی ده اوز لار بارجه لار که امت و لا  
مرتبه سی کاتی لار و اوز لار **مفعول مصطفی و اید**  
روح مفعول لار و منور لار دین تربیت کور و بول حضرت شیش  
علیه السلام نینک است لار غه ایزد بکون ملک و ملکوت عالمینی  
بیت و دوزخ و سه اصل ماک و غده سی لوله را بر سه سر که یوز قویا  
و در ویشیکس در دین سوز دیننی هم اده قیلد لار و سه قیل دوزخ  
نوبت سی ارسه مبارک ایا علار دینی دوزخ اگره قویا لار دوزخ  
اوتها و جتی و غلبه حرازا کوجتی و انینک دین هم انتر قالا و شیح  
ای دوزخ کول سن که در دین تارتم سینه دین هم انتر نشانه قالا  
و خدا غو قیل بنده لار و خلاص لار دوزخ اید ای آدم و اوز  
چال پروردگار اولا نینک خواجه لار انینک قیلد ماسن که



وفاق به آوار لاردن خلاص بولای شول ساحت ووزخ قهر و  
یتی کم ای ووزخ اوز جده نیک س قلا غیل و جوارب از لیس  
چون شخ موزا اشیب که یه غاز قیلده ویکان لاریدن بشین  
بولد مل را ایدر چه وردکا رامن بنده ضعیف غمه نه چه دور که  
است خلیق قیلغای من اما جهالت مولکا کستور و دو باره  
اواز کهدر که ای ودر ارض خدمت کار غه خواجده بنده بونف  
سوز که چه مار بولادورغان هیچ باکیق دور چون شخ بونف  
اسر فویتی ل بولوب سر دین یاندر لار و اوز خلوت لایکه آید  
دور ویشلار جمع بولوب کیدیلار شخ ایدر مل رای یاران بولون  
وسف اختیار ایدر شخ نیک سوز لاریدن ویشلار دین  
کو لکاتی که شخ نیک عمر آفری غه تییب غالب که بوسوز مبارک  
یتی نه اول جبت دین جا کولادور شخ ایدر مل اول هم باوقی دور  
کتمکو لوک ورنه اجون تا یخر بولوسونکم عتمیش کا  
تیپ ورو بیللیق کیتیپ شخ او بوسوزده اسر لاریبار کشته  
لاریش تریک هر بولولک سید ایدر مل رای یاران پیلور بوسر لار که

حال نیدر دور ویشلار ایدر مل رای بزرگوار ما سرتیف احوال  
پیدا که که یکی قهر دور ویشلار ویکیز اتینیک چله بیکر شخ ایدر  
بولون سوز که بل باغلادیم و اراک لاریدن کتماک نه باغلادیم و  
انکه نشانه دور و خاصیتی اولدور که هر ایدر دین هر که او بوسوز  
قطره مار شسته دین و او جو دغه لعل کیکوس دور اولدور  
دور ویشلار تیرک وینف سوز قطره واکمی قطره و او ح قطره بقدر  
نصیه آت لار دور ویشلار دین لعنه سعادت مند لار اون قطره که وینف  
لاریکرمه قطره مشرف بولدیلار ایلجاصل دور ویشلار نیک سوز  
و اصل بولدر مل لاریدن کیم شخ ایدر مل رای یاران لاریش  
زیاده سوز قیل نیک لار که وقت او تا دور ویشلار  
لاریغه جارس لاریسره جان لاریش حق غه تا کچر ویشلار نیک  
تعبا بارجه نرسه لار که غالب جاکم دور ویشلار نیک  
لاریش قیلدر مل لاریسره خواه لاریلار که جامه افق که آفت  
حضرت شخ سوز که کیدیلار و ایدر مل رای دور ویشلار  
سوز قیلدر مل لاریسره نیه ایدر مل ارقوبیغیل عاتر ایلقال بشی مرابته



افق لایزال یزد که در اهل شریع بود خستیدن زیاده بود  
نه او چون دور که اسراف تار آ و اسراف هم دور و دور است  
قلیق در ویش لاریس بخوک روادور بزرگوار اندلس رنوبت  
اما اندن خبر نیک بود در کم اگر بنا رسوی بدند اقودوق فاس  
طهارت کبری متحقق بود لایدر و رانیم احیاء اینک است  
قولتو قوم استیده بر اول قوروق قایب در شش مجربته ده ستمک  
ایر سه پاک بود و دید ملار او انان بزرگوار رخ جامه افق ک  
الذیل و جنازه که سالیلار و نماز لاریس او تا بنول زمانه و نول  
موضع ده دفن قید ملار او لفر کچه نولش ایدلر کم حضرت شیخ  
یا قوت تخت ده اولتو روج لار و ج پوز لودک جوک لاریده تودوب  
درویش و سوز که ای بزرگوار بخوک کودک لار دور و سوز کلاخ  
اید ملار بولار اول کودک لار دور و کم پشایم تیریدن حقیقت لار ف  
بار خاندور لار و عا و و حایت ده هر که خود لار بولار دور و ج  
کودن کین سوزده اول پادشاه بر حق و قادر مطلق قدره اول  
کبد که ین سوز و ملار ای بزرگوار خدا تبعی سوز که نه قید سوز کلا

اندلس حضرت ابراهیم علیه السلام خد قنغان تا قید و سب غایت که  
رحمه الله علیه **این که در شریع است** **این که در شریع است**  
**این که در شریع است** در که دالتی غی لایق شیخ عرب و حضرت  
شیخ محمد صادق رحمه الله علیه احوال لاریس کی ده مرد ایردکم زبان کوبا  
و قوت ناطقه توصیف باره سید محال زبان مغرسان مفتاح باب  
غیبسان انقب جلال مشکلات کلام لار سید هزاران هزار که ای فیه  
عاقبه و عاقلار عقلی کال کنی ده فیه و نایف و زی الا فیه لار لفت انیر  
مقالا در که د نایف و جیران و فیه و مندر محقق لار جمع انکیر عاقلار  
تحقیقه به فیه و نایف اهل نیش ویده لار کالایه بصیرتیه نایف  
بنده خالی خدا و پادشاهت رسول مجتبی علیه السلام تا یک کلاغ کور  
بر کوسا و علم بلن افتاب جمان تا یک آسمان و زمین اوزده  
باغیش نایف و عاقلار سیدین معضض علی سیدین تا سقا  
فالمفاجه است و اما اول کون کم حضرت شیخ عدم کتمیدن وجود  
صغیفه موجودات و رضین مار آ اسسه کوند و زلفای کولدی و  
ای کلا و رماله بزرگوار نیک تا لاریس قوم خه سردار سوز لار و قوا



بسیار حکما را به شمار می آید که است و این هم بار آورده اند که در این  
 ایش و قو عیده منجم و تنجیب بولوب در یک ایدر حجت یکدیگر از نظر اشیاء  
 میل لا ادر کور که در کین موافق است از نظر که است قبیله بولوب غریب  
 واقع بولوب رخ کی بولوب نوسه دور و بیست و شش که بر لاریش و یکی منجم لاریش  
 یغیر و واقع در دین خبر کردی ارسه بعضی لاریش لاریش از نظر بولوب  
 بولوب دور و یکی اولون بولوب مطیع زمان دار بولوب تحت دین نوسه  
 و بولوب ایشو ای علامت دور و بعضی لاریش در انستند بولوب دور که در  
 و مع ایدر نوسه خوب ملا دور و خلق خدایش که فیض لاریش دور و دور  
 صاحب طین ایدی مع فیض لاریش که لاریش و بولوب دور و دور  
 علم کی هر بدین اهل کی هر نفع الی دور که افتد شیک تو تو می فرزند و شین  
 بولوب ایدر علامت دور و زیر که افتاب کی هر دور که و کچه لاریش که  
 دور که علم طین دین اهل باطن فیض الی دور و دور که علم ده صاحب  
 بولوب دور اندا علم افتاب صفت علم طین که باطن شمشیر باطن  
 و در وقت تاغ دستان بجز سراج که یک نمانش قیلا دور و دور  
 نور بر به نور قیفا یک علم باطنی خدا تعالی شیک بنده لاریش که

کجاست

کچه یک تیره کو کل لاریش ولایت نور بر به روشن ایشو دور و  
 وجود سستی دین هر و یکم او شینو دیا دور و دور ایدر دین نور  
 مرید دور و لاریش دور و نفع کو کو در ولایت لاریش مستخرج  
 و بار جبه ایدر دین لاریش مانع بولوب دور و تربیت لاریش الی دور و دور  
 او شینو ایشو لاریش علامت دور و همه ایدر لاریش ایشو که در ایشو  
 و لیل و فیض شیک خدای تو تو ارسه دین که کیم فو تی سوز مفا بید که  
 ای نیکو کار بود واقع فیض لاریش که لاریش بولوب که کیم  
 بر به مو با العلم سلطان مود و در تا اهل محبس معلوم لاریش اول دور  
 ایدر مع قیاس لاریش دور و اما و شینو کیم نوسه دور که

حضرت سید الشهدا علیه السلام فی حق مصلحتی است که در حق

بر لاریش هر لاریش رضی الله تعالی عنهم اجمعین و ایدر لاریش غیر الدین  
 تا کل جفایانه و علم بولوب دیا رفته زنده علی قیاس دور و دور  
 ده بولوب تا ایشو که لاریش لاریش که لاریش که لاریش که لاریش که  
 که اول از نوسه علم طین که باطن ده یک نه عصر و زمان و نادره دور  
 بولوب که اهل اهل هر و اهل باطن ایشو علم که از حال لاریش که

و علامت



بده مندر لولور لار و اتینی محمد صادق قوبو کیزلار چون موز استی لار  
 ایریه اول کیم سه خاموشی بولدر و ایدریت خوشی جواب خنده و تیره  
 ایزدور و بولوبت سم دور اتی بون خوشی خیرا ایشی خوشحال آید  
 در حال قوبو بونوع متاع و قشش دن فزنده حقه و نثار تیکه  
 و اتینی محمد صادق قوبو بولور واقع کاسل کولکد ایریه بولور کولک کولک  
 اثر کیم بولور اول غرضه کیم نزل کولار نینک مبارک تنی فوجار کولک  
 بولایت آید کولک **لا یلحق مال ولا نولک الا من امان الله تعالی**  
 و قیامت کون مال نفع قیامت و او غلاند ارم باید تیکور کیم  
 اول مسکن کیم کیمیت اندلیم نینک کیم هیغه رکت کولک و در کیم  
 و کولک قلب له وینه ایمی کونین کین لولکیم اتی نه دیدر **نفسه**  
**صدقه** اعن آفت کون رکت کوی لار غره رکت لبقی منفعت قبول  
 و صدق اخلاص لار باید تیکور و رتا سوز کیم قاور بونو خیر کولک  
 ذای بولایت کیم کیم اندن سوزده **لا اله الا الله** ذکر هیغه منقول آید  
 اول نون کیم و جد سماع بر لایور کیم و زمان سماع دن نینک  
 و سماع افشایده مبارک مبارک تلبیدن بهج کیم ستم کیم نینک

۱ سر سده ۳

جاری لولور لار و اتینی محمد صادق قوبو کیزلار چون موز استی لار  
 مکتب نه بار و ایریه کور کیم ملای مقم از آن تعلیم غر مشغول دور کیم  
 ویدی و مکتب نه نینک کیم رت ناییدن و مکتب اسلام با و اما اقداریت  
 کیم در ملازمه لولور واقع دن حیرت دکت کیم ایریه کیم نه محبت عاتمند  
 بنده دور من کیم موند اغ ذات شرف هر وقتیمه شرف کیم کیم  
 و بوقوبو بونوع تعلیم تمام کیم بولور عیال ناولک ناینده اولور غور و ترقیا  
 شول وقت ده مکتب کیم لاریدن کیم سوره و الفیم فی سبق کیم  
**یا ایها المسلمون انکم لایستغفرون الا انکم لایستغفرون**  
**و لا یغفر الله الا لمن اذنب** ایستغفر  
 ایستغفر ایستغفر مقایمه لولور اول مقدار تفسیر  
 کیم ملال کولک و حیران قالد سرو اوزیک ایدر حد او ننداقوش  
 دور کیم او شوق کولک بونوع مفسر بونوع و موندن اوزک ایستغفر  
 ایشیک له لایق کیم قیلاد دور و اوزک ایشیک اوقد و مومنین  
 اولار و قیده ایستغفر لار کیم ایان و طاعت کیم آرام نفس دور و کیم  
 در کیم هیغه بانفس و رجم کیم اولان نفس و خدای عزوجل دن خوشنود



افند تمام کند و خوشنود و در و صا ح سنده لاری از اسبغه که کیند  
جاودانه اگر ده اول نورسل و عید اصدان عمر فرزند عسکر و ایت  
لاری که وقت که در غه اجل نیل یکی و کشته کسور لاری و کیه سی او را  
ایور لاری ای نفس سده حقیقی تن بلند و من غدا برفناک بر که کم  
عز و جل سندن خوشنود و کاسود و ریشود با قد من الذلک اندک  
ملاضیافت خانه مقامی بلور سینه بر کواراید ملاری عالمی  
او چون کیند کم ضیافت قیافین بلکه مونیست او چون کیند کم  
آیات قیافین من شاگرد و بولاق من ملا او را تو پواید ای دانا  
زمان و یک نه دورانی و مفسر آن و بنده فصل رحمانی این فضیلت  
و کالات که ذات باری که تیکده مناده قیلم که خول انصاف و  
اوستاد و کاه من و کین شاد و دو فقر غه نه و چون جد و در که بولاق  
درین کسکی که کم فصل مرتبه داده اول نورسل و ایت تمام اسفل و تان  
بولاق نه بلور که من بنده لیک قبول قیلم قیلم غه سزاوار  
بر کواراید ای ملاضیافت غه ملات و آن دور کم الفاظ قوه  
و عبارات مکتوبه تیلی غه جیر و بیان قیلم و زبان و آن غه ملا و

و کیند حاصل بولاق او کیند سزاوار سنده لاری سده کیند خوشنود  
اول امر و کیند آید و مصحف قیلم ملات که مسفل غه لوله میر و قیلم که کوار  
غده رحمت تیلی غه خوشحال لوله لاری و ایت غدا و چون کیند کیند  
بولی و در در لوله لاری و ملاری حاصل اول یکی ای بش کونده کل  
تمام قیلم لقی و معنی یا و ایت سندن کین در کیند غه بلور ملاری  
در کیند غه ملات قیلم سندن سنده مار معنی کیند لاری و کیند  
امر و کیند بر قدح شربت عالمی کیند جو ایت کیند تمام سهار و معنی  
در کیند کیند ملات سندن اوزنی او و در کیند تیلی و در کیند  
ای و سده رخصت بر کیند ای و زنده مارسل که کیند تمام لوله لاری که کیند  
بولور و کیند کیند کیند کیند کیند کیند کیند کیند کیند کیند  
کوار کوز و کیند که نه علم کیند غه ایت کیند کیند کیند کیند کیند  
یا سنده امر و کیند کیند کیند کیند کیند کیند کیند کیند کیند  
لاری و کیند کیند کیند کیند کیند کیند کیند کیند کیند کیند  
و کیند کیند کیند کیند کیند کیند کیند کیند کیند کیند  
و یا مانده امر و کیند کیند کیند کیند کیند کیند کیند کیند کیند



و پای جامه نرگوداد در مبعیات کم کو دل را عادت دهد سوک قینقا و  
نارون اوزک وقت ده مبارک لکنت لار او جینی نیک محمد بن  
حق سبحانه و تعالی نیک عبادتیه جهان قادر است که هر که تورات است  
و من بر هایت خای از عبادت اعمال بر دلا رو کیم لار بهیت قام  
و قاعد ام دیل رجنا بین کوز لار که اولی قول با بک و نفس اند  
ضابط و ظاهر است که اوج کونده هر وقت طعم برور است که بوی خوش  
از ام القونچه اعمال و بالکلیه قوت دین قلمنا غونچه و طاعت که با  
بر کو نچه سیر تا اول زریل بوموال ده که بهیج ولادت ده هر که خواهر  
الهی که ام صحت بولدر حضرت خواهر زنده دلان که بهیجین لبق  
قیلدر و غایب که دل از کله و مغع عالمی سیر اسلاد اما عالمی هر دین  
کشی و اشمنده بولدر بلارتا اول وقت بزرگوار شدت و بلادت غیبی  
اولانام که **نیمه الله الایم للکس** **نیمه الله الایم للکس** صدق  
اسرار قول قیغه استبید بر لار عدم خلوت خانه سیدین و  
ضلاقی دعوت او چون حق ریغان امت را بر آید و اهل عالم  
در حمت با لکن بلند همت لار بخشراق و در سیر لار و آسمان صفت

کونیا

کو کیم که نون تران شغای بر تو سالی ارسه فزیک ای محمد صادق  
لو جوک صد او نه اوردیم منع شواریه غمست که دستفرا او تو او اورد  
تلف باون اوزر کله کم محمد صادق تا بوزمان تو که و صدق دل زله منک بر کیم  
قیلدر که در کاهم عیلاق و جمع اولنا لار غم فاتی بولدر و منک و منک  
در که بی الهی عاتی لار غم ضلالت جابیده و ملامت نه اندیده ضایع تو کیم  
اولان غم ولایت طایه و اود است که سر کله نفایت ز انکفول قدس حقار  
اگر چه حق سبحانه و تعالی آفرین کمال قابلیت و درایت که **روایت که**  
**المن عیلا الله** اولار شاییده باریک لغ من ادر که اودن تو بر  
یا و ق راق و دوسر ما و جودان همه استطاعت و قابلیت که نفس استبان  
جستی دین مرتبه کفاده تو ضابط قابی بر جناحه لواریت که دلا لایق  
**الله عیلا الله** **المن عیلا الله** **المن عیلا الله** **المن عیلا الله** **المن عیلا الله**  
قیلدر آفرین صورت لار خیراتی که دامت بهر کله سو که طیفان و  
عیسان سبیدین کفیل سافیلین غمده قیلدر و دوزخ تدر لغه مارده  
ای در شوش بکسل کم ان و سوسه شیطان که بومر به انکفول  
هر که شیطان رجیم زمانه تجیده بولدر انده در کاهه خراوند رجیم بولدر



والفيا ابا قده وقع كه بوند بزرگوار نيك قول لا قيه السيله سر مستغفر  
 حال بوليك كجا ورجي من بنده عاف و در مانده نه موند انغ الينا  
 البش نه ام قيلوسن بخول بولوس دور كم ايا عهده سيدن قهلو  
 ايا لوق او بيه مناجا دوا و كم حضرت زنده دلان فوجا بولوا بغض  
 ابي شرف كنسور كاسر سكر ادا لكه شخ متا لم و متا م متغفر اولو  
 ايدلار اكم صادق نه بولدر حال كنك اوزكه جود رخ ايدلار نه او  
 متا بوليك همين ساعت اوزر اشيكه ايتوراي حجه صادق وقت اولو  
 سنه دعوت خلا لق و تكليف قيلو انير او بيه همت دن ترسان و  
 دوسرما بزرگوار ايدلاراي نوز اوده حق تها كنك جو صليق علم قه  
 بولوا ابش نه ام قيلوسن ترو حيا ايراسي دور چون كه خدا يار و رسول  
 علم مدوكه روتخ لار مر با و معين بيلار غمشن دور مير مردانه و  
 انكر قديم تو بغض و هر نه زمان قيلوسن قيلوسن و انيكه موكه موكه و  
 مقادون مدوكه راسه جود اشد و زكه اردن نه او چون قورقار اولو  
 بولاي بزرگوار نيك شورت و مصالحي سر نه حضرت شخ حجه صادق  
 سجاد و كيد اولو زويل روالمي شخ شخ اين مريدن نويسلار اول

كم

كم شسته ولايت دن و نشانه كاست دن اولاد و دوجا قالدوي  
 حجه كه ارادت خطه سي كوكا لار دن كوتاريلدر و سل لار نه كسي خد  
 سعي قيله ملار هر كه خاطر لار نه تمام و اوزلاره ايدلار كم عجب كك  
 سل لار و در زبان بولاي هر كونه بجه نوبت لار ايا غنه بولاي خطه ملار  
 بناسه ياد ايدر محو بولدر ملار هر كونه اوتوسا ايدوكه كوكا بولاي ايدوكه  
 هر اكمو و واقع نه تيقا قده ضوت لار دن جقع لار اتفاق اول اوزده  
 نايتمه لار و مصافحه بيا كيتور و سل رواج لارني بولاي نيك واقع  
 ايتيلار و بولار كم شخ حجه صادق قوله تا بغان زمانه حاكمي منج لار  
 حكيمده اولو دانشمند لار صبيحه صهار و سل رواج لار ايتيلار ايتيلار  
 دور كم حجه صادق ارشاد در خضوع بر له شخ لوق مرتبه سي كاتيك بولاي  
 چون تو قول غنه كونا رجه وعده اول او كم ولايت هم ولايت لار  
 مشوخ قيلوسن دور و ارشاد بارجه اولي لار نه ارشاد و نيه مانع او  
 و بيه لار امدى خوب تنيك كم بود واقع خاطر مريدن حقيقت و كسكسل  
 بار ايدلار ربا بغض شول و من شخ نيك ملار منع ككيد ملار كور و ملار  
 شخ متغفر اولو زويل لار ايتيلار علم عيلكي مريدن طريقت و موصول



منزلت حقیقت مقتدای شریعت و مبدء اهل ریاضت ارشاد  
مبارک بولقا ویدلار شیخ محمد صادق چیران بولدیلر ای یلار ای  
لار قیدین معلوم دور که منک ارشاد غدر حضرت بولقا نازر کورلار  
اول کونک و عده دین و اوز دینیز علم باطن دین عکار بولغا غیر دین  
صدق و سلمت ای نر کورلار چونکه بولام که مامور بولد و کینه اول بار  
فقیر لار مرید بولغا قیول قیول قیول لازم و لا بد کورلار و دوشنخ و غیر  
ایدلار میل لار دور که میر لار که رخانه خداوند سرده این قید نیکلار  
اوسوننی خوب بولور میر لار دین کا رخانه خداوند عرف مریدین کور  
که لار اوز لار لومع سلی مدور میر لار نه که ایلتارین درویشلار  
ای نر کورلار عذر بهانه محال اسی دور اول اوز کم نر کورلار اول ای  
ار او تینی قبول قیدلار خواجه زنده دلان تعلیم آغان لار و خجسته  
تلقین بولایلر و تعلیم کوریلار اندین کین نر کورلار سورویلر کم ای  
بو بولک بولیک من اویس اوزم بولغان مرید اختیار قیدیم قیس جماعت  
بولور و قیس طبقه دین که قوت اولور و حضرت خواجه زنده دلان  
مجلس خضر ایدلار ایدلار نه خوش دولت دور و دوشنخ که اول

بولور افرید اختیار قیدیه لکلا قیامت کونکیم انص و صدق اویس  
اوشور و دوشنخ ده نفع محمد صادق نزاع و منافق قیلور لار میر قیس  
اوز جماعت لار دین و سر قیصه بانه و قیام زمان قیلور کم بولنه اول تخت  
قیام لایونیم غیره و داخل دور اوز شیخ بوسوزن اشیخ شیخ بولور  
اندین کین ارشاد منبصحه که کور کور لار نه و هفته غبه و قیام  
ارادت دوله که مشرف بولور لار **دوشنخ و سیر و الیز** دور ویشلار  
مشغول بولایلر لار سه کونین کونک جمعی لار بولور لار حقه که عدولانی  
لش سلی که کونک شیخ محمد صادق خالص درویش لار نیک بریک بولور کم  
درویشلار ات لار شیخ تبیب کیلکیل دیت معلوم بولغا که خانه دولتی  
دولت ایدر سعادت سمر که مشرف بولور لار اول درویش شیخ  
الغز نیشک شایر بولور افرید تا لار لار سه بوز نیشک و نه بولور  
لش دفتر که الدرد ویشلار سر و قیام شیخ عثمان مامور ایدر کم  
چیتا لقیده صاحب کیم بولور تبصیر سجاد کیتد اولور دیلار و اول  
بابا کمال الدین لقال اسکا التیشیش بولور لار اول نه مشغول اولور  
باوجود کونک غیر مرید کور که رخانه دین بولک نه خانقاها قیدیلر



اول خائفه ده اکی نوز کوشه بار کوه لوی استیک و چون استیک  
در ویشلاری می خورند و در عبادت بیغ کسول بولک لاری و  
او تکیده صومعه مار و دیم اول لاری صفا را در دلا و غیره بولک  
و بنایت ریخت مارتی لاری و مجاهده زهرن تارتی لاری و بنای دین اگر  
هر کوه منیف قوی و منیف اوی و منیف بتوه هم کیده هم برنی تانک  
او چون زخیره قلمه لاری کوه خدمت کارد و ویشی دین در ویشی  
لوق تبین اجتی کم ای بزرگوار نه بولار که مقتدی است لاری کیده  
لاری دین اندک اندک سقا مایا بولار که اکل قبیح شیخ قه در ویشی  
بولار که بسیار دشوار است و دین لاری بد بخت معامل بولار  
بولاق نه خورشید و من قوی لعل کسین بولک لاری ای کسین  
خائفه غم یا و غمیل کم خیانت قیلو جبر لاری و ضیافت قیلو لاری  
در ویشلاری اوسی اگر ه لال لوق دور و آس فانه دین حقیق کیده  
در که کسین بولک بولک هم فیکه در کم در ویشی نوز زخیره قیلو و او  
سوزده و رنه لاری نفع الله بولک اول جبت دین مغذب بولک  
**مغرت علی مداسلام** مبارک خورده لاری دین بولک اوجون قطع قیلو

و معاتب

مقدار

نه مقدار لاری دین باند و در دست اول ایکنه اول لاری دین بر آق قیلو  
مقصود مشرب لاری تیماد می و شکوه کم **مغرت علی مداسلام** لاری  
**لا خفت الکون** صدنی انحضرت صا اسد علی هم جفده ناز لاری  
ان همه و عده و مید لاری اول لاری باره سینه واقع بولک دین بولک  
لاری نفع ای محمد شریف و جود شریف طیف لاری لاری دین هر اینه عالم دینی  
نه بر آس اوردیم و پیر فقر خیف عابو ضعیف لاری قوت و قدر بولک  
دین عده کسین جفا کیده دین لاری ویشی الدین لاری دین لاری  
در ویشلاری سلسله کسین جفا دین لاری و اول در ویشی کیده کسین  
شیخ شریف جمل مقدار لاری لاری کیده که در ویشی لاری مقصد خلیفه شریف  
الدی غم عالم نیاز خدایک بولک کیده سرو که یاز قلیب لاری خلیفه  
اسد اول در که من فقر رانده و حقیق دور افتاده خطای هم حضرت  
دین یل سا کیده در ویشی لاری جمل کسین بولک و باسل لاری قیلو  
بولک دین و خلیفه لاری هم کیده لاری کیده بولک اول در ویشی لاری  
بولک لاری اجماع با غلبه دین نیاز سر که حضرت شیخ شریف لاری  
کسور و عذر تقصیر دین لاری اوسه بزرگوار فقر غضب لاری خلیفه











اسرار و حقایق و کلمات مجیده خبر و کلمات **عده در کمال**  
 یعنی ای آفرینا موندن اوز که ای کس دورا مونا  
 و اولاد نیکه لار نیکه لار که دشمن دورا لاریس اولاد دین خیز قیام کیم  
 اگر که به نیت دشمن لور انیتک من خدایا اجترار قیلار و دروای  
 نشسته جالبه موخه و دشمن لار انیتک به هم اوره لور لار بخول قیلوبه دورا  
 انیتک لار لار استویرنه او به نیتک من کیم لومناح لار خدایا  
 لورایت از لک فضل الله لورایت من است؟ مضمون به لور خانه غیب عطا  
 و من نشسته نیتک جمع قایلید دورا روین اوز لور که جیلاما دوزک کیم ازین  
 سین و غم یاکید کیم انیتک انیتک استان دورا رخ اید لار انیتک لور اید  
 شوهر خدا عزوجل اور کلامه خبر کیم دورا کیم **دورایا**  
**دورایا** یعنی ای مؤمن لار نمان برتا تو نیکه لار و  
 اولاد نیکه لار و مال نیکه لار دین زکوة و اولاد نیکه لار الله کیم  
 از خود نیکه لار و نیکه لار بعد رحال فقر لار غه فقره کیم و نیکه لار  
 قاریا نیتک لور قیام نیتک عبادت قیام دین لورایت لار و لور  
 رال و درین نیتک لور سنور کیم غم خوش کید و سنور کیم باره لور

صرف قیامت بنای قیلد من لکن بنا اسلام استان بر کمال نور و نور  
 دنیا سن تمام انما کیم که سعی لار قیلد لار و زده نقصان لور و لور  
 لور دین کور که زیاده لور لور لور مبارک خاطر لور کید کیم ای کیم کیم لار  
 موافقت لار پد خالقاه بنا قیام من نیت اید کیم لور نیت نیت کیم  
 نیت نیت دورا انما کیم لور استعداد قابلیت لور و نیت لور نیت دورا  
 ای کیم اگر که درویش کیم قیام استحقاق و قابلیت لور نیت کیم  
 سر و نیت غه نیت لور کیم نیت کیم عبادتیکه منقول لور کیم  
 و خدایت لور کیم امید دورا که بده مند لور لور کیم دورا روح دورا  
 نفس نیتک خار و یک کور کیم که انیتک محبت نیتک دورا نیتک اید  
 مرد عاقل اوز لور که غافل سین صدای کیم انیتک سبب نیتک لور نیتک  
 و جمعیت نیتک اامت قیام نیتک نیتک لور کیم اامت و اولاد نیتک  
 سین نیتک عطا قیام لور قیام دین دورا اوز نیتک لور نیتک لور  
 قیام سین و لور قیام نیتک نیتک لور اول و نیتک صرف لور نیتک لور  
 و هر نیتک لور کیم نیتک لور لور لور نیتک لور نیتک لور  
 نیتک لور و نیتک لور نیتک لور نیتک لور نیتک لور



اولیست در میان کیلکی ایام مقدار بار و در که او شوموز سینه تیشک  
به اختیار جبار بود حقیقی نه و قیاسی نه صفت امیدوار بودم که تیشک  
**الفصل در بیان** فرحال قوتی که در خانه با سیف قدیم قویتر از  
توجه که آنم غرضی ایست به قول کون حد وین بیرون طعم با کون  
پیشور در لار و الوان نور لوک سیره شربت آماده اسکا در لار اول بار  
که به پیشور لارنی جبار دیل رو کیدی که مقبول لغات قمار لیغ  
اولی تیشک کش جمع بود و لوجله در آن غرضت رخ اویس وین  
و غایت ای که نوز کش تیشک لیغ در لار و رجال لغت عیدین او  
قوت کید در لار و آسمان نوز کش لاریدین تیشک نوز کش کید در لار  
صحت ذکر و گفتار علی و ذات آن او شومو مجلس و واقع بود  
آن نوز کشی مؤلفه شمع قوی که ی که بار دیل رو نفس لبس لار وین  
لار و چون حاضر قید در لار و آن تیشک کش که کید و دیل رو قید  
قوتی که تیشک قید در لار و شمع تیشک حقیقه فاجه او قویتر از  
شمع قوتی که حالت میمون و کیفیت دگرگون می بود و بار جرم لار  
ایست خانه غرض که دیل رو را سه کور دیل رو که خانه که به کور

اما

اما که گفته سیدین او از لار لاری لاری باریب که یکم بچند در ویش لار  
اولی و بدو لار و لاری و لار که حق طرفیک طلب تیشک لار تا آنکه که خدا  
تعلیم بود که آن قیلا و جماعت لاری سیدین بر حق غیر دلم ای می بر کید  
شمع تیشک یب یکم سیدین که در سه فرسه قوی لاری که دم قید شمع  
بود که فرحال سیدین لارنی باریب ضلالت و مملکت در جبار و پال بود  
با کید اسکا وینه او را وینده قوی اول فرسه قوی لاری که هر دو  
هوشی که کید در لار قوی قیلا که بویقه مبارک حقیقی نه و تیشک  
در کید قبول قید در شمع با غایت لار و در کید سینه مقبول لار  
سیدین اسکا وینده لار که قیلا ن خرقین قبول سینه قید تیشک  
و ای لیک یوان عه نوز تیشک سیدین لار و تیشک در آن کید ایست  
سینه پاک قیلا غیر مرنه که زمان اسکا کید در لار و شمع لاری  
اولی و راق غرض لاری و شمع اسکا و کید در لاری و شمع لاری  
سندیده او لاری و غرض وینده لارنی در کید سینه انداکیل و مرید  
قیلا شمع تیشک که در لاری غرض لاری مرد عاکر لاری وین وین  
او لاری وین وین سیدین وینا وینش وین لاری کید در لاری وین



ای بچی رجال الفی بن اودا دجی خسته نه که مدو که رچلیک او چون تعیین  
قیلید یار غم یا کسل که خواجه زنده دلان بر که خواجه الو الفیض الی کمال  
یراق بولاس لا حقیقه و لیسما نه تناسلی لطیفه سنخ حرم و قیاس  
و موخه مدو که رلاری که او نجات روز که اردن نه او چون قوت کسین  
نه ایدر لاری غزلار مرید و ایشو قیفا ارشخ و که مل راه دیده منزل  
رسیده کشته کک دور و من اوز لولوم نه بکسین و نه یو که رهبر خول کول  
منزل و مقصد تیکوراسین بر کوار لارا ایدر لاسا کخی خوب تیکسین انا  
مجلس سول مرتبه لاری و طرقت لار مقام لاری و شریعت منار  
لاری تعلیم کومیر دور با ایشو عده سیدین حقونک و راه لاری  
طرقت لولیده فانیق طریقه و حقیقت منزلیک تیک کخی و مرید کول  
تعلیم بر و لار اندین سنه نه ایدر لاسا کخی آسمان طریقه فرانسیل اودک  
ایر سه بر مرید سینه سینه ایدر کت هده قیلید سر و بر طریقه نظر کول  
یرا کتیده نه لازمه معاینه کورد و ملک کله که ایدر لاری نوزده  
لاری روزناض دیک بیکه اول زمان ایدر ای و کتیده لاری کول ایدر  
ایر کول اول مجلسین تا بوزمان خسته کول اوز و کتیده لاری مسندین خفه

توتونلار

توتونلار لاری سنه لارا ایدر لارا تر مسندین نه اوز و میر نه خفه قیلید  
اودر کول که ایدر لاری کول سنه قوتون خفه قیلید اسان لولار کول  
کول با سنیک لال سوزدن قوتون ایدر کول که خفه کول که طریقت سنه  
سی اوزده اولتور غیل و سالی لاری حقیقت منزلیک تیکور کول  
غایب لولید لاری سنخ اوی که بار دملار ایدر کول که ایدر کول  
نه لولید کول بشیر نیکه تغیر ملاحظه قیلید اوز کول که انشارت لولید  
و سنخ قد برت تکی که سنه مبارک روز و سنه خوی کول دور و سنه سنه  
اودر لاری سه ایلده قند ایلده قند که حقیقه و کسین هر نه سلا کول  
سنه سرور برت کول که ایدر کول اول خاتونیه باطنی نه نظر کول ایدر  
ای که بانو من کومرینه کسین تیکور کول و ایشو نفع ایدر کول که کول  
والا من مرد عاقل کول که ایشو دین یراق و بارجه دین عاقل کول  
مسندین کول که ایشو قیلید اودر کول که لاری جیل اسلام و بی نه کول  
کول لایفه تی ایدر سه با اتفاق حضرت خداوند خلاق عبادتینه قیلید  
توتونلار و کچند کول مونسین کول که کچیر و کچیر اراوت مقامیه کول  
سنخ اوز کول ایدر ای کخی مل کتیدین ایدر کول که سنه کول که قیلید و لاری سنه لاری



سچ اینده خلایق خیره لایق در حال رخ نیک قول قیفه او از کیم  
 ای کسی که افغانه و ندیده مصیبت بسیار دور و شیطانی غمخوار  
 بود که دور که دخل را دور و تصرف قیفه اما مصیبت اینست که در آن  
 بچند کون اینست قیفه کین بود که و عده میفاده تی بود که کیم  
 ده اولتو زغالین و ولایت عمر که اول قوم نیش امیر و نیش او زنده  
 جذب قیفه کین و او زنده خلق ده افغانت ده طیفه دور را جویند نیش  
 شخ اینده را سره خوشی ل بود شخ چهل تو بود طهارت قیلدر در ده  
 از را کین نه ادا اسلار و قیلدر غم باقیب مصیبت او زنده او تورو و شمشیر  
 امیر که مستوجه بود را سره کور که او یقوده و در قول قیفه قول کور  
 و مضبوط لایق و امیر خد طربان نیش کور تار در شخ امیر نیش که زیبا طیفه  
 او را کین ای بری بدخت تا با کین در افغانه دولت که منور کین و طیفه  
 عبادتین یاق و کین غفلت او یقو کین یلیار حضرت بود که  
 جانی غم بود غیل اینست قیلدر غم نیش صحت غم نیش حضور تا بقیلدر  
 تعین نیش استار جمهر و یکس غم افغان غیل کین را حجت بستره او  
 او چون براتار و طیفه کین ای کین سره و ان غم موفاق لایق او را تار کیم

ده

غم

غم خجانی که غم اب غم لایق قیفه کین و بیکه قیفه انشکه  
 کین لایق او من آید و جان الوهیت در مانی پیا پیا نیش  
 جیبا قیلدر غم خلق اسلار کین غم نیش عیسان کور و من قیلدر  
 خواب نیکای کین امیر ترسان بود و از ان او یقوده را سره  
 کور که امیر کور لوق تورو نیش میرا کین کین عاقل وزیر کین طیفه  
 قیلدر و آید ای فلان کین او یقوده ده لایق کین واقع کور کور  
 نیش سر نیش و وزیر ای کین پادشاه عاقل بود نیش نیش کین کین  
 صاحب لایق کین نظر قیلدر و در کین و راق اعاس دور که کین کین  
 غنائی کور اول در که غم لایق کین کین کین کور کور کور کور  
 لایق عطا قیلدر و افغانت ده کین نیش پادشاه لایق کین کین کین  
 وزیر کین لایق کین کین فلان کین ده دور که نیش خانقاه قیلدر کین  
 میجاده کین او تورو و در کین لایق کین کین کین کین کین کین  
 قیلدر کین کین کین کین کین کین کین کین کین کین کین کین  
 وزیر کین کین کین کین کین کین کین کین کین کین کین کین  
 کین کین کین کین کین کین کین کین کین کین کین کین کین کین

عطا قیلدر ای کین  
 خبر کین کین کین کین  
 نیش کین کین کین کین  
 پادشاه کین



یا کو بخالد بعه کل دینک چون پادشاه شش نینک مبارک فرمود  
او بنو سوزنا ایست و به اختیار ایاغ خه تو شته و کوبه آغاز نیک  
و مردلق نه قبول املار اندن سوزنه نه نیمه ایست مساد قیلند و  
منینک شمه کده هر کم خدا کنش لیت و غده سی و حق پرست لیت  
و لوله سی و پاره سونده خمر بوسونلر که مقصود و مدعا یافتن و نیک  
یونوع کنه نینک استیاقیده اوردن اجمده که اقد کعب لطف نینک  
و مریمت قدر مریم که اامت قیلند بر نینک جقیب مساد قیلند و در ایر شمول  
کون یقی نینک ارادت شریفه مشرق بولوب نایت ایل اول در مجید  
کونده بسیار مرید لار جمع اوله یلار و شخ ترکیت معارفه بولوبان  
بر مال که مغل کور کوز دیلار و خیر سخاوت که قدم قوبد بر تاج و انور کنگ  
بر له موصوف و کله ده لیک نیت که منسوب بیلار بر کون هر درویش  
باشی خیر بر کله رانته سین تنور دیلار و الیک سل مونیک بر له کج کیم انی  
کون انابت قیلنانه یقی نینک کنه تربیده اوردلار و موندن زیاد  
نا تربیت قبول قیل و بر کون خافه ده اولور و ایت دیلار کیم  
امتیان او چون خازن طر فیدن کیدر و خافه اشیا کیدر و شیا

شش نینک

شش نینک الله کده سوسن مردن ایاغ که معلوم بولور ایاغ  
درویش نینک امتیاز نینک با غلاماق شلوک لولین بند قیلن  
او چون کولکلاک لارین و فوجین چکدر ملازمت نینک که غده نینک  
تورما کوخ سولما لول اچیک و علی قید الفاس نینک کون هر درویش  
نه باقی نایت قیلن و غده سی و لول و اقی لولین ملازمت کیدر  
و خافه اشیا کیتیب و دن سوزنه شش قاید و در خیر کیدر  
طهارت الفایا با د اول درویش با اراق ملازمت قیلن و استیاق  
ارقه لار غنه کدی ولایت علم بر له پید کیم بولنه ارادت او چون  
دینا زیکا ادر اول امتیان او چون بولاب غنه تربیت خیر  
عالم طایفه کور ساقی و اعتقاد سن معلوم قیلن اول اوردن طاعت  
سیند و در و الوده قاجانه یقی اولی نوده کیم هر عضو بوارد  
ایلیکن کاسه خا و در بولور ایاغ کور و استعمل قیلن سوزنه نینک  
قوبوب طهارت قیلند صحتی که ایا غلامان هر کاسه اچیده یودر و بولور  
کنه شش قه آبر لور ایاغ کور اوزیکا ایدر کیم بونه نینک دور کیم  
ط لولین سولند و روز نینک و دن جانیر لور و بولور ایاغ



نینه ایدری فلان سوخته لوله من محض اراوت و ملازمت او چون کینه تنگ  
 یکبار ملاقات قبض اول وقت ده پلوسن کم پیر لقی نه است دور  
 یا تو و نیشک امتحان کن و چون که از حق کورسان دور خان بولم زیم  
 شخ دور و شخ لار غه امتحان باره سیده بونوع ایشلار کونغا دور و شخ  
 بولادور خان موانع کمر سه لار دین ابا قیدم فیس ویشخ نیشک لار کینه  
 باره دین سلام قیده و سلام بولم ویشخ اکر سه حضرت شخ قدش سه اید  
 هول قول لار کله اول طاب نیشک بوزیکه سکله و قطرات عیتر مبارک  
 ایلکین جهره سیکه ساجیدلر سینه پوش بولور و سیرت ده کورده  
 قیامت قائم بولور رضی اولین و آخرین یغیدیلار و حب لار و اولاد  
 و قیامت بولور و قورقور و خردین هر شخ نیشک بوزیکه کورده و لار و اولاد  
 هم هر طایفه بولور که هر نیشک که امتحان کینور کی کورده کم ضلالتی کورده  
 بر طر فقا بارادور لار سورده کم ای یارانه قیامت بارادور لار و اولاد  
 موند کمر سه بارادور کم سورما خلق نه بدست کایلتا دور و نیشک لار کینه  
 ویدلار و کینور طاب هم اول کورده نیشک رقه سیدین روان بولور و اولاد  
 یغیدیلار کورده کورده ضلالتی جو غل شیب و کمر سه بدست لار و اولاد

اول توروب دور و خلق نه بر او لکارا دور بولم شخ هم کینور و اولاد  
 الیک تیکور و کرای بزرگوار من قاله و نیشک لار کینه اویس دور و قورقور  
 اسونلار و بید دست دراز قیده سیر بزرگوار ایشلار بسیار دین کینور بولم  
 جالیفه یوز کلسور و قول کونوب ایلکین قورقور کورده لار و اولاد  
 دریا کینه غرق مطالع عمق و ملا خطه قیق کورده تور و اول کورده طایفه  
 الفان کورده بزرگوار اول انان از بدست جاودانه ایشلار تیکور و  
 و یوزیکه طایفه اول کورده اول وقت ده پلوسن کینه و اوزنی اول کورده  
 کورده کمر سه کایان بولوب اول بزرگوار نیشک یا غره یغیدیلار و غدر  
 قورقور و مرد یقین بقول اسلام دین کینور شخ نیشک مقایسه بولور و اولاد  
 اید کم ای نوز نه جان زینهار دور ویش امتحانیده بولم فیس کم اولاد کینه  
 بر آن دور لار اما معلوم بولم کم بزرگوار سلسله هم سیر کورده و اولاد  
 و یتیم کینه مرد بوزیش قیده ملار و اولاد کورده اید زنده دلان و اولاد  
 باطن لار دین توبیت پاتی لار و اویس علیه السلام نیشک طایفه لار و اولاد  
 و کورده ایلیم لار کینه ایدلار ای غلانه خورده لای من کم نه کونوب نیشک  
 اسم تا معلوم بولم کم عمرو من نه مقدره قابلت رجحان ایدری نیشک



که اکبر که غریب کشف محکم معلوم بود در شش ایله شای خاتون  
 اندن معلوم اولار دور که حبیبی ز و قلم اول کونکم سلبت که موخه  
 مال و دنیا لایق نمک عطا قیلد معلوم اولوب دور که غریب کشف محکم  
 امید دور که پاتراق بود و پیش دوست غم و اصل یوسه اک اول ابرو  
 بیایه کنجینه نیک اشیا اجتی ارسه کور بکم نقدینه تمام بولغا ایقین لا  
 حضرت پروردگار غم بسیار قیلد کم اچمه صد بخش لایق نش نه سی شایه  
 بیایه ایدای شوهر غریب غم نیه تیار دور که نقدینه و اموال تمام بولغا  
 خوشحال بود لارسن شخ ایدر غم غم کسل دور که عالم دن آزاده غم  
 دور بیایه کنجینه و مال کتا کسین خیال قیلد غم کس دور بیایه  
 معلوم دور که **حبیبی ز و قلم** سنک مرتبه لارا عللین کرامت قیلد  
 کم قوطب دن عبارت دور که قوطب نیشینا عللین کرامت قیلد  
 یوق دور بیایه شخ قنا خوش کسلد آید نه عجب مردان خا  
 سین کم سلسله پاشده قریب بازا اوزون کیدن براق بولغا قینی خواه لا  
 من دوکت غم اولانغا تو کسین بیایه ایدای شوهر دوکت غم و اصل ک  
 دوکت دن و دستلوق لایق کین وقت ده دور و نینه دوکت غم اولان

اولو کی موقوف ایس دورم اولدور که حبیبی لایق عالمی دوکت  
 اولانغا او بنو سوز ادا کیم شخ نیش قولایقه اوز لایق کیم ای  
 ختم کین بولاق نه او نه دور اولدور که معقول دور قبول قیلد بوق دور  
 خانقاه غم بار غیل و قوطب لایق لایق اول ابرو که شخ بی نهایت  
 خوشحال بولوغا خانقاه غم بار ارسه کور بکم نقدینه تمام بولغا ایقین لا  
 قوطب لایقین غم قیلد لایق شخ غم بی لایق ایدر و سعادت ایدر  
 کسین کسلد و اصل و جمع اقطاب دن فتح فایده سین بیلد لار  
 و فایده دن کین اوی لایق کسلد لار و مشکو لار ایدر و نینه قوطب  
 اسبق قیلد لار ایدای کج قوطب مرتبه کسوت لایق مبارک لایق  
 ایجاب کیم لایق نیش نه حضرت دور که اولیا نقد نیش عالم بی  
 دور شخ ایدای دانا سی راه وای لایق در که من غافل و بی خبر کیم  
 کسین ای کسین بولکون چلد بیکه سینک کس و تر نیش لایق کس  
 مرتبه لار که مشرف بولدوم نه خوش دولت دور اول کس کیم سند بیل  
 موننه کنا ایدر لایق نیش بیج دن دنیا و آخر معهود و نینه اولان  
 سوز بیایه ایدر کیم کسین بول بولین کیم بود دولت لایق و نینه







و یقین مستحقان را چه خوشتر مرخصی و رافع عذاب است که یکانه در نماند  
عصره لازم است و تقیاتی در این سخن بعد از چه طیب است که مرقد و محل  
الجنة مسود است و مقالات لازم را در تفسیر اطوار و اقوال تعیین  
احوال را بنیانیده مردار در بود و فک هر نه نه که روزگار خلق  
در دونه که خلایق اینک بر که بزار است و اسیران قیاس حق  
اما و اما سیدین هم که چنان اول ظهور یافته است و استیاق بر که او را غم نه  
بر که صحبت و نه اما به الفت و اولار سینه سیده و باره و سن اما لا و لا  
غیر از محبوب را معصیده و عشق را با یادید و لا عشق او سیده بود و اول  
سوزان و غم مجر و عود نیک که از ان و دوم دیده که بینه و مدقم سینه  
خاسته و تفرسیدن در دوا را نالان مرغان خوشن که هم فغان از که  
ایستادن بر یاد و چیران بر کوه اتاسی طاعت کند و بنی غم و بار  
و طیب است و ایستادی بسیار از آن زمانه لا قید و مشی خدمت  
و عد و اسلاد و ایدی ای اغزل طیبی و ای مرغی لا علاج بنی بر  
به طیبین غم دنیا تا سراسر ده که عیال دور و عیال بونوع بر که  
دورانها مسفت و تبیین و مشک و محبت اسلای روزگار اینک که سستی

طیب است برای خواج و شواکی سوزان بخش ابدینک ما از زندین  
روزگار که لک و لک و لک که سستی که نیم بخور و در خواج ایدی طیب است  
و جودین سستی او که بستم اده فی مال بقدر حال که طیف و دور و دینه  
شاید که در با بولای طنی که اول و بولای طیف و ایدی لای موی فایت  
و لازمه منفعت دور و دین سستی بسیار و اتمیم با شمار قید و سستی  
الحاج و مبالغه و سستی طیب است و اید و نذر نیاز و سستی و  
سوز و کوه که به سستی یوق دور و رنج محبت سستی و لکین  
و بود که کت شخص قید و سستی و ضعیف و سستی ایستادن سستی  
علم قیاس بر که سستی قید است که بوم ارت عشق او سستی و اید  
که مغلوب است و رو کونکل است که هوا سستی و لبر و سستی و اید و کچل  
عشق مجاز که را بولای که اک مکران که عشق حقیق و سستی و لبر  
ای خواج و زندین یک به سستی و سستی یوق ایدی اما به سستی  
سوزان و آبان و طاعت نالان دور و ایدی علاج یوق و سستی  
در عشق دور و عشق دور و یک معوق و سستی و اول و سستی و سستی  
که اید و سستی اول کت سستی قید و سستی و ایدی و سستی و سستی

جلد



مونا ایستی اوسه طیب الیدین نومید یاندیرم زنده یک آید ای نوزیم  
وسه سنج منک خود سندن بولک زنده لوق دور حالم غمدم قیقل  
مستلا اسلا یکل بار الفیل کم غرض مقصود نیک کمد و روم او نیک بند  
تا نونکونک خواه لا غانه فی قیلای خواجہ عبد الرحیم کو لوب کیم ای ناز  
آیم ارمو قم سین قول غه کیستور کو این کشه بولسیر کدر حبلم  
دیگما قدریم یارایر کرمونکیم اول مقدار حصول تو قدریم  
حالیم انک ایغین ای ات اسودده حال الفیل و منغ اوزر حالیم  
تا از ایزلاب چایین عرف حالیم ایستامین اول دقده تناریم  
بولامیم انیک قمریادیه سیده اوزومنی مهرش طیور خود کیم  
دیلجاسی توینی دن قوش و صحرانور لانیب کیتی و اتاسی اوقه کیتی  
ایه فغان بولم کو کوردرم بولم اوزر خندان و شادمان بارور اکر  
ویارم کونکونک لوان طلی قیلدر سیه تانی غه تی کم اندن بلند  
تصور غه کیس و عقل ادر اکی کند او حیفه و اینکس و انجی جیفای  
مملک اگاس مونا نوز و باتاسی خوشی لولدر حسن ساعت تیبک  
چون که کچک و در حقیق طاق کستور اگاس شت بقیلیم یاوق تیبک

نور کور

نور کور شاهین وار سکراب تانغ اوزره اوزرین ادراسی چیران  
قاله سر تو بدین تو یا قیلدر ای زنده لوبک پیداد لوق دور کیش  
حققه قیلدر شک بولم ارازه لارای پدر حالیم تیا کیم پیدای  
یا نیک کیم انیش ایلکیم همراه قیلدرم اوتا و موندن موندن مع و عاده  
یا دقینسل و مشفق انیم غه مندین دعا دیکس و یبک لولدر لار و انا  
صد آه فغان بولم باند سر او یک کیدر ققعه بولم ارازه نینان سنی غه  
اوسه اناکی نغایدین غر لوز یا دچکار کور اوقه سیدین یاز غای قوتی  
اوسه بولم ارازه اناکی ایدی ای فغان اسودده اولور غل که او  
فرزند پیر نیک قید غمدم حقیق روینه اوقه کیتی اوقه بولم لوب کیم  
نوز ایدارس کور کونیردورم بعد طاهر نینان جمع تو قیل و انیش صانی  
دین پیران حال لولم نیک من انیس بولسوزن ایشیه ایر سیه غموم  
بولدر مقدار دیدیم ای شومبر انیشدن قورقار من دور که کچک کون  
نشنه لیکه طاق کستور اگاس و خول اوقات ایتکی شوهر لیدی  
ای خاتون غم یاکیل کم خواه لا غانه فی قیلون پیر نیک سنی غه باره  
بغایره دور و رخ سیه سوده ایدور اکر کچک دورا پیر لار قوتین



و شیر دل لا قدرین خدای تعالی امت قیلب و حال که بزرگواران  
وقت و تقو ز پاشده ایردس با وجود خدای تعالی بقدر اختیار  
قیلدر و مانع پاشده منکر ایلا و غار که مبلن تو و وجودش طوبی  
النس الفت الدین غریبان و دل بریان و جان سوزان و کوز کاینه  
وسینه خانت سر و پا بر مینه سوزان صم ای پاپایان ده کارا  
و کرمه شمس سل بو نو عده تپت کیم بزرگوار رخ گشت که امدای و همیش  
خبر تا چادر و خدای تعالی دن اوز که کمر به یاد یغیه تی و سر زنده لا  
موش و پیر نزلار موش سیاه و جلیسی می مهد بلیده و بی  
غارده متوطن بو لوب عبادت قیلدر اوز که کوز کاینه برون  
لیک تو حق او چون دایم قویدر پناه که به یکایک بلیده و صیاد و  
کودی کیتار و رای که سیکار غار اوز ره حقیقی کوردیم عجیب و  
غارده اولور و پ قایغ قو قیغ و نخسته ملا خط قیلدر و  
ادم صوریتده هر بولدر و باوق تیب کیم ای عجوبه چون موشین  
و یادیو پر **بزرگوار ایردس** صیادینه کوردیم  
ده نه ایشی قیلدر سین بزرگوار ایدای صیادینشک قیلدر

دور بر گشته ایشی قویدر کربو لو کیم تو قیلب و اوز ایشی  
بو قیلب صیاد او و ویک پیدالودی بزرگوار اوز و من قیلب و  
خدای واقف لول قیلدر که آله نیکه درنده لار بار و در لار مباد که  
سنگ استیکور که لار صیاد و من ایشی اوز سیغیه پانه و اید  
ای خداوند نیک غر زاده سی نه چاره قیلای بزرگوار اید که درنده  
آله نیکه کیلدر لار ایشی من بعد اجم نیکار و در من و ایشی  
جکرم که کیلیک من دینک شاید که فانیلدر کچار لار اول اید  
صیاد روان بولدر و کیتار در ایرد بنا که مانع کوشه کیدن کوه  
شیر لار پیدالودی لار و اوز و من بر شیره صیاد و من حمله قیلدر  
صیاد ایدر لای شیره من خواجه بعد اجم نیک کیم کیلیک من  
بو پیم ایشی با شین تو پین سا که و پشه روان بولدر و نیکه  
یول باریب هر دیم بر پشه دن پلنگ صیقتی اولیم حمله قیلدر صیاد  
ینه شول سوزنیدی پلنگ ام پانه صیاد و من و ایشی بر دینک  
جنگ لیدن بو نو عده خلاص لول اول کیم ام قول نه کیم اوی  
طریق یوز قویدر و من لیکیتی خداوند بر بار نه صیاد بارش ایتی و صیاد



بودی و او زیکه اید کم خوش بنده غریز دور که در تندر و پیر تندر  
 ز ماین تو توب و در نه عجب او غن کشی دور که موندن غار که  
 محفوظ و محسوس او لور و دور نه او چون ضلالت و عالمی  
 قبیله سلا و بید بعضی حاصل لاریغ بوقصدن حکم قید و اید که  
 مصلحت کور بکنند لاریغ مصلحت که باران و مبارک از نی کور که  
 که اول بزرگوار نیند استیاقی غالب مستو ابو لوب لاریغ بکنند  
 و کتب را و اسد که در غار دین از درها حقیق و بولار نه در  
 او چون انتم من اجتنی اسه صناد اید سالی جانور پیر که  
 عبد اجم نیند سلا مصلحت که بار و ریز چون از دها مونا است  
 او و غار نه اکتی و بول و واقع مانت بده قید لاریغ اسه  
 نیند سلا مصلحت استیاقی او چون اول چند است زیاد بولدر سلا  
 بزرگوار نیند مکن که سالی لاریغ غار نه تاپی و سلا و هر چند  
 قید سلا اول غار نه کور مادیل رصید اید ای باران بکنند  
 کم بزرگوار نه ملاقات مینور و دید از نه مشرف بولور سیر و  
 غار که در ماحضه و کما چهره قیاس بل روح دولت لاریغ

دوستی حالین رو او کور مادیل که بونده مبارک وی رخسار  
 کور سلا که اک جالانیا و بید لاریغ بولور سلا و بولور  
 اید سلا که عجب دولت دور و ریز که موندن دولت پیر دین بولور  
 سلا زمان خواجده عبد اجم که عجب کید کم ای عبد اجم من  
 من و کین بنده رجم و بجم که نیند در کما موندن لاریغ بکنند  
 مستاق از ز و موندن لاریغ و دید اکتی نه مشرف صلی قید  
 محروم باند و زوکت شکل قسمت که نه قید غنک دور بزرگوار  
 رجم نیند عام دور و دور کما نیند بایان دور و من بنده عجم فقر دور  
 و نیند سلا زیت خوب کما مکن و بید سلا و بولور لاریغ  
 اکتی و نه اول که من دید از نیند عجم دور و من اول کما لاریغ  
 و نیند سلا با غلاب سلا مکن نیند دید از نیند کور مادیل  
 که قید سلا من و او بجم ای موندن که بجم اند من اول  
 بجم حاصل بولور اراده ادن کون او کما بجم در جماد و قید  
 و بجم موندن جم بکنند و بجم واقع بولور و بجم کین  
 خواجده عبد اجم بولور اول وقت بولور که و صحت و مصلحت

صورت



و معرود کوشه اختیار قیض و بنده لاریک رهبر لوفیل نیز که  
 ریاضت تاریکین و مجاهده زهرین تا تینک کونا کون علم لاری  
 کوردونک ایده س مجاهده زهرین اوزک لاری که کجور کسل کشیش  
 بنده لاری بنده در کام غم تیکو کسل کور کور آید پاک پرورده  
 من تنالیق غم فوی قیض بنده ضعیف ناتوانه دور من و  
 ار اسیده بخول لغوم دور بونک غم نه علاج به دعوت قیض  
 دور اوز کیده **ای بسا ایسم** کست خلیق مجایه اسیر ماس دور کور کور  
 نیاز ایکن بنیاز درک هیغه کور تار در ایدی ای آسمان و زمین  
 پادشاه اوز کلف معلوم دور که ادرک بالغ کونان سن سوله سوله  
 فرض دور من به بنده دور من عورتیج اصبیح بار این اوز کیده  
**ای بسا ایسم** مندن شرمش کلمی در مخلوقات لاری که درین  
 قیض تینک نینک منفع بار دور کور کور اید علمی و صیرا حفر  
 دانا و بنیاسین اوز تینک قوت اکین کیم کور مالک کمال و مانع  
 بول غوسه دور و عینش اچا کیده من تمساک قانی غوسه دور کور  
 ملبس لیسان دور زیر که شهر تینک کلم کور زیر که اندک غم مانع بول

شهریه

قد تینک

قد تینک کور کج ابق و باوق اسر دور اوسو چمن ده اکی فوش  
 صورت کمر سه الولد لاری بهشت جلاله بدین کور کور ارفه کور  
 و مبارک بشمارنی نشور دیلار اول وقت کور کور غل قیللار  
 و غارون تا کفر حقیق لاری سه شیران و پنهان لاری  
 تور و پنهان لاری کور اسوارده بولاق ایمنده دور لاری امانه  
 قیض لاری لاری کور کور کور کور کور کور کور کور کور  
 لاری لاری کور کور کور کور کور کور کور کور کور  
 تناسیر نه سوار لاری کور کور کور کور کور کور کور کور  
 نینک شهره کور و خلق کور غلغله تینک لاری کور کور کور  
 بعضی لاری لاری کور کور کور کور کور کور کور کور  
 حقیق کور کور کور کور کور کور کور کور کور  
 کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور  
 اتفاق اول کور کور کور کور کور کور کور کور کور  
 بنده اوز کور کور کور کور کور کور کور کور کور  
 کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور







ایدلارای یارینک او بیتو حکم نینک منع اظنر قیلائی  
 کوزدک برله کورکس اولاسدیلم بزرگوار سر مجلس ده اوزنیش  
 قسم صورت ده طهر قیلدر تغیر لیبین وقایب تبدیل هم ایلا ایدله  
 سونده ایدلرای درویش بیلگی سین که ان غیر سرتیک منع  
 درویش ایدلرای بزرگوار و ستم و صدق کیشک بر مجلس ده  
 همه غیر لک کورکس آه و کشت که ان غیر رویال لازم دور و ستر  
 دورنچ ایدلرای درویش منع طهر اوتوبتو اسودک طهر بیکه  
 اما حقیقت منع دین کوز بولور که خبردار بولور سن اول  
 اسودک شخ کوز اوزده توبتو بولور درویش رضایت مقابله  
 بولورلار اتفاق اوند نشه و غدره قیلدر لم شخ اوی که بولور  
 چون افلی روق بولور اوتوبتو شخ هم تکلف قیلدر لار  
 و عده مدد افعی روقینده اوان و غدره بولور افعی  
 قیلدر لار افعی اویلا ایدلرای افعی افعی درویش  
 افعی افعی افعی افعی افعی افعی افعی افعی افعی  
 لیب نزاع قیلدر لار افعی دین سورماق غدره حجاج بولور

دین سوری سوردکم ای بزرگوار او حکم کیم قیسه درویش نینک اونی  
 تشرف کشتور دسلار شخ ایدلرای درویش من مع قیسه مکانه  
 خایا اعلی دور من اوتوبتو دین منع بدلا دیرلار دینه اول بزرگوار  
 نینک کرامت لار سر مجلس دین سوری اول اسودک جمع و شخ جانو  
 لا بقدر هر صدم خدمت بجا کشتور و بفرمانلار دین قوتدار ایدلرای  
 و قرق سل مونشک برله تهنیتی کوناسم و غدره سی خاطر لار لایق سی  
 قوتوبتو تناسل دین حقیقی لار و بولور سواد و آد غل قیبتان  
 دوکانه ادا ایدلرای و باش سجده که قوتوبتو لار اول مقدار ساجده  
 که مرید لار دین بولورلار رقه لار دین کیلیک دسلار لال بولور  
 افعی سربار یب شخ نینک افعی لار ایدلرای سواد و قولاق ساید  
 کم شخ و غدره مفعول بولورلار و در لار دین ایدلرای و لار  
 برادر که راقصه سولاسم نینک مذلتی منکا بخت لایق اول  
 حشر یقه کیدکم خضر علیه السلام بر حق پیغمبر دور لار اولار و بولور  
 مذلت بولورلار شخ سعادت قیلدر مرید بولورلار شخ ساجده  
 دین باش کونار دسلار مرید کونوز مقاصد لار ایدلرای بزرگوار ایدلرای



سخاوت دعا کرد که حضرت خضر علیه السلام حقیقه قیلند و اولاً  
 بنده مذلت بود که بیغمه و در لای شمع اید ملازمی در ویش مذلت و اولاً  
 حضرت بیغمه و در لای شمع اید ملازمی در ویش مذلت و اولاً  
 اول در ویش نه اید یکم ای پیر بزرگوار سخاوت که تو منزه می  
 قلی ق نه او چون دور شمع اید ملازمی ای در ویش این را نشانی  
 بود یکم موند دعا قلی که اکل اجابت که تعین و چون او بیغمه  
 مرسل که او بموضع ده بیغمه لک شمرده سی تپی و قیلند دعا حال را  
 اجابت ترفین تابی و بیغمه که یوز لاند ملازمی کون شمرده  
 اول ملازمی جو بخیر کون چاکت وقت ده مبارک قولاً نه و از کسب یکم  
 ای بعد از چیم موندن زیاده خلق ارشید بولاق مصیبت اولاً  
 چون که مرده در مانده لا مصیبت او چون بچند وقت ایستاد بلیک است  
 اول مدت تمام بولاند یکدین که لازمه و در که اول تعی منزه که بار شمع  
 و قالان عمر مذک فزنده اخ یغه تیکور که یسین قوی بلیک و کوش  
 غارده اول نور غیل اول اول و خداون اوز که دن یار و لیک  
 تاجان حق نه تاجور غیل اول اول و کیم شمع غار طریک یوز لاند و اولاً

ملکه که تیب کرد که شیر اول غارده اوی قیلند و شمع نیش  
 نیش همان غارده من چقدر و اوزنی شمع نیش مبارک یا غر نه سواد  
 او ح مرتبه طواف قیلند و حال تیار که اید ملازمی بزرگوار و ای غر نه سواد  
 پروردگار من خلوت خانی شمع بیغمه نایم که رو کرد مادام که کون ترغ  
 کستور ساسک که اک رب ترقیل بچند و لای غارده من تا کفاری  
 جعفری که مل ضرورت که کیکل منزل سینی دور و من بنده زمان بود  
 دور من شمع اید ملازمی خدمت که رای سس سن بلکه یار غار سسین غار  
 که دبلار و شیر لاد خدمت قیلند ملازمی که ییل موشیک که کین و او  
 مد تده بدلا کسوتن کیدر کون اول کسوت و اول ملازمی صدق خبر  
 بود که ای بعد از صم تمیش مل عمر نیک بچند غر نه جور و اما و نیک  
 دوز که التفات ایلا ماد نیک اگر چه پیرده مصیبت مصیبت او  
 خلق بولاند امر دینیک و لیکس بالینیکه نیش که امر دینیک ایکه تمام  
 عمر نیش نیش که بولاق که کفغی عالم که هر بدین رفت کون تار نیک  
 و اصل و لغیل شمع اید ملازمی که با کون اوزونی بلیک کیم و صالین  
 اولاد و تاجیم و او باره خبر یکدم غر نه بلیک و لیکس صد نه حجاب







نوشته کور که شمع شیر نه منبهر غدا ریده او تورو دور لار  
 کم ای بزرگوار خدایتعا بنر که نه قیلد شمع جو ده حضرت سید  
 علی السلام نه قیلد نه قیلد لار نینک قلب یه ایدم دیر  
 نارنج و لبش نوز بسکاسه ایست غار یه بوقصد واقع  
 در ویشلار بزرگوار و صیت لار طریقه سی بکله هر یلیج نوبت  
 لار لار افیغه بار د سلا هر نوع مشک لار بولسه غار نه کی قیغه  
 قیاس عرض قیلد لار جو یا نواب استوار لار لار و اوز که خلایق  
 آه هر نوع حاجت او چون مرار فیض غار لار لار فیه متوجه لار لار  
 حاجت لار رو لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار  
 قول پید ابولوب غریبان بیر نی سیلار لار لار لار لار لار لار  
 بولور ایرو بولور امت بزرگوار و فاحات لار لار لار لار لار لار  
 بجز لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار  
**شمع صاحب که در هر روزی چای و عسل و شکر و نبات و گلاب**  
 پرورنده طفل و دانا نی نیکو خلق و بار مجاهده جمال و شریع  
 بنوی قانو بنیغه علی بنده دغان و دال و لعل و لطف پادشاه

و بکار خیر دال شمع انیسو خ قطب صر و یک نه در حضرت شمع شمس  
 قتال قدس الله له روحه و طیب الله مرقد و جعل جنته مسکنه  
 ده مرد استوار ترک و ترک زاده دمقان جلیق الشیده بنظر  
 لمان دارلق و تیر اندازلق با بیده بی قادر و دلیر لار لار لار  
 هواد قمراد جاللق انیک او تودین خلاص بولس ایرو دیر ده که  
 بنار لغ انیک تهستی انیسو قو تو کس ایرو و کون و زو کس ایرو  
 بشک و کجه لار حق تعالی عبادتیده بیدار نه کشه اهلیدین خبر و کجه  
 اقاوالهین اندونه افغان لار لار لار لار لار لار لار لار لار  
 و انیسو کینو آدیم دارلق قیلد لار لار لار لار لار لار لار لار  
 لیک لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار  
 شمع دار دید لار و کودک لار طعمه او چون جلال و جنت جانور لار  
 شکار اسلاده و دزدانه لار لار لار لار لار لار لار لار لار  
 مسکن لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار  
 کستور و بوجیت دین شمسین قتال تا دیر و بغض کمر لار  
 سلامت مقامید لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار







بباد که یوز لاند را و ز جند تانی دکت ده بختی سجده که قلوب  
قیلغ بیر کافان دور و یک بده نیزن لقمه ایلا و نینک پاره خد  
بدن کایدی زولیده و اودا لوده بد با کرم غنه پرستیش قیدی  
اون مل مونینک بولم بختی کون بیابانید یور و ایدر اوقو غنله  
ایسه بختی بر تاش غنه قلوب او یقوغه بارک و توشیده کوریم بر ااق  
مقال لمر سه پید ابولوب اوق کیده و ایدر **ای شمس الدین**  
دور شخ ایدر ارا و یئودور کور ارسن اول پیر ایدر هیچ پیکور نموم  
نه جبت دین بودا و غنه توشونک لم مقصد لوسن تبالا سون  
طرفا صفا کاسین شخ ایدر ارا ی پیر کیم بی کاسین اما مقصد  
پیکور من کیم خدا یغما نینک بنده لار کاسب رهیر و شیم بی کاس  
یراق ای کاس کیم بودا و ایدر لیک سوندن بولغا پیر ایدر نینک  
غدا و ارقیدنک بنار تبار لدر کاه بنار دد قیلغان ایشلار  
عذر تقصیر ایتاق بر خلاص لوق لازمه دور رس مقصود  
یتاق کا خطراب قیلغ ایتاق ای کاس زیر که دینا کا پیر دور  
کم ایتیکور و بول دینک تا جو کسین تار تاق کال شخ ایدر کیم

مکات سمل دور اما سوز عاقبت کارده دور پیری ای شمس الدین  
غم پاکس کیم عاقبت کار نینک غنه بولغور دور شخ ایدی الجهر صفا  
الحمد صد غنه لوق منوره سی غنه ایشیم اندون منوره و دهم کیم ای کاس  
ایشیم عاقبت دین خوش خبر ایشیم خوش حال قیلغ نینک اما بی کاس  
سون نه کشته سین و ایشیمک نیدر ایدر ای شمس الدین سنینک  
اسم بر لمر نه ایشیمک بار شخ ایدر ای پیر کور اول جبت دین  
کیم شیطان علیه الله پیر کاه و غنه طافه لار غنه بخت صورت بولم  
خبر بولوب اوز طرفکا ایتا دور و جین غنه بخت قیلار دور و قور  
من کیم اول جماعت دین دین اوز غنه بخت قیلما شامون ایتا  
که بوجاعت پیغمبر علیه السلام نینک صورت لارید بولالاک لار ایدر  
صورت دهم بولوب کشته کور و نوش کیم مانع یوقد و پیر ایدر  
غریب نینک اما نینک صدر پیچده بولالاک زیر که من خضر دور  
اول وقت شخ ایدر کیم اول جماعت بولوبت خطیر جمع بولوبت کیم  
خضر پیغمبر کیم و لار علیه الصلو و السلام و شیطان خضر صلو  
نینک صورت لارید بولالاک الحمد صد غنه عاقبت غنه خبر















خدی و در زینت موقوف و در جمیع کما هر مدد و یکدیگر  
و بصورت کک ۲ ز که علم سبب جمعیت و در وجه لافنه فتح کس  
کشتیش تر و رفته که بهج ایش تیس تخصیص و در ویش کک  
و من و فکرم من به رخور تر و من بر و آید ای ذکر و ارفق  
بولسه کک نه سبب لاشخ اید ملار خوب تیسین اما چون در ویش  
لا اعمین یکدیگر و در لار رخ لار کیم عین رخ یکدیگر و در لار  
**و تیشی فکرم من به رخور تر و من بر و آید ای ذکر و ارفق**  
آیب یکدیگر آید ای شخ و من اسلام قلعه سی خه و شمعین سید  
قورن شای کدی و هم اولد و در که خوب قیقا شخ اطا تو قورن  
خ الحیل اطا تفر و در لار قور و غفیک له اطلایب قول لاری  
روان لول ملار کور و ملار که عجب شمع قوی و در ویش  
اید ملار ای باران لار ضیک کوریند و رشا بهر صلیق اک  
باز لارین استمان طرفیک قید ملار و عافه قول کور ای ملار  
آی **کول** جانور لار اولد و در ویش و منک عتاب قید  
و بوزان کیم و من اسلام قلعه سیک و شمعین سید لولوب زور کیند

از قلم

از قلم نه یفم و من قلعه خ ابقینغوسی و در ویش لاری  
ایا عیاط لار یکدیگر ایسر لول لار ایش ک مستول بوس  
لار اولد لار قور قور و من که عتاب قیقا سین او از کید کیم  
**شمسین قس لول لاری و ایستاد و ایستاد**  
نفعی طای و عوانلار نه و نایق ایش غه سی قینغوس لار نه قینه  
اولد و ملار کک مباح و در حال لول لار خرابی ف و او  
کبیک لار جان حفظ و من ملار می فطی و مال نه زند کیم  
واجب و در ویش که باز کور یکدیگر انداز ایستاد لار سید و غیب  
بر نه طای لول و در ویش لار اول مقدار اولد و ملار که عود  
خدا و من اوز ک کشته پیا کای و قانغ نه لار و در ویش قاجتی لار  
تا پیب خبک و من فارغ لولان و من کین شمع ضعی اید ملار ای کور  
سق قتل صغی بونوبت سم و در ویش قانغان خلایق مشول لول  
قیل ملار و در ویش لار و شخ شوق کلد یاید ملار و ایستاد  
الحمد صد کیم غار لول در ویش تا نیم وینه هم از زوم قایب  
و کیم وین اید و در ویش که حصو غه لول کای سواد یلاری

و سعادته



ای ز کوار اول از دوقیسه و شش اید ملاستید بق مرتبه سی و اول  
مرتبه لارا عیسی دورانت اقدس تعجبات یقین میسر بولید  
او بشود واقع دین سوره پنجه مدت دین کین مسجد ده اوله رکا  
او دملار دوروشلار همه جمع اید دملار شخ اید ملا رای یاران لارا  
واقف بولولار کیم نه اولموندن کین شمد نیل لار نه شلایم  
پیدا بولوب کیکوس دورومنه ستمیده قیغوسی دوروشملار نه آ  
قتوراندن کین بکمال اید اول غوسی دوروبالکیده خایم  
بولال غوسی دور اول اید کیم اون کوندن کین شخ نیل سوزلاری  
وقوع کالیدلر سه غنیم پیدا بولولک غنیم پیدا بولولک نه خضر شخ  
قدس سره الزام لایس کیدلار واق واق غنیم ملاروشد  
خضر غنیم قیلب لایس کلب بکل لیک قیلب غنیم یار قیلب ملار  
و غنیم غنیم تقابل بولوب خضر کیدلار ایدلار سه ایدلار دین تانا  
بشین غنیم خضر شخ کولار نه جنم فیه یار دینلار ایدلار  
اول ملار بزرگوار استید بولغاندن کین کولار غنیم کیدی  
و مسملار مغلوب لاری لار و کولار لار و کولار لار و کولار

نیل اید عیسی از اسیر قیلب رکتی لار **خضر شخ** نیل بولید  
او بک کوندن سوزله تاپیلر تورلو خج کوندن دین قیلب ملار و فای  
کین کرد قویتمیده کور دیم شخ ستمادتا بقان لیس رکه ستمیده  
مجلس همه دین بقا بولولور دور دور لار سوزد کیم شخ  
حال بند دور دور لار کیم دور لار شخ اید ملار حال او بشود دور کیم  
سن و بولار شمد او دور لارینه سوزد کیم ای شخ سبب بندور که  
اولملار شمد لار نه مقدم بولولور لار لار ملار رای شخ و شخ  
اولار غنیم ستمید لیس منکاستید لیس بولاک خضر نه مرتبه لار دور  
لاجم مقدم لیک قیلبور من زیر که چیلایم هیچ کمره منظر  
عالمه یان صفت کله یار قیلبی ایدلار یقین نیل قیلبه هم  
شول نوحه بولغوم دور چنچله اتیبت لار **خضر شخ**  
**خضر شخ** خضر شخ غنیم هر که خلاقی ایدلار بختی ایدلار خضر  
غز و جل دور کیده هم بختی دور ای دوروشن جد قیلبل خلق  
اکره بختی ایدلار خضر قیلب تا جفی نه و قیلب الوده بختی ایدلار  
سین اول دوروشن نه سوزد کیم ای شخ خدای بزرگانه







[illegible]

مجلس

بخش ارماس دور اول افعا که مندن مشا به قیلد نیک لار شول  
دین اردینه سورا ای ورنه اول کونا ناضق غم سوت ایما دیک  
و آسمان طرفه نگران ایردیک سبب اسر داید ازیس که قه منک علی  
قیلدر لاسر قه حلقم غم سوت بار کاد و آسمان طرفه کجا باقی غم نیک  
او چون ایرد که جعفر زنت لار شفاعت مقایمه بولدی لار که بیایانک  
نقصه نی کمر کس و قه نیک او تینی او چور کس و البته سوت ایکس کم  
آسنه لقی قه طاف قیلور وقت ایاس و در شول زنت لار کله نگران  
ارد و دینه آسمان اشیک لار ارقاق ارد هر غمسه کم آسمان طبقه  
لاریه موجود اسر و نمودار بولک اولار زنت بده قیلور ارد و دیک  
سوت ایما ککنا ذوالوس قیلدر چون بزرگوار نیک نامی بوسوزنا  
ایسه خوشحال بولدی لار شادمان نصیرن واقع ناما سی نه جک قیلدر  
و اما سی بیجا بوزیدن بروک نفل قیلدر اول کر بنه بروک ایی علی هذا  
سعد خلق را یسید مسور بولک و شور غوغا تو شتلم فلان نیک او غوغا  
باشیده بولنوع انگیزه سوز لارنا ایما و در میش دیب نهر نیک لار لار  
ملازمت و غم غم کس قیلدر لار و کچنر لار بار دیلار چون بزرگوار نیک



قبلی

اولی یقین تھی لارا ایہ سہ بزرگوار اناسی غہ آید ای والدہ گیم  
ہری نیک عزت لار شرف کستور اور لارا اناسی آید ای فرزند  
بہر عاف لار نیک کلمہ سیک عزت لار نیک کلمہ کہ کہیں ہوش بزرگوار  
ایہ ظہر نیک غہ نیمہ تھی اناسی دیدیم ای فرزند مینک ظہر غہ نیمہ  
نرسہ لار تیا دور بزرگوار آید ای والدہ ظہر نیک جمع تو قبلی کم  
محض غہ کورماک اوچون کیسور لار خلق اکبرہ ستمت نہ برد نیک  
ادب سوز و فک خیر اور فک دور باغوز اور فک غہ قیام و نیک  
بو خلق غہ ملاقات قلمن اک اناسی فری لار خیر قیام لار زمانہ ادب  
ایہ کورماک لار کیسور لار بزرگوار کتب لار حقیقہ لار سر لار محض  
قبلی لار ایہ سہ کورماک لار کورماک غہ محض قبول و معقول و کورماک دور  
و کورماک لار ایہ سہ لار صدق و ستمن لار کورماک بارہ کلمہ ہر نہ لار  
راکت ایہ کورماک بزرگوار قلوبنا سہ اللہ لار کورماک ایہ ای والدہ  
سہ فیصل کہ تنور خروای اناسی آید اوت قالامای بخور فریدی بزرگوار  
اند لار اوت باقیہ ان لار قوت پوین سہ حقیقہ کورماک مہنور اوت  
قالامای لار ایہ ای کلمہ زاده سنیل کشیدن با لغات ایجاب قبول

بزرگوار

بزرگوار آید با لغات بلیق فایدین دور کہ اوت دن مراد تنور قوت باق  
ونان پشہ مان دور و مان نہ تنور غہ با فیصل لار کورماک شہنہ نرسہ  
پشہ سہ لار جانہ با لغات بلیق غہ محض و نیت قبلی اول اردم  
بزرگوار نیک والدہ سہ مان نہ تنور غہ با فیصل و غرضین با فیصل زمانہ  
قبلی ایہ کورماک لار لار پشہ سہ کورماک سہ کورماک بزرگوار  
اک کورماک لار کورماک کستور کورماک سہ تناول قبلی لار حقیقہ فاکتور اوت  
رخصت نیلا باقیہ کورماک حقیقہ لار بزرگوار اک کورماک لار کورماک و ادب  
المناک باند وادی کہ کورماک لار والدہ آید ہرات دہ بولور  
دور کورماک اسلاماک و غربت اختیار قلمن اک کورماک ہمیشہ کلمہ کلمہ  
و مانہ مع اناسی فریاد حقیقہ کورماک و فیصل لار کورماک سوز و کورماک  
ایہ کورماک بوفور معلوم دور کورماک منکاسدن اوت کہ فرزند بوق دور و نہ  
اول کورماک سینا بلیق لار لغات قلمن دور کورماک کورماک و بولور کلمہ  
کورماک سین کلمہ توقف قبلی لار لغات قوت باقیہ کورماک کورماک  
وقت دہ سہ مانہ کورماک و کورماک کورماک کورماک رخصت کورماک  
دور کورماک سہ حقیقہ و مان لار کورماک دہ و فرزند لار کورماک در میان



منشک ای که نمی کجا کستور کس و کاست خط هر قضاوت و من پاک  
تو تا غل سرت و طریقت غزل لاری کاست خط هر قضاوت  
زیرا که او جی سره دور هر بخ یا شونان بر که محقر لاری س اول  
علم دور که هر چند اوزن حفظ قیاسه غرض اختیار سوار که کستور  
گفت لوی قیاس و دانسته خط هر لور را یکنوع ولایت دور که دور  
ولایتین یا شوار صفاق خارق عدالت دین پیور لاری که اول  
او چو بخیر صاف دور که هر چند پنهان قیاسه لاری که راجع به  
ای زنده هر که بارش یک حال او بود دور که ولایتین لاری که  
بر لاری لاری دور بسی سنگه و جفر یک دور اناسه سنگه  
بر لاری لاری لاری دور و نقیض با شکار دور  
و چون تی بانه اودی سن الفی کوز لاری که الی در حال  
قوشولدی کوز و زاماسه که و کچه سی و لاری لاری که  
اناسه اید ساری و الیه تا منشک مح فطیقه عمر و من صرف قیاس  
ایک وقت اوله و که سرتیت بنوی جلیب جبرین محمد مصطفی  
سید و سرتیت قبول قیاسه سرتیت که ایر و خا تو نفع اینک من جبار

تا منشک به نیک کم آدمیک بنای عمر هست و بقا کوه دور  
لاری لاری لاری سرتیت لاری لاری دور و سوزن ان اوله  
نمشته و دور خا ر حجت سنگه لاری لاری لاری دور و منشک  
س قلا و نیک و بی منافعه سید ر مجادل به ساری لاری لاری  
قبول دار قیاسه دور که لاری لاری لاری رضت سلا و  
ای و الیه اکند قوشی بولفس و من و عاده یاد قیاسه کم منشک  
جای مندر لاری لاری دور لاری لاری لاری لاری  
و امید دور که عمر و قیاسه لاری لاری لاری لاری  
کم سلا و منشک غیثیم لاری لاری لاری لاری لاری  
لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
اتفاق شام غیثیم قافله کیک قوشولدی و قافله دور  
قوی ولایت و من و سرتیت لاری لاری لاری لاری  
و کشف قیاسه لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
سنتام تکلیف سید لاری لاری و سلا و ساری لاری لاری لاری







سیلان پیدا کرد و لار و اهل کمره و دیار که سیلان منتقل شد بی شک  
یوتوب و دیگره یادقیتی که و بلند او از کمره ای که ای سمن لار و اده  
یوتوبی شیک غزل لار چنگ لار که بوسه ای اول با او بر یک در که  
اجدیت مقرب لار که موندان با او بیک قیلیم اندون کین  
منتقل تا کام یوتوب بزرگوار هر چند شفاعت مقاصد بود و لار و اده  
رمانا لار که سیلان نیه پیدا کرد و زیاد جغاریه ای و با خدایش  
و لاسه ویدار شیک کورست کیس که نیاز لوزین کیست و سوس بزرگوار  
گیمه دین باش جغاریه لار سیلان کور و بی ای بزرگوار و شفاعت  
قبول قسم که که تا خدای شیک فائده کند و لار و اده ای که  
بول و اده که سوز و فتنه قبول قسم که بولوبت کیست و یک شیک  
قیلیم من و بی غزید من منتقل یا ندور و ایر به منتقل به نفع  
بولوب اندون سوز و دیدیم ای مستجاب لوزوت لطف عینیت  
بولوب منتهمه افزیده که ریدین بیل کیس که تا آید شیک دین کند  
بال با او بکنکی من اول ایدیم بزرگوار و عافه قبول کور و اده  
و عافه مستجاب کور و اده سیلان بزرگوار **و عافه کینه کند**

در یاد من حقیقی لار و نیه کینه من کون یول بزرگوار و دیار بول  
یوتوب و دیار ای کون یول سوز تشنه و کس نه یوتوب لار و اده  
غزیه سوز مقاصد بود که ای بزرگوار و اده لوزین کینه  
تشنه یک و کس نه یک بر لار و اده شیک اده لار و اده  
عمر حکمت الی موندان و دور که ای کینه کوز بولوبت و ده بولوبت  
منیر که زام که ای کینه شیک بولوبت سیلان اول از دوده اید لار  
اولیا و اده دین کمره اولار و اده تشنه لار و اده کی حقیقی  
و لار و اده شیک شیک عافه ایاجت که یادق قیلیم سوس فخر  
تشنه لار و اده و کس نه که بولوبت لار و اده ای کینه ای کینه  
اندک توجه بر لار و اده ای کینه لار و اده لار و اده  
توتوب و اده لار و اده ای کینه عافه **و عافه کینه کند**  
ایده ای بزرگوار و من فخر در مانده عافه و دور که اید و اده  
بولوبت **و عافه کینه کند** اید لار و اده ای کینه لوزین سوز  
دور که ای کینه و من منور شیک لوزین عافه و عافه  
و طریقت بل غنیمت و عافه و ای کینه اید و اده



بر کمال دور و مویخه بر آق لیت و له بولست و قومی بخوک و در بر تقدیر  
 و رتق بولست هم آنکه او خست بولور ایتیبی ر لار شینان عجبیان  
 ایدومن خج: شیخ تبصی و صبی شیخ: یغی الی ادم خلق اکره  
 کورافو و رموز دیک: کورال کورافو و زین پیر اوزن کورک  
 مناکب و له و رکم من سینک رادینک بختیده بولست من خواججه  
 هر چند سم قید شیخ سحاب الدین قبول قیدی دلا رافو و زین  
 اکره ضایع بولست من بولان غه تیکو بجه کورق قضا فیل اول  
 ارا خدا یتیم خواه لافان بولست هر الی نیز ترکی بول ق بیح مانع  
 یو قور و دیک بیکو منافقه و مجادله رله حضرت بله لیتی لار و طواف  
 بجا کستور دیکار شول حج و ده بزرگوار دعالا کورک و له تمیش شین  
 لشه نیک جتی قبول قیده ر طواف شاکیده **حج شیخ** نیک قول لار  
 اواز کیده ای سحاب الدین حج دن فارغ بولنمیزین کین حجاب  
 بنا ر لار کین تور دیک طواف حال بجا کستور ماک کال اوجا اولقی  
 طواف نیکم حاصل کور اول ایدویم حضرت بزرگوار بولون تو قف  
 طوافی حال بجا کستور و بولیده قالایم طواف اولدور کیم مکه

مطهره: بخل طواف قیده یغی غیر داخل اکتان طواف بجا کستور  
 بولور دولت غلم نیک دن کله یسه بولغوس دور جنانجه **مطهره**  
**الامام** اولیا، لار پشو ای ایدو لار اوز عمر بیده حج کبار  
 ایت اقدنا طواف قیده یلار اندن کین خدا یتیم دن طوافی حال  
 اامت قضا قین اوز دایکلا دایسه نمیش بولور بولور کوز کستور  
 و جهر ایشک کاکلر کور دیک خانه مبارک طواف دین غیا دور شین  
 کور بیری و ایدر الحمد لله کیم تیل کیم: تا یتیم دیک طوافی غه مشغول  
 لار و بشیر ایتیه دور ایتیم دیکم کور دیک بر میلان طوافی غه مشغول دور  
 حضرت سبطی غه کین لیت و کوروت یوز لاندی ایدو پشو ای  
 قولای قیده اواز کیده کیم ای براهیم کین قیدی غیلیم نیز نیک ایدویم  
 طوافی دن غیا بولغا و بومقدار کله غیا بولش خیمت بیکس غی  
 بوجکایدن اولکده حضرت بزرگوار طوافی حال غه مشغول بولور  
 اندن سوزده حضرت رسول اکرام صلا الله علیه و سلم نیک مدینه کلا  
 طوافی غه غه قیده ر مدینه تبی یوزده مطهره مقدس منور حضرت  
 رسالت بنا هیغه متوجه بولوریدی اسلام عیسیا بنی النبی و ربه



و بركه ته روزة انحضرت صلی الله علیه و آله دین او از لید که عیسی السلام  
یا سحاب الدین **من اولاد طاهر رضی الله عنہم** **قد ثبت الله لهم**  
یعنی رحمت کند ای سحاب الدین فاطمه رضی الله عنها اولاد لاریین  
محمد سید بن خنجه تنه لیتور و ذک حضرت بزرگوار چون نوند آید  
اوسه زیاده فکله قیلد کم یا رسول الله من بنده صبی و جعفر خنجل  
بو غدا غه مستحق و موند ان خطب غه مستعد و روید یک یه و از ابر بر طواف  
غده سفول بولور ساطوف ادا بولور غنجه کونا کون صدرا ایسته لارینه  
کین مجاور لوقه اخیار قیلد یل و اولن میل مدینه ده مجاور اولد  
و اولن حج بکلیتور و سلا و آق عمره ادا لیتور و یلار و لغه و غنجه  
تجصلین قلب کا هو التایق کالیغه لایق بیلور و سلا و اندین کونا  
بولور کم ای سحاب الدین ایده کنگه کک کم اماک منزه لیغه بارکاتین  
و لغه حدیث غه درس ایقهای سین و خدا یقینیک بنده لاری  
در کا هیغه ایند الکی سین و اولن میل انده بولور کاسین اندین سوا  
انانک ییل منزه لیغه بارماق کک اول عابده کوزی بولور و اول  
اول کونظیده و ایستاق در و جایند و در اول ابر و لغه

بزرگوار

بزرگوار قدس سره الغفر رخصت و انصارت و له تاسی منزه  
یوز لاند و غنجه شام سر لغه کشف کستور و لاری و سره انشمنه  
یعنی سلا رکورد یلار کم عجب انشمنه قوی همیش کد بولور یلار و اول  
ییل شامده و انشمنه لاری و در س ایلی لاری و خدا یقینیک غنجه و غنجه  
قیلده سلا راندن کین هرات ملکی کم قیلد یلار و اولد سی سلا راندن  
ییل کورد یلار کم بصر لیکن دریا جره و در زایل بولور و در قون کونا  
و عاقبت سلا ربارک قوللارین انالار غنجه لاری سلا و یلار  
بقدرت اتی غریبال اقلیدی کورد کم از ندر کاسینا بلی و در  
اوج مرتبه باشلارین او یرو ببارک یا غلار غنجه اقلیدی کونا  
نور و درم بولور کج رچ لیکل کورد کم کرمه سل کرمه بولور مرتبه کونا  
و من مظلومه جانده و غنجه کسلا و دای منیل جانیمه کم همیشه  
فریقین او کونا راسد و دای استیاق ییل یقینی و بیان جلمه غنجه  
اوسه حضرت شیخ ییل انالار لغه رچ لاری کیدر قاتع بنده  
ایدیلارای و الله در ویش ابن الوقت و در لغه وقت ییل او  
دور و دریش ابن الوقت ییل ایستار و لاری بکیده ایاس و دای

۲



هم عا فرود معذور تو بقبل که این همه خدمت و ملازمتی که  
از ملازمتی که بکند قانع نباشد عمره غنیمت گوارا و اکی کون او  
اگر خواهر عمر قدس سره انفرزایش که سعادت بهای هر ملک  
سایه سکنه ایال قوتی با وجود پیرایه عصا قوتیغه که در غنیمت  
قید که اول بهای از غنیمت طالع قناتی استیده منزل تو قناتی  
رخ مشقت که ملازمت لاریک بکند ملازم و موثر کف ایان لایفه  
تقصیر و زیاده ای با و سیل اقد و ای مقرب که در آن من در مانده  
و به سر پادشاه قیغ و عده لاریان و خلاف غده اولیا  
بخون رود و در **شیخ ابی** ای خواهر عمر قایدان خلاف غده  
بولد خواهر عمر آید ای بزرگوار و عده اول او و بیکم او  
کین تربیت و من بده مندر لوتان من بکره سل کتخ شیخ ابی بلای  
اگر بریده بوسق ایراد او و من بکره ای تاریک اسود و بیکم  
از او و بیکم که بیکم حال او و عده شول و در و بیکم دین قبول  
قید بلار و اید بلار که ای خواهر عمر سینک اشیک اندک تو به  
موقوف و در بیکم اشیک او و من در بیکم سینک اشیک غنیمت

از او و بیکم که در او را کتشی تربیتی و من بکره موخر لیت که  
اید ملازمت خواهر عمر و او اکی کون اشیک غنیمت و بیکم اول  
نظر تا بقبل که انشا الله اشیک تمام تا بقسم دور و من موثر  
او و اکی کون کتشی او و من حضرت شیخ قدس سره انفرزایش که  
غده نظر قید بلار و نظر ده اشیک تی استان و من او و شیخ عمر اول  
مفید اسی که در صلاتی استی لار که خواهر عمر شیخ سنا بیکم  
شرف بر کات خدای راد قوتین بیکم دور و بعضی خلق اید بیکم  
اول کوک ده نیمه مشایده قید که انکه دکت ارادت تا بیکم  
و جلال که خواهر عمر بیکم سی اشیک بیکم بیکم که در بیکم  
اید ملازمت باران ای باران خورشید لاریک لاریک و در او که  
خواهر عمر بیکم سی بیکم لاریک که از بیکم قبول قید بیکم  
او و با وجود بیکم اشیک و او و در ده اول و بیکم بیکم و در او  
بر و قوت بیکم ای باران بیکم لاریک بیکم و بیکم بیکم لاریک  
سنا بیکم که بیکم بیکم بیکم بیکم بیکم بیکم بیکم بیکم  
بیکم بیکم بیکم بیکم بیکم بیکم بیکم بیکم بیکم بیکم



بولمیز چنانچه در دانشمند را این قول باید که امتیاز قیدی  
 اگر نبوی اید کم درویش را امتیاز خوب را ماس دور و نزدیک  
 این سی جهان فادو راق ایاس کم بوالیش معلوم لوله امفو  
 مقایسه لوله لار خوب را و اگر غصب قبله را عا خراب لوله  
 بولمیز نیک سوز بار خه خوب معقول بولمیز بد سوز بار خه  
 یکبار ملازمیتی که بار عاق که کوب قوتی لار با اتفاق **سخت**  
 بار و یلار چون انشیک که تی لار شیخ نیک انشیکه شرف به کت  
 بر خضدار درخت بار اسر و بخند وقت مولا که قور و قالیب  
 و شمر خلقی بود واقع ز پیور اسر لار لور و یلار کم اول درخت  
 سبز بود و در حیران قالیب لار و یلار لار کم ای بار سبز  
 و تود و یو قدر کم بولمیز اولیا که کبار جک سیدین و ویش قالیب  
 سبز لار کم درختی که خندان سیل قور و قالیب اسر و قدر کم کتی دین  
 بولمیز کالیب ولایت او سبود و رهم اید سوز **سخت**  
 یعنی اوز نفسی که علم اید او کت شیخ نیک باره سیده خطا قیدی  
 این همه مالایق و ناهنر اسوز لار و ایستق و اولاد و دین بر اید

بیت اول که یا نفا مگر زرا که موی که دوت جسمی و دوسوای شیطانی  
 بر له حضرت شیخ قه بگوک ملازمت قلیک کم با اعتقاد و لغت و لا  
 نور معلوم قسکه بولمیز بنا که و قدر غصب لان نظر قبله لار  
 مقهور خفونیز دور و عمر غه نقصان پیدا قیفسوسی در رینه سوزی  
 سوز کم اولیا و اقد اهل که دور لار نجاکت هر چند غلبه  
 دریا غه لغات قلیک اول بیراق کورانا دور که کمی که قلیک  
 ملازمیت که مشرف بولمیز قیادیداریدن مجروح با غاس قی و سوز  
 عمل قلیک حضرت شیخ نیک ملازمی که کوریدار و اید یلار اسلام بیل  
 یا و اقد شیخ و عسک اسلام و یلار یلار یلار بیت ز یلار و لا  
**سخت** وی نه من نه من و من یلار و او یلار کلشن راز  
 او من بیلگه بر حمن اول من ایاس من و اول ایاس سوز یلار  
 جد ایاس هر حمن ایچره اچلیک کلشن راز من و من حضرت  
 شیخ نیک بوسوز لاریدن بولمیز لاریدن اول جماعت نیک  
 که قود و خورشوب بدن لار که ازده پیدا او کت شیخ ولایت لور  
 بیل سوز که بوجامعت هر اباق بولمیز لار اید یلار رای کورال لار



میفرماید که این بیتان قیامت را در آن زمان دور است و دور است  
که در آن زمان هر که در آن زمان قیامت را در آن زمان دور است و دور است  
صورت آن بر آن نورانیست پس در آن زمان دور است و دور است  
ای که در آن زمان قیامت را در آن زمان دور است و دور است  
بر کوه در ویشلار و اولتور و اولتور و اولتور و اولتور  
قیامت را در ویشلار و اولتور و اولتور و اولتور و اولتور  
سخت کشیده کشیده که بود مانند دیده که استکان سوز  
باور قیامت را در آن زمان دور است و دور است  
سوزانان قیامت را در آن زمان دور است و دور است  
مسجد جامع استانبول قیامت را در آن زمان دور است و دور است  
اصیل شمع که در ویشلار و اولتور و اولتور و اولتور  
ای که در ویشلار و اولتور و اولتور و اولتور و اولتور  
کلیسای سرای منقش و وسیع و کوشک و کوشک و کوشک و کوشک  
صاحب جمال قیامت را در ویشلار و اولتور و اولتور و اولتور  
چهران قیامت را در ویشلار و اولتور و اولتور و اولتور

لاری سینه دور و کلا که هر که تپا سه تپا دور ویشلار و اولتور  
فرمانچه که کوشک لاری که خواه لاری قیامت را در ویشلار و اولتور  
و مدت سیر قیامت مقصود لاری حاصل ایلا و سلا و اولتور و اولتور  
ای در ویشلار و اولتور و اولتور و اولتور و اولتور و اولتور  
ولایت نظار اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد  
اولتور و اولتور و اولتور و اولتور و اولتور و اولتور  
شمع نیک اویسی ده که در ویشلار و اولتور و اولتور و اولتور  
ایلا و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد  
ایلا و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد  
نرسه و کوشک و کوشک و کوشک و کوشک و کوشک و کوشک  
**شمع نورانی** و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد  
و همیشه ایو را و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد  
بایا و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد  
حاصل و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد  
ایو بیت لاری طراف و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد



سین قبله سمت مدیدین سوزده سفت بسیار و رخ به سحر برده  
ملازمت که بتی شیخ نیک انشیک لاریه بود ویش تو رو به دی که بتی  
لغ م از سوزد که ای درویش حضرت شیخ قاید و دوزلار درویش  
ایدر طهارت قبله لاریه دوزلار ویش اول ذات شریف نیک بیک  
بوزین استیانه او چون از لاریه بیکه کورد که ایلی اوج کانه کورد  
بار کورد که طهارت قبله دوزلار در زمان کتعی لاریه کان کورد  
کورد که قویاد و دوزلار ویش ویش شیخ اورد اوزیک اید عجب کورد  
اوم و لاریه او بیکان کورد که لاریه جاتی و آرا لاریه شیخ  
علم لاریه بیکه اعتقاد و کنت لاریه بیکه یاق مار بیکه  
ایکسین بوزیک بیکه قطره انکاس بیکه سوزده بوزیک  
بوزیک و لاریه عالمیده کورد که قیامت قیام بوزیک ویش بیکه  
دوزخ که امر قیامت و بوزیک علم و کرم بوزیک بیکه امر بیکه  
مرا او زده تی و زهره بوزیک بوزیک لاریه قویان دوزخ او بیکه  
اولی حیران بوزیک بوزیک بوزیک دوزخ نیک اول طوفان بوزیک  
ایده ای دوزخ بوزیک حیران سین بوزیک بوزیک دوزخ قویان بوزیک

ترانه و از ان دور من شیخ اید لاریه کورد بوزیک بوزیک  
دوق برده قویان سوزده اورد قویان کورد بوزیک بوزیک  
ویش اکره لاریه کورد بوزیک ویش لاریه بوزیک بوزیک  
بیکه کورد بوزیک بوزیک بوزیک بوزیک بوزیک بوزیک  
مشاهده قبله سمت مدیدین سوزده سفت بسیار و رخ به سحر برده  
خط ایلا که کن بیکه کورد بوزیک بوزیک بوزیک بوزیک  
ویش بیکه قبله سمت مدیدین سوزده سفت بسیار و رخ به سحر برده  
ایستیش بوزیک بوزیک بوزیک بوزیک بوزیک بوزیک  
اوج بوزیک بوزیک بوزیک بوزیک بوزیک بوزیک  
ویش بوزیک بوزیک بوزیک بوزیک بوزیک بوزیک  
علم بوزیک بوزیک بوزیک بوزیک بوزیک بوزیک  
ویش بوزیک بوزیک بوزیک بوزیک بوزیک بوزیک  
هرات بوزیک بوزیک بوزیک بوزیک بوزیک بوزیک  
بوزیک بوزیک بوزیک بوزیک بوزیک بوزیک  
اوتاب بوزیک بوزیک بوزیک بوزیک بوزیک بوزیک



الحمد لله

اسرار







آفت آمد و ازین شیخه مشغول بود که در میان یکی تنی قافله که از  
او دلا رو بخت کون بود و بکریلار بر ننگ پید او کرد و کیم که زو کیم  
کیم بود و کیم قافله سردار لغه اید کیم ای سردار عادت تنگ نور  
کیم بودی تیر سیر سیر و سیر و آید تیر سیر سیر خوب معلوم سیر  
او سیر سیر از زره دور سیر کیم چه کیم بود انداغ ننگ دور که او کیم  
بوز ننگ کیم بود سیر کیم از یاد غنای دور و اول زور به روز  
قافله موده هلاک و لا سیر سیر ای کیم کیم سیر ماسک ماسک کیم  
یا نغ و او که لا سلامت قافله سردار آید و یک ننگ قینک لار کیم  
از لاپ کور و بیلار که سیر کیم بولک فقر تنگ کیم لوق دور تنگ کیم کیم  
کولوب ننگ اغریفه تا شاد و بیلار او سیر ننگ بولوب بیلار شاد  
امر بولوب کیم ای ننگ نینا خواجک نینا خواجک بنده سیر از آید کیم  
و مضم قید غیل محبوت کافقار بولوب سیر و بولوب لار خواجک  
ظلم صرح او بولوب ننگ حقیقه قید بولوب سیر بولوب کیم کیم  
جور ننگ موداغ امر زمان تنی او سیر انداغ حیا قینک  
بیم ضرر تینار مادی و بخت کونین سونکه **شیخه قیسی سره الهی**

دین او از کیم کیم ای ضیاء الدین بیج پیلور سونکه سیر نه  
ننگ احمده مجوس ایلاد سیر سیر اید کیم کیم حیر ننگ کیم  
دوم باره او از کیم کیم حلیت اول اید کیم کیم کیم کیم کیم  
وزیر لوق کونلا بیده زنگ زنگ غذا لار دین پرورش با بیلک کیم  
ایچ کیم از بولوغ و قافله صاف و بیغش تورغای تا خداوندی  
و پادشاه صمدی در کیم بیغش لیاقت تا بقای غنائی غنی کیم  
یادی بولوب لوق عاقبت ننگ ننگ لوق کیم دور و ننگ کیم  
جماعت ننگ ایشلارین صیقل قینک دور القصه تنی ای ننگ  
مجبوس بولوب او سیر کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم  
دینه تورادی سیر هر کیم خبر دار بولوب اول وقت ننگ امر ای کیم  
چقار غیل ننگ کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم  
در یادین چقار بیلار عذر لار اتی ای لایق در کیم کیم  
بهم خلق مغذور کیم لوق کیم من فقر حقیقه عافیه اول جبار لایق  
او کیم سندن لطیف کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم  
پادشاه نامنه ای مصلحت او کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم











بود ملازشخ اید ملاری یارانه شده هنر لارکا اقبال بنی لار غیر تو به  
 قیل نال را امید دور که فقیر غم همراه بولغا نیک لار نیک حجر قبول لار  
 والا بهیچ نیک حجر قبول اگر ماس دور چون بوا و از نه همه اشخ لار ملا  
 جان دل بر لار قبول قیلدوق اول ایدیک تمامه سخی نیک لار لغ  
 کسلد ملار و با نیک تو سالیگ به قیلد ملار شول اشداده نیده اول کسلد  
 ای ضیاء الدین لار جماعت نیک حجت سیک شفا عینل بر لار قبول قیلد  
 بولغا نیک خلق اشخ لار اید سخی لار لیت بولغا ح دین یانه لار  
**حجر نیک بنی** یا فاق و غنغ سخی لار بولغا لار غنغ لار و موخه  
 بولغا نیک لار بولغا بولغا لار اید سخی لار غنغ غنغ لار شفا عینل  
 صراف کیدل دور سیک دیک متقبل قیلد ملار لار و بولغا لار عجب لار  
 لار و ایدلده کلفت لار شاده قیلد ملار بولغا لار اید ملار  
 بولغا سینه ملار و اید دور که لار نیومیده لار و بولغا لار اید ملار  
 دور که بولغا لار بولغا لار اید لار و بولغا لار اید ملار  
 بولغا لار بولغا لار اید لار و بولغا لار اید ملار  
 انکا اول لار غنغ و بولغا لار بولغا لار بولغا لار بولغا لار

ایدر ایل ایدی لار اولغا کجک لار ملار زمت ده ایدر و بولغا لار  
 لار زمت لار لار و بولغا لار و بولغا لار ایدر لار ایدر لار  
 دین یا لار نیک بولغا لار ایدر لار ایدر لار ایدر لار  
 نیک لار بولغا لار و بولغا لار ایدر لار ایدر لار  
 نیک لار بولغا لار و بولغا لار ایدر لار ایدر لار  
 ایدر لار بولغا لار و بولغا لار ایدر لار ایدر لار  
 بولغا لار بولغا لار و بولغا لار ایدر لار ایدر لار  
 دریا نیک بولغا لار و بولغا لار ایدر لار ایدر لار  
 قیلد دور لار بولغا لار و بولغا لار ایدر لار ایدر لار  
 بولغا لار بولغا لار و بولغا لار ایدر لار ایدر لار  
 اول لار بولغا لار و بولغا لار ایدر لار ایدر لار  
 شخ نیک لار بولغا لار و بولغا لار ایدر لار ایدر لار  
 دریا نیک لار بولغا لار و بولغا لار ایدر لار ایدر لار  
 عینل لار بولغا لار و بولغا لار ایدر لار ایدر لار  
 یا نیک لار بولغا لار و بولغا لار ایدر لار ایدر لار



حضرت شیخ قدس سره از غزوه که در روز چهارم حضرت شیخ بلند شد  
 قول کوتا ربیب عاصد ملار و او را که از این دید ملار رسول است  
 تعالیٰ قدرت را که ملار را در وقتی عاصد رفته و او را که در آن  
 یا مغور را با غزوه لاق لاریجی او رسولی که الی القصة حضرت شیخ  
 تو دلی که است لاریجی که کید اول وقت شیخ اید ملار را می نمایا  
 نه او چون موجب عاصی سر لاریجی وقت غنیمت دور و ذمت تنگ  
 و بنا می کشید و بضا است از دور فقر را از این ده دور حق و البقیه  
 تا نکل از این غایت هم اول وقت غنیمت غنیمت سر لاریجی  
 قید می کشید و بنیل لاریجی فقر تنگ و ملار بنیل لاریجی تعیین تو وقت در  
 ایام و در حضرت شیخ بنیل به سر سر اول جماعت تا فقر قید را است  
 مقامیده به ملار و انابت قید ملار که شول که از بی فقر است از این  
 کایتی لاریجی سر لاریجی که ملار بنیل لاریجی ملار سر او تو بنیل  
 یا دق کید ملار و شیخ قدس سره از غزوه که بنیت مقامیده به ملار  
 و لاریجی ملار و بنیل که است تربیت که مسرف ملار و او را که لاریجی  
 لاریجی ملار و بنیل که شیخ از علم غایت که است لاریجی که تو بنیل

بر هفت

بر هفت ده بر مرتبه از یاران لاریجی که هر لاریجی که ملار سر او  
 لاریجی اندن کین اولی منقطع بود ملار سر او و بنیل لاریجی کید  
 ملار بنیل او را که در شیخ و بنیت لاریجی و او که ملار بنیل لاریجی  
 از او ملار و بنیل که بنیت لاریجی و او که ملار بنیل لاریجی  
 لاریجی بنیل او را که در شیخ که ملار و ملار ملار بنیل لاریجی  
 و بنیت تاتی لاریجی که ملار و ملار ملار بنیل لاریجی  
**فصل ششم در بیان حضرت شیخ و الی القصة سره از غزوه**  
 مشکافه تربیت ملار و تو بنیت خلیفه ملار که هر قید ملار  
 قطب لاریجی مستعد و میا لاریجی ملار و او ملار لاریجی تاج  
 تاج الدین دهلوی آمد حضرت شیخ بنیل حضور لاریجی بنیل مسند  
 او ملار و بنیل لاریجی که در اینک انان و بنیت لاریجی  
 تربیت قید ملار و حضرت شیخ در درجه است که او در شیخ و بنیل  
 شیخ بنیل از بنیل او ملار و او را که خلیفه ملار و او ملار لاریجی  
 تو بنیل ملار و او ملار که هر قید ملار و او ملار لاریجی  
 او را که لاریجی و ملار که لاریجی ملار و او ملار لاریجی



و طیفه لاری در چند سینه غزلت خلوت از او چه برابر تو نه و رفت  
 و مجامده از تور حقیقه برابر تو لا تار تا اول کوینا قطب و اعلا سوره  
 پیر نیل مندره اول تور که از سه خدا اتیان غده عهد قید کم هر کوی انبیا  
 یوزر لغت نزار او کی شول عهد او ره تور در منورین اوز که هم ریافت  
 بار او که هیچ هم بهر سیفا سیفی خا و بی سیل مونی بر که کتخ و طریقت  
 نیک بار و بهن طی قید سر عرش و من تا فرشی غیبه معلوم بود که و بلکه عرش  
 هم پیدر اندن سوزده عهد قید کم قطب و طیفه مشرف بود که  
 اول تور و پیر نیل از ازی قولایفه کیدر که ای تاج الدن  
 سفا قطب یق مرتبه سی سیم بود که تا نطق جاکت و قیده متوجه بود به  
 خضر بوغیقل که خضر بوسم که الی و لیلسن کو که کند و رزیم که اول خانه  
 اوز و ملک بود که در مانده سین و اوز که باقی سین و اوله اولین الله  
 دیدار شول مرتبه ط موقوف و روح و سوزن این سه ارسنه شمع و ذوق  
 و سر در حاصل که کیدر ایدر لحد مقصود و او بود و در فریال قوتی  
 استعداد در اکت قیدر و وقت معدوم و غه منظر اول تور که اول ارب  
 و عده مبعاد یختی ارسنه خلوت که ازی کو بودیم عجب را اول تور که

دور لاری قطب اس لبین خضر قیدر لاری شمع از او به هم لاری قوتی لاری  
 و اید ملاری تاج الدن محمد لیلسن لاری سفا لعلق دور لیلسن  
 سوره الغر ز فاکه الهی اس قیدر ندین کین قطب یق لبین کیدر  
 ارسنه خضر مشایخ لاری ز لوار دنل حقیقه فتح فاکه سین اوقیه ملاری  
 سوزده اید ملاری ای تاج الدن محمد قطب یق مرتبه سیم مبارک  
 مردانه بوغیقل کم لو منصبه اون بشی سل باه قانوک دور اید  
 خدانه تاجور در دوق و بزرگوار شوق بود که تا کفاری جفای ارسنه  
 بشره کیدر خطی هر بود در خلیفه لاری دن لو منصب متعده و مینا  
 بزرگوار شیک مرتبه سین خضر تاجی ایلکری کیدر که با دین قیدر  
 ارسنه شمع قایدین معلوم بود که خلیفه قدس سوره الغر ز بشره  
 نوزیدن و پیر و بزرگوار غه بمرتبه حاصل بود ناندن کین پیر نیل  
 جنت بوی غه اودی و معن عالیده باطنی نور سیم که اودی تهر ملک  
 و ملکوت عالیه سیر قلدر تا پادی اتم الام غایب انظار که قشور  
 ارسنه لاری نیک ارسیده خضر تاجی و سوزده ای بزرگوار اوز مجامده  
 یلبار که موکجه قاجاق نه اوجون دور شمع اید ملاری کم غایب و انظار



لا یرجی له عالم ظلم ده جمعی کسما یدورن عالم و معینده یزاق اولی  
 اگرچه کور دن غایب لسه کونکده حاضر اندن کین یدلار آفریندن  
 و درویش نایخنه تربیت قیفس و کچه لار نیش طر فک کسکس نر یولار  
 سنخ نیک رخصت لار لکه یاند اوسه کونند و رنظم خلق کله و نیک  
 لار اوز پر لار لک ایدر تا یقین قیفسان مدت آفریفه تی کیم اولی  
 ایدر و بو مدت ده آتیه یوز نشه تربیت قیدر اوزن بشو مشه  
 پرورش اولادی و اوز لار **حضرت عثمان غنی رضی الله عنه**  
 لار مدن تربیت ناپید و اسحاق علیه السلام نیک علم یار یز ایدر  
 صلو آه ایدر و کیم پر نیک ملازمتی کبار و ایدر آفریندن  
 کونلار و یقین سلاک دن مدت لار کام بولدن کاه منک کفر قضا  
 و در رخصت نیک و درین حضرت فتح قدس صدر قلم سره افروز  
 و در طار آتاج الدن محمد رخصت کول دور کیم اولقی کون ایدر  
 بولون رخصت ک حاجت یوق دور امانی هر خلق دن بکل یک تالاب  
 کیم کسک لک کاه کاه دور زیدر که ارا لار به صاحب اول بونش کیم ایدر  
 خدا وین اوز کاشه پیکاه ی و عاصی و کتوبت ایزد انبیا کیم اندن



افر کسور و دینیک لار دودم باره تصدیق تارفاق چه چه اولور چنگ  
 سیل لاریل اوردوک و حقوق در میان دور غازه بولاق اکل  
 چون خلایق لوسوزنا ایشته لار ارسجه بولاریک ایله بیلار که منج ارا  
 بولوب که نه بیدان سوز لایله در **مهر خورشید** روشن کین بایب  
 خلوت اکره کدی لار و خلیفه هم الدن ارفا لار دین کدی لار  
 حقیق طلاری یار ایشله روشن کونمیر املغو کیمه که مبتد لاله  
 باز قدسی عالم لایوتیفه پرواز لار کوردی مر غایب قنات قیودن چه  
 لقیقه دریای پایا نیده سر ادا نس قالدی و افتاب جهان تاب سیر  
 لار بکشدین ذره بیکه متغایین کومار د و کومک بیکه نیک چه غمزه نشانه  
 ارمه س قوی لیکه لار که اولور عاق قدی مجل یوقد و رتا خیر قیودن بایب  
 بومقد ارسوز لار خلایق نیک زمینیه قوسنی و سوز دیلار که اکی هم  
 واقع بند و راف صرح و روشن ایتی ارسه اول وقت ده معلوم  
 که حضرت بزرگوار عالمه من رخت کومار بیکه لار خلق دین ارا  
 حقیق و دما غلله سینه بود لار و لار و لار و خلیفه هم الدن ایله اکی  
 چرخ نزع نیک جانی یوق و در زیر که و هست و هست و اولاندر دنیای

منق

مسقی و ن خلاص بولکه حقیقت منزه لیده اکره اولور  
 خوشحال بق مرله و دای فتماق اکره خوش دولت و اول بند  
 مونجه نایب عری اکره اول بوش سل قطب لاله لوم بته مرله عالمه  
 بزرگوار نیک طهارتیه منقول بولکه و نسل انناسیده بزرگوار اولور  
 اولور و ب نسل تمام بولونجه اعضا لاری سوز ادا اولور و دای  
 بسین المکی مرله کیده سرانین کین و راز مارا ارسه خبازه کلس  
 غار اود و سلا و مبارک خبازه لار نسی تمین و بکه قله ن قنات  
 کور است نفع الیبار غونجه آق بومر بته قوی بول اولور و لار **شمس**  
**الهی** خبازه با نیده خضرا و سلا راسد شیخ بزرگوار بول بجا وقت  
 واقطراب و ور شیخ علی خدیجه طلار اچم الدین بولون باغ سول  
 یاتای که خدا ایتعل جل جلاله بکام و زبان ایتاد و رک ای تاج  
 لکلس من سیک و رمن بوقت ناچار اوب بول قیام کور لوز مال  
 خلایق لوسوزنا ایشته لار حون لجه ده قوی سلا راسد قوی لار  
 اید طلار انا حیدر انا الله رافعون اندن کونده اهل لار نسی  
 باقیات لار خلایق دین قیابنیلار شیخ هم الدن بزرگوار اولور







سق و من کین اول کر سید سکی بکیت نه بر دین بولور سن انیل  
 نیز در بزرگوار است او بشود یا در دین و اتم تحقیق دور تمام  
 انا ۱۱ قلو قید من ناجار موندانغ نرسه لار که اوقات کچور دین  
 اول کشته اید نه خسته آتینک اریکان نر لور ار است ای خواجیه بوات  
 قید ای خواجیه در کجسته سق بول یاقینور سن در محل ایستای کجسته  
 قه اغیر کیلا دور اول کشته اید ای بکیت اکج خط هر ده تونیز و  
 اما تحقیق نیک مغه سی باره قینغور و یکان لور زیره که اکج  
 فعیل و زنده بهلر دور و بولوزن که بی اسم فاعل نیک زنده دور  
 او بشود مغه مقصود دور و بیکس که هر کج بوات اوزره دور  
 غیبی ده ۱۱ همه نرسه لار کشته ده و ملاکوسی دور و غیب بولور  
 باره قینغور دور و جمع علم هر مغه و علم بطنی بولور کشف قینور  
 و اندر ده بولور کشف رای بکیت ان همه استحقاق و قابلیت  
 بونه ایش تو در اختیار قید سن بزرگوار اید ای خواجیه بولور  
 بیکس و دین چهاره یکدن بولور ایش قینور سن اول کشته اید  
 قید ده بولور کین مو کجسته تربیت قینور سن غیب علم لار بسیار

ابن طاهر

تعلیم

تعلیم بر این شایه که او قانیل موندانغ بهراق کجوسی دور بزرگوار  
 اید لار ای خواجیه اک موند قیلنک عین منایت دور و بیکس  
 حق سبحانه و لعل فائیده اوج نابنگ ان دور و دین بولور  
 کشته اید در اوردن و تا پالاس اوردن اول اوردن کجسته  
 نر لور کلا اول کمره ملازمینده بولور انقی سلا که بیکس  
 علم لار بزرگوار دین در نغ تو تاک یثنی سل عالم دین کنی و بولور  
 انجده اول سوز خدمت و ملازمت قید علم خط فارغ لور اول کشته  
 نیک قوت جازیه سی و صلابتی دین صرف جکیده بهج یار است ای  
 اوردن کجسته ایستنی هم سو کرماد و بیکس که اید بید دور و اوستا  
 و فائیدن کین علم جوده علم قید اوقات کچور دور و اوزلر بر باره  
 زیاده لور که کون و نغ و بیکس بیک اوجون بریره سیر کبار  
 اتفاقا کدر سن کور و ستان لیت غه توشه لار که اوستادی بنا  
 کور کشته اید کور بکینده اول سوز بقم و آن قید و نغ  
 سوز که خاطر بیکس علم ای تحقیق بولور اوستا دین نیک کور  
 نیم کجسته سل عمر کور بولور علم لار اوقات کچور کور که



و علم دنیا بقدری که بزرگ فایده قیامت و پیمانی من که رفته پایداری  
یا فوق طبع اولی که رفته پایداری قیامت و پیمانی من که رفته پایداری  
عمل قیامت عاقبت او بگویند و رفته پایداری قیامت و پیمانی من که رفته پایداری  
جیل لاری ترک اسلام کی رسید و علم نه عمل قیامت کی رسید که دنیا  
پایده باغیشتی و رفته پایداری قیامت و پیمانی من که رفته پایداری  
اردمی قول قیامت و رفته پایداری قیامت و پیمانی من که رفته پایداری  
کاتیک ن قیامت و رفته پایداری قیامت و پیمانی من که رفته پایداری  
مدرسه کنجی و مطالعه که مفضل قیامت و رفته پایداری قیامت و پیمانی من که رفته پایداری  
دانش مدرسه قیامت و رفته پایداری قیامت و پیمانی من که رفته پایداری  
بوله ریدن لیس نیر کون هوای سیر کینه که است ای و پیمانی من که رفته پایداری  
و سیر قیامت که در طریقه بی که زیارت قبور قیامت و پیمانی من که رفته پایداری  
اوستادنی و فن قیامت که در طریقه کینه که است ای و پیمانی من که رفته پایداری  
قبور قیامت و اوستادی قبر و زره اولی و پیمانی من که رفته پایداری  
و روحی خوش و قیامت و پیمانی من که رفته پایداری  
برقوز و رفته پایداری قیامت و پیمانی من که رفته پایداری

تشریف

تشریف کسور و دو که و قمر نیک صورت با آرواح لاری شادمان  
ایلا رینیک نه بود که من غریب ملک نیکار یا قیامت و پیمانی من که رفته پایداری  
قوت برسانک که منیر یا شمس ملک من که رفته پایداری قیامت و پیمانی من که رفته پایداری  
و زکوارون موزا الشیب یا منیر یا شمس ملک من که رفته پایداری قیامت و پیمانی من که رفته پایداری  
ختم قیامت و رفته پایداری قیامت و پیمانی من که رفته پایداری  
نیز بود که ریم بود قیامت و رفته پایداری قیامت و پیمانی من که رفته پایداری  
تا پیمانی که حال بند و رفته پایداری قیامت و پیمانی من که رفته پایداری  
و اباید و پیمانی قیامت و رفته پایداری قیامت و پیمانی من که رفته پایداری  
مقرون بود و پیمانی قیامت و رفته پایداری قیامت و پیمانی من که رفته پایداری  
ایر چه جواب پیمانی قیامت و رفته پایداری قیامت و پیمانی من که رفته پایداری  
نه کنی پیمانی قیامت و رفته پایداری قیامت و پیمانی من که رفته پایداری  
عمر یا پیمانی قیامت و رفته پایداری قیامت و پیمانی من که رفته پایداری  
غریز کرده حق مراد اولی که رفته پایداری قیامت و پیمانی من که رفته پایداری  
نسیب اصراف پیمانی قیامت و رفته پایداری قیامت و پیمانی من که رفته پایداری  
علم تعلیم بر کانه و پیمانی قیامت و رفته پایداری قیامت و پیمانی من که رفته پایداری

ارواح و قوت و پیمانی من که رفته پایداری

مکه چ عید علم و پیمانی من که رفته پایداری  
ماهی سید احمد افندی  
دور من شکر کتاب منی و پیمانی من که رفته پایداری  
قدح آلت آلت  
قدح قیامت



روزینه الیک سیل دور کیم تفراق استیده خنزل تو تو دج مره و مسکن  
فرزند بولمانان و خوش تنه او دین فارغ دور و دشت کرد لا بدین  
دور دنیا یوز فیکه شفا با به را و شو بهشت دین پیر لا بدیک مسکن  
دو شمشند لا بدیک کیم مجرای بول و دج مره کیم هر جنسی دین پیر ز کوا  
ایده است لا علم لا دین قیبه علم خنجر افاق دور و زیاده راکل و  
ضبط تا به است دور دین ابنا لوارید ایده ای مولانا منیک علم تو  
صیف کیم سیغاس ایرد و بول و مقدار ایتا کیم یوز شا کوریم باز ایرد  
تیر پیر او زونجه الیک بر ابرکن با و ضبط قیبه کیم یوز کوا ایرد  
صفا و سلیمان یغی نقد بن قیلیم و تبلیح ایل ویم اندیر کیم نه  
ایده ای دین شمشند صورت قیر سیک یقید کیم و خنجر سیک ایرد و کیم  
تفراق استیده کیم دین بول و کیم احیا قیبه تا خنجر کور و کیم  
ایتا لوار صاحب ایرد ای **مولانا شریعت** بخول بول و ز کوا  
ایده خنجر سیک و بول و کیم صاحب ایرد ای بول و کوا  
عالم دین و موجود خنجر کوا کیم نام بول و کیم بول و کیم  
او بول و کوا ایرد ای دینای راه علم دین بول و کیم بول و کیم

خنجر

۱۹۸  
خنجر افاق دور استرای جنانیک غور علم کیم عمل اسلام خلق دین  
و حق دین اوز کوا دین طبع و قطع قیام و مال بسیار یک دین  
قنات قیام و کیم یک ده سخاوت و لا نه تو فاق و خنجر دین  
ساقا ماق و اهل راز و بره خلوت تو فاق و دور و اهل علم و صحت  
و مشر دین فارغ یوز کوا ای مولانا هر کیم بول و کیم بول و کیم  
یقید دین خلاص و کور و خنجر کیم کور و کیم مسفت تا کوا ای  
مند دین میرت الفیل و شمشند ایرد و بول و کیم بول و کیم  
یکانه دور است و نادریه زمان ایرد و کیم شاک و کیم یغی بول و کیم  
نکول و کیم لانه ایرد و کیم علم حال دین بول و کیم بول و کیم  
مغور و کیم سید دین منکر اندا علم کیم خنجر کیم کیم کیم  
اگر سول علم خنجر کوا و کیم عمر مدد کیم لار بار کیم کیم اندک  
و بول و کیم قنات لقی سخاوت و کیم لار و کیم مودف و کیم بول و کیم  
نظر کیم بول و کیم سید جلال و کیم لار و کیم کیم و کیم  
دارا بقا کیم کیم دین او دین خنجر کیم بول و کیم لار و کیم  
**مولانا**  
**ایده خنجر سیک و بول و کیم صاحب ایرد ای بول و کوا**



یعنی با عمل دنیا ده غنایت و آخرت ده شرافت دور وای اول عالم جانیده  
که علم تو را عمل از دور آید مولانا اگر پیش از این رفتی تو بدین  
خواه لا تنک علیک بس و عمل لازم تو فیض درین غایت بهر کسی رسد مولانا  
گوئیم که بوسه زلار درین شور شراره لاله کوشیده و بس پریشان است  
و کت بود و او زبک آید ای فلانی مع پیغمبر حسین که قصه بند و روحیه  
بخون و در سبکس که بویینه غیظ ای و کجای واقع اگر من بعد از تو بماند  
بویض و زخم تنک مصیبتی قیاس و بیابانک اوی که کینه کوشه  
اختیار قیاس قضاوت منتهای بافت پشته ای و جی بده لاله  
لانما لونه و ما عنی طهر درین هم ترک قیاس اول نو علم که نوزد و درین  
و کچه لاله در بافت که مقول که اگر چون اتی ای مونیل بر لاله افروز  
ارسه مطالعید سبب موقی با پی وی که حقیقی نه و کینه ناله آید  
قصه علی پاک کرد که را بخول که کم مطالع و سبب موقی که درین سبب  
خط واقع بود و درین ایتماق قاید زنی بونش سبب او تو ای که بیهوده  
بزرگوار رفو که اگر کرد و آید اسلام عینک مولانا بزرگوار رفو  
و عین اسلام دیب قیاس و معنی و واقع بود و درین سبب که

۱۹۹  
سور که چو حال نید و بزرگوار رفو ای بیهوشک ای بیهوشک  
کو را رسن اول بیهوده عینک ای بیهوشک و تنک ای بیهوشک بزرگوار  
ای بیهوشک ای بیهوشک ای بیهوشک ای بیهوشک ای بیهوشک ای بیهوشک  
استفاده و قصه لاله را کرد و بوزمان اول لاله بیهوشک ای بیهوشک  
لو رسم بود انک نفس که تفاوت قیاس و درایق ای بیهوشک خدا و بیهوشک  
بیکبار و ای بیهوشک مندن غوی طرف لاله بیهوشک ای مولانا بیهوشک  
سند که اول کسب آید بیهوشک خواهد لاله و در که علم کشف است قیاس  
قیاس و راضی و خوشنودین مولانا ای بیهوشک ای بیهوشک ای بیهوشک  
لوک دور اول و در که بیهوشک و درین چاه و نوقه مشرب و درین مشرب  
سو قیاس و بیهوشک بزرگوار رفو که درایق ای مولانا ای بیهوشک بزرگوار رفو  
تاک بیهوشک بیهوشک بیهوشک بیهوشک بیهوشک بیهوشک بیهوشک  
بیهوشک ای بیهوشک در که و ای لایق بیهوشک بیهوشک بیهوشک بیهوشک  
بیهوشک قوی و در کشف ای بیهوشک ای بیهوشک ای بیهوشک ای بیهوشک  
اول بیهوشک بیهوشک بیهوشک بیهوشک بیهوشک بیهوشک بیهوشک  
و علی بیهوشک و در کشف ای بیهوشک بیهوشک بیهوشک بیهوشک بیهوشک

بیهوشک بیهوشک







هم قیامت اول هم او بگو منصبین نه او چون نه اندوه کین بود <sup>و اول</sup>  
 هم هم باین ده بونیکه و کین حق دور و مونیلین تیکه <sup>و اول</sup>  
 نه دولت عظیم دور اول کمره که موندانغ ایشلر جمل <sup>و اول</sup>  
 بوندانغ ایشلر اوسه خوشحال بولور و بوندانغ مونیل بر که کینه <sup>و اول</sup>  
 کینه هم ای شقیق ایل ایل ابره سینان ایش قیلدنگ و موندانغ  
 کمره فیض ایشلر دی وون ایل کونور که ایش قیلدنگ و موندانغ  
 دولت لار وون ایل ایل ایشلر دولت اید و سعادت سر موندانغ  
 بونوس دور و پیکین که موندانغ اسلام بسیار سی ایشلر کونور  
 خدا ایتیم بنگ بنده لار نی حق بولیمه اید ایدلار و بونوس موندانغ  
 خاص قونیم دعوت قیلیم بونوس لار ایل ویا اوج ایشلر  
 کونیش قیلیم بوندانغ دولت دور اول کینه که پیغمبر عظیم السلام  
 متابعت و موافقت قیلیم بوندانغ ایشلر که حق بولیمه  
 خادان قاتبع راق دور ایدیم بولور ایشلر بونوس  
 اید اید ساید که نفس اماره قیلیم کونور لار کونور و بولور  
 لار ایشلر لار ایشلر ایشلر بوندانغ دور و ایشلر عادت اولور که بوندانغ

یسیر یوش نادور و با کونور دور دور هر کونور ایشلر  
 بار دور اول بیت دن سنگ ایشلر ایشلر خفت بریدر موندانغ  
 ایشلر بولور ایشلر که موندانغ کمره لار محض ایشلر موندانغ  
 ایشلر دور دور بوندانغ ایشلر دور دور ایشلر عادت نور بوندانغ  
 دور دور کونور ایشلر ایشلر دور دور ایشلر ایشلر  
 شکر ایشلر لار ایشلر کونور ایشلر موندانغ ایشلر ایشلر  
 جلاله و لاله غیره بوندانغ ایشلر ایشلر ایشلر ایشلر  
 ولایت و کانت صیقل بوندانغ ایشلر ایشلر ایشلر ایشلر  
 مشهوره کینه محض اول بوندانغ ایشلر ایشلر ایشلر ایشلر  
 بوندانغ ایشلر ایشلر ایشلر ایشلر ایشلر ایشلر ایشلر  
 بوندانغ ایشلر ایشلر ایشلر ایشلر ایشلر ایشلر ایشلر  
 دور ایشلر ایشلر ایشلر ایشلر ایشلر ایشلر ایشلر  
 موندانغ ایشلر ایشلر ایشلر ایشلر ایشلر ایشلر ایشلر  
 شغل کونور ایشلر ایشلر ایشلر ایشلر ایشلر ایشلر ایشلر  
 ایشلر ایشلر ایشلر ایشلر ایشلر ایشلر ایشلر

کینه



ای درویش عالمی هر بنده بر کتیا کسین و هیچ کشته هم نیاید  
 و سین هم منتر که بتای و چین و شیا طین مبتلا سی بود کسین زینرا که  
 نادره صوغه لارا آفرید در لار و عوام لار من اسلام نیک و نوری  
 و بیب لار چنانکه آیتیب لار **جمال السو فی لاری**  
**و هو المصون الدین** بسو و میک اول مقدار علم لازم دور کشت  
 بر لار لاری تا قوفی و دوستی لار دین خد رقیبای ایا و شوق  
 ارادت و دین که مشرق لال به هم بار ستول مشغول بود که اول  
 و غیر دین غلط دور **سکرت خفیه** او بگو مجلس  
 نقل قلیب لار که مرد عاشق غایت قلیب بود که در وقت  
 تاریخ ایا سه کشف چن مرتبه سیکه تی اول عاقل کشف غنود بود  
 و یافته بود و پیدا دلم چن انکه غلبه قلیب در چن لار شایسته  
 اداره بود که همیشه اوزیک آیتور ایزو دلم ای مقام  
 لایا بود که لایا که درویش لیک میسر بود و هر نه خود لایا  
 خدای با تاخیر حاصل بود و در و بیست لایا لایا زنده بود  
 بود و نوس دور منک بود و نه حاصل بود و بیست دوران بیست لایا

موجود دور لار فقر نه دارا لغز و ده هم انوش دور لار لوق اسر  
 مامور با هم غلار و مرین عارت لار که منک حاصل دور بیست و نوزده  
 نه اجتناب دور لایه نه او چون پیر نه مقصد بولایین بستر او که کشته  
 تو لغای من و حیا منی نه مرد قلیب من و اوز و چرخ لغایین کشت  
 موجود مرتبه غلط میسر بود انیک پیر نه اجتناب جرق لار و نیکه دور  
 قلیب لایون دلب کشته اختیار قصه و شمع لیت به ده لایا و زین  
 کناره آدی و شغل ترک اسلاد و چین جماعتی دین بختن آدم  
 بود و کلب انابت قبله طار چون موز که اداره و خرافات  
 قوی راق بود و جماعت زیاده را که بود و بیک که کشته ام  
 عالمی هر دین خبر تی لار و باطنی ده معلوم بود که اداره چن و یافته  
 شیطان بود و بیست و پیر خد که رقیب قلیب لوق ایزو دور و با و نوزده  
 هم پیر کلاز مرابت لایا اول لایا که **سکرت خفیه**  
 باریت دل رانده و که در بخت نه بونی من با غلبه قلیب لایا  
 ادب این که افک کیک لایا که کیکه شود بلا بود عالمی  
 و تونخ خد کفر بود و نوس دور که کشته بی سعادت دور که اول



انگیز و رطوبت خلط من قتل بین اول درویش با کردی که بود کم شکی  
 آدم صورتیده اول درویش صفیته اول نور و کوه مرد لا شکر  
 نور و چون درویش بیکر ساریب لام قیسه و پیر ساین بکود  
 ایدای یاربونه فعل دور کم لانه تو بوسن مع کور و فیکم که مرد  
 نیک حیاطیده شیخ بولغا و ارشاد خدر حضرت ابوالشیخ لقی شدند  
 اول نور و مرد درویش قیاس کنکا ا بود غده اول شیخ الله بغه  
 باریب حضرت بیکر اول وقت هر نه قیل ای اختیارین با قیاس  
 الا تو فیلس شیخ چو لایه در لار لار ایدای درویش اوز و اول  
 جبار نیس و منک دخل قیاس و مون ام بیکس که مرد شیخ و قیاس  
 لولا خلیفه انک معافا عا دور و اگاتر حاصل بولغان جانده  
 بو مرتبه لار حاصل بولغان کنین بر خدر احتیاج قالیس لیکس که منکا  
 لار حاصل بولوبی و رویشک مع فخر و **شیخ فخر الدین**  
 اول درویش دید کم ای عزیز شیخ ایتامیس که اس همه مرتبه لار  
 میسر و امانت و ور میان دور کم لیکس خبر نیک بوق دور اول  
 اول نور و کم شیخ فخر و دینده سجد و حق لار بار و در و اول

ادب

ادب قیاس کنده توفیق بخول رو و در اول خدا بقا رو اول و س قیاس  
 و بیکس که شیخ نیک فضای درویش ام ساحت دور ال مون قیاس  
 و بیکس که شیخ نیک فضای درویش ام ساحت دور ال مون قیاس  
 اول مان جالیک بخول لولاد ایکس البته پیر نیک رضا لقی غرض قیاس  
 تا بات مقصود نه تیار سن لاق اسه سیدین رجز لولور چون دور کم  
 ابشیک شتر ل غده ایش رشتا سیدین شیخ سیدین شیخ لقی سجاده سید اول  
 سید اکرم لار نیکس کسین پیر نیک غده قیاسان قیاسه هر اول نیک  
 و سن پیر اول لور سن و الله نیکس تو غلار سن و مقار دور کم شیخ  
 بولوب صین و شب طین او آره سی لولور او بوق قیاس دور سیدین شیخ  
 اراکیده قرنیته البته نفیس قبول قیاس نیک نیک سوزنی الیکس  
 بار کسل اول مرد مرد و ایدای درویش سوز لار دین غرض  
 یغی من او آره صین و شب طین بولوب سن مو لولیک جبار نیس که نیک  
 پیر نیک غده مع نوحه احتیاج قالی بولوب اول درویش پیر لغت  
 قیاس نیک لیکس سیدین سیدین **شیخ فخر الدین** شول ساحت  
 شیخ برونه ایدای بولوب نیک و انک انیس که راکت ایدای و اول



تمام اولیاد و شیخ قدس اجیب حق مودور اما بهر نیل حضرت به شیخ لوق  
 اول زینب کلدی که من حضرت بر این اندن کنیزه اختیار در او یکسره  
 دور اول درویش باریب یوز چیده لاریله او بیکو نورین لازا شیب طبعه  
 معقول فیکه اول نابک ضرورت دن تو بوب تمام نیازمند لیک لایه  
 الله یغفر لیکه سر مرید چمن لار دن املی چین نه هم اه قیلد سر من شیخ  
 بجز دیاق تیشلن همان اول مرید چمن لار شیخ کورد آه سه قاجی لار  
 بادیخت آرقه سی فیه آادس هیچ قیسه نه کورماک **الف** شیخ الله لوفار  
 چون شیخ از کوردیلار ارسه اول بیلدیلر کم ای فلان الشیب دور منله  
 شیخ ابوبین و مرید الیم دریش قیدین مبارک اما بهر نیل حیات  
 اجازت نه شیخ یق قلیق درویشا طر لقه سید کجول رود و در سلسله  
 انداب کیتور و ده که اجازت برده ی من شیخ لوق قیدین سبیل شینک لار  
 بولوبه راما کند نرسه ورک های البته انه ترل قلی غیل که قلیان  
 ینل فتح کت دلق انیل و ترو مرید لار نیل فیه هم اورک تلیس تا اول  
 درین کور پات فی صیفه بیلدی چون شیخ دن بوسوزن ایشیه درویشا  
 باکر و درت دن جقیق و تو بولیدر کجی خوش بولنج هر نه زمان امان

بقول تعلیم

قیلا من شیخ امدلار ای درویش هر وقت که شیخ یق مسندیه اول سور  
 و مرید لار نیل بغیل لاری با باغ عمارت پیدالایه اولالتون طبع لارده  
 کونا کوشه لغت لار لاندیکه مقبالایه اولالتون مرید لار نیل خوشنیل  
 اوج مرتبه سجان اصد و یکیل و لور و غیل کم مرید لار هم دس لار  
 اندن سوزنه بهر ملک نیل تنی تسخ زبیلده تیغ نه کسور کیل اول  
 عجایب نه کورک لیس درویشا بی خوشی لار شیخ ملا زینب در  
 مرله جقیق شیخ الله بدین سلامت جقا نیغه سیدار کیتور و خوشنیل  
 لیک برله او یک مارت شیخ یق مسندیه اولالتوروی مرید لار نیل  
 و ایدر شیخ بوز کورد پر نیل نه دیر اولالتون مبارک دلق قیب  
 ارش دفر حضرت کورد شیخ یق خد سوزردی و غرس هم اورک  
 اما انه اتحاق زمانا معین کج موقوف قیدین لایه صد کم شیخ الله بدین  
 سلامت جقیق و درادن کج و تو بولیدی کج شیخ معلوم اولالتون هر کج  
 لیک کورد لایب درویشا بی سقام دس دس دس دس دس دس دس دس  
 لایقه باغ سیر قل لایه لیره لک تیمم دفع اول شیخ ایدر  
 مانع بود و موزن کین شیخ ظاهر قیدین بوز درویشا لایه دلق قیب

د

ع



و اوله من چوقارغان مرد لاری که باغ سیر طاعت هر کون اوله لور او و  
 اوله لورده اوله لورده بجلوسه اکت قیلبه مد لار بر یلیق منبیه کورد  
 و سنج سنج یلیق منبیه اوله لورده هر کون رابته طعم لاری التوسه  
 طبق لارده اکیب لار کسور بجه سنج نیل نظر مد ماریتک روش طعم  
 بحال که مستول مستول اوردیم بیکار سر نعیم که کون کوز زرد سحر  
 اکت مد لار مدن بعضی سی قاصتی و دو باره ایشی لور اقر قاصت لار  
 او کونج نوبت سحر دیگه بارجه قاصتی ایشی که بر موخه تپه کورد و بچین  
 ییغنه کسور که جهان بارجه با غلا و عمارت لار مد غایب که ایلنجی  
 ایشی که طبعی لار تبدل تا پنبه فر کورد اما اچسکه کورد اوزنی کورد  
 خرابه بیرانه ده اوله لورده که خرابه من که فو ایشی راق و جلمه ایشی  
 نجی که لارجه نبات و الیده سونق سعال لار سحر غایت و ایشی  
 استو به رنیر و سحر کین سحر و فسله اوم و سونیم اوز که هر خاسته که  
 عالمه بار و در غلیظ دین و خیفه دین نظریه لور و ب راز لور  
 حیران اکر یان لور که و غامت لار قیلبه ده دروغ لار ایدر سحر  
 قیلبه و ایشی کونستنه انده اورد او کونج کون خرابه من بقاصت

چققی

چققی اوسه صحرای باکته کوردیم ندر پیر مارونه یار خداوند تمیان  
 بولک مد لار سر ایدین اوز که سویم وق **بهر** ایتانده اند  
 سونش غمخوار وق و خشم جانور لار دین اوز که هیچ و جاندار یوق  
 نشسته اکر سنده هر طرفه لور اوز که یغلا بزیاد قیور اکر که و سحر ایشی  
 رتقال اکر دتا بر هفته سونیل که کلمت هیچ سحر کورد تا بجا و هلال لاری  
 غه یاق ریتی ایدر سحر ایدر سحر ایشی سحر پیلور موسین که لوبلانده ایشی  
 قایدین بولور دین و سنج که قو ایدر که چین و شیطین مد اوزنی که سنج یلیق  
 قنطاریس و پرنیل و تعاقب لوق ایز لار لاسین بولور نیل شوم لیغی دور  
 که تار تار سحر ایدر سحر قنطاریس ایشی نه یلیغ اکر که دور و قنطاریس  
 و تقیصر غه اوز ایشیاب کوبه قیدر لال و قنطاریس ایشی بولور ایشی  
 اوز که لیغی که ظلم اسلام و کوردیم همه غلط ایشی اویشتور و رطبل  
 تا سنادنیک صلاصل هم سیدین سیدار من دیب سحر باطنی غه متوجه لور که  
**و چققی و قنطاریس و قنطاریس** قیدر سحر سحر سحر که قویدر و سحر  
 قیدر ایدر لور لور لور غه باره قیدر لور لور لور لور لور لور لور  
 ایشی فلان حال بند و قاید سحر و نه ایشی قنطاریس ایدر ایشی لور لور











سید بن جعفر بود موکین شیخ بود سوزدن فم قید که طبعی بنده بر ملا  
 ای اتم بیکس که افتاد نظر اتی که تا بش قید سعاد او  
 اگر چه دره دور فرستید نیکس فر با غیشی چون که مسن التمس غنمت  
 قید نیک و زیارت تار نیک قافلن نظر کنه تعلق دور دست  
 نظام الامون غم تو شوم اینک بیکس قمر قلیس و یا لغز تو غمیل و غمیل  
 عا فر و روشنا اینک مدوی سوله تربیت یل کس و او کون نیک  
 غنمت سنا غیل و بی خلوت که یا ندر لارا و کون قوط بر دیار لارا  
 و شیخ اتم سوله خیفه نظام الدین ز تربیت قید ملار سنی قطب  
 مرتبه یک سزا و دوستی دینه سنی خیفه یک لایق اسلام و ملا  
 معمود کون ملار تمام کله ارسه جاکت و قتی ارسه خلوت ده اول  
 ارسه ملار کمر سه خلوت اشک که کیبب عزت یکه شیخ اتم ارسه خلوت  
 اما کله مصیبت بود و ریاضت اول کشته یا ندر سرنما نیدن کسین نیک  
 اتم دکتور بار مهاد کون شیخ بر ملا ملار که حال بند و رود اول  
 تو یو بیکس اجتهت لارا سوله کورد ملار که یا ندر لیس شیخ اتم ارسه خلوت  
 شیخ کور شیخ بهان اسلام علیک یا امین دید شیخ اید ملار علیک اسلام ای

قافله روح

قافله روح الا بین غشی کید نیک که اشکار لیس کوزر لاله اودی  
 تا که لایک کافت خانه کیده بود لب نفس بود آفیده بود امانت  
 قلمی کاک و موندن زیاده امانت دار لیس فم طقت بود و در **غرض**  
**غرض** اید ملار ای انصاف لیس بنده کمال انصاف و حق  
 بند لیک قضا غم سیم او بشود و در شیخ اید ملار ای مقوت در که زمانه  
 بر کس که مشک یا ران دنی و برادر نه دین سی بار و در لارا و لار غم  
 اید ملار تا غم بود سون ملار بر سر بر دیدار کون کولین و رضایق این در امان  
 قامت قالمون حضرت غم را نیک ملار اسلام اید ملار خواه لا غم  
 اول ارسه شیخ بر لارا حضرت غم را نیک ملار اسلام نیک خفت و لاله یا  
 لا غم بر کس لارا هم لار غم لاری لایق غم ملار شیخ قدس سره بار و بار  
 لارا دین غم شود لیس یکه ملار و افر لارا غم غم شود بود لاری  
 به جماعه اوزره خیفه قلم ملار و غم قدس سره و عصای بار برادر لارا  
 انک عطف اید ملار و اید ملار ای نظام الدین هر وقت که در و نیک  
 تربیه لاری غم غم که یکس دستار غم یا ندر غم تو بغیر اتم امانت  
 روز که درون هر نوع ایش پیش کیده غم غم عصا القیل تا قوت غم

غم سوره انفور







اولا غنیمت بر سر لار کم درویشی او و تورو کم حقیقتی  
رزاق لیغ جان اعتقاد قیغی که اکادینا نوزیده کردن هیچ  
اونی سه دورخت لار بر کایت رسته آسمانین قطره یاغور یاغی  
رزقکم بنده لار باره کیده مقدر دور هر که کم بولی س زیم که رزق  
صیفه مبالغه دور رزاق دین بسو بوجل اندیشه دور کم هر که کم  
بود لا غوسه دور و یی روان بودیدید رجوع که مذوز  
افزرد کلیب که حیاتی ایر سه منزلگاه تو شیع لار زمانه  
او تاب ایردیکم آسمانین خدایه تو شیع **خسته**  
نظر لارید اچیلدور ویش لار کور ویدر که کوما کون  
نقمت لار که هر کسز انداغ کور ماب ایر ویدر و حضرت  
شیخ قول کومار یی دعا قیلیدیدر اینی کس دور  
لار نیک نظرید اقدیدیلار ایر سه بقدر استقامت  
قیلیدیلار و طعم دین نارغ بود لغتین کین سوه  
غایب بود دور ویش لار ویکان سوز لار دینین  
بود ب عذر تقصیر **ایله دی** لار شیخ ایدیلدیر ویش

لار درگاه هذا و ندر و اعتقاد مضبوط با عذر ماق کرا که  
مقصود غنیمات سربار عما یذا القیس هر که سوه قطره  
تا که مکه که بئر لار و مرکب دین او سبونیکیلیغ هر که  
و پیک لار هر طرفه دین حاضر بود ب کلدیدر و ویش لار  
منیدیلار و یک لار غایب بودیدیلار تا او کون شوندر  
واقع بود لار اندین سونک لار ویش لار ایدیلدیر  
ای بزرگوار دور ویش نیک الهی اول تورو کم بود  
رخصت بر کین من بعد حاضر بود لار تا پیاده بار  
و تواب حج دین زیاده را که سهر مندی لار **شیخ ایوب**  
مقتنکر لار غه کسد نیک لار اول ایردیکم جانور لار  
رخصت بر دیدر اینی سونک حاضر بود لار **الاعتقاد**  
حضرت که که سیت طوائف مشغول بودیدیلار بزرگوار  
الک سولیع آتیه دور الیب ایردیکم حق جان تا  
قیلیدیلار و فایده بر دین رخصت کین وارنرت بر لار  
مبارزه لار بزرگوار ویش لار مدینه حضرت رسول اکرم غه







نه رواق نیکون اینک لغت اوی آتینا فرده آتوین کوزیک سمر  
نه خوش سلیکم شفاقی شنی لفظ لاشر اردو جرم معین خوش  
مچ قیلغور و جمیع مسنلار آتور دور اینک آتو پاکیف اعلات ایل  
نه خوش بوی که کما دور که جهان کشف کرده چلیب و نه غیب  
لم نیست کسانیده پتیب نه خوش کسبل و لاویر ترور که حیات  
سید یاش ریب و نه خسته تازه نمل دور که باغ ارم کف از چینه  
قد تا قیاس و نه زلف منبر افش و دور که غنیمت شیمی لوی خجالتیدن  
ایولا رنیک شل تا شیر ناه سی که تو کوپ رو ایل و لاویر زلف  
سلسله مقید لار عالم و مطلق لار قدیدن خلاص اولوب و روض  
کم جلا یکندر قاجارین اوادنی محرم رازی سبحان رب العالمین  
این و قرآن بین نزولیده و اسطر وین اوزله ایاس وین همه مرتبه  
و منتهی کت موزیر اسرار کینین اول ابرو که آف کیدر آفرین  
اول بار آد صوفیه ایتور که عالم بر آتقین مقید و نیکی جوید  
دوران اعلایه ایتیلار که **لا اله الا الله** لغت اوی  
مردم اگر سیک و بیدار کین و غیب و کین و کین و کین و کین

قلید اول و دوم و وجود مقید ویر لار وجود مطلق ضمیمه و  
زیر که اگر لوبون الیاسه **لا اله الا الله** باید و لوبون  
نفع آتینلارده آسمان ایزد کالار وجود مقید طبعی و دورانی  
قیماق و لوبون فاضله که عالم کبر سر و لار که طریقت سر و طاعت و لار  
و حقیقت منازل لار عباد و لار لوبون مقصود و مقید و کین و کین  
تور که هر فاضل یک مقید اسی و قی و مطلب اسی و کین و دور امانت  
وین که مقصدی غی و اصل اول اول و قی و دور که اوز و اسی عالم  
ناهو آد وین اول که رسد و عالم لوبون مقید و قی و دور که مقید و کین  
پاک لوبون مرتبه سی که جلای رسد و کین و کین و کین و کین  
تنغ قاطع روحانی بر که کین و کین و کین و کین و کین و کین  
پاک و مقید الیاسه اول وقت الیاسه روح مقید و کین و کین و کین  
ضمیمه و وجود مقید و کین و کین و کین و کین و کین و کین  
ویر الیاسه عالم عباد و کین و کین و کین و کین و کین و کین  
و کین و کین و کین و کین و کین و کین و کین و کین و کین و کین  
و کین و کین و کین و کین و کین و کین و کین و کین و کین و کین





وجود مطلق ایماست و در زیر آنکه وجود مطلق فیه وجود  
 اذاتیش و تفرق و در تحفص و هو و مقید معبود و اما  
 موجودات و جود پیدا القف بود غیدین تر و یکم اینک  
 وجود و بر یگانگی وجود و موجود ایماست و در تحفص وجود  
 او زوایه نوریدین محض رفعت و عظمت او چون پیدا  
 میعان بود و تحتات تحفه در و صلاوات رکیات  
 به یار الواعین ایبار و ایباریه اگر کمر ایتیه عین  
 هم ایماست و غیر هم ایماست بر محسوس استیاری و قد و ر و ا  
**یکم بر یگانگی است سلسله ای که در آن حدیث و غیره**  
 رسول مدنی غنی شایسته قرنی قدس قدر و در  
 علیه و بر کات احوال لا ر و کید او و مضاع اطوار و  
 تعین بیانناکم اول پادشاه ازل و معبود و لم یزل خاص  
 بنده لا در جمله سیدین بنده ایر و یکم هر دو کار عالم  
 خالق ادم جل بلا یوم نوار و راه مقصد لا رسیدین  
 اول سید التقلید و اما این مقصد علیه و سید



ترتیب کرده لا رسیدین شریعت عارفان و در و طریقت  
 اکابر و در جمعی سیدین محب امت و مخلص فلک منزلت و ملک  
 سیرت صاحب شرع مبین و سرور اهل یقین سید  
 طریقه و بنده صادق الاضامن ایر و یکم پادشاه حقیقی  
 قدرت کامله و حکمت شامه بر له از لده سوندان  
 ذات شریف و کبر لطیف فی یرایتکم بار و خاضع و خاص  
 طایفه سیدین و علم لطیفین بنده مندر بولغار اکرم  
 پاک ذاتی منظر الطاف حق و علا اسرار غیب و لسان  
 الغیب کلید کنجیه حقایق و خزینه دلایق لا رسیدین  
 و انکشت شهادت کرده شایر عالم شهادت و همه طفال  
 از جمله فارقی عادات و طریقه سید در و نشانه شهادت  
 دور نه عجب و ایتد و ر که عالم اینک آوازه سیدین  
 پیر و نه بخشه صورت ایر و ر که کرم معده فی یخکلیخ پرو  
 مذ او تدقیق نفس و تقایا لطف عجم کرم قدیرین له  
 طریقه صاحب مکرهت قیله یکم بار و طریقه ایو یو یون



برو سطر قیلدی و عا کیرده منع عالم اوزره سیرک و کندی  
نکته سی هزار ناده بنده سترف بولغان و جمال جهان اوزره عالم اوزره  
هر خبر دغیر یوس لک دور که تا انفرض عالم اوزره دور **اول الله**  
**بوالله** حضرت نوح علیه السلام اول کونیم عدم خانیسین  
وجود میدنا صحنه غدرخت تارخ غارنشین و غار دلمر نخل اوستی بنا  
رجب الحریب نیک لمه تسی سی و شنبه کون اول کچه تا کون  
اوت یا غادی و ج راغ کونید و رما ک جابت بولک و لک اوی اول  
بزرگوار نیک بارک مجا افضا کونیدین اوت باقن نین  
و ج راغ بور و تقان دین روشن را ک اسود و اناسی رحیمین  
نوشکان جهان و سترف کستور کون زمان دیدیم **اول الله**  
**اول الله** اناسی و اناسی لوسر لک کون ایشته اسوسه جیران قان  
لاد که بوجیه ناید و در که کونوع سوزن هر کز ایشته کان ایردوک  
اولا رینک تعجب لار اول جیت دین ایردیم بیغم لک تاجی هنوز  
حضرت زکول اکی صبا اندر علیه السلام و احریر بولاب کون و لک  
ایزور لار لک اولی ایزور نیک توتی انحضرت دین ایلمر

و بیغم

و بیغم لار موافق دین لار دین بیغم ناقل لار نقل قیبت لار که حضرت  
مغیر صبا اندر علیه السلام نیک اولدیرین کین ادا ادا کونوقول معبر  
و اصح راق دور القصه حضرت بزرگوار اولدیرین اوج بیلم کچ ادا  
لوسر دده اناسی غه هر کسوز لار لک و همیشه **اول الله**  
**اول الله** و سراسر دلا بر کون اناسی قویغه لاری و مبارک اول  
که سوز و مدد شفقت ایلمر که سیلادی تمام طاریت لیک هر سوز  
ای نوز نوز نوز سوز و در که ایلمین و در زبان قیبت و منکله  
از دین و کیم سوز اناسی سین بزرگوار ایدی ای تاجی سوز دور  
اینا و دین و نیک بی ایشم بار و در نه باطل کون ایشم لار حق کیت  
اول نکته لار نهر لار که سوز لار ایدم اول جیت دین سوز لار دین  
یتلمین کون اولاد و حق سوز که کون لول و اناسی لید تقایدین معبر  
تور که بوسوز حق دور بزرگوار ایدیلار اول جیت دین حق دین  
سوز دین اناسی نوز ایلمر سراسر و جانت ده آسمان انکته لار حق  
جامل لار لک ایلمر ایلمر دیکه ایتمو ایدیلار **اول الله**  
سوز ایدم ای نیکه لار لک نوز سوز دور که ایتمو نهر لار ای و سراسر



بگویم بفرمودن بر منم بر آئینه شایسته دور که خداوند  
 و علا قدرت که در اول غرضه که باره مخلوقات درون  
 بر آئینه در آینه نور شریفه دور وینه دین و مانیل نیک طبع  
 و حق سبحانه و تعالی نیک دوستی تو که آنرا زاننده وجوده کمال و در  
 اوز طاعت نیت منوخی ابله کوچی دور و دینی باره درین لازمه  
 قیام دور و آنکه ایان کسور و آنکه نفس دور که ایان کسور  
 که از لایحه قوتش و دور و زخ قه پندار و او را کوهید طاعت و شکر  
 بر سوزنا ایستم بر سوزن و وقت ده تیب ایان کسور و و قیام  
 طاعت قیام بر سوزن ایان سببی که تیل غه جابر و او را کوهید  
 کسور و کسور دور وینه و آنکه جعفری دور و آنکه جعفری دور  
 ایان ایان کسور و آنکه جعفری دور و آنکه جعفری دور  
 اول ایان کسور و آنکه جعفری دور و آنکه جعفری دور  
 نور جعفری و بنا فایده که ایان کسور و آنکه جعفری دور  
 امانت که ایان کسور و آنکه جعفری دور و آنکه جعفری دور

و ایضا طاعت پاک پروردگار امانت فیما بین و رب کمال و رب کمال  
 انداز ایان کسور که ایان کسور و آنکه جعفری دور و آنکه جعفری دور  
 ایان کسور و آنکه جعفری دور و آنکه جعفری دور و آنکه جعفری دور  
 کوهید و آنکه جعفری دور و آنکه جعفری دور و آنکه جعفری دور  
 بولع شول شاد و آنکه جعفری دور و آنکه جعفری دور و آنکه جعفری دور  
 امانت فیما بین و آنکه جعفری دور و آنکه جعفری دور و آنکه جعفری دور  
 منظور غه نقصان دور و آنکه جعفری دور و آنکه جعفری دور و آنکه جعفری دور  
 ایان کسور و آنکه جعفری دور و آنکه جعفری دور و آنکه جعفری دور  
 و آنکه جعفری دور و آنکه جعفری دور و آنکه جعفری دور و آنکه جعفری دور  
 مرتبه کسور و آنکه جعفری دور و آنکه جعفری دور و آنکه جعفری دور  
 نور جعفری و آنکه جعفری دور و آنکه جعفری دور و آنکه جعفری دور  
 و آنکه جعفری دور و آنکه جعفری دور و آنکه جعفری دور و آنکه جعفری دور  
 ایان کسور و آنکه جعفری دور و آنکه جعفری دور و آنکه جعفری دور  
 ایان کسور و آنکه جعفری دور و آنکه جعفری دور و آنکه جعفری دور  
 ایان کسور و آنکه جعفری دور و آنکه جعفری دور و آنکه جعفری دور



موجود آید روح بر فتوح لاریه راه آید و مجتبی بار آید و شول  
مدرک آید و در کم جلال در میان دور از ذکر تیل که کندی بدور  
بوسه لاریه آید لاریه سبیل غنچه تیغ انیشیدنی و خال غنچه  
ایکدای نعیمه بیج پیور مومسن که از امیزه فتنه پیدای بولوب در لاریه  
آل دیدار نعیمه آید ای سبیل نه او چون اولور و رسن که هم در غنچه  
میتبده رو در امیزه اینک این بولک نر زنده بوق ترور و غنچه کس که درین  
کین هر نوزاد بولوب بولون ایا اولور سناک منع هم اکتور کس که کینک  
بشرطی قنم یوقه و روح سبیل نوزاد ایشیه ایسه اولور کاک درین  
یغدی بود وقت ده بر لاریه روح پاشده آید و نه نفوز بیلدن  
سبیل و غنچه تابی و نعیمه حسن جمال ده بر کال آید سبیل و غنچه  
کین بسیار کس که رفو اکتور سنی و غنچه سبیل قیلدر که نه نوزادین  
شره تو توب یونو افیتار قیلدر **و در حقیقت بیغده سنی و غنچه سبیل**  
و در اسلامیه دعوی قیلدر و در لیکر سنی و غنچه سبیل و در لیکر سنی و غنچه سبیل  
ایضا بدون محمد یغدی سنی بود و درین **و در حقیقت بیغده سنی و غنچه سبیل**  
انالار نعیمه غنچه سنی یماق بار لاریه که **و در حقیقت بیغده سنی و غنچه سبیل**

مدرک

ملازمت لاریه کایه امشرف لاریه و انالار نعیمه سنی و غنچه سبیل  
یتوه باقی لاریه یتوه باقی لاریه سبیل و غنچه سبیل و غنچه سبیل  
بر لاریه خلق در کنار ه و در حقیقت لاریه لاریه و غنچه سبیل  
حدائق کور کور لاریه و در حقیقت لاریه و غنچه سبیل و غنچه سبیل  
ایکک سبیل یتوه باقی لاریه و در حقیقت لاریه و غنچه سبیل و غنچه سبیل  
بر حق عبایته بر لاریه و در حقیقت لاریه و غنچه سبیل و غنچه سبیل  
و اول حضرت لاریه و در حقیقت لاریه و غنچه سبیل و غنچه سبیل  
و در حقیقت لاریه و در حقیقت لاریه و غنچه سبیل و غنچه سبیل  
**و در حقیقت لاریه و در حقیقت لاریه و غنچه سبیل و غنچه سبیل**  
دیدار لاریه مشرف بولمقان سبیل و غنچه سبیل و غنچه سبیل  
اما اولار کان قیلغایه کایه دو ربطه سبیل و غنچه سبیل و غنچه سبیل  
عبارت و جانبیت ده روح روح غنچه انقال تا بقان مرتبه کایه و  
ایرو کایه و غنچه سبیل و در حقیقت لاریه و غنچه سبیل و غنچه سبیل  
یوقه و در حقیقت لاریه و در حقیقت لاریه و غنچه سبیل و غنچه سبیل  
نفسی قیلغایه حضرت لاریه و در حقیقت لاریه و غنچه سبیل و غنچه سبیل



کورمادی وجه دیدار او که حضرت رسالت پناهی است  
 بیقراری لاریقه و قوتیغه و از لده تو نوحان لاریقه امتیاز  
 پناه کستور دیم دولاری کیده بر اق و یاق یکن دور نظم  
 قرب جان جو بود بعد که سست جان یاق بوسه و لری  
 سسل او دور اول جنت دین حضرت رسول که صبا احمد علی  
 ایتور اید و ملا رانه لاجر نفس از جن من قبیل الیمین یغنی تحقیق  
 من هر انیمین طافیدن رحمن بوسین الیور من بوسین بنک خلیف  
 روحه انصاف از لده ایکن که و بر لاری نیک جان پیکار  
 ایت رت دور و کمره تبیب میان عاشق معشوق زهرست  
 استری بر اند عاشق معشوق از از نرود و او لکته بیکای که تو  
 اوت لا تو بولم هم ایت رت نرود و لالت قیل و در و در  
 استر بان اید و ملا راده واقع لاری بار اسر دلازمت قیل  
 یند بر وجه اول که خداوند و جل حضرت خواجه ابراهیم  
 خلق اگر مستوری لاری تبیب که خوده لامادی که عالم  
 ضلالتی که ملک لاری و بار و حور الیمین خیر و در بولم لاری حضرت

مره لاری حضرت محمد مصطفی صبا احمد علی که بود و یاده  
 و لاری کشف قنات کوفه ام تیش منیل و کشف اولیوس قدس  
 صور ینده معیوش ایطاب و لاری اید و پنهان خیل و لاری  
 کورمال و دنا نواسی پیکت که ایت رت لاری کافای که حضرت  
 اوس قدس سره الیور ایل الی س خلق دین کانه کوه و تو  
 ده هر کوه حقیقی نه و لاری مشایخ بیک مشرف لاری مستوف  
 جمال اسر و از دین اوز که دین پنجر اسر و طیفه اوس مشخ  
 لاری نیک تو لاری قدس قدس سبب اید و در و یب لاری قدس  
 کما اسرار هم و پیل کلم مشخ رحیم اید ایتور لاری اول کونک  
 حضرت سید الشعلی که نیک عمر لاری خلیفه نبی  
 باز قدسی نفس حبیبین بر و از کوه کوهی حضرت خواجه ابراهیم  
 قدس سره الیور نیک لاری موافقت یب لاری کوه و کشف  
 اگر حضرت خواجه ابراهیم قدس سره الیور نیک لاری واقع  
 حضرت لاری حضرت در نین کوه لاری کوه یب لاری یب لاری  
 و یا معیشت و یا نیت الیور کین شکر بنایتی که تو کشف لاری

بعد معلوم ۳

ملا زمت ۳



انالاری قیتمین اذاد بوله یارینه او توزیل طلیت  
مبادت ایلا دیار کیم کیمیه اولار انا کورمدی انیری  
یوکر ابعدا طرفیکه یوسف قیلدی یار ابریه نیه بس یل بعد  
جو کرسد ایردیلا واجیاناً بعضی دولتمند کیمیه لاری اول  
لارین کورب لار برکون برتن درویش برلان قرات لیسکا  
بادیلا و فیصل طهارت قیلدی بیه دوکانه خداوند در کاسید  
اداکور کوزو غایب لیدی لار اندین کین اولار انا کور  
دیلا و یکم فاید دور لا اول سبب کین برله جنجان  
قبر باغلا دی لار کیم متاخ لار مولکا باریج لار کیم اول  
کونکیم حضرت بزرگوار ذرات بسوین غایب لیدی ابریه کور  
بوستانیم قیلک مدفن و ورشونده تشریف کلتور و یار  
شولوقت **اشیخ قبله** یحیی کوروش لیک سید  
اتمام وجه تمام لاری با ایردی و ایسی لاری یوکه کانا  
تور ایلا دیلا قلاق لار غه ایتیلدی کیم ای غلبه منجه  
یح قیلغان برله اوزالده یکنین ایتیک جیلده یی خصوصاً

اولاد

لو طلقده مصطفی کیمیه دور کیم او یسی زنا الدیفه بار غنی  
اقایفه قیلم رود تر لیک غنیمت کو قیلس و خرمینده بولیس  
ایستخ ارسه اوزالار لیک ایدر لاری بعد احد غرض دولت غنیمت  
که ایشیک کیم یول انا موندان کشیک مواله بولک اما سیکس  
اول دولتمند قیلده دور لار دوباره اولار کیم کیم کوه نشان  
دور چون بوندان ایشیک لاری سه فرحال قبولی لغه ایدلار و یکن  
کونکیم کین قیلم غنیمت کیم کوه نشان غنیمت لار و انک  
تور کور کور اوزالده یکنین لار و یکنین لار یقینکیم انا  
اولاد اولده رخساره لارین کف پای لاری غه سوردی لار و اوزالده  
عرض انا اندین کین ایدای بزرگوار کوه نشان دین منک و قی  
یوق ایرد و شریف و جو دینک انده ایلک نیدن خبر توغان انا  
اما اولده رخساره برله ملازمت کیمیه **حضرت خواجیه**  
**مکی** **حضرت خواجیه** **مکی** **حضرت خواجیه** **مکی** **حضرت خواجیه** **مکی**  
خدمت کیم بولک من ملازمت ده امانه بولور کیم انا و یکنین  
قیلم نیکم **حضرت خواجیه** **مکی** **حضرت خواجیه** **مکی** **حضرت خواجیه** **مکی**







اوسه حضرت خواجہ مبارک قول لاری بر لبه منوگونی بیتی اوزده  
تو پیلار او قیدلر بولکه و لیک بیتی قوی سالیب حجه قبلیت  
طرفه یاندی و غن کین حضرت خواجہ ایدلار ای فرزند اید  
مونیس یلیس چون خواجہ لاسانکیم غل غل مشغول بولغا کین  
قوتلر غل آلب و یس قوت باطنی دی رله و بعد اقدیمین و سر رله  
عصا یرک اوزغین ایدر دور که رب الفوه قدرت برکله و دین کوجا  
و غن منوره ایدلار رسم اقدیمین ارجیم **انت و لی فرزند اید**  
**توقی نسل و الحقیقی بقا کین** بوائیت اوتوبیتی غل جان پیاوش  
قیدلار و مع سینه کین بخیرایه شمع عمران یزوی ذکرا ایدیه  
قبیلندی **القصد من الله من حضرت خواجہ نیک ایلر برکله قوت**  
**عصا یرک لیل اتری و خواجہ قوت من سره ایلر و بولور و فانی دینا**  
عصا یرک اوزد عصا اوجیدین بر چشمه بوردونیه بولکه باوقی  
ایستغایر ماس حضرت بزرگوار رسل لاری غل مشغول بولور  
منور اتمایفه بیتی ایدر کیم فرستاده صد ریتده بید بولور لاری  
و بخت بیل لارین خواجہ ایدلار حضرت خواجہ نیک بولور و بیلار

الکی ص

ایر دلم

اود کیمینه تیشی نیک خرمکه حضرت بولور کیمیلر رستخ عبد الصمد  
امام بولور غل لاری ادا ایلای فن قیدلار و **حضرت خواجہ اول**  
**اگر ایدر ایدر** بیتی افاغ لاری کین تیشی بیل و غن منور  
بولقه مسکن و دوا قیلدی و شیخ عبد الصمد من اوج سیه خان  
اولتور و بیلار اندین اشارت بولور بشارت بیتی کیم ای فرزند اید  
بخش خدمت قیدلر نیک مصاحب منسحق حقین کجا لیلر و دوند  
خدمت کیم اوزده دور و سینه منورین زیاده بویده قوتی قیطر  
رعایت اگاس دور و راز و طیش غل بانغین من سندن فرستور و  
من خدا تیعما قدرت کمال و حکمت شامه بالغه سی رله کمالیقه  
تیلور کای اول اوردکیم حضرت بزرگوار ایشرت لاری رله و کمال  
غله یاندیر و ایلک بیلدین کین عالیدن کتی و اصداع باصوب  
**یکم که کین بیتی رستخ کیم و بولور غل قیدلر و بولور و بولور**  
**ایستغایر ماس حضرت بزرگوار رسل لاری غل مشغول بولور**  
**منور اتمایفه بیتی ایدر کیم فرستاده صد ریتده بید بولور لاری**  
**و بخت بیل لارین خواجہ ایدلار حضرت خواجہ نیک بولور و بیلار**



ایستایل ابرو اول در استایل عباد و اشرف لاریدین ابرو بر  
خویش و قضا طلیع انا لاری با ابرو کیم ایستایل منصب قضا  
شو نینک ابرو قاضی لیتق منصبی البیر محکم و عادل لیتق منص  
بره موصو و مستحکم ابرو بر کوز منصب قضا و اول نور و لاری  
و خواهر پسر هم اند جافرا ابرو دینار قاضی منصبی برادر  
بار ابرو بر و بره دعوی غه کیکدی و قاضی عوانه کیکدی ندین بکا  
ایکرا کیم عادیجه اوریندین قویو تعلیم قیلینک و ریغوا  
اورون کورینا آقوی معلوم قیلدیم خصم بره دعوی غه کیک  
ایکان و خصم عذر خواه لیتق مقامید ابولدی و ایدای  
میل معذرت و تو تغیل کیم من بیجا دم که پشیمک بره دعوی  
یه با ایکان اگر بیدیم ابروی مندی بو فعل بهر کیر و قوع  
کیلمای ابرو بیجا کاندین بو خطا مندی واقع بولدی کیم بر  
برادر لیک حقی در میان کیددی ناجار تعلیمین قیلیم بو  
جستین خاطر نیک غه خطم قیلدی بولغای زینهار  
خاطر نیک غه برزیه کینور ماکیل و بیکسیر که انچه قاضی لیتق

تعلق

تعلق بار و در کما هو قطع قیلغوا و در اول ابرو کیم خصوصیت  
بولدی لاری قاضی نیک حکم عدلی و مدنی علیه غه جالیغ انا  
بولدی اندین سوکره ینه عذر که نور دیم بیجا و من معذرت  
تو تاق کک اما انچه حکم غه تعلق و در رختجه ادا قیلیم انا  
خواهر پسر غضبناک بولدی ایدی ای پدر بولونع عذر ز کینه  
یما تراق و نیک لاری نیک منغ سی بار که من بیجا دم و پسرین  
او چون بیجا ای سنیم انا کینه دارا القضا غه کیکدی دعوی دن  
اوز که نه ایکان بار و در ابرو ابرو ادرنی کور کما انا کیکدی  
کیکاک کک نه قاضی خانه کانه لطف بره تنها کینور غه غضبناک  
بر و ابرو ای پدر ریراق ایجا و در کیم حبس نه و کیم نیک  
بلای غه مبتلا قیلغان بدایت غه رصیق و بات نفین قاضی  
برایا غی بحاس و بر کوز کور کما بولدر صحن خواهر بوجا  
منه متهمه قیلدر و معاینه کور دیم انا سی اندک خطا بره بولسا  
اعظم غه افترا بولکه اوز بکا ایدر ای بیس نور و کیم انا غه  
نه حال واقع بولدی انا بولمنصبت نیک و فایده من کین سنک



سینک جانک هم او بتو نیکو بوفوسی و در بر اوق او کنگ  
بشکلیکیده خلاقی دن او زد لیکل و تنف یق ایز لیکل  
اگر به ناطل اوق عالم دن بار خاندی هر او کنگ منصف  
سنع تکلیف قبول لار او قبول قیلنک چند سیم ایا لار او  
دور او قبول قیلنک چند ان بلا لار او کور کونک و در اوق او  
اوردی خدا پلور که اوقت ده اینک جان بخول بوفوسی رای  
اگر خضر یق بخنیش ایش لولسه کرد حضرت امام المفضل بر بانی  
و سر ارج الاله و الله انتم علی سلام و اسد ایا انتم کونک  
موجر فضل کمال بر او قبول قبول لار او اول او کنگ  
رخصت یلاد و اید رای پدر سینک تر بکنینک اوده منک کنگ  
طو اقیغه بار عاق اوک ناطل سینک قاسم بار ارج ایش لار او  
اودنیک قافوسی دوزخ هر اول وقت ده بار ایا غوم دور  
اژاد او درین رخصت بکس بار این دبات یقین بانیب کس  
اتا سی منع مقامیده لولم ایا و زند من پیر بوب و من ناک  
کبر او اول ده پیر لار او ناطل بقیان بار و سینک کیم پیر سینک

فرزند اوق

فرزند لول قهر و خواجیه ایدی لار ای پدر سنک ایزده کور  
بار دور او خواه لافانی قیلنک سهر نه خواه لاسه قبول لار او  
بر اوق او اسم او غمرده پیر لار او کنگ لولسه هر دن هر  
خه بیلور دور او هر چند یاق بوم و نصیب بایسته قایل لار او  
بولغاشی پایده دور غنایت کله خوشنوق کله اجازه بر کس  
انتا اصدیات وقت ده ملازمتی فیه تبم کاک لاق ایزده  
اودن دور و کنگ ایش خدای پلور ایا سی ناچار رخصت کرد  
ای فرزند بیکس که سحاره لیک این سنک رخصت کرد ایا  
کبک سناک بچل قلم غم و خوشنوق بول غوم دور وینه قیامت  
امتا و صدق کونک و ریشک لیکم سینک یالینک ده دور بار غم  
ناشور دوم ایا لول جابده و فی قبیل یالینک لولده تشویش  
خواجیه اید لار او پدر رخصت ایتان قبول لار او  
سینک دشوار یق زار و کور عای دور منک تشویش زار و کور  
دیب بر تاه نان ز توئی فیه سکر و لولغی لول لاندی کس  
دور او کاتی لور و لیم نابینا او لور و بد و ریشک و دید و لیمان



مشو که بر لب چقیق لقی تا شکر نیک تراستی بیتی ارسه سولیده  
 چشمی رخ قیدی و اعلی رتقت غار اوی دی باشن سجده که قوبه  
 و آیه الهی است بنیق سر له خلاص لقی بر دینک و سوار لقی زار و  
 دین مناجات قیدین کن کین کویت ز او قوبه و ان بودی  
 بیت پای در راه غمت بنده ام روز غمت از دو کون  
 آغوش غم کارینک یوسف چون قوبه و ایاغ ز قید به بار  
 تا تمیزان و اعلی کون لول یور و بکر دیم بر لعلی انش الفی  
 هم و بکر دینک کون هم راه بکر دینک ده خم اجبه بر لول یور  
 و اعلی کون لول نه بار که اسر کساج یق غلبه قید کون غار  
 بودی تاغ باشک چقیق خدای تمنا نه ناله فرار قید نه ناله  
 بر غار بکر دینک اوت کور و شکر خدیج لقی دین ذوق سر له یکور  
 و غارینک انزلی غم قیب لول دیم اعلی تن در دینش اولتور و  
 حقیق ز و قیدینک عجب دینک مقول دور کربلایم قید در دینش  
 سلم غم ارب کور و اوزک بیج غم سه عا دینار و سوار عا دینار  
 کجای دافطه روق لول رفا قید عا دینار اول اید دیم عالم قیب

سفره

سفره کیدر حقیق ز دفع اعلی و سلا رخواجه بر سر هم سیر  
 اسفره ارادن غایب کدر ارسه سول وقت و د سوار عا دینار  
 ساف قایدین سفاخت ر قیدینک نه سیر کدر ارسه سول وقت  
 موند لول و نکر کیدر دین بر سوار عا دینار و ص اول و د  
 سیر ز کسده و کسده مازده تا بنوق و خام نیلر غم خطور قید  
 دینه در ویشلر که ادب اولتور و کدر اول سلم اندین سوار عا دینار  
 اندین کین کلام سنج اید عا رای در ویشلر کین سوار عا دینار  
 کور دین مکه سون ایت رابلا بون و موند لول دین ارب  
 کور دین رس و خم اسلار کیدر یول یول کور کور کور کور کور  
 کور تا خدا ایتیمینک و دینش اید اید اید مشرق لغین کور  
 بر لعلی کین اوزک سیک چقان تاغ موندین تورت یوزیل  
 ایلک کور خدا ایتیمینک نه ناله قیدینک کور کور خدا یانه لول کور لطف  
 کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور  
 کور کور مشرق کور و منی ایتیمینک کور کور کور کور کور  
 و او سوار کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور

ای در ویشلر اندین کور  
 سنج کور کور کور کور  
 بلکه کور کور کور



لا ما دیم اول تاغ بو آرزو ز آفت که ایستای لطف  
 حقیق که مرقع عین له سبک بو یون کم قید و انکاست خرقه  
 و از مبارک خدایک غنای خیر و قیل و یل زو پیغمبر سگودی چون  
 خواب در پیش لاری بو پیروزه ایست ایریه و ز کجاست  
 لیکن عجب سجاد نمند که هر سه لاری و که جان سپهر غریبه لاری نمند  
 نورت بود زیل لوق افه سپید خبر دارد در دور لاری مناس  
 اول ترور که بو لاری نمند اسیر بولغای پس او شلوند نشد  
 ار و پیچ بولدی و پیچ لوق عالمی انداخت است است  
 که رغبت خوشتر بودی نمند کون و در پیش لاری نمند  
 بولوب سفیدی تو خدای و معبود جتی عا یکتا فیم کو کوز  
 ایریه نیک ماند و استند در پیش لاری و دیر او تکار و بود  
 بعینه استی لاری ز کوار غم التي کیستورد بهر استی  
 استعانت بتلاب یکتا مستوح بولدی لاری ایریه یکتا  
 بلکه کفایت نایبی اولوقت دایم لوق صفی لاری  
 لاری بکوزد شیخ ایریه لاری در و لاری لاری بو غار داری

مجموعی

مجموعی بولایم لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 اینست که لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 فیه لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 انتقال قیور و پیش لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 نمند لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 اینست که لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 در و لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 سبب است که لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 اهل در و است که لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 در و مجموعی لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 زیاده بولوب مرده دل لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 نزد لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 بولوب لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری



بزرگوار پی تو قوت با جفا غم یوز قویدی ستورمان  
نیم تبلیغ کیلیک یکم ای ولی امد تو قوت غیل کیم سیک  
اعانت قیماق او جون کیلیک در کیکیل او جام غم  
مرکبیل بزرگوار بوتیل سیر نینک سوز بن شیب خج سجال بو  
بولدی و یا نیب سیر غم منیدی ویتی کون بول بور ویت  
نجی کوز قافله غمیتی ابریه شول کوز شیر کنی و شیخ قافله برله  
دریا لبغه کیلیک قافله دریا ابریه کیم اولتوردی **جفر شیخ**  
کیمه مقید بولای دریا غم کردی مبارک یالاری غم سول  
یوقمادی کتیب بار و راز دنا کوز بنی اجتهل سیه اوز بنی در  
یا نینک اول یوزیده کوروی زنا اولتوردی هر جوان غم  
قزادی ابریه هر طرفدن بخنداق سفاک لار پیدا  
بولدی و سپور دیل رای بیکت قایدین کیلور سیه و نه برکا  
بارور سیه بوبینه ایا لغوزنه ایش قیلور سیه شیخ ایدیل  
ای عزیز لایم رومدین کیلور حرم که بار و مراد و همراه  
کین قالدی اولار غم تو غموم بار و ورینه سپور دیل و در  
جاف  
دوبه

قجان کرب دردینک و نجان جیقینک همرا لار دن وقت  
جد ابلد و ک شخ ایدیلار بولون کرب درد و همراه لار دن  
دریا لبغه ابریه آ چون لار ابریه سوزنا شیخ دن ایشته لار  
اسر سه کولومتته لار شیخ ایدیلار نه او جون کولار نه لار که  
کولک تعجب نیش لار و ده واقع دور بولار دن سچ ایدیلر کیت  
عجایب نین زیادده بولور مولم او ج ایتیق اولن کوز کوزده  
تجنگ نینه همرا لار نینک غم توق قیسانک کن ایدیلر نینک  
پات کیلیک یلار سیکیل که ارا خدای تعالی عنایت قیسه مراد  
سوسه ذق ایلک کوزده کناره که جبقا ر یوق اسر سه او ج ای  
دریا ده اولتور لار س دور بولام وقع و قوت غم کیلور لم باد غم  
جیق سیه حرم نینک لار ابریه لار اند عجیب ایلیم خدای تعالی  
لطف تمیمات لول بربیلر لار ایدیلر کم ای و سوسه  
نیمه توق قیلور سیه قویق قیلور لولنن کول قیلس و شتر که کشت  
شیخ ایدیلر لول هنر و لول سیر بکول بار غم دور بولار ایدیلر  
ای بلیت موندان در ماسی بپایان دن ابریه نینک سوز کوز



یول سیر کیدنیک جالاهم شول رهبر بولغان کشی بهمنون  
بولغوسید و اگر تنها لیتق دین و هم قیلک قیغیل که میرلا  
همراه بولاشخ خوشحال بولغا به قیلک یوب وان بولدی اندک  
بول باریجی لاری باندی بولاری قالیجی به راه بولدی شیخا  
ایدی لاری بول لارنه ایون باندی بولار بزرگوار ایید بولار اولار  
منشک تعینم کیدیلک بولک منی سنا بنگو و بولک ایید بیکیم تنج  
لار شیخ ایید لاری بزرگوار بولای کم پس نه کسی ترورسی  
اولا که لار دور اندین بهر بولک همراه لیتق قیلای بزرگوار ایید  
سینک منشک ایسم رسمه بر نه است نیک بار دور قویوب بولک  
کرکیل شیخ ایید لاری غریم معلوم ایما کسی کیدین بهر هم  
بار دور همراه قیلما بهر بزرگوار ایید لاری فرزند محرم خفری  
دورمز و یالغان لار رجال غیبین ایرد لار شیخ خود استیت  
خفر صلو استند نیک ایما غلا رینه قیاس کیم بهر آغاز قیلک  
اییدی ای مجرم درگاه ورنهای باب ایید بیل دور کیم قیلک  
اورتا ندیم الحیدر کیم بولکون مقصودم غه تیتیم حضرت خوابه

خفر

خفر علیه السلام ایید لار من ایما لیکن چیلکین و چون کیدیم شیخ  
قولی آتوب روان بوللار رسول کونا غاز پیشین مارا بولم بولک  
حضرت خفر علیه السلام طواف طواف طواف شیخ قه قلم کرد لار و طواف  
لکن ایید لاری بوللار ده بولک کیدنیک اجازت بولک یا بغینا کد  
سینه خدا غه تا بسور دوم و بیایب بوللار **خفر شیخ قه قلم کرد**  
اجازت که موقوف قالدی لار و موبیل کجند کون اوآ و هم کونا اوجم آ  
طواف قیللار بهر اجازت ایما و آتم مجاور لیتق نا اختیار ایید لار  
و تنی میل خانه مبارک پیور و لار نه لجه سی او قیللار و نه لار نه  
است ایسی کور دیلار و همست مکر که متوجه آنا غیب بیلار و نه بهر کونه  
و معلوم بولکدا اگر چه موندن برون لشفه لور است و بولک بولک  
ایماک بولک بولک بولک بولک بولک بولک بولک بولک بولک  
بیریا و به دولت ایست قیلار و رین بهر شمر بولک بولک بولک بولک  
معلوم بولکان نرسه لار که بانیطایا کرد و یا جن فیک بولک بولک  
قیلک لار اندک لفت ده حقیقیه و قلم خیراتی بولک مکلف لور و مقصود  
یتار لار بولک بولک من به دولت و دن اوردلار کونا یا من بولک لار



اکبر در این نیک مقصود مکاشف بولاق و کرامت کورمال یکس  
 ایام و نوحه نرسد لادوق شوق نه سبب لادور و بگویند و در  
 باقی دین آواز کیده کم ای سیرکس که شمع حق جل و علا اولین  
 قبایق لایق غیر زمره کیده و فعل ای که غرض اول رفق و رفیق  
 جعفری بولایک است استان دور کم که کوه لبان غریب بولایک  
 که اولکس و آنده ای کون بولایک اندن میان غریب بولایک  
 شوند و در تالاشینک تمام بولایک نه مسکن ده بولایک چون بولند  
 ایستاده و سبب همان که ایدی ای سیرکس کم که کوه لبان کوه لبان  
 دین محروم قیلد نیک بولایک فایده قیلد و در قوب بولایک لایکس بولایک  
 سعادت دین محروم قیلد بولایک اول ای کیم قوب بولایک کوه لبان  
 مونیک بولایک و آتاش غیری و اوج کون شام ده بولایک  
 غریب بولایک و آتاش غیری و اوج کون شام ده بولایک  
 رماند ایستی و قطب لادرسد قق کاشق بولایک و قطب  
 قیلد و قطب لادرسد و لارین و عا و یکس بولایک  
 آید و اولاد دین استمداد سولایک و بچه کون اندا

قیب ۲

اندن سوزده طلق قیبت که او آتاش ارسد کون کرب به کمره کورمال  
 جیران و سر کد ان بولایک بولایک بولایک بولایک بولایک  
 نشه زیاده قیلد کم ایدی ای سیرکس که شمع حق جل و علا اولین  
 مقصود و نک موزده دور حضرت شیخ شوقیدن بقیل قوبلادون  
 تاغ توبکا الدی ارسد کور دیکم تاغ اوزره به کمره بولایک  
 بسیار و زاری به شیار قیلد لادور و بولایک کور دیکم تاغ اوزره  
 سول جالده اول بیرینه پیدا بولایک ایدی ای فرزند عالمی اوج  
 عالمی اوج بولایک و در جالده مایل کم ایدی ای بولایک بولایک  
 ظاهر بولایک کور دیکم لادور و بولایک بولایک بولایک  
 غایب بولایک و لیکن کونکس بولایک عالمی اوج بولایک بولایک  
 لادور مقصود و نک موزده دور که ایقیل که شیخ ایدلارای بولایک  
 ایستاده تمام لادور بولایک لادور بولایک مقصود و نک  
 بولایک بولایک بولایک بولایک بولایک بولایک  
 حضرت اویس قوبلایک سره لادور بولایک بولایک بولایک  
 جعفر ایدلارای بولایک بولایک بولایک بولایک







سورخ پنهانی غاندوراک من قاضی لاسم هم مشول بولنوسه  
اک بر لار لوج اب ایست لار و یانیدیل رو پادشاه نیک ملازمه  
بازیب ایدیلار کم ای پادشاه عالیشان قبول قیام دور در واقع شول  
ایقان نوحه کوران دور مل پادشاه ایت قبول کور موکیول  
پادشاه اوزر ملازمه ک بار دی و ایدای نزلدر رین لار نیکل  
سرف لار نیک لیکلاندن بس خوشحال دور من کم قاضی منصب کم  
منصب نیک اعلاسی دور میلار دور کم قاضی مرتفع دن لین بونص  
من کیش پدایاس دور بونص لار و ترو را و شو جت دن قورقا  
من کم کنه کار بولغای من البه غایت قیام کم ایلا بونص قضا  
قبول قیام لار عندا مدماجر بولغای لار نزلدر ایدیلار ای با  
من مردور ویش دور من موندن نسله دن کوزان ایر و من اکر  
لکشلار بولت شمدن خواجه ایلاما کافه قصه قیلن موندن کلکلیف  
قیلن پادشاه ایدای نزلدر رین نیکل ناینگر بلند ترو روتیه  
ایتمای پنهانی پادشاه من بقمده پیدایلق قیلن موندن بونص  
با و تادب القصد بچند کون موندن بول بونص موندن لار و من بر

کیلدیلار

حضرت شیخ اولار بر له صحبت قیلن ملار خلایق کوردیلار کم عیالیت  
و کیفیت لیک قوی کرامت لیک فطریه ولایت لیک دور و اختیار  
مرید بولدر ملار و کوندن کونک یغیلن ملار ارسه اندک زلفت ده صحبت  
تمام بولدر ملار اول شاه یمنه و محبت سول مدنا من حضرت خواجه  
قدس و صد تمسره ایت رح لار بر له شیخ لیق مسزیده اولتور  
بر کون اولتور دیا کوردیلار کم حضرت شمراده قسم ان بجان ضرر  
نیک و ج مطهر لار شیخ اوزر طرفیک جذب قیلن لار بر له صحبت  
خاطر لار یغیتی کم حضرت شمراده قسم رضی الله تعالی عنه شمراده  
سین طواف قیلقای درویشلار غم ایدیلار ای باران فقر نیک  
الان موندن ایست کونک کاشقیر یاق ایمن کم بونص اول  
حضرت طرف لار بدین اکر بولن بونص درویشلار دن موندن  
موندن لار درویشلار دن بولدر لار ایدیلار کوردیلار بونص  
اولوغ ایست ده نند و چون اتفاق قیلن موندن بونص و موندن  
شیخ قدس سره الغور فرجی ل قوی لار و قولینغ صا الیاس  
روان بولدر ایدیلار درویشلار موندن یاق بولن لار کم بونص

و مجلس ده کاس







روح مقدس لاریدن توبیت نایبی لار واسمه سلم علیه السلام  
ظفر لاریده ایدلاری کیجه خلوت ده اولتوروب کیویدلار **حضرت**  
**ایلیس آن قدس سره الهی** معنی عالمیه نمودار اولوب لاری  
ای از نذالینین نیک و ایمینک بر که اسر و در غمی ام مشکا لوقه  
اول خوش خبرینک که تامل من طرفم که کبیر رسین شیخ ایدلار  
نه بختی مشروده دوزخوش بولنج عیاصیج قوپوبخت سنون  
قتلیدلار و ایدلار ای بیهر حضرت بزرگوار سنه اوز طرفلری  
تکلیف قیلغی نلار سنینک معنی سی اول دور که مکانه اوقتیتمونه  
ینه نه ایتی بار توردی اوق اول کورنا دور که درویشلار سن  
خلیقیدن رخصت تلایل اندن سوله روان بولین اول ایدلار  
درویشلار دن و سنر خلیقیدن رخصت و کجلیتی یلار ایدلار  
ایلیدن ام اجازت طلب قیلد لار درویشلار ایدلای بزرگوار  
بهر لار که سنودا عیسه دور بهر لار هم قدم لار دیر بولالامهر شیخ  
ایدلار آرسنک سنودا عیسه دور اما بهر لار هم صحت لایق  
رخصت یاق ویدر اوزره و حینلیر لار دود بولوب درویشلار قونلیر

دین

دین ایبار نالینلار و بیلک لار که نیشک سوغ انداغ سنو ایلیس  
گم موافقت در میان کیلکای و بهر لار دن هم ایله اولدور  
و عاده یاز قیلغای بهر لار و بر و نیکلار نیک حالیه بن خبر  
بولغای بهر لار و کیسه خصوصیت نترک قیلغای بهر لار و بهر  
دشوار لیتی کورسانیکلار سیر نیا قیلیب سنه اود ایتغیت  
نیلایک لار و نینه زینعلینک بیت حرم ده بولایک لار که نایلی  
شوش کاتوشا بهر لار و بیب غایب لریلار و شول کون  
بارب **حضرت فواجر قدس سره الهی** نیکلار لاری قیتم قیلد  
و قوطیلار ایدلار دن دعایر لیش ایلادیلار اندن سنون  
مراقبه کبار دیلار زمانه اولتوروب لاری که حضرت فواجر  
بولدیلار و ایدیلار ای نوزند اولتورماق غمه محل ارماسی دور  
قولینلر بوقوقف ایشک غم مقید بولینل اول ایدلار سنه لایق  
نراکت اسکا اوقوت کسوتین یور که ندیلار اول وقت **حضرت**  
**فواجر قدس سره الهی** نینه خضر اولد لار و ایدلار ای نوزند  
قبر سننلین قبول قیلد سنن کیم مشغول بولاسین کیم مشغول بولالام



بزرگوار اید سلام را در هر حال خواهم پیش بیاورم که بگویم کشف  
 و آلوده ۱۶ عصیان پاره لطیف و پاکیزه از ملکوت قیفا و یا  
 نجاست و کسب جنت و جنت قبول قیفا تا شایانای و منورین  
 بمراتی شود که تنیم جانور را ریکی لاری و زانغ زغن تو بغیر از  
 استخوان خالی بر دایا تقای لاری تانده و ارباب اولی که قبرین  
 مقصود عذاب قبر و در هر چه بر ابرای و در کور خدا با برحق که  
 ایاس و در زیر که حق سبحانه و تعالی قادر و در هر چه میر و در قبر  
 عذاب قیفا و جناحه اگر سوره غرق بود و کوفه کوفه کوفه  
 بود سیه که اینکین بهر رفته قیفا اول کشف عذاب قبر و در  
 خلاص ایاس و در بسوی بخول خلاص بود و در ریب حق غیبا  
 نسیم قیفا و در جمعه کوفه غار جمعه و در کین تاریخ قیفا و در  
 اگر میلان و در چشمه عسلیده و کوفه واقع بود و در کوفه  
 لاری و در سنو غره حضرت پروردگار و در کوفه کوفه کوفه  
 فرشته و بیاد و تا غل قیفا و در غار و تا غل قیفا و در  
 کچه در ویش و در کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه

یاقوم  
 در کوفه

توسعه

توسعه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه  
 اول و اول و اول و اول و اول و اول و اول و اول  
 کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه  
 ای در ویش اول و کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه  
 قیفا و در کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه  
 مکافه انفال قیفا و در کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه  
 غایب کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه  
 باب اول و کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه  
 سیم و کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه  
 حضرت شیخ عیسی و کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه  
 اگر چه عیاده کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه  
 عصر و کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه  
 و اما اول و کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه  
 تکیه سی و کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه  
 قافله کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه کوفه



جمع قید یک کم فقیر میلین لار نه نفقه قیید قان اموالده خزینه  
 تو لور بر کچم خزینه اوت تو شوب ای اوی عا کوبد اوسه  
 بولار اوزر یکه آید ای جید اچمن لونه اولونع جلا ایدیم اوز  
 که اوت تو تاشته ونه نیطخ قیصر حقیجه و تکیه درک میده  
 او بکواندیشه ده اوسه کوزر یکه یقوغه کتی تو تاشته کوزیم **حضرت**  
**رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه اجمعین**  
**علیه السلام** بیدر اولوسلار و خاص صبیلا رومن جمیع خیر و بر  
 ایدیلار و ایدیلار ای ذرند **الله اکبر و اولادکم و اولادکم**  
 مع تحقیق اموالیکلار و اهل عیالتک لار سهر لارک و دشمن  
 بس اولایردن پر هیز قیلتک لار وینه ایدیلار **الله رب العالمین**  
**لا اله الا الله** لغی وینا ملعون ترور و خدا نیک ذکر ایدین  
 دینا ده یبارجه نمرسه اچم ملعون ترور لار و دشمن ملعون  
 موخجه امانال بولان نه لازم اوسد ارا عقلیتک لار و دشمن  
 قیلس لوق ایسه آخر طغیان بقوسه دور و سنه ایلال فلسفوسی دور  
 و بلیس کم من بابانک و من دینا و آخرت منک طیف کوزیم

یق بر لوقول او بکولفت سوز لور حبیدین انکار زنیقا  
 تعلق تا چاک و تا چاکس و تا چاکس دور و لور سوز اچم  
 الشبب حیران قاله سید ایدرک جید اچمن سن خود سید ایدرک  
 سن حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرزند او تو دیلار و اولی نان خا طیف  
 یول تا چکی اوسه اچم حضرت صلی الله علیه و آله و سلم یته ایدرک اچم  
 سین ذرند کسین اعا بولنت دین عاقل دور سن و قیلتک  
 ترور لار موندن سوز کزه نیسینک مین س قیلتک موندن  
 نمرسه لار سهر لار اوزر یکه اوده ایلان ایلل لور حدیث پیغمبر ایدرک  
 سوز ککه بیدر لغی و طیبک و سن قول یقوغه وینه ایدرک لار  
 اوشمن لار و سن نوزر خلاص بولور یکه ایدرک اوشمن اوش قیلتک  
 چونکه عاقبت کتک لار دور ای ذرند بلیس که اوشمن کتک  
 اولوم بولر سهر لار کزه نه قیلسه قیلسه اوسه دور و سن کونول سهر  
 ایدرک لارک اوشن سهر موزور و زنیقه لار لایین شیطان نیک  
 بر لار اواره بولور بولور ایدرک یسین و بولجبت وین اوزیده  
 یکتک وین اوق تو شوب ای سین وینک سهر ایدرک براق قالغی سین







قیلیس که همراه بارانیک میل لار و بکوار آرزو ده امدم که مشکب  
پیدا بولوب موافقت چیلک قیلیس من ایلحه قدرکم اوز شهر بکیرین بولوب  
بولوب خواجه عبدالرحمن ایتر زنی سعادت دور بولوب سعادت خه بولوب  
سندیل نشه نیک قدیمده بولوب اول ایو دیلم خواجه ایللی سل توق  
دولایلی میل اکره خواجه قیام الدین قدس الله روحه الغر نیک  
سلازمیده اول مقدار بولوب کم سیر اما اصد مرتبه س دین اولوس  
ن اصد ده که لک بولوب سلاوانان خواجه قیام الدین قدس الله روحه  
رضعت بولوب ای عبدالرحمن بوزمان مع مانع یوق تورکم هر چه  
خواجه لالت کیم با رغیل چیلک کم سنه منع قیام ده غرض موافقت  
ایاس ایو دیلم اول ایو دیلم سنه دباخت قیلیس من تاره سنه  
اکه ای سین و بولوب فضالت که تو شمای سین امد بولوب تاهود  
جمع طهار غولک دور دین هم موند بولوب جانشینک بن فارغ  
دیسیم حال بولوب لغوا دور اول ایو دیلم خواجه عبدالرحمن حضرت خوه  
قیام الدین نیک حضرت و این تاره بولوب که مفکره بولوب لالت نیک  
دینه اول ایو روز که رجوع بولوب دین چه مدار کرد و شیرین اداوه

و جوادق لار نیک بولوب اول ایو دیلم نیک شوملو فیدین کتوب  
بولوب سل لغوزانی بر تخت باده اوزره دریا بچه قالد افر  
محبوبانه و لعل نیک عنایتی بولوب اول جادنه دین صلا بولوب  
بر کچه کتب بارور اکره اتفاق بولوب بهنیده اغزی با پیغلیق چای  
بار ایو دیلم بیکبار کورمای ایان قویدرک رسه نشوب کتی ایلی نیک  
ای بچه قالدی اندین موند ایزد لعل نیک لطف عمره لعل فضل  
لعل کرامت قیلدر اندین کین شهر بکیر اخل بولوب ایلی بولوب اند  
قرار الدی او جو بخ کون اغزی دین بکیمت قیلدر بولوب ایو دیلم  
محبوس ایملادی لار بولوب وقت همیشه محبوسانه و لعل نیک قیلدر  
دولوب لیک ایو دیلم ای عبدالرحمن بولوب موسین کم سن بولوب  
د جفانار تار سین حکمت اول بولوب کرک کم کومت بولوب کرا  
غدا بولوب ریش نابیب اکره **حضرت بولوب خواجه قیام الدین نیک**  
ترتیبی بولوب بر مرتبه جالیغه کیدر قالدغنی خدا تیغها خواه لالت  
بولوب نوع ایملار بولوب بالیکه صلاح خه لستورکای تابیت اکره  
بهر اول بولوب سین رنبر که موندان بدن انده ج ۱۱ که و شر قیلدی







بوسوزن اشتهار را از سه شول اولیقه صد خندان زیاده  
با غلادیلار و بسیار کنش لاشول کوز میره آلود حضرت شیخ شیخ  
یقین مندریده اولور دسلار و اس مندریده هم قیام کور کوز دسلار  
مونیلر که کتخ اندن سول حضرت **بیتیمه سید الله علی**  
**اول** و بنت رستی که ای عید از همین عید وقت اولدور که منکا  
اولاشاق از ایزلاکای سین و بخت مدت سنه مصیبت او چون منور  
ایبار ایبلردم اول مدت تمام اولدور منوره بولاق بند بیلد  
باید سی یاقه و اول ایوب علم تیمیش تن درویش لاکه مظهره  
روان بولدیلا روشم خلقی دن خود کلان و پیر همان و دای  
او چون اکی کونلور لول لیلدر سلا روشیخ سیادت مایه ایست  
مقول مندریده خلایق غریب رنصیبت لار قیلب خست بر دسلار  
بجس یق تیلایب روان لول دسلار و درویش طغیا دن اوج  
لولده ایوب دیلار اکه جهیز کوار ختمی ارض مرتبه سی قوی اوردلم  
طرقه العین و تیکای درویشلار زام یلورهای اندا غلام  
لوللر تا مسقت بسیار و رنج باشی رویه اوج ای دن کین

مظهره

مظهره کاتی لار و اهل مکهم پیش باز جیفق لار حضرت سید عبد الرحمن  
اوزدم و دسلار بر لوطوافه مقبول اولوب عمره کجا کستور و دسلار  
چون کچه بولدر کچه دین بر مونجه او توبل کرد حضرت شیخ تنفا  
خانه مبارک که کردلار و طواف قیور غه مقبول بولدیلا و طواف  
انجامیده قولاقدر لغه اواز لیلدلم ای عید از همین خالص بنده  
لا دار آسیده بدراقد و راوشو مصیبت او چون طلب قیلب و دین  
که منوره شرف کستور کای سین و حاصل لار اکیب مندریده  
سین شیخ ایبر طار که منجه کون منعت بار و در که مظهره بولدیلا  
فکر من قلم نیه اواز کلیدلم بر بیل در میان و در شیخ ایبر طار  
نه عجب عمر و راز چو مسرور که او بشو عمره کنه دن اوز کافق  
تعب نیک خلک در که بیغه لایق نرسه وقوع غم کیمی سناک مسقت  
بولغوم دور که شکر بوسقت راحت که بیدل بولسه اوز ایوب  
که **سوی الفقا و راحت** یعنی فقیر درویش لار نیک اولور من  
نیه اواز لیلدلم ای عید از همین اجل لیلدی ایلکس و کین اول  
صنایه حق قبل و علل اوز حکام مجیده خبر کرب که **از اوجا صلیم**

ساقی و لایق نظر و دین



بوايت ايمه نيك مغني سي اول سلطان السلاطين وقوة ايلي  
 سلطان ستوق بوزاخان غادر قدس الله سره الغرور ذاري  
 بيابنده بيان تاجي اي عباد الرحمن بيليلس كه بوند اجله انشا  
 ايركاس دور بلكه قطب ليق مرتبه كيك ايت رت و بشت رت تو ك  
 خصل لا مضيع امر و مرتبه لارا اعلا سي دور موش سر له بوليفل كم  
 بوليل لارا كجوه قطب ليق مرتبه كيده بوليفل كم و درون موزه نشيب  
 خوشي ل بولويل و ثول كونه قطب ليق مرتبه كيك مشرق قبيلند  
 و بريل قطب و دسلار و بيمش تن در و بيش لارا بر جهرت كم  
 سالن اير و ديلار در و بيش رنه ترتيب قبيل كيك ليفه تيكو و دسلار  
 و ايلي نشيب قطب ليق مرتبه كيك ميقا ايلادسلار اندي من موزه مرتبه  
 رخصت بر و ديلار و دسلار لار ليفه يا ليفايل در و بيش لارا بيلار  
 ايل و كور بيل موشك او چون كيدي ايل و اول كه بچند كونه دسلار  
 بوليفل كم و آخر عمر و دسلار ليق قبيلغا بيل بلكه فقير لارا بيل كم  
 دور كم بيلار جنازه لارني اكر خدا تيعا نصيب قيسه تيمنا و بيل  
 كونا كونه و استانه لار بوليفل كم و دسلار لارا بيل كم

و اوت ده ابروي و سعادت ميند بوليفل كم رخصت و بيل كم  
 ايتا كونه در و بيل كم رخصت ميند در و بيل كم سوز و دسلار  
 امر و دسلار لارا در و بيل كم رخصت ايتا بيلار رخصت ايتا بيلار  
 لار و دسلار لارا بيل كم رخصت ايتا بيلار رخصت ايتا بيلار  
 در و بيل كم رخصت ايتا بيلار رخصت ايتا بيلار رخصت ايتا بيلار  
 و بيل كم رخصت ايتا بيلار رخصت ايتا بيلار رخصت ايتا بيلار  
 بولون اول كونه دور كم و دسلار لارا بيل كم رخصت ايتا بيلار  
 تاييب ايتا بولون و ايتا بيلار رخصت ايتا بيلار رخصت ايتا بيلار  
 ايتا بيلار لارا بيل كم رخصت ايتا بيلار رخصت ايتا بيلار  
 و بيل كم رخصت ايتا بيلار رخصت ايتا بيلار رخصت ايتا بيلار  
 كونه بيل كم رخصت ايتا بيلار رخصت ايتا بيلار رخصت ايتا بيلار  
 مشاهد قيسه رخصت ايتا بيلار رخصت ايتا بيلار رخصت ايتا بيلار  
 اول و دسلار لارا بيل كم رخصت ايتا بيلار رخصت ايتا بيلار  
 ايتا بيلار رخصت ايتا بيلار رخصت ايتا بيلار رخصت ايتا بيلار  
 جنازه ايتا بيلار لارا بيل كم رخصت ايتا بيلار رخصت ايتا بيلار



اولی قود و دور لار هر وقت که اولی بیدار بود لار و لودیت نام  
دور د بولوب و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار  
از خ طایر این لار بر لار ای کاس و دور لار باطن این لار بر لار و دور لار  
دور و این لار این تو بولوب و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار  
ایدر لار ای دور و این لار و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار  
نارینه ای و تاب ساعه توقف قیامت لار و تابوت نه میرده و تابوت  
مشول میرده و دفن این لار و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار  
نفس لار لار لار و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار  
لار لار لار و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار  
تیمنا و تبر که قودین قودین و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار  
نار و قودین و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار  
ادج بوسی و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار  
خلایق بیدار و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار  
ضفر و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار  
شسته و دفن قیامت و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار

لیدلار

کینه لار و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار  
میتا بولوب و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار  
و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار  
نینه تی کون شونده ایدر و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار  
لار اینک تو نیک و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار  
مجد لود و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار  
و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار  
کم عبد الرحمن سید لک مرتبه سن تا پیدایرتی رحمت لار و دور لار  
نار و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار  
استطاعت بولوب و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار  
کم قودین و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار  
ترتیب و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار  
قیدین و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار  
لیدلار و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار  
تی میل عمر کور و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار و دور لار











دوستی و جفا که منی شوند از ضایع تو عافیت **حضرت ابوبکر**  
ایده ملایم از زند تو بغیر من که نظر قضا می آید من کیلیت به **حضرت**  
الشیخ نجیل بولکه و نه الحال او را تو بولکه **حضرت ابوبکر**  
**صلی الله علیه و آله** فاخته او تو قضا می آید من بولکه ملایم او را **حضرت ابوبکر**  
نیست بقول از دیده و در چ او ان فاخته او تو بولکه ملایم او را **حضرت ابوبکر**  
قیلید ملایم و مبارک قول لا ریح له سینه به کینه سینه سید او **حضرت**  
لین ایده ملایم از زند بولکه ملایم که مرتبه نیک نصف است **حضرت**  
ایده ملایم از زند بولکه ملایم که مرتبه نیک نصف است **حضرت**  
تو عافیت که و عافیت بولکه ملایم او را **حضرت ابوبکر**  
تا رتبه بر با قیافت عمارت از مع قیافت حالانکه سینه است **حضرت**  
اما ملایم از زند بولکه ملایم که مرتبه نیک نصف است **حضرت**  
سین **حضرت ابوبکر** او سینه سوز لا ریح له سینه به کینه سینه سید او **حضرت**  
بولکه ملایم از زند بولکه ملایم که مرتبه نیک نصف است **حضرت**  
بی در ویش ملایم از زند بولکه ملایم که مرتبه نیک نصف است **حضرت**  
لا ریح له سینه به کینه سینه سید او **حضرت ابوبکر**

کون قطب

قطب در ملایم از زند بولکه ملایم که مرتبه نیک نصف است **حضرت**  
ده جفا سینه کون چاکت و قیافت بولکه ملایم او را **حضرت**  
خواج قیافت الدن نیک است از زند بولکه ملایم که مرتبه نیک نصف است **حضرت**  
و فن قیافت ملایم از زند بولکه ملایم که مرتبه نیک نصف است **حضرت**  
سوز که ای بولکه ملایم از زند بولکه ملایم که مرتبه نیک نصف است **حضرت**  
نه قیافت ملایم از زند بولکه ملایم که مرتبه نیک نصف است **حضرت**  
**حضرت** نیک ملایم از زند بولکه ملایم که مرتبه نیک نصف است **حضرت**  
**بایست** در زند بولکه ملایم که مرتبه نیک نصف است **حضرت**  
**الاولیا** در زند بولکه ملایم که مرتبه نیک نصف است **حضرت**  
**و ملایم** در زند بولکه ملایم که مرتبه نیک نصف است **حضرت**  
اجوال از زند بولکه ملایم که مرتبه نیک نصف است **حضرت**  
دن از زند بولکه ملایم که مرتبه نیک نصف است **حضرت**  
اناسی دن تیج قیافت بولکه ملایم که مرتبه نیک نصف است **حضرت**  
مطاف و در کمال از زند بولکه ملایم که مرتبه نیک نصف است **حضرت**  
چنان می نطق قیافت بولکه ملایم که مرتبه نیک نصف است **حضرت**



بر مرتبه دین زیاده او بدین تمامه است چهار سال از دل را دل  
 هم مصلحتی او چون است و اما بدین قایلین شوند که خسته از غلبه  
 زیاده اختیار بولیدین چهار سال و از لولالار لغت و خل قیدل و خضانه  
 زین بر دین را که مطلق علی بن اوس ایستاد و در سن طریق بدین  
 حقیقت هر علم که حاصل قیدل است و نه بکشدین محو بود و بنسب عیال داد  
 سیغه نور کیتور و او سه بر لحظ بنسب دین خایا بولید و اما سیغه  
 قائله اموال است و اندک زمانه می قیدل حق که مولانا نام  
 نیک کنایه رشی خسته لا رغه فرجه قیدل تا وقت که سقا بود و  
 چهار روز و سه نیمی اچیک قیونین از اقبیل خسته لا رشی نام  
 این قائله و استیلا و از دین را و اما نام بدین قصه و در  
 صد بار سقا نامه لف قیدل در با موصی فایده قیدل و اما و  
 اما سی بکینه بار و او را از قیدل فریاد ای مرد بان اما هر خسته  
 مندرین بونوع نالایقی و نیش لا رسد و او که اما اما لیت من  
 انکه باقی نیش و قولوم از انفس اما سی قبر رسیدن او از کیتور  
 ای از زند من به قدری ملک بدین نه کیتور سی دورا انکه بوز کیتور

کیتور

که از دیده کارینک دور چون اما سی کور بدین بوندا از است  
 مانند ریا کلا سی خیه بار و ایدل رای بد موصی حرم عیال  
 بولید بچوک در کار بیغه بوز کیتور رب موصی حال قیدل بدین که موصی  
 تر و در من خیه او از کیتور که ای از زند الود و خسته لا رشی نام  
 بولید کیتور که بولید و ایدل اول وقت در کار بیغه موصی بولید کیتور  
 حقیقتی نه و اما حالین نه به قیدل که از حرم الود و در صحت  
 سندیک عاصم بدکار لا رغه تر و او کیتور بدین موصی بولید کیتور  
 و اما سی مندرین کیتور کن بولید عمارت تعمیر نه قیدل کیتور  
 کون موصی بولید کیتور که بولید ای کیتور که ای کیتور که ای کیتور  
 من عمارت قیدل که کیتور که کیتور که کیتور که کیتور که کیتور  
 سین بیکیل که دینیک عمارت که کیتور که کیتور که کیتور که کیتور  
 موصی بولید و در کیتور که کیتور که کیتور که کیتور که کیتور  
 و موصی بولید کیتور که کیتور که کیتور که کیتور که کیتور  
 کیتور که کیتور که کیتور که کیتور که کیتور که کیتور که کیتور  
 که کیتور که کیتور که کیتور که کیتور که کیتور که کیتور که کیتور

کیتور  
 کیتور  
 کیتور







و اما آیتان تا بهم چون بپوشید ازین قوتی اند  
ای یار این بویکت یک حقیقت هنر لادین فاجعه الهی سایلان من  
ملازاده تو و تو هم ایمنه اریق بر که کیبیک رغز لا ز نظرین  
نا امید جیتی قریحی رود و اول غز لا زینک ارکیدین بر  
قوی بیدار شین فو بایا سیر لا را اما الا آن موخه اولی لا فقه  
سی که قابل ایام دور زیرا که سیل لا را وقایتین بولوس سیک  
بجو روب دور و عمر من ضایع قیدین رود و چون فو لیبیا دور  
**شیخ نایب** آخذ این غز لا زینک سیر لا زینک فاجعه لا زینک  
شوند اغ فاق لا را چون دو کفایم سیر لا زینک غز لا زینک  
دعای بر کیتین بونیکه در مانده لا زینک کفایت باقی  
اند غز قیدی نیک لا را بود ویش خاطر را چون فتح فاجعه سیدین  
ان نوبید قیدی نیک لا را که اولیا اقدینک فاجعه سی ضد سیر  
کنه لا را تجو قید را فوالا مریخ نیک یوزیدین همه لا را قول  
کوسا رب فاجعه او تو دیل را ملازاده نیک یوزیدین  
قیلیدیل را رسد شول مجلسه اسکی غز غز سی و بشی کوندا

صحبت تو لا را اولیا لا را فاجعه سی مدوی **شیخ عبد الرزاق**  
**قدس روحه** نیک ملازمیتد ایرد تربیت نایب اولیا  
جمله سیدین بود که ادن الکی سیل حضرت شیخ نیک ملازمیتد  
اما حضرت فو اجمه الیاس قدس سره الغز نیک پاک باطنین  
تربیت تا بی و بشی سل شیخ عبد الرزاق شیخ غیاث الدین غز  
او زینک سیکده بکلیده مها خیفه لیک مرتبه سیده نصرت  
و انجیلین ایدین ای غیاث الدین وفاتیدین کین شیخ  
منصبین معطل قویا نیک و البته شیخ یقین منصب ده اولتور  
دیب قیت قیلید علین وجود رختین کونار د اول ایدین  
شیخ غیاث الدین شیخ عبد الرزاق قدس سره الغز  
وفاتیدین کین شیخ نیک اور سیده اولتور د مونیکی رلیه  
او ایام سیر بر آنچه واقع ده کورد که اتاسی حاضر بولور  
تا کی غریب یقین ده یوز و سیرین و مونیکی بدون وقت  
منزلده یوز و نیک ایدین الحمد صد این نیک هم غز غز  
مکان تو حاق غز هنر او را اولد و کما نایب منیرا هیچ غز غز



تجارید و روقت اوله و رکه اوز منیر لکن تا بقا سین اول وقت کم  
شیخ نیک ملازمه غه بار خیل دیک فصت بریم غریب اول ایام  
ایریم با بکله وطن اصل اول دین اوز و لک دین بکله غریب  
اول ایردیکه اینیک اتم غه بیکای و اینیک نیک هم بولور  
شیخ نیک ملازمه غه موقوف ایتد در فصت بریم و دیم  
شیخ عالم دین ایتد ایله منوره بولما قیند نیک هیچ مفصله  
یوق دو راول ایریم **شیخ غیاث الدین** اتاسی تکلف برله  
شکریم بنم رغبین قیلد و اتاسی منیر لکن بیکه ردم اوز  
بار جاندام قیدن معمور اوق دو رموه کورد ایریمه فوخی  
بولور حقیقی نه لغه شکر بیکه لیلور و بوجین ده شیخ نیک  
قول فرغه اوز ایتدکم ای غیاث الدین **من لقدم الی**  
**شیخ القدرت الی ذراعا** یعنی هر کس منیر لکن بیکه بولور  
ایلمک کلبه من اینک بیکه بولور ایلمک بیکه بولور من چون  
منیر لکن بیکه بولور من بیکه بولور بیکه بولور  
ایلمک بیکه بولور ای درویش صادق بولور بولور

کم جغتسمان و لقا ای انداغ کرم لک با بولور  
لغز عصیان و طاعت احسان رحمتی الدین بیکه  
دور کورمای بسن کم شیخ غیاث الدین قور  
الغیر جندان میل فبق عصیان معصیت طوقا  
عزف ایرد خداوند برحق لطف عظمی برله رحمتی  
شکر بر قطره برله جهان محو بولور کم کور بیکه  
قیلما بیکه لطف عظمی برله شکر بولور کور جغتسمان  
اجتی اکرای دوشین کور شکر بولور بیکه قیلد  
توند و رک کوند و زغ کور کور لایعین تاجیق کور  
و تعالی شکر رحمتی غه مستحق بولور بسن حور  
کرمی عام و لطفی تمام دور **غیاث الدین**  
قدس سر الغیر اتاسی منیر لکن بیکه بولور  
بولور بیکه بولور شکر کور کور کور  
مرید ایلدی و بزرگوار شکر حیدر افق فائزین  
اوقوغان اولیار لار عید ویدا اوج یوزر رور



تربیت الادی اما معلوم بود لغای کم  
 خرق بیل زیاضت نازق و بدستجه تا کوند  
 غم بر ایغی بر له قایم و کوند و زری صایم ایرد  
 و ایکی کوند ابر افطار فتندی و افطرد و ایکی  
 مهقال دین زیاده طعام یادی و قانقا  
 نیف سو اسیتی و یکیل که شیخ قوس مندر و  
 و طیب مر قوه دین همیشه کرامت غم سه یار  
 و قوع غم کور ایردی اول بزرگوار کرامت  
 جمله سیدین بری اول ایردیم لشکر لاری  
 او جاقی غم ادوت یا مماس ایرد و قزان  
 سو یادی و لیکن قزان همیشه پراب و ادب  
 بر لش ایردی بر نفع اشکم حضرت شیخ  
 خاطر لاری غم تیار ایرد و تا خرمیا بولور ایرد  
 وینه اولکه حضرت شیخ ننگ سفره اطفه مکب  
 لار بار ایردی بر کنز حرام ارفه میا پس ایرد

مکرده سو ایچاس ایردی وینه شیکر اطفه  
 سک لاری بار ایردی اعتقاد و سیز کم به  
 حضرت شیخ ننگ ملک زیت لاری و ننگ  
 خالفاه غم بول بر یاس ایردی و بر هم  
 اخلاص و عبقده بر له کلاک تمنق کور کوند  
 و ب بسیار ملاحت لک قتل ایردی وینه  
 بر کرامت لاری اول ایردیم منزل لارین  
 یرکم کور ملک براق با غلا لاری بار ایرد  
 وقتی که شیخ با غقه بار لار بر پاره بولور  
 لاری اوزار کلیک به قتل ایردی بر کونی  
 درویش لار بر له باغ قه گیت بار ایرد و یار  
 بر سار بان الدی لاری غم کلدی اندی  
 بزرگوار خاندین عزیزیوم بار ایردی اول  
 انی کوند و کیم غایب بولدی تا پهای دوزن  
 حیران و سکر دان بولور کلدیم و علا حین



قیامی و بوالشون فی نیاز کلتور و دیر من انیفل  
 و بتوم فی تاییب برکیل لوق ایریو تکیان تیوه  
 پسنگر منکذا قلدیم که قیامت کوئی سنزین  
 لومر و در چون شیخ تیوه جندین بوسوزنی  
 اشته لاریب لولی اندلار و ندر نیاز غم  
 تکیا تیب مبارک قولاری فالدلار و دلدلاری  
 یازین بوساربان دورش فی مشکل ایش تکیا  
 قیلدی اگر قبول قیلماسم نو مید یانینور و  
 هم سچاره لک دین امید نام برالتی کار و دیر  
 ناجار قبول قیلماق کرار و در تشوش تارخان  
 لازم و در ویب جلاونی تاریب توختا و یلار و  
 گابار یلار و در ویش لار حوکر الارید احلاق و  
 نور و یلار و ساعتی اوت ایردیم میریک لاری  
 انداغ تر لادیم بوسیدین سولار و وان بولار  
 اول وقت و احضرت شیخ مراتبه دین باش کدبار

و ملار واید ملار ای ساربان بار عنیل تیوه  
 لارنگار سید با قیلش بدکم تیوگ بولغای  
 و ساربان شیخ تنگ لاریب باریب کوریم  
 یکان تیوه لارنگار سید با قیلش  
 بیکوخی مجال لوق دور و بارجه اعضا سید  
 موقولور و دیر که فو پالمای دور جو یازا  
 بان بوجال نامور و صلب ببار شیخ مینگ  
 او جالار دین یو کوردی و مانغ فیه باقی سیتی  
 و اندی ای شیخ بزرگوار تیو منی تیوه لار  
 ار سید انا پنم اما و سیدین فو پالمای دور  
 و اعضا لاری دین سور و ان بولور و  
 شیخ قدس انکسیده العزیز اید ملار  
 ای شربان تیوگ ابست کلتور و  
 ویب ایردیم کورد و کم که فو خطا سیک بار  
 حالت غم و کس قلدیم ناجار سرت برت



شباب برده کلمه دوم باکی بود و در کیم اول  
ایکی کونلوک بودی بزم مان ندا با سبب کلیه  
لا حرم اول مقدار شراب بد حال بود  
چون دورش لار برز کوار دین بود کرامت  
معاینه کور و بلا را بر پندین سو لکر ابر کیم  
نک بر خوک فرسینه او غری الیه  
حضرت شیخ و القاکتدروب ایهانت  
تلا به با توقف حاجتی روا بود را ایدی  
الق حضرت شیخ با غلاری غنیتی لاری  
ایکه بابا لاری دین قانغان بر توب غلاری  
بار ایدی نبراک بیلور ایدر دلا سبار میل لار  
بار ابر کور دلا که بر شاخی قوروب دور  
غیرت بر لمارک قول لاری بنی سنولون  
قورغان شایخ غنیتی لاری لاری ایدر ایدر  
من سلطان الرحیم اهلها ثابت و کرم غلاری

فی السما

فی سمار و بد آیت غنیتی لاری  
لا را ایدر به حق سینه و لغای ننگ غنیتی لاری  
فی الحال سبزه بود و برک لا حقرار  
علی هذا لغایس برز کلا ننگ کرامت لاری  
سپار شایده بود لاری ایدی دورش لار  
لغی متبیب حیران قانور ایدر دلا و بنیه غلاری  
لا زنه اول ایدر کیم تر باره ناک قولون لاری  
ثم بود کیم ایدی اکر بر کور ندا ننگ شایه  
اول ناک ایدر و بر ایدر بر کیم بر کاسه ایدر  
نابت ایدی او شبو سبب دین غلاری  
عنایت ناک در ایدر لاری بر کیم دورش لاری  
لا بر لاری لاری حقیقی لاری ناک قولون لاری  
ایدری کیم الدلای غنیتی لاری ناک انکا حواله  
قید دلا ز مایندین کیم سینه بر و یو لوقتی ایدر  
فریدین لاری غنیتی لاری لاری ناک بر کاید



چشم حسیبانه و لقا فی اندک کرم لیک پشته و در نیم لطف عصیان  
و طاعت حین رحمت الدید اکین دور نور مای سین کیم شرح  
غیاث الدین قدس الله سره العزیز جندان بل منق عصیان معصیت  
طوفانیده عرف ایردی فدا و نذر حق لطف غمیت به رحمت معنور  
نیک بر قطره به بر جان مجبولد کیم کو یا که کنز کنه متیاب ایردی  
لطف معصیر به انشیک لوزیک رحمت سکین آجت اکرای دروین  
اکر غیر نیک به رحمت متغیل کیم فاکوندوز کا کوندوز نه کیم غنه  
اولانل آجت به سحانه و لقا فی نیک رحمت غنه مستحق بود کورین  
حون که کرم عام و لطف عام دور **الحمد لله رب العالمین** قدس  
سهر العزیز تا به نزلید اسکن و متوطن بودی ابر  
اولوز سیز نیک بجیده اوج مشک کشنه مرید ایلاد و سهر نیر لواز  
جهنده منج فاکه سین او فوغان اولیا لار رعد وید او  
یوز و ره پیش تربیت بلادی اما معلوم بود لقا فی **حرف** **سبح**  
حرف بل یا منت تا به و هر نهجه تا کوندوز نهجه به یای غنی برله  
قایم دو کوندوز صیام ایردی و ایک تو به ابر افلا مرتبه و افلا







سور لار و ان بولدی اول وقت ده حضرت شیخ خرافیه دین  
لوتار و دیلار و ایدیلاری بایان باریک تیره لار نیک راسید  
باقیست یتم نوک لیدلوی بایان باریک نیک ام  
یلار بجه یار یبه کور دیکم نیکان تیره تیره لار نیک راسید  
یقین قالیق تیرا و بجه خالی لوق دور و یار یبه خفا سیدین  
سوقولوب دور که قو پالمای دور چون بایان بولما  
لور و ب منظر ابهر کتخ نیک اوجا لار دین کور کوردی و بنا  
قد یاقوت سیتی و ایدی ای شیخ بزرگوار تو منیرتیه لار نیک  
ار اسید تاب تیمان اورمندین قو پالماسن اعضا لار دین  
سور و ان بولوب و حضرت شیخ قدس سره جبه العزیز لار  
ای شهربان نوک نیک کیتور و ب برای دیب ایردیم  
لور و دم که قوی منظر انبیک بار حالت چم قلیه عم ناجار سیت  
قوله شتاب بر کیتور و دم پاک یوقد و ریم اون انک  
بولغیر زمانه ابس کیتور و ریم اول مقدم اتر لار  
دیجالی لور چون در و لار بزرگوار لار دین بولما

معاینه لور دین راسیدین سو نکره ابر کجیه نیک سیر کجیک  
نرسه سیر لوق بولم حضرت شیخ التجا کیتور و ب سیتان  
تیلایه با لوقف حاجتیه روالو لور ایردی افعه حضرت شیخ  
باغلار غنایر لار و بان کجه لار لار دین قانان بر لوب  
جنا و رختان ایردی تبرک سلور ایردی لار سیامیل لاری  
یار ایردی کور دیکار کتخ شیخ قور و بجه غیرت برله مبارک  
قول لاری نه بولوب قور افغان شخنی لور بولار و خود  
باقدن سلطان اکبریم صلواتنا بت و فر عیاض اسما و بولوب  
نه اوقو قاتخ ایرغانی لار ایرجه سیمانه و لعلی نیک غنای  
برله فر حال سیره بولدی و برک لار قیادی علمیه القیاس  
نبره کور نیک کرامت لاری سیامت ده بولور ایردی و  
لارنج قلیب سیرن قالور ایردی لار وینه عادت لاری اول  
ایر و یک بر تار دناک قویون لار دین کم بولما سیردی اکو  
بر کونه انک شخ لیدلوی نه بر و ایردی لار سیر کیم  
بولما سیردی ثابت ایردی او سوسوب سبب بن غنایر شیخ



خبر بر روی این لایحه متناول بوق بولکاس و زلف و نیکد ابول  
لاشونانی قبول نماید ایرادی غیر الدیل است کسبیدی شیخ  
ناک انکار حواله مبلدیل رزمیندین کین ین بر د بولوقه ایر  
موتیون لار غف قول سالک انکار هم ناک بر کار کوزیل  
له هیچ نرسه بوق و ویریل رای باران مکره فیه نیک غری  
اغری نه بولغای و رسول رسور دیرلریم ای بزرگوار یا فرود  
خست یق بولغای شیخ ایدیلر بوق اما بولوقه معلوم بولاد  
لیم ولایت بائی نیک میوه کرامت کشته نیک شجره  
بوکون منقطع بولدی بولانکار مات بر و بریم مکر تر لیکلک  
نیک قناتی تو تولدی و غرنا کس است بولدی و یا اول و  
مردور وینغ و بنا لقا بدین منقطع مبلدیلر بولغا  
اوسه بوز و ایردیلر بزرگوار نیک موقلاق لار غاف اواز  
لبیدیکیم ای خبات الدین خوب تا نیک سلیمیل من استیک  
دنیا بر لایحه استیک قادی بولمقلقات دین یا لکلیته اولد  
نیک نرسه قطب جماعه سیدین مبلدیلر قطب رخه موند

خبر بر روی این لایحه متناول بوق بولکاس و زلف و نیکد ابول  
لاشونانی قبول نماید ایرادی غیر الدیل است کسبیدی شیخ  
ناک انکار حواله مبلدیل رزمیندین کین ین بر د بولوقه ایر  
موتیون لار غف قول سالک انکار هم ناک بر کار کوزیل  
له هیچ نرسه بوق و ویریل رای باران مکره فیه نیک غری  
اغری نه بولغای و رسول رسور دیرلریم ای بزرگوار یا فرود  
خست یق بولغای شیخ ایدیلر بوق اما بولوقه معلوم بولاد  
لیم ولایت بائی نیک میوه کرامت کشته نیک شجره  
بوکون منقطع بولدی بولانکار مات بر و بریم مکر تر لیکلک  
نیک قناتی تو تولدی و غرنا کس است بولدی و یا اول و  
مردور وینغ و بنا لقا بدین منقطع مبلدیلر بولغا  
اوسه بوز و ایردیلر بزرگوار نیک موقلاق لار غاف اواز  
لبیدیکیم ای خبات الدین خوب تا نیک سلیمیل من استیک  
دنیا بر لایحه استیک قادی بولمقلقات دین یا لکلیته اولد  
نیک نرسه قطب جماعه سیدین مبلدیلر قطب رخه موند

مستور



ابر حضرت شیخ قدس بقیت سید ابوالدی و شوق بودید اولی  
و قطب است در به سرحد به سیدین اوزین ضبط قیلا وادی  
و شوق غلب سیدین به خود اندامی اولی خرم طایر باطن  
اندین هو نکره بو سوز غم نهان و اسکار همیست پتور ایزی  
و منکر لار استب عتر من مقامید ابولیدلار و قاضی الدلیفه  
باریدیلارای سیمانیلا زینک قاضی ای صنان شیخ بونو  
سوز فی ایتیب روایتا دورا و سوز سر لیت و کفر نو  
یا بومو قاضی ادر لار کا بر سر لیت و کفر کونا دورا سیمانی  
دورین کیم تا و لیکن موایکین یا بومو ایتین  
ای بیکار سین قاضی حاکمین سیمانیلا بر سر لیت قدسی  
میتاق کراک و قاضی ایدیلار بو نیکین لار کیم مفت الدلیفه  
بارالی و انینک بن استقامتیلالی اندین هو نکره اول  
شیخ قاضی غم بار سقا بولور معاند لار ایدیلارای قاضی  
ناضیر غم نه خل و کیم لور کیم بونو صرح کفر غم ایتا  
غان بولوسین رو کورار موسین کیم اول سیمانیلا

یزنده بولغای وقت دور کیم بونو کالایق دور قاضی  
ایدیلی یاران اولی شیخ دور به تاویل مواندین سوز فی  
دیجا کراک لال غم غم نیست بر ما نیکر خوب بر ما بس  
دور دریب تو بولوب مفت لادی غم باردی و عتر من قیلا و لار  
باریدیلار و قاضی مفت غم بولور قاضی بیان مستلک سیمانی  
ما بطع شیخ میل عترادی بار ایدیلی و واقع بولوس  
شیخ دین لالان واقع بولوب دور موایکین لار کیم استب  
بور و بد و مفت ایدیلی یاران اگر چه بولوس طایر سیمانی  
بولوس کراک ما شیخ هم اوز وادی سید سر لیت بوی رعا  
مجم دور سیمانیلا کالان بر لغه بولغای بر لغه سید هم تاویل  
دیجا کراک بولوب با جده امام محمد لار نیک مقرر قیلا و لار  
اکر کیم نیک لوز ایتیمانیلا نیک بری اسلام غم دلالت قیلا  
و اصل من لیت بولوب دور کیم غم غم اول میر لار کیم  
اوز سوزین تاویل قیلا لال سونده غم غم نیک کافر  
خوب با بس و درای سیمانیلا لار شیخ لادی غم بارید



تحقیق قبلکنر لار کیم بوسوز ندوب وریالوق کردیکنان  
 ابراهیم اول طلب قبلکنر لار اگر موجه ناموعل منیب هم نمه دجای پای  
 الزاموعل قبل ماسه که عیون الیب کسلکنر لار انچه هم سربسب  
 لازم دورانی قبل این اگر کیکلکانه امانا ماسه سوقت ادریب  
 قبلکنر لار اول ابرو کیم محبت لار دین جمعیت روعل روفانقا  
 انکه کامیتب ویتوریتل اب کردیل روعل رحم **سخت** او سبوتا  
 یوزکا مسعود ورنما هموار محبت لار تحقیق ایل مای وناوین طلب  
 فیلمای طرائف جوابت دین دره لار فی ثو ماروعل لار کیم حیات  
 قلیقای لار **سخت** خستناک بولوب مثر غضب یوزیدین ایدیا  
 مای بای دست دراز فیلمای کنر لار ببادا که غیلمای اس سیر لار  
**سخت** قدس قدسه العزیز شیک بومقد الفقه برله محبت لار  
 نیک دره لوتقان قول لاری قورودی مبرکنر لیا مادی لار  
 سول نوه قاصی الدی غه باریب حوال لار بدین غرض قبل  
 ابره قاصی الدی غه باریب حوال لار بدین غرض قبل  
 ابره قاصی الدی غه باریب حوال لار بدین غرض قبل

قیادت کنیز لار و تحقیق ایلامی کستان قیادت کنیز لار  
 اول نسل لار و ورکیم اولیا اقد باره سیدان  
 و بابا قیادت کنیز لار و ورکیم اولیا اقد باره سیدان  
 سیدین جبال مای و ورکیم اولیا اقد باره سیدان  
 محبت ایدیلار و ایدیلار ایدیلار ایدیلار  
 اوز و مینک کاللم ایلادوک یا مذوق تو  
 قیادت کنیز لار و ورکیم اولیا اقد باره سیدان  
 باریده بونوع کمره لار و تصور سال قیادت کنیز لار  
 مینک کاللم ایلادوک یا مذوق تو  
 ای دی ای ماران علاحدین اول کیم  
 قیادت کنیز لار و ورکیم اولیا اقد باره سیدان  
 جبال مای و ورکیم اولیا اقد باره سیدان  
 قیادت کنیز لار و ورکیم اولیا اقد باره سیدان  
 قیادت کنیز لار و ورکیم اولیا اقد باره سیدان  
 قیادت کنیز لار و ورکیم اولیا اقد باره سیدان



ایرین پهلار اوز الدیمه جوجک غدر ایتانایمیز کم غدر تراز کناه  
اولاد و چون قاضی حوی اشته ایریه تمام نیازمند ایک خیریه  
لار نیکو بیندن با غلاب شیخ الدی فذ کیدی و بسیار نذر نیا  
اولکاز بقیعت قلیب ای ای بزرگوار لطف عینک بر له بوکنه کار  
کن بنی نرسیم کیم الدیک غدا او بانه کویب لار تحقیق ایلکاو تاویل  
طلبهای موندان شتایق قلیب سیر الارین با نوبت لار  
رسم ای جهان بولوب غافل لار غدر بنده قلیب لار بولوب معلوم دویم  
سین در باد بوجیعت نجاست دور لار در یا نجاست بزرگ  
بولمای قاضی نیکو بوزی عذری تقصیر **حیرت** فذ خوس  
لند معقول کونست شیخ بولوب فضل لار دین شیمان لبق دایر  
ایرین لاری قاضی سنک بوزونک دین بوجاعت تقصیر لارین کج  
دویم اما موندین کین بولوب فضل عینک سونرا حیرت لار بغیر ارب  
ایرین لاری شیخ با فذ که من بعد بولوب فضل عینک سونرا **حیرت**  
عفو مقامید بولوب بوجاعت کافاکه او میدیلار ایریه حال  
قول لار سنه مان فذ کیدی انا تو مار قول لار لوق عینک

اندین یونکره نصیحت مقامیده بولدیلار و ایل  
ای قاضی و شیب لار اگاه و دانا بولونک لار  
جاعتلار مانکیر لار نیم نیاث الدیمه جیل تا و انتین  
بولوبوزن دیکای بخور صتیپ سون تیم به اختیار  
و غیبات سکوت دین ناچار بولوب کیم  
یتیم غم خار سقلا دور آه بونتا وین شکر  
دور معذور تو تمام کرا ال الرکبه طاهر لیت  
بر که کفر دیر لار اما اصل طقیست اندان غلغ دو  
لا کیم بولاک بر دین دیر لار اوز که خوان  
نقمه بیر لار لاجرم موندان طیفه لاسوزیکا  
مرا جیم و تعرض بولوب لوق ارس دور شو  
اشاد اکمر اورا قوی وای دی کیم بزرگو  
بولور کیم بولوبوزن ملن تا حضرت قاضی استیلار منطعا  
بیر لار هم اشیستاک حضرت شیخ ایدیلار ای کیم



در دینش لار بونو که معلوم دو رکیم اول لید و  
آخر یک من بول که کسم نوا الصفتی دور  
دویشیم بوصفت ذرا و زیکا اسنا و قیلا دور  
یعنی اول اخر منند و من من دور بومنی دارا و یوم  
همیخ زمانه خداوند تعالی یاد دین یراق اما کس  
دور هم همیخ انشای که ترور من ظاهر و باطن  
دور من یعنی پندان و اسکا را از شکست من  
اما کس او زوم همیخ سیریه که بولوع نسبت دور  
بوراک اول منم اخر منم درینجه استخاره سی بار قنّه او من  
کافر بولوب اولتور کاک کاسرا و اربو حوین  
شیخ بولوب و سیل فیتد لار یریه اهل  
مجلس یریه و صدقنا و سلمنا اندین کی قانی  
اوز قلوب یریه سی بزرگوار بینه و سبب لکنر سیریه  
ایر در زیر که موندن صرح کرامت نیم الان حضرت تنگین دین  
ظاهر بولوب و بینه لار است بهر سبب و ق نیم جعفر تنگین نیک

و حاجی بر لار بوجاعت نیک نور امان قوی انفعال غه کینک و قنّه  
بر در قوی زمانه نیک فالد بیک سیریه کولمان بونیده ظاهر منی  
نیم حضرت بزرگوار نیک سوز لار تنگین معزی سبب بولوبان نیم  
فعل اول نیک فاعلی بولار بولار و فعل صرح حضرت بزرگوار  
لارای بزرگوار اربو مقهر لار فقیرین جور کاک کرامت حضرت بزرگوار  
ایر بولار قاضی بیکل نیم در و سیریه لار نیک نظر بولوب و قنّه  
بسیار بولاد و در غان و لار نظر کاک کینتور کاک لار سیریه کینتور  
فیتان لقصیرین بولور دم و قاضی نیم سوز مقامید بولوب و سیریه  
ای بزرگوار اول وقت جور کاک لار لور نیم بولوب بالحد و قنّه  
بیریه بولوب و قنّه بولوب بولوب بولوب بولوب  
سیریه قنّه سیریه سیریه سیریه قنّه ای بولوب  
قاضی بولوب و نیم بولوب و قنّه نیم اگر سیریه بولوب  
سیریه بولوب و قنّه نیم بولوب و قنّه نیم بولوب  
بزرگوار بولوب و قنّه نیم بولوب و قنّه نیم بولوب  
و لایق افعال غه و قنّه نیم بولوب و قنّه نیم بولوب



لکھنا و انفسا دید و کھوندین کین هرگز بوجھ فیض  
 کیسج ای دی لاریا را سنج قتل تو، رب امین  
 نکیر لاریا رب لاریا قتل کو تا رب امین ویدی  
 لاریا رب قتل کو تا رب کیسج و عافه مشغول بود  
 لا رہنورد عافه تمام بود با رب و سرب العزت تود  
 بر لہ قور و عافه قول لاریا تو تا رب بولدی سکول  
 مجلس قافہ با سنگین ہر محبت لاریا **حضرت شیخ قاسم**  
 قلیب یہ بولہ دلا را دین سو نامہ کیسج ای دلا  
 ای قافہ منی سبہ ازین حشمت کہ بندہ دور نہ جد  
 تہ دم اور غای اکو جہ سوری قابل تا بل بولہ  
 اہ منم سن الفتا و قتلا و صاف ریر و یکم بولہ  
 نوسہ لاریا ظاہر قیدیم تا سیرین حرکت کا قلب  
 بوزمق میدا بونفا کیسج و جگہ یلم کو قافہ  
 سبب یکم مرد قابل لاریا را رور سبب یلم کہ  
 عاشق لاریا قابل لاریا لاریا بی دور و لایق

لاریا ابرو دلا لاریا کین قایل لاریا کین سبب خواہ  
 لاماد یکم ضایع قافہ کیسج لاریا لاریا کین سبب  
 دالو بولہ مقصود و کثرت یکسج لاریا معلوم بولہ **حضرت شیخ**  
 سہ العزیزش سبب قلیب سیر دلا رور قلیب سبب زمان لاریا  
 بس صاحب دل نہ تربیت مسکول کی لاریا سبب سبب  
 اضری قافہ عبد ظہیر یکم مذکور بولدی اولن طیفہ بر پا کرد  
 و طیفہ لاریا لاریا قافہ عبد ظہیر یکم مذکور بولدی اولن طیفہ بر پا کرد  
 تنہا سبب کج حقیقہ لاریا نماز و یکم سبب سبب با سبب یکدی  
 لاریا درویش لاریا لاریا یکم سبب سبب لاریا دو تا بولہ  
 درویش لاریا لاریا یکم سبب سبب لاریا لاریا سبب  
 سبب کج حقیقہ لاریا لاریا زمان کثرت لاریا لاریا  
 حضرت شیخ ایدلاریا درویش کثرت با وقت با وقت  
 خواہ لاریا یکم سبب سکون و لاریا سبب حیرت با وقت  
 بعضہ لاریا دور است تا سبب حیرت با وقت یکم سبب  
 تیلادیم و بعضہ لاریا رنجور کور و دم یکم لاریا لاریا



واکبر لوی زوینی کوردوم نیم عالمین ایمان کنی لار من هم  
 او سبب جماعتین بولمغای من دسب قوتو پنجیدین اوجا او  
 استخوان لاریم سینه مادوته بولدوم ای درویش نه غرض  
 ترور کم تجربه سیل لار من حکم و پادشاهت تار تار بولونع عالمین  
 لب اثره انکار کا ایمان معتبر دورا نزع جان و مقیده ستمانی  
 تازه ایمان ایماق اسلام نیک نشانه دور تخصیص اوجا امان  
 و نیم اولار حاصل روین ترور لار چون واقع دین ایک لول  
 اوجا ایرسه اوجونچ لول ضربه دیلار که ای غیاب الدن بید  
 وقت لدر نیم دوست دوست غه اولان غایب اینر واکای  
 سین و مجاب سمانه پرده دلاری ارادین کومار یلکای  
 خون بولمغانه استیجاب بحال بولدلار و اوجا قوب بولون  
 تمام بر لایزال خوش بولمغای درویش لار دین **شیخ نیک**  
 اوجا سینه اولور و بپردی سورد و یکم ای بزرگوار نده  
 حضرت شیخ ایدیلار در درم فضل فیری بی و سل بولمغان  
 لاکر بیل ز سر شوق اوج مرتبه به در به جرح باردیلار

اولن اکبر لول بیت بیجه تارنه اندین سو مکره ایدیلار اللهم انت  
 اسلام و نیک اسلام و الیک اسلام و الیک ترجع اسلام جینا  
 باسلام و اولمغان اسلام بابرکت ربنا و تعالیت یا ذوالجلال  
 و الاکرام بغیر خدا و ذابهر نقصان و آفت بین سلامت و منفه  
 سین و مخلوقات لار نیک سلامت لیکیم سنین و سلامت  
 لیک نیک مرجعی سین ترور سین زنده کولقیل بیلار نه  
 پروردگار سلامت لیک برکه و دال مصلحت بیلار نه  
 اولکاندین کین دار اسلام ایلنج مینت اوجا خشیانیت  
 بسیار دور پروردگار بار صودین اولونع سین ای بک  
 بیلنج و فضل لرامت لیلنج تکریم دعا اوقاین اجات ننه  
 سیکانیکورس بولودغانی اوقوب حق تعالی غه جان  
 نسیم مستیلدی لار ایرسه درویش لار سکریم مطلق  
 ضریاردی لار باریک بولوب **حضرت شیخ نیک** مصلحتین مینا  
 ایلاب مبارزه کاسا لیک زکاه غه تیکور دیلار و عاز لار  
 ادا ایلار بیکار و بیتا کومار بیخوت منزلیکا کلنور دیلار



میریم کو ملک لال پردی تا اندا بیکو پنج جبارہ رکبیدن اوج  
ایزد حریت اواز کلدیم علیک اسلام و فلسفہ محمد سوردیم ای بزر  
رئوار بوجوش جواب سلام تروریم نیورسین **حضرت شیخ**  
ایدیلارای محمد بیکت چورلاری صف در صف لوتروب و لک  
اسمان فرستہ لاری کرده کرده کلام میورلار بولار سنی  
خجواب برور منی القضا مالاری مولانا نظام الدین نینک مرار کا  
خجیکور دیلار و شولار بیکان اسلام علیک ایس منور ایدنا اعراض  
استیقیم دیدیلار بغیر رحمت سیرلار کا ای اسل کوروشینا  
منزل است لول غلبه بشل کنیزلار و کوروشیمان حلقیدن  
اواز کلدیم علیک اسلام آتیک الله فی الدین بعین رحمت  
سنگاکیم الله تعالی سیرلار کیم **شیخ** غلبه کلدیکه غلبه  
سیری دور بوسوزنی بارجہ ملا یقین است لاری رحمت دین  
غیر لوفریاد جعفر او سول شادہ قاضی عبد الجید فغان مالہ پرلہ  
بیل بولوب کلدی **حضرت شیخ** نینک جبارہ سین فوجوب  
ایدیکم ای شیخ بزرگوار منیچہ دولت غلبه و کلدیکه و بدارک

دو لیتین مردم ایل دینک و شیخ کا ماخه نیکور کا بولدا اضا  
قوید و نیک جبارہ الجیدن اواز کلدیم یا عبد الجید بیکت کل شیخ  
بالک لا وجهه له العلم و الیه ترجعون بعین عبد الجید فغان موسی  
بولعینلیم و ایل بوجود زانیدن اوزکا بار بوجوب لاریک  
و فغان بوجوش ترور و ارادہ علم خدای عزوجل نینک و ورک  
فغان دور و الغوی ترور سیرلار اندین سوکره **حضرت شیخ** فیض  
الدین فغانی عبد الجید برلہ طبع و اقوییدیلار بر بیک حضرت شیخ  
طبع و اقوییدیلار و لوتروب یریلار بندا اول منزل سن منازل  
الاف و افراد منزل سن منازل دنیا یعنی لورخت منزل لاری  
نینک اولاد دنیا منزل لاری نینک آخری دور اندین کین دراز  
ماریتب یا سیرلار یرس من مستبدیلار شیخ محمد حضرت شیخ  
نینک لغزانی اوزرا اولتور و بقا لیدیلار سوال فرستہ لاری  
لر دیلار انجہ نیم سور غولوت اپردی سور دیلار و سیکولون  
ایشته لار اندین سوکره ایدیلاری فیاض الدین مبود و نیک  
مزا موسی مسماعان بولغای سین و حضرت شیخ غلبه فرستہ



لار نیک بوسوز بسر شوار اشتیادی ایر سه قدر برله  
 هر چه لاری براردن پانجه اور دیلاریش یوز یلیجین  
 یولین کلیمین لار فراموش قیای سیر لاری غیات الدین ۲  
 ادم بوی بر کاز ماک برله فراموش قیور مولو بوجوک بند لیک  
 ترور که سیر لاریجه شکیمت بولماسا بنده لیک لایق احوک  
 بنده بولور دینه ایلا کیم سیر لاری حضرت بنقر صلا الله علیه  
 نیک سیر لیت لاری اعمور سیر بولغان مستو سوال نه ما  
 مور سیر لاری بنده سوز برله نه اشتیک لاری بار دوروب و شته  
 لاری قبرین باندور دیلار فرشته لاری حضرت شیخ نیک  
 لاری دین ماله برله جقلا شیخ امجد کاهن رت ملید لاری  
 ای شیخ امجد علیه السلام اولتوروب مرقایه درویش  
 لاری ترتیب قلیق **شیخ امجد** شیخ لاری نیک رت ملید  
 لیک سیر لاری اولتوروب درویش لاری بیتی کاشغول کو  
 حضرت شیخ وفات لاری سیر سحر ابرو الو سیر کور  
 وادی ای شیخ فزای تکا سیر نیک شیخ ایدیلار غیش

الدین نه فریاده مالکان لاری بیکه ملیدی درویش  
 لاری غیاثین من مبعوثان غیاثین لاری دین یکان غیاث  
 لاری دین کلکاندیک سیر لاری دین مالکان درجه لاری مالکان  
 لاری نه شیخ امجد علیه السلام رت ملید لاری غیاث  
 بولدی لاری مالکان قد الله بوز اول ایردی دین اشراف  
 سیر لاری ایردی بولور شیخ امجد و اداق بولدی رت ملید  
**اول برقیض** شیخ امجد حضرت شیخ قدس سره  
 عزیز نیک سیر ناک لاری دین مایندی حضرت شیخ نیک  
 لاری غیاثین درویش لاری کابیان ملیدی ایر سه بجه لاری  
 یکان غیاثین ایر غیاثین سیر لاری دین لاری  
 شیخ ایلا دیلار مالکان حشره لجه بولدی درویش لاری  
 شیخ نیک سوز یکان لاری بولور شیخ فیلور ایردی لاری حضرت شیخ  
 امجد سیر لاری کور دیلار لاری باران کمان ملیدی ۲  
 نیک لاری شیخ امجد فضل ملیدی الدین ابان بولغان  
 بولور حضرت لاری دین ایر دین من استر ملیدی و ضیفه



درخت بلبس فیض قبول یارب تقدیر قلیب کینز لاری من سزلا  
دین حشود بولور دین بولور دین بولور دین بولور دین بولور  
لاری کایدی لاری کایدی لاری کایدی لاری کایدی لاری کایدی  
سزلا کایدی سزلا کایدی سزلا کایدی سزلا کایدی سزلا کایدی  
کایدی کایدی کایدی کایدی کایدی کایدی کایدی کایدی  
فات واقع بولدی و قیام دین ایست لاری اولاد دین  
برکی هم میسایم مرتبه دین بید بیدی اول بیدی ای  
باران حضرت شیخ نیک سوز لارین ماجار قبول مقام کرک  
الرمبول مقام سابق دروس یکد درین بیری اید تاللا  
فخر توقف مبتلا لاری بولور کوشمیر واقع موافق بولور سزلا  
خان قیام بعینه واقع بولور سوز دور اولرمان بیج مانع بوق  
دور اگر واقع بولور سزلا ای کانه معلوم بولور سزلا  
سوز برله بایندیلار و جدا بولور کوشته لاری اول بولور کوشته  
کایدی بولدی ایریه لاری بولور کوشته لاری بولور کوشته  
لاری اول بولور سزلا تمام بعینه سزلا کایدی لاری کایدی

کایدی زلفی زلفی لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
منکا کینز لاری و سزلا بولور دین بولور دین بولور دین بولور  
مکید و دیکر لاری کایدی لاری کایدی لاری کایدی لاری کایدی  
لاری اول بولور لاری اول بولور لاری اول بولور لاری اول بولور  
تقدیر قلیب کینز لاری کایدی کایدی کایدی کایدی کایدی  
و سزلا کینز لاری کایدی کایدی کایدی کایدی کایدی  
بر کایدی لاری کایدی لاری کایدی لاری کایدی لاری کایدی  
مسلم لاری کایدی لاری کایدی لاری کایدی لاری کایدی لاری کایدی  
خلایق بولور لاری کایدی لاری کایدی لاری کایدی لاری کایدی  
سزلا کایدی لاری کایدی لاری کایدی لاری کایدی لاری کایدی  
مستول سزلا لاری کایدی لاری کایدی لاری کایدی لاری کایدی  
عوز دیکر لاری کایدی لاری کایدی لاری کایدی لاری کایدی  
ملافت سزلا کایدی لاری کایدی لاری کایدی لاری کایدی لاری کایدی  
بیت کایدی لاری کایدی لاری کایدی لاری کایدی لاری کایدی  
ایست لاری کایدی لاری کایدی لاری کایدی لاری کایدی لاری کایدی







فرحال مژغضب یورندین شمیر نیکین لیا بدین شمیر  
 یو لوب لیا ج اطن منیب طبا لیا نیک یو لور و کسب  
 لیا ج شمیر برله اول کودک بجه خداوردی ایرسه بجه  
 نترین مبدلولدی اما اناهی شیخه لوتوب بادشاه  
 الدیفه ایتیلار و دادیلار ایم ای بادشاه عالمیان  
 و لودک دکنه میرنه او سبوی نیکین اولتور و بدور بادشاه  
 سو دیم ای و غول و سبوی نیکین واقع بولدیمو یا لوتو  
 شیخه ایدیلار میرنه خواهه لادی و خواهه لافاننی قیلار و  
 نیک قی لوبدین نه قیلور بادشاه عارف ابردی خدمت  
 لایم ندیم لاری خا ایدیلار ایم لودک معرفت دین دین  
 ایرکس دور عجب طایم موندن او غلام دین لیا ج شمیر  
 برله بجه سیکای لوتو امت دین اوز کایا پس ورینه  
 بجه ایتیلار لوتو دور دیم یی ای مژ خدا حالا  
 لودک شاقن بالغ ایرکس و ردعوی بخوک دست  
 لوبور و کیم هم ردالو لایس کراک سبکا بجه وقت لوتو

قیلاق لازم و ورنال لودک بالغ بولغا اول وقت دعوی قیلان  
 بجه اوار تر و پلاش بولون هوز برله **شمیر** قیلار  
 هوز ایدیلار ای حربه بجه لوتو کیم اول ایردیم حربه لوتو  
 ایلاد پلاش هوز و دیم ای کودک بولم کلا نیک باسی خیل  
 لیب دروب ایردیلار کلا اتر دین ای حصه بولور بادشاه  
 بجه تر دین و لودک و لی حوز و کر نه معنی سبک بار کیم موند  
 کیم اذ غلام لیا ج شمیر برله کلا ای حصه بولغا و با اونی  
 لیکار سور دیم ای کودک اتشک نه دور **شمیر** ایدیلار برهان  
 الدین تر و پلاش ایدیلار عجب فرخنده لیک اتشک بار لیکان  
 طاهر لودور کیم او سبوی لودک برهان الدین ایلار لودور  
 مجیب دیم حاکم قیلدیم موندین کیم تاریخ اهل قیل دیونلار  
 حاکم ایلاد و کیم ای کودک بولشمیر نیکین با نیک دین براق قیل  
 اول ایردیم اندین هوز **شمیر** اول شمیر بلبیدین براق قیل  
 هر کیم درشت تاموجه هوز ایتیلار برله کوارغه آخیر خوش  
 کسب کول شمیر برله اوروب ایلار قیلور ایردیلار



باره اول برز کو اردین سپر اور دی ایریه خلافت اولی  
 مید اولی لار و خلم تو ب شمشیر برله اور ویکل ارکار قیما دی  
 و اوق برله لار او قادی ایریه حاشیه کلیدی وکیل لار  
 یغنی سبج نرله یادی لار اول سل مونیک برله نجهت **حضرت**  
 شیخ بلاغت مرتبه سهرکاتیر لار و جذبه لار نرله راک لودی  
 اول وقت رسم شمشیرن ایستیم یلر یکله نلاری غده است لار  
 ملا یق مونی تور دیلار ایریه تور قوجنن بی ضر وادی  
 لار بدین ماسکار حقیقادی لار بر تقدیر حقیق لاریم جنبه طاق  
 هم لار نریتیب استادی لار لیکلور ایر دیلار لوقه دا  
 مکرسل طاهر دین حضرت شیخ قه آسالیق طر حین  
 سالد و او زینریندین حیدلار بر که شمشیر لودی و حضرت  
 شیخ تو کلا وقت لار ده نیکادی کاتشیف کلیمور و را  
 ایر دیلار بر ثونی اول مکر سهر و یکم ای بزرگوار کوشیه  
 قابدین بی شیخ ایدیلاری یا عسیر نریم بوشمیر لار برین  
 الدین آیتلغ اولونع بابام لمانتی ایکان اولار هم مخدوب

ایکانلار دین تور ت وابط برله اول بزرگوار غنه بولور و اولار غنه  
 بر بان الدین قیلچ و بر ایکان لار سی قوی شمشیر ایکان لار  
 و وصیت لاری بولوب ستر و نیم شکا تور کونجه شیت دین  
 سونکر امیر نرندی موجوده لیکور نیم منیک برله بهمان بولور اول  
 هم من نیکلغ مخدوب بولغوسهر ستر و را اما اول مخدوب اسل  
 بوسه کرک لاری شمشیر نیکلغ شام دور که انکا تعلق باردور  
 دیب بر عار و امانت قویوب ایکانلار لولونلار و انکا معلوم  
 بولدی ایریه اول غنه بار سهر و دم که موند انکا تعلق  
 ما یکان اولونع بابام نیکلغ لمانتی بار ایکانلغ افضل قاید او  
 بر قران س تیلغ لکدر ایست سبوغا راجحه و در کرب بابم  
 لور دم که شمشیر غنه تیج کرد قوتای و والدیم و بییم کاستم  
 و هر کمره صدای لمانتی نیکلغ لولدا انچه و لوقه بیتلار  
 نیکلغ برده بر سر سله سراسر متیغوم و دراکراست لول غنه قدم  
 قویسه بوشمیر لار لاسه دین و بر بان آقست مین لماندا  
 بولغوسهر و اول ایر دیم حضرت شیخ قدس سهره العیز نر







نیکو اسید اطهر قیامی من اشرف الدین امیری ای  
 بزرگوار بودی که نیکو محض است که نفس لیک و روحانی نیم اول  
 نیم سبک اوزکا اولیا لار کرمانتین ریا ده راک کرامت  
 بار دور **محبت** ایدیلارینه بر وجه اولکه او تنکان اولیا لار  
 ظاهر سبک لوق البکان ماطن لاری فخر کلور و بر راک  
 فقره الکاحیات لوق دور زیر که حقیقتی اولعالم لطف  
 بر له جک لت لار مدین موندن الت فاشک عطا ایلان و را  
 بهی خیم جک مبدل امثال بود لایم دور نم ضرور بود و نیم  
 بولون صلاحین یراق بولوب صوفی او چون بر مان الیک  
 باطنی زور کلور کای نیه پور دی ای بزرگوار سبک  
 نیم موجد کمال بر له مبدل اسیر و تربیت قیامی سیر نه اری  
 وجه صیف نیم نیه مرتبه بر له تفراق استید پوشید فالعالم  
 حیات لوق لاون لایم اسیر کمر سه لایت مرتبه سبک ایتما کای  
 و خدای تعالی اولیا لار دنیا بوزیک او سبک مصلحت او چون  
 ایدیلار نیم مکره لوق لایم ماس لار نه صلاک جابدین

چهار غای و غفلت بود سید فاسق لار نه ارادت مندی  
 بر له منع لومیدن مار قهای لار در کافیل لارینی محبت طنبی  
 بر له درگاه عدیت کاتیکو رکای لار زیر که بوطایفه قیام  
 سبک مابان دور لار وافت با بر وجه موجودات غه نور با  
 غوی سرور و مونی که او چون یراق دیکم اوز لار مدین او  
 کافین نیکو رکای لار **محبت** ایدیلاری اشرف الدین  
 بخش ایدیلار مدین اما مدید پریش قیامی لول بولرکان و قیام  
 مات لار نه قیام و منار لار نه قیامان مقصودی فدی کای  
 سیر سالک کراک و در نیم بار قیام و اولیای ماق و ایتما کای او  
 ماک انشویس مار قهای و نیه بر دکام نشویس بر ماکای  
 لار اوز حالی بر له در مانده دور لار اوزکا نه چون تربیت  
 جنسون لار و نیه سور دیکم ای بزرگوار خوب ایدیلار اما مجذوب  
 لار نه لوق حال مذبذبه و قیام بولون سیر و او سبک مابان جعفر تنکید  
 نیه نزل بولوب و در لیکن انتری جبرست و رونه اولکه مکره  
 البس پرورش قیام مقصودین اوزکا ایکس دور دور و ریش

لار و قیامی نیه خیر تنویر در اشرف الدین ایدیلاری که بر مابان بود دور



اول تو رکیم حق سبحانه دین او زکابرده اش بولما سابع معینه  
و طبع منقاد بولغان دین سونکرانا جارا اولار نیک تر تیرک مشغول  
بولماق کراک بولمق دین براق بولما عین حق سبب و  
مطلوبه غنی خلق تیور و رینه ایدی ای بزرگوار موندغ غریبه لار  
هزار یکس و ریزیراکه دنیا مشغول لوق بریدور اوز کایا کاس  
و مشغول لوق دین نه اوجون تور قتلون و دور تحسین شعلیدین  
انک سبیدین خست قوتله کلمه تور قیاق نیک مغرس لوق  
دور افر شخ ایدی لاری بار مقصود کمنه و رکیم این همه لغت  
لوی قبل سبب ایش الدین ایدی شخ مقصود و اول  
بولونک جمله لار برله بولکیف تیم فاسه لف ذاشک نه اشتا کلام  
تاکشت و بیره لیکدین بابک بولغانی و بنده لیک کالایت  
پهلایای چون که ایتیم رلار ارقطه دریاغنه تا مبین  
دریا بولور لولوبت خود محال تور انا دور انا بولمقدار خوم  
لای مزانه زکابرده اش بولما عال اولموم حضرت تنک غنی خلد و  
اشمالین قیلانیدین صفات لغای زیراکه قرا کمنو لکما

جوانین روشن بولادور و زکابرده اش بولما عال اینه صیقل برله صفا پناه  
دنا دال الله دانا لار مجتهدین و انیش بید ایتل دور که لومید برله  
سنگاه همراه لوق قلیبت و انیش الفت الیبت مزانه قرا کمنو  
لوموم نیک ملکر جمالک سمعیدین موز بولغانی و زکابرده اش  
لوموم اینه سبب صاف صیقلک له صفا بولوب و ش لیک باقا  
دولما دال کینک مؤثر مجتهدین دنا لوق غنی لکای اینه  
مصاحب لوق تیم در میان بولدی بر حربه مزه فقیر سبب غنی  
لوموم نیک کومادی مصاحب و انیش الفت حقین بجا کلتو  
دینک اینه جم مزه فقیر امید لوموم لومید لادینک بر خطه منک برله  
ساز بر و از قمتی دینک سنگاه همراه لوق دین مقصود و اولکده شش  
بولوب منزل کاتیکای مزه **حضرت شخ** قدس العزیز بوزغوی  
شش پهلایار که بولیشنه دیدور غرضینه و ایدی ای بزرگوار  
و مونس سبب غنی پهلایک مقصود و کمن تر و سببک طاهر  
نیک و چون کولموم خواه لایغ غنی مقلای بوق ایر  
اوز و نک سبب سبب کم فقیر غنی مزه بر و سبب مقلای نیک



و آنچه بر لوف دور و بولاس کرا لاه محض سینگ او چون  
 اراد تنگ قبول مقدم اثر قبول متحابم خاطر نیک بخور بولونکو  
 دور ما جاربول مقدم چون است الدین فرغانه مرید لیس دوستی  
 کاشف بولدی ایر حضرت شیخ اوج لون تنگ حال غه متوجه بولکه  
 او متوجه لون اجد اخرب توفه فوت بلن و زور لایست  
 بر که است الدین فرغانه نیر استین تمام فرغ پیور دیار و بولکالی  
 تنگ نیدن بونکر اوز کمال لوف ضرور بولوب یوز کلتور دیار  
 و زور منید یار نیم امانت ایلا بمرید بولغای لاه حضرت **حضرت**  
**شیخ** برهان الدین رحمه الله علیه بول متیادی لاهر چند زور  
 کلتور دی لاهر بره منی بولما دیلار است الدین فرغانه بولتقام  
 بولدی کم حضرت شیخ غا بول استی تر عین متیادی چون سوز کلا  
 کلدلر حضرت شیخ غضبناک بولوب مزلوزیدن کیدیلار  
 ای اشرف الدین شوک لوف حق بوش برله بولغیل که اثر برهان  
 الدین توما غه قلع لاه بولونک هانک بولوب هم بر قوق غا غوی  
 دورا کر مرید الیب بروریش متجات دغد غنک بولوب خفت بریم

خواه غا نیکتر متغیل دیب فلایوت دین یوز او یوز دیلار سوتاب  
 برله توه ساطر فی کلا کتر لار اوج لوفیل تمام نشو لارنه لورمادی  
 بلمادی اوج بیلدین بونکر ابر کور نیک غا روستولن ایلا نلارین  
 جبر تابی اور چند دین اولوغ و لجیت برجه فلایوت باریب حبیب  
 جوی منید یار بر سه بخند کونیدن کین تابی لار بر کور نیکت  
 لار غنق یقینیب لاری بزرگوار خطا قیلدون لطف عیم برله  
 بنیر اولوب خطا سبر لیس رعایت کرم ایلا بولایتمیر غه  
 تشریف کلتور لیس وجود شرف لیس قدرین اوز لایتمیر بجره غنق  
 توغاب در میر بولذاع اولوغ دولت کاخر سپند و قانع بولکلا  
 دور میر و طافیل بون اشرف غه تکلیف قیلد و میر و سبر بقره  
 قولم ایلا برده و میرا مبدی مایه و توبه قیلدون و نور خیر  
 و جمال اراجا لیکل فایا بولوت برده سید ایشونغان زما  
 بری سهر میر فرنگون کجه دیک ظلمت داد و رالنه عنایت کرم ایلا  
 شکر کانت لیس کیدنور کین خواه لاه نیکتر متغیل دیب تقصیر  
 نذر ایلا دیلار حضرت **شیخ قدس سره** بولوب غنک جا



۷۱۰۳  
درم لاری کبدی و شکر لاریکا بوز لاندی لاریجون شکر  
بنی ابره کوز کیم جذین بل ریاضت چکیب عمر لاری صرف قلیب  
نخ لاری ناریب اصلاح مکز کینور کانداز اوزا صلیکا ماینب دوز  
اونکان اوق ناریغ درینج ب تار سف فیلد یزد و خلا یق  
مذامت قیلد لاریونیه ایکن بل یجد عمر لاری کوز دوی اریه ضلوع  
اوز حایه فلدی بزرگوار نیک شکر لاری و لیک شش کلشی  
کنا بیکان مقصد ببولدی لاریکم برجه غره لاریکا شمل بولغای  
علی مخصوص بولیدانی لاریغ بسیار باید غیشلا عانی اول  
ایردی کیم اونکان اولیا لاری و مشایخ لاری مهم احتیاج اراج  
لاری کا متوجه بولدی لاری و استمداد بیلاب و لاری رخصت ایشا  
لاری برک کنجین توذ لاری و غزلت کوشه سین اضیبار فیلد  
و مسوده کا شروع کوز کوز دوی لاری و شرف الدینج بی بی  
کلنور ماک بولور دیر لاریه شش سیده مسوده برله بیاض مایه  
تج و کنج مربع الصا طایین اطوفید لاری خاص عام غنط  
سین بقیاس شنج لاری و عدد سیر باید لاری اصل بولغای اریه

اول الباب السان العین حکایت لاری قلیب و رو شعبان  
ای نینک بزمه سر لونی بوکنا با پر منین غره بخش نامیش بی  
حضرت بزرگوار طبیب قد مرقدہ کتاب لاری حریق اریه  
مشهور بیکان مقامید بولدی لاری و مهمان و درین اکیز قیلد لاری  
اکابر شرف امانی موالی خوش قسم صاحب طبع بزرگوار لاری  
بند اول لاری غانه دین لاری نیک بلیش شریک بیلدیل و دینه  
فغانه دین صاحب ملن لاری دین ایچی عیون حضرت **شیر**  
نینک طلب لاری برله عالم باطن و اطاهر بولدی حضرت  
سلطان غازی موحیم فرازی حاقان ان حاقان اکیه  
قدیمشید فزونیوان سبزه شرف ایشان و سلطان اولیای  
زمان و مان صفیای و دران قدوة السالین و برهان محققین  
شمس لاریسم و سبیلین و سراج الملت و الدین و سلطان  
اسلاطین **حضرت سلطان الکرامی قدس سره** و **کلیب**  
افند مرقدہ و عمل الحینه مکنه فیم طلب بیلد لاری اول بزرگوار حضرت  
سلطان اسلاطین حضرت شیخ بزرگوار نیک مجلس لاریک شرف



کلیتور دیلار و مجلس آخری چه اولتور دیلار و علم گفت لوی  
در میان بودی هر کیم نیت فقیه بودی طاهر سیدی ابر حفره  
سلطان عالم دین عالم لیک صفت طهر و فقه طهر و فقه طهر  
لار ما بتی لار اندیس حضرت سلطان خدایه شیخ برهان الدین  
قدس سره العزیز القیافه فیضان لباب لارین عرض قیلا  
و حضرت سلطان کتابه مبارک قول لار طهر العزیز طهر  
لوز لاری کا سورته لار و سورته لاری لار دین بر مولوی شیخ  
همه کافر و ملعون بر مولی لوی لاری لار باره اوقوعه انوار  
اشتیقای لار و زنگ غلامان کونکل لاری اینه بر اول زنگ  
نیت مسیح استغفار لاری دین رسول و صفا و صفای  
اول بر دین استغفار و لیدین بریم جزا و قیدی لار اول وقت  
سلطان ایدیلاری بر لوی نیت شیخ حنیف استغفار و دین  
بسیار بسیار لولغای اندین سوکرامس جواهر لار دین صیده بسیار  
و لطیفه و تمایز بارینا و فقه لار حضرت شیخ قدس سره اعززه  
بولغای لاری نول مجلس مجلس طهر و فقه طهر و فقه طهر

بول مقول و لار مکررین که حضرت سلطان تکلیف فقه لار برین  
طاهر لاری عاقل و عاقل و عاقل و عاقل و عاقل و عاقل و عاقل  
بولغای دین لار حضرت شیخ لباب لارینا و فقه طهر و فقه طهر  
مسکون اولیا لاری لار دین اوتکار دین دین لاری حنیف  
دین فقه طهر و فقه طهر و فقه طهر و فقه طهر و فقه طهر  
سلم لوی لار ما ایدیلاری ایدیلاری برهان الدین شیخ  
ایستغفار امانت بر مولی لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
ایردی حضرت شیخ ایدیلاری اول بر کوار ایدیلاری کتبا  
نیت فقه طهر و فقه طهر و فقه طهر و فقه طهر و فقه طهر  
ایردیلاری حضرت شیخ ایدیلاری دین صفت و فقه طهر و فقه طهر  
نیت دین دین بر اول و دین دین دین دین دین دین دین  
دو دین دین دین دین دین دین دین دین دین دین دین دین  
ایردیلاری شیخ لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
توز لاری دین دین دین دین دین دین دین دین دین دین  
انما یسما لاری دین دین دین دین دین دین دین دین دین



هم که ذکر قمار بولور لو خود معلوم دور که کور و بیلیق و ب  
سلیانی که غه ساق لته دور **حضرت سید علی**  
نیک بشت لاری نیک معنوی او زینی هم به نسب دین خارج  
فیما حق بخوک داد و راند غم ایتمه ر لار **الحاصل** فیما بل نسب  
والحاربع عنابل سب معلوم فی الدنیا والآخره بغیر نسب  
سب بزرنگی امیر غه در اصل بولغوی و سب بزرنگی مبد  
میز دین خارج بولغوی و سب بزرنگی مبد  
نه او چون نسب محض فیما بولغوی دور او سب بزرنگی  
بولدی در جواب موصفا بادی لار ما چار ایدیل رای بزرگو  
ما نسیم کا عالم الجاسم و در حاکم انابت متوالین ارادین بزر  
لاری ایدیل رای شیخ حاکم بزرنگی خوب بولاد و منشی شیخ بزرگو  
ایضاً بزرنگی حاکم اول بزرگو ایدیل بر بان الدین ابن بزرگو  
ابن اشرف الدین ابن ضیاء الدین ابن علی الدین ابن  
بر بان الدین ابن قاسم ابن ماسم ابن طاهر ابن امیر ابن  
مد غه قدس الله تعالی اسمهم و روحهم ارواحهم بولغوی

ادامیدی ابر سه شیخ ایدیل رای بزرگو ایدیل رای بزرگو  
اوسبوجاعت کا اوز و منسوب فیما بولغوی ما بزرگو ایدیل رای بزرگو  
تحریر لاری نیک نام بزرگو بولغوی بزرگو و در حاکم بزرگو  
قلیدی لاری نیک لاری نیک اف غه فیما بولغوی بزرگو بولغوی  
و حضرت شیخ قدس الله تعالی اسمهم و روحهم ارواحهم بولغوی  
ابن لاری نیک لاری نیک اف غه فیما بولغوی بزرگو بولغوی  
بولغان سب بزرگو بزرگو لاری نیک بزرگو بزرگو  
نیک غفیل لاری نیک بولغوی بولغوی بولغوی بولغوی  
**الفصل** فیما بولغوی بولغوی بولغوی بولغوی  
استغراق ده ایدیل رای بزرگو بزرگو بزرگو بزرگو  
بزرگو بزرگو بزرگو بزرگو بزرگو بزرگو بزرگو  
اشرف الدین حضرت شیخ نیک بزرگو بزرگو بزرگو  
حال لاری نیک بزرگو بزرگو بزرگو بزرگو بزرگو  
شیخ عالمین کتب و در استغراق غالب کتب حق غه جان  
سب بزرگو بزرگو بزرگو بزرگو بزرگو بزرگو



توروت و رلار و بولکالی قوت و لایت دین ابروی سولرمان  
 عیسی مبدیل از حضرت سلطان الا ولیا عینی سلطان الکلی ماضی  
 نشر ایلار و رلار حضرت سلطان فی الحال حاضر بولوب کیلدیلار  
 حضرت شیخ قدس الله العزیزه تعظیم تمام برله برداشت  
 ملیدیلار و دواع لور و زوب بیه کون حضرت شیخ بنیک  
 لارید اعدا و اولور و رلار اندین لاین اوزد دولت خانه  
 لاری غه بار و رلار حضرت شیخ تفاوت غه تا بجورغان بچه  
 بردا تو شید لور و دیکیم بودی ای بزرگ و رلونه نوع کتاف  
 دوریم بیه غمره خبردار بولمادی شیخ ایدیلار ای روش کتاف  
 سول ترو دیکیم ما نیم اوز کالار عیبت و رلار ای روش کتاف  
 و نیکو نیم ایتیلر لار و رلوی تو عاشقان جهان جان  
 کاجا ملک الموت نیکو هر کیز عشق مهر تو بونک جان بر و رل  
 اولنوع جان الفوجی اند اول تپا کلبس هر کیز اول و ر  
 ویش سوزیکم ای بزرگوار کجاک بار و نیکو شیخ ایدیلار اول  
 ما نیم ملکاجل معنوی محصل بولدی شوق دین جان بریم

ین سوزیکم ای شیخ اتحاد کلام کیم کجکین تربیت ما بیتی لایم  
 نیک شپنیده دور لار حضرت شیخ ایدیلار حضرت موسی صلوته  
 علیه قیبت لایم ایدیلار ابرویم تربیت هم حضرت دین ما بیتی  
 بوم **شیخ ما جید لایت و ملید کرامت** شیخ  
 سخاوت و مظهر خارق عادت و کانه کو هر مضاجت و معدنی کلا  
 و دور و رلای لطافت و شپس اه بسلامت رونه طریق سلامت  
 و صاحب سلامت و سلطان روز قیامت شیخ هر منیر عینی حضرت  
 شیخ سعادت قدس الله العالی شیخ فاضل عیسی لعلین  
 بره احوال لاری و لایم ابرویم ابروی با قیتم خوشحال و ملید  
 اوز و مقام ششما سکه نغمه و اودوی به منی به مانند اسل هر میرزا  
 نغمه هر غه منشی و اوز و منشد بر دیلار اول عالم اسل علم  
 هم صحبت هم سیریدی و دل لب لایم نیکار اسلید اسل  
 معترتم نیکو بنیر شیخ مجلس منقده بولمادی ابروی بر لوی قیبت  
 ابرو اولور و رلای اسل مجلس شیخ ربه داجان و رال شو  
 الحان بارجه نامه و ابروی لایم خانم الدین ساغر سیدا



بولدی غضنار بولوب دیدی ای به سعادت حیف اول ات کیم  
 سبک قوت بولوب دلار بولونه فعال قیسمه لردار زمیمه و طوار حسیه  
 نیم سین قیل سین قیسمه تانیشا و سبواشید ایردی و سبایی  
 باججه یوزلیکا اور دیلار و روان بولدی و حواجه غیرت برله  
 قوت بولور افک کلب کبر لاه باشا رعن قوت بولوب کیرت قلندر  
 روم معرب ختیمه قلبی سهرین حقیق ل غه یوز لاندیلار  
 غه ایردی و ولین هر چه حضرت با نیاز و رکع بعدا عجز نیاز توغری  
 نالوندوز غه سنج جده سین سوار ایردی بر لونی طاطری  
 کلکیم ناکه بولکیرت و در شیر برله اشیکلار و اکد الیق قلیغوم  
 واوزغ سکبی پر باره نان ارقا سید خواریل کوم و ورجون  
 بولور و نیشیا قلیغوم و ما بخند لارغ اوزوم کایفس مرکب زار  
 قیلاین و جان عجز روزگار شقین پارتای و تنر نزار بر تنها  
 خوار ذار اولای و سبواشید و ایردی نیم بولور و سبواشید  
 ریت قلندر سبب بولدی لار و ایدیلاری خواجه ناز و اشیک  
 بار و ورکیم فکر بایشین تدبیر نیش قوت بولوب و ز اشیک و اجرت

27

بین خواجہ ایدی آری من مردی ابرو یکم نام نیک مقیاس مولی  
 بار ابروی و من زلفت ابرویش بختان ابروی و جلت لبها نام و  
 فالدیم مول اشبالا بخیر عالم بیایدی عزیزم تعاضا قیما و یکم نیک  
 دین طلب قیما بین اوز و منظر لب العلم لار ابرویش مثل ابریم اولار  
 قریضه نرسه لار خیرین کم خوش طبع یک زده سه و تعظیم کم  
 سهر اوار بولدوم و مونیک بین هم خالم رسک ایتب حقیقه بونوش  
 بعد اد لیت قیلد لب به غیرت بوزیدن بود اوی خه قدم قودوم  
 و لور دوم که اید اوج کشر لب بهج اشش تمام بولای دور خاطر  
 او سبوتیر کم بخند کشر لار بولغای لار کم همراه بولغا نیز و قلندر یک  
 اسبابین لوزوب غر جود کا غیر قلندر ایدی لای یکیت نیزیم  
 مونغ خواه لار پروک لیتن بونیلغی کشر لب ابرو دک کم سهر  
 بولغای سبیا خوب لیدی اگر سین سهر بولار نیک بنیر لار  
 قد ملک بولار نیک بزرگوار ایدیلار نه بولغوسی دور مستول  
 متی اول ابرو یک قلندر لار خوشحال بولدی و قلندر یک  
 اسباب لکت لاریدن انجه تم لازم دور تور ت علامت

صاف







بشیخ آسمان نه تیکور و ببرد لار نیم بولونع تهر سید بولدی  
 و ملک الموت فو بدین آدی کلیم او شهود و در دیکر علوم بر کان  
 نشان نشان لارنی سینگ آتکدا اورد و در مزاجون شیخ  
 بولوننی اشیتب عنی بختیز زباده بولدی و کربا عاز قلب  
 فریاد چقاردی اوز بلکای به سعادت و به دولت هر نه فسکدا  
 خدا میدی و سین تمث اقلیب سین و ایدی عجل و در و لار نیم  
 قدرت خداوند نیز سنده کالطلاق میور لار تخصیص منافع بنده  
 حامی جافریه الطاف قبل و در لار نیم اوز بولیان تا نیما سن اظا  
 نه قدرت دور کیم خداوند تعالی اشیکلوم و اوتور و ب تیر اندا  
 لفرق قیقای علم مخصوص بر دین بشیخ آسمان نه تعلق بولنشا  
 و بیسیا المنال بولوب و زلوشه هر نه کیدی و اوزی کما  
 ایدی ای سعادت بلیل که مکوج سبحانه و تعالی نیک سینگا  
 نظری بار دور نیم بولونع ایش لار طاهر بولاد و در سوس برلا  
 بولنیل کیم سعادتنیک انیک اودر که بودا و نیز ترک قیقای سین  
 و خدای تعالی نه سفول بولنشا سین و بولوس لیک کوبنخ

ایر

اول

اولکای سین زیرا که بولور کان نرسه لار نیک هر فراز لیت لازم  
 سوز و عذاب که حقیقی اولما سینیک آتکدا اوشو اوشوفا  
 بیت فر برایتب در نیم موندن نرسه لار نیک اقرار الیب طر بونه  
 تیلکای اما بکار لیت بولوس لیک جهنم بر اراق تشو سین اوشو  
 نه لیت و ایدر کیم قول فرغه اوز کیدی ای سعادت سعادت موندن  
 بهتر اولکه جماعت بند بولمائی یعنی جماعت کیش بولمائی و کورده اولو  
 عیسی و لور ت علامت نه بر با لول قیقل نیم سلوک فلکاف غه مرزی  
 و مقصود نه تهاک کالطریق دور لار به اهل طاهر است و اوشو  
 علامت نه اوز کالو خدا حیل میکیب لار اما اسل طریقت قایتدا  
 اولار حیل قیقا نیک بره سین و لوشه دقا ما غایم بولنشا  
 لار دین هر قیسه هر سکا اشارت و معنی و لالت قیقوجا  
 و در کلین که شیخ لیت نشان نه ضرور حاجت کش لیک دین الکا  
 مرز و خلایق ملاتر دین نه ضرور ایشیکدا حکم بولنیل ایدر اول  
 و در که جمیعت ایش قیقه من است دین قور قیقه علامت  
 باک لوما نه زیرا که بولعلاست لار کیش لیت ملاتر و اما قلندر

س



لار اوز کا خیال قلیب لاری فاسید دور بوسیدہ ق  
لما عالم شیخ یوت نش نه سپر طای بومعید اوریم قنایت  
امان صدق و سلمنا کویند و هر شیخ قه علمیدر که اول علم بر له معلوم  
بولور لار نامرید لار اوز شیخ لارین تبار لار دلم و قنای لار و سوره  
حضرت ابراهیم خلیل الله نیک خوانی علی مروت و غیر شیخ لار حضرت  
فیل الیهم بنیکن خوان یا لغای لار و فافاه لاری خند و سنوار بقا  
روان لور کا کابل و جریغ روشن لیک نشانه سمر و غیر شیخ لار  
عزیزک و سن و غیر لولغا لار و غیر لارین مرید لار لور و نکر و سن  
بولغای و طیل کور و شیخ و دریم از قنای لار که الیق الترقیب و  
لار و اس لعت بدعت سناب و در لار اسل طریقت هم نظر لاری  
مقصودین اوز کا تو شاید و سب صد ابرین رنکار نک سوت و با  
نون و ذوق لار و نظر لار بدعت جمید تو تاس لار چون که مقصد  
لار بسود و در سوت بود و اس لور و نر سب لار لقت و امر  
تیلور اس مقصود غل قناین یرال و لور و نر سب لار شیخ  
النور و رویش نیک و بایسی مرید نیک ناز یا نه سمر و بولور دین

ایضا

ایضا غل **چون شیخ** مونی استیبت خوشحال بولید لار و مل یوت نظریه  
قلندر لار بنیکن سلسله جبر لار و لیکن عبودیت مقاصد ابرین ق  
ایر و لار چون اوز اسل مونیبت بر له جبر سب صحت جهان  
لرم بولید یکم هر تله ترکیب و **شیخ** نینک لار و سمر و غیر شیخ  
و مل یوت اولون و غیر قلیب لاریم اسل دم دین ابر حالون هم مرید  
بولید لار حلاله مر قانی و مقصد و خجلیب عتران مقاصد بولید لار  
و جبر است او چون بولور لار ابر سب شیخ قه خبر شیخ ابر لار  
مال لوقه و دریم بوجاعت سب لیت عالم لاری دور لار لاریم  
بولقد ار صلب اسل یوت نینک ماسیرین صلا م بولور لار لاریم  
سب لیت و ابوش لار بدعت دور و بدعت نامشروع دور  
اول ایرد یکم شیخ فادم لاری خه بولید لار که اسل خانه فی مروت  
قلیل و فادم شیخ نینک فرمان لار کچ اسل شهور ماق غه مقبول  
بولدی و ولایت نوری بر له شیخ قه معلوم بولیدیم اکابر لارین  
بیر لار بنور مخاخر یراق دور ایدیل اکابر لار کلک اندن بنور  
بناخر مخاخر کلبه ماک لاک لالان مخاخر طیار ابر ماسل یلفاق



لازم دو بهر اوق اولدور که اولارنی بولدان مانی توختایین  
 اول ایرد بکم شیخ نینک لایلا فریزه اورونی تور دیلر  
 مبارک قول لاری غایب یلور یول طرفی کاتاشلا دلار ایریه  
 قاضی نینک آت نینک یاضی غه تکیب بندی ورسیل قاضی غه بینه  
 اطبوط ایردی بیاده قالدی وخت نینک بر نینک یاضی  
 مندی یاران لاری ایدی ای یاران باغچه خیر خوراق دور  
 چون که اول نینک نظر بکاتاسین من موداع اسب نیرلاکا  
 خبر مبارک اگالدی غه بار ساق مودین زیاده رک تشویش عارضی  
 بولغوسه دور بملاج بولوب یار منیردو خود مقرر دوریم  
 شیخ نینک طینی بولینلنج قلدی بوق ایریه فریزه اورونی  
 دین اط نینک ستمانی عجب درالجه مندی اط نینک یاضی زخم  
 سیدی اگر اط ایلسر کاتاشلا ایردی ترکی قاضی ایردی  
 محبت لار دین بری ایدی ای قاضی اگر باب ننگیم سول اعلای  
 دور نایوب دور که شیخ نینک ایدی غه بار عین زفقیر لعل  
 واطن شیخ نه نیاز قیقل اندین سوکرایات ق بهراق

دور او سو سوزنی بارجه لاری صلیحت کوردیلار ستمه ستمه تورو  
 اط نینک یاضی اکلور ایردی لاری قاضی قاضی لاری دوستور نیل  
 توقف قلدیلار ایریه شیخ قه خیر بر دیلار شیخ نه قدم استقبالی  
 لاری غه کلدی لاری اول صیاحت غه قاضی غه لیلیتور دیلریم  
 دین بوقاری قاضی اولتور دی وشیخ قاضی استنمایانید اول  
 تونی لاری لاری محضر حاضر لاری دیلر روزمها یلد بولوب اول  
 واقع غه ایشانت ایلادیلر و قاضی مرد قاضی ایردی شیخ  
 نینک شاره مریدین بیلیم لور امت محضر شماعان جمعی  
 ایکان و طعام تا ولیدین لاین حضرت شیخ صوت لارین تبدیل  
 یکنان غه سرور کوز دیلر رسول مجلس تمییز نوع صورت  
 قاضی غه نمود اولدی لاری ایریه قاضی حیلان قالدی اندین  
 سوکرایات **حضرت** ایدی لاری قاضی حیلان قاضی غه قیصر  
 خواه لارین وقاضی فرال حال قوبوب حضرت شیخ نینک باغی غه  
 لیلیتور کریمه و زاری غه قلدی و قیصرین تیرا بیابا  
 عذر ایدی و تن نیاز لاری قاضی نینک لوقیل اور کمالار کا



بسیار و شور کبک است به قاضی نادر و شمر توتن لار بوم شیخ و  
معلوم بولدی و شجوه جان داینه حاضر کبک و ردیل راتقا قاقوز  
ات حضرت شیخ قدس سره العزیز و شمر لار عداوت و معنی  
و مندر لار عداوت سبیل و جون ولایت نظیرین خود غه مسلط  
میلدی ابریه خود اب طبیب ابریه تیه مروارید عقیق حجاب  
نیلست تبدیل و تیر تاشقه الی جون مندر لار لوفارق عادت  
نور و بل را بر سیاه پیل را عجیب الی کم بو کشر عابد و وریا و ال  
واقع و احوال بول مونداع مهران ثرامت نور سالکای اول  
ایر و یک مندر لار نینک اولوئی نینک فاطمی غه ثجرت شیخ وین مسله  
تحقیق میلای و مقرر قلیان شکل مسله سین ماسینه الیکری  
حضرت شیخ سول ساعت و تاسر بر کان مسله سین نینک  
دین کو تار و دیل راول مسله صفر فاطمیدین پوسیم بولدی ابریه  
مهر چه توبه میلدی کو نکل کایتادی اول وقت و اشیخ ایدیلار  
ای مولانا کم قلیان مسله نینک جوابا او شجوه و رسیده بو ترو  
سول شاده شیخ و حال سره بولدی و صحت الت لار یغه مراد بولا

ایریم هر چه سیر اوز اورنید انوارش قه کیلد لار و درویش  
لار جماعه اوردی دیر نهجه و کوندوز صحبت توئی لار نیم کشت  
تکید جنبر یون اوردی لار حضرت شیخ قدس سر العزیز ترا  
شبهو نهجه و کوندوز در اقبه و ایردی لار اندین سوکرا حرمه  
دین باش کوماردی لار و لیم لار اوز حال لاری قه کیلدی  
لار و جماعتین هر چه لاری مختلف واقع لار ابدی لار قه  
الدیلار اندین سوکرا شیخ نصحت مقامید ابولید لار ایریم باریم  
سیر شیخ نیک بیان لار کقول اوردیلار و مرید بولیدلار سینه  
او آوزیل نهجه او شبهه مدینه ایسیا مرید لار تربیت ایلادیلار و  
خلیفه قبول لار اندین کین ایدیلاری باران ایدیم نیک لار  
خلیفه لار قه تویدیم موندین سوکرا مندوز جالیمه قولونکنیلار  
تا اسوده جان بولنی میما او شبهه سوز و ایردیلا مالک دین  
اواز تسلیم ای سعادت بتلیس کم سعادتمند بده اول و رحم  
صلوات جامی قه تو فلکان لاری و سلامت نده اینفه گرفتار  
بولغان لار نه ارادت لندی و انابت رسنه و محبت رشته



سیر بر چهار عای خنوما قطب یون مرتبه سید ایم جمع عالم هر دو  
عالم باطن اینست که میز اولاد و در خان بولیه جمعیت بیت وین هم  
و یاق بخون و او در چون بوسوزنی استیست بخال بولد لارا  
اولن لون مونینگ برله اولدیر سیه شتاق غالب لیلیدی داوز  
لاری کایدلاری با سعادت اول مرزده ایم سیکل برودی لارا  
عالم فریب سلطان الکان یون ابریه موخه تا میرزا کاس لاری  
اوز استیست لاری ایم ای با سعادت او شیهو مرتبه ایم مرتبه لارینک  
عل سیر دور و سینه یک شیخ ایم کاس و مکمل و در سیطان فریب بریب  
بخون لوق فینا سوزور اما تا غیر و اصله سیر بار ایدیم تا بوقت  
تا غیر تا پیر یون برله بولینکیم تا نکل او عده کونید و مود بولینک  
واو زنده است کولتیل و طیار بولینک که بولد دولت سیکل بوز کور  
ساتو سوزور چون بومزده شیخ نینک قولانی خه تیر ابریه سوزور  
بولدیلار و خوشحال یون دین با درجه ایج و تبه مرض بار و لاس  
وایدیلار پاک پرو دکار اما نکل جان خوش سلامت بولور بولون  
غربا بقا دور او شیهو سوزور ایدیم قولاقش اواز کلیلیم ای سعادت

درگاه ۴۰۰ یازدهم کس فطراب برله بولاید و اگر سیکل تا نکل خجه  
غربا بولوباب ایدری بولودعه بولکس ایدری بلیکیل و قطب یون  
منبر سیکل تیه سیرل ز سیه یاده دور تا نکل خجه کولتیل فینیل اول  
ایدی ایم لون اخری طه تیرن خجه دین بر خجه لاری سیه حضرت شیخ  
بایس سیکل کاتویدی لارا سعادت قتل لارا پاک پرو دکار ایم  
تا نکل دین اوتک راسیل اواز کلیلیم ای شیخ سعادت سیکل  
بولیجه کاتو یون ایدری ایم تنزل لاری لاس و لاس فینا بادن  
ریم ماکل سیر ایم حرم مطهر العجائی نینک شایده ادر و غیر شیب  
قدرا نکل ایجه دور کم جبریل علیه السلام با شین فرشته لارا اول خجه  
پرو دکار شایه ایم زمانه برله پرو بیکل آو شارا اول ایجه تا صبح  
طلوع فلیغو خجه همه محبت و خیر یون دور چون شیخ بولانی شیب  
خوشحال بولدیلار و شوق دین مرض بار دیلار چون سعادت صبحی  
اشتر و عده است فیهی ابریه جمع قطب لاری سیم لارا رواج لاری  
شایخ لاری روح لاری رضوان مقدس اعلیهم جمیعهم همه حاضر بولیدلار  
و قطب یون لاسین کیتور دیلار **شیخ** قدس سره الغر زکریا



دیلار و حق لارید انجند حربه فاتحه او قودیلار و غار باه اونی شیخ  
 نیک لارقالارید او قوب تار فاشی لار شیخ بزرگوار بیت یل سنی  
 ای قطب یلار و بولودت در فیل لار دین بیت کشف اوش بوزنه  
 میسایلا دیلار شیخ لار دین هو کرا قطب لعی لار بر لونی  
 لور و ایریلاریم حیدلار دین بر مرید که فرق یل همه قد  
 ایردی بر لونی شیخ نیک لار الیدین هو رما یل یلار شیخ  
 نیک لار ی غه لیلیب لار فیک ایدی ای شیخ بزرگوار لونی  
 حال و بر کم شرف یل تروریم او لونی تو شوب به منت  
 فیلورما اوشو مید بر له نیم سنین نظری تا بقای من بزرگوار  
 منکار منک لکادی مبارک کوزونک اوج بر له نیک جانیمه قرا  
 و هو رما نیک کم نیک سلس و حالک نیک و شیخ ایدی لاری  
 دروش خوب یا بین کم حق سنیفک طر فیک اودور اوشو نیم  
 نیک بر له بولغیل تا صابت دین حقار این اول یر کم اول  
 شیخ نیک ملازمت لارید ایردی تا نیم بولدی حضرت شیخ  
 غار خفان غار اوت کاندین هو کرا اول دروش فانی اول

ای فلانی کیلبل ازمانی سنینک بر که سیر قبل این درویش  
ایدی خوب بولغای و شیخ عصائی قول لاری غنه الیب سچی غنه  
بوز لاندی لار و دروشن رقه لار دین باروی اتفاق شیخ نینک  
لور لاری کور و سیهان غنه تو شتر لار سیه کور و دیر لیم کره لور  
جقیب سلام قیلدی و شیخ سلام غنه جواب بر مای اوتی لار و حیدر  
لجغت قالیب ای غجبور که شیخ بوفیر نینک سلامی غنه جواب بر ما  
اوت و حالان که بو کره عالم روحانیت اورو او بو نذر شیخ  
ایردیکم شیخ سیر یاندی لار بوقفه فی شیخ دین هو ماق آقضا  
لور که تو شتر حسن بیطاف بولوب لستای یون تیلین آجی  
دور و یکم ای نذر لور سینه ور که اول لور ای کاسیت وجود عجز  
و محاب یون بر که سیر لار کاسلام قیلدی اول امید بر که لیم جواب  
بر کایلار و حوالین سورغلا جواب بر مای محرم ایلا و دیر لار  
شیخ ایدیلاری جی دولت موکجه هرودی کره سیر نهان کومای  
سین موندین عماراق غره لارنی بخون محض قیلور سین  
اوشو حبش بن نظر عیدین بران تشو بوسین لیم تربیت



کایه قند لوت دور و باطنیک غیبش لار نیک متابه سیک  
 عمل ایرمان دور و مذبذب کیده قلم غیبش لار نیک لافندت و الوعیل  
 و نیتجه سین حسن ته تیر لیس بخت بر حیل لوت لار لیکار  
 لار لار **سخ** القه تیر لیس بش ای قطب بر دیار و منک مرید  
 بر دیار لیس لار دیار و بکره ضلیقه بر پا ایار دیار و تیر نشین قطب لیس  
 مرتبه سیکانیکور دی لار و حیل ملک ملوک عالمین و لایت لاری  
 انشتری استیمه مسخر توی لار و علی ای علیین دین تا اسفل  
 سافلین تیر لار دیر ایردی **حزق** شعب علیهم السلام شکی  
 مقدس لار دین تربیت تا پیر دیار و نیه اول حضرت ملک لار  
 ایر دیار بر لونی اول تور و ایر دیار لیم بر سیکانوس قلندر شیک  
 تاشیدین دست و تیر لاری حضرت شیخ قدس سره الغرر و  
 ایر دیار بر قلندر کردی شیخ لور دیر اکرم آیت کریمه ادا  
 علیهم لایستخرون ساقه ولا یستقده مون مضمون پنجه قاف  
 تیر و ایردی اسلام علیک یا هین زمان شیخ ایر و علیک السلام  
 ای منده خاص بمن الحمد مد لیم اعانت بر جا و سعادت بر باد

و حیات و بقا بولای و رازمانی مملکت بر تیس تا پیش فیلا بین  
وقت مبدی پر به شیخ حسن بجا کیتور دیلار و ابائی لوت نماز فرغ  
ادایلا دیلار اذن یونکر اعلیفه لار فی طلبت بدیلار و وصیت  
لارین بجا کیتور و ب حفت بر دیلار نیم بار کینر لار نیم منسر ل  
غرمینر استایلان کینر لار که مهم هم ارقا ئینر لار دین بار و رما  
اول بر دیلم کینر ت دروشن بار بجد قازغانا مسغول بولدیله  
حضرت شیخ مبارک باشلار خبر حضرت غفر ایش علیهم السلام نینک قوتی  
قویوب حقیقه جان استیم عقیده لایر به دروشن لار صبح بولول  
حضرت بزرگوار نینک استخوان لارین باشن من ایان پاک ایلا  
از روی قیاس الیک نینک نشر غمزه لارین ادا قیبارک حازه  
لارین تمینا و تبرکات فولدن قول غمزه لوتار دیلار و قلندر الیک  
اسبابک لار ساله و صد بار به شیخ نینک ارقا لار دین رولان  
بولدی جون نینک قدم بار بار بر دیلار شیخ حازه دین باشن قوت  
ایدیلار نیم یاغ کینر لار که مصاحبش ایوب حقیر جا بولدی اول  
وقت دوا اسباب لالت لار حضرت شیخ نینک حفت لاری

وضاحت



برده باندی لار اول ابرویم مبارک جلای تو تفراق بهر خفته تکیه  
 ابرو به جازه نه برد تو یوشلاری همان شیخ ایدیل اسلام علیک  
 اتخان و مقبردین آواز قیدیم علیک اسلام یا شیخ زمین زمان  
 اندین یونکر التفراق قه تا بخوردی رتا شیخ قه التزلوز اول پی  
 ابردی رمضان ای نیک بزم تیرس لونی بود واقع روم داف  
 بولدی **کیم شمع بخت شمع خورالابین** **شمع خورالابین**  
 و صاحب کرامت بنیاس وز لون کنت خدای خوش کلام مسیح  
 القاس و اعطای خام عارف حق شناس شیخ خوارم حضرت  
 شیخ عباس بن عبد قیاس قدس الله تعالی علیه احوال  
 لاری ذکر بدایم مردی ابردی خطار کجه و عطار مال میران بسیار  
 و خدمت کار لار به سحر و طر و جلا و قطار لقطار به لارمه  
 بهمار و کینه کان کله در خدمت ابرویم راول التزلوز انا  
 قالدی اما سر صاحب ل ابردی و کوب تشلار الحاق خدای  
 قیدیل فرزندین او تا نالادی بر کوفی او علی ایدی ای ول  
 از کیو کاتیکماک مقصد و اینک بولیم سر نم من خط قیوسین

مصلحت اول تروریم یونی بول و بلای بین و منقذ به مثل ما  
 سین زیر که جوان و دوسین ساید حق ایحانه و تعالی فرزندی  
 کرامت صلیبی وینه او کله ترکی تشلار کا به مانع نفیس ارزوی  
 لذتی جهتیدین اوز و ملاک یوق و دوسر کمال حیرتین اولیم  
 ابرالار کا بولغوسید و رانا قانون لار غنه تا ترکی و رانیکین  
 جاده یوق و دوسر کمال حقیقی و تعالی قانون لار داف قوی  
 برامتی و رانا حافظت قیماق در واقع و یوار دورا الهی  
 ای فرزندیم عباس کرمیندین تو بولیم کیم بول تقرب بر لیکیل  
 خواه لار سین و کرمیندین کیم لار بار دورا لوزیک ابرو  
 بولیم برتا رمو یونک نیک صدقه سیر و بیکیل که **چون سیر**  
**علیه السلام** و اصحابه جمیعین حدیث لاری مضمونینجه نیم  
 سبت ابردی بجا کیلور و ب و منقذ و هذا ای تعالی لطف عظیم  
 سندیک فرزند عطا ایلاب و ریم ممل بعد اگر شود غده بی کو  
 نفیس روی لیکل بولغوسید و روضه اوزنه اینکین او تکا  
 و دوما که نفیس کاتب بولغای ممل اول قانون لار نیم ابرو

نور ایل



بجول میور لار میکر جان بن تا فقاری ای کس و بربری اولک  
نفس کایس کلایماید و دینه بر اوقات جورهای دور  
بیم و لیتک منکایس حاج یوق و دور و بارجه عزله دین  
فاطمه جمع دور و منکایس امت لیکنیک کراک و در اثر مرز غزل  
حضرت برقیس تا نوشته تو کوبت الالبین و سبک دعا و طلب  
امانک و هر چه بگیری باین ایتر شقیقتن تا اسوده بولو و صلوات  
جمع اولور این و سزا و زحایمغه قولین و جانیک فرشتک جانین  
جمع لوقیل چون شیخ انا سیرتک سوزن استیاب و زیلکایدی  
ارعیاس کورقین بوعاجره دین همت من خطه فیکین این به  
قلت بضاعت استطاعت و قوت نفس که ضغف لار و دور  
سندین او تا نالای دور و سبکانه بولو و در که انینک دین  
اوز و کاکم خواجه لارین مهتر اولک صحتین ببول غنیت تو  
و فزمتین دینا و خست ابروی سنا خیل و ملازمش اکبر جان  
سعادته بلبل ای بول بوسیک کاسر انتقام تو کوز و زور  
نه نه دین اوز کاکم یاسین قجان خنجر و دینای مرد و زور

لوکل باغلا سیرتین کیم مردار ملعون بولورین اندا علم ایتیب  
لاریم الدنیا ملعونه و ملعون ما بینا الا ذل الله اندن بونکر انا شیخ  
ایدی ای والدیه نه اشش میکان کراک ثم انیس تا قیفا میرا انا سیدی  
ای فرزند منیک ضایقم نه و ابویسه سونا قیقل شیخ ایدر لار و مرز  
ثم رفا لیتک من سیرت دور اید ای فرزند اول اشش فی قیقل که  
فتمه کارنیک بویروب و حضرت رسول ثقلین صا افند علیه و  
و خا آله و اصحابه و اول و زرا الیکان لار و امت کابویروب و دور  
لار تا دنیا و خست منیک معمرین بولور و منیک ضایقم شولک  
للق دور و مودن اوز کاکم هر شیخ قیل ساین بهر و دور شیخ  
ایدی لار والدیه بوجود عین منیک پیم دور انا انا منیک شاین  
بیم کاقویا یان ایدی ای فرزند انا نک هرین و شیخ منیل بولم  
**حضرت ابراهیم علیه السلام** منیک منل لاری دور حین سجان  
و قاعا غه پرشش قیاق قه شیخ قللی لوقا دور بلکه لقوه قیاق  
ترور زیر که افند قاعا نینک صفت قه رها سفر و اول لار اق  
مشاهده بولور کیم هر چه صفت صفا و عقا و غه سبیل و



کهنه نیک بستر صدق و خلص قه و بسته دور اول ابرویم  
شیخ روح بن الله سلازمینده بولدی ندن هوکمر امانه لقان  
برده بریل یون سفر خیار مقلدی القافا بوسه ذوالیکس قالی  
ایر سلا و جو چیلین بانبی خوف برله کیور ایردی باکاه قرق  
لار بولوب اموال شیا بنسیریم تاراج ایلار ایلر حیره که لیا سیر  
البینک غایب قیلدی لاروشیخ لریان و الماک لوشه اولو  
ایرویم اولوق غلبه قیلدی ابر سه مبارک پیشین تاشی و زره قه  
اولوق لادی تابی لوشی کاکر بیری ای فرزندیم نه او چون  
الماک غنائین ایدی انا حال و سب و دور که کورار  
ایکسیر سفر باضیتان تاریم لول مشقتن کوروم و غربت  
زهرین تا تم حسن لاهر مقصودم غنیمت یردیم عاقبت خدای  
تعالی بونیکلن قیلدیم نان کریم کاجناج بولدم ایدی انا  
الهی غنیمت لایم قاشیخ نجوک بار یمن و نیمه جواب ایلان  
انا سیر ای فرزند هیچ پلور موسمویم نه جهت ین بوردی  
لوشونک بزرگوار ایدی خدا و انا راق دور انا سیر ای

ای فرزند انا نک غنیمت فرمان یون قیقان جهت ین ایردییم  
موندغ ایش قه لرفار بولور و نک انا نک بریلین زبانه کاهما  
ایکس ایردی او شپوش تینه ورمو کایم من ایلان کدین و انا نک  
نیک فرمایدین بوش قیاماعای سن هر کیم بوش قیامادی بولور  
ایش لار غنیمت بولدی ای فرزند بیکس که انا نک نیک من  
لیق غنیمت فرمان قیقان مویجه کاتیکور او و حسیحانه و لقالی  
نیک ارمیکاه فرمان یون ایلانک نجوک بولور سیر و غنیمت  
و الماک بولما نیل قو یغیل نیک من تا خدا غنیمت بولوشه  
نه سیکالین دور آنچه که تو صلت لقا من قیل دور اول غنیمت  
القیل یب لوشینده کور سانیث یب لادی و شیخ اولوق  
میدار بولدی ابر سه من ایلان قو بی و تاراج غنیمت بولوقان و  
زده لارین اکر شش طر ایلان و زی کاهرا ه قیلدی تین  
قیقان مانع طرفه کاشتاب برله کتوبش شچه کوندوز دا  
مانع قه تیر ابر سه حیران بولوب هر جایت غنیمت لکان در الماک  
لور و بپردیم بچود لوق دست بردی و بچود لومیندا ین



حاضر بولدی دایم ای عیال کورساتکان مخزن ناهرین  
پاکس بین بوش برله بولغین ایلیک کسلکین کیم موندادور دیر  
غایب بولدی بولور او زحاما غه لیلدی ابره خوشحال بولور  
بخندقدیم بار بوردی بر غاری غه تیر ل غاردا اول مقدار  
تور دیم کیم هیچ بدست بایا بولوت دور بزرگوار باران لار غه ایدی  
ای یاران لو خود سیر لار کا معلوم دور که لو کیم منکا لوقه  
موشیکه ان فکر مصلحت کوراد و سیر لار اولار ایدر حوایم  
هرگز سه که خیر نیک بن کوماراد و رنیر نصف مبتلا است  
ایدر لار مع اوج حقه نیک بر حصه سکا ضرر و مزه بولور ایم  
جان جان برله منت تو تو بکفت لاریکا بافت کومار دیا  
و مموه کا جقار غاندن سوکمر اتول لو غه اقیسم قیدلار بر  
تورار ایلیک کیدن اول جندان زیاده جمعیت برله انا الله  
کین و انا کور و بایلیک کی فرزند نه سیر و غه ایبار مالک  
غرفن دیا هوو سیر بایلیک بر دی که بلکه تنبه ایدیم سبکا  
قلید انا کاه بولغای بین بو خود سبکا معلوم بولدییم

مذای لغا غه بوردی اضرینه لاریسیا دور اگر بری بار سه کیلور  
واو نا جیغی نیک شید سیر و اتمام کور کوزیا نیک سیر بولور  
دورنا غیب ضرینه لاری اشک ایلینور و وکان میما نیک  
تو نیک اکر کان کشر انا نیک بولغای و انا نیک کیم انا نیک  
غار اچره حشرینه سیر شید و سیر لیک که اول کشر **مخزن**  
**خواجه خضر علی** ایدیم انا نیک صورتید انمودار بولدی اول  
ضرینه غیب ایدیم سبکا کور سبکا اکر غفلت بولور موندن  
استدلال متینل که حجت سبکا نه و لغا انا سبکا بنده سبکا یقین  
غوسر و بریس بولور سه کردایم دور سبکا نیک ایدور ایم  
بعد جان دل حوایم لاری قیل بولغین قیل سبکا نادیا و  
مور بولور سیر و انا سبکا بولور سوزی کونک کاه بولور  
ایدی ای والد مدقا و سبکا کیم دیا و سبکا انا نیک و سبکا  
و مریخ لوقه سبکا سبکا موندن سوکمر بولور و سبکا سبکا  
انا سبکا ای ای نور دیدیم حوایم لاری نیک عبادتید بولور  
جانه اوز کلام مجید ایتید و روم غفلت لحن و الا سبکا







موشک برده اود اول وقت از روز و مقلد کار حضرت زنده  
 دلان علیه السلام نیک در اریفه مشرف بولنگ لاوله  
 ایزد یکم جفتی سکن کونین کین حضرت خضر علیه السلام  
 نیک در اریفه مشرف بولدی بود دولت اقبال و سعادت به  
 زوال بوز کیلتور کان دین سونکر حضرت خواجہ زنده  
 ایدیلارای عباس پلور موسین یکم آتیک عباس در عباس  
 صیفه مبالغه دورین و مسن نیک قلمر سب و دورین سب  
 یتہ دورین سب که حق آسمان و لغات آیت از ملک سب سب  
 طباق مضمون برده یتہ آسمان دورین قلمر سب سب آسمان احوال لغات  
 نیک عباد یتہ سب نیک فرشته لار بار دورین سب سب اوسبوات  
 اوز را بولس یتہ طبقات آسمان ابرق مع سب سب اقلیات  
 لرات بود دولت و قلمر دورین اولار اعلالین بجه کیلتور سب  
 وینہ جفتی نه و لغات سب سب سب سب سب سب سب سب سب  
 بوات لنگ کین سب سب لار نیک سب سب لولغای مغرط القبا  
 بولید تیزر بولغای وینہ یتہ بولد و زبار دورین سب سب

انقش دیر لار که قطب بولد و زیز و مقلد لار بر سب سب سب  
 دور بولد و ز لار که حضرت بیا ز جرم جرم جرم کراسیدین  
 یراق بولغای وینہ و مقلد دور بولغای وینہ سب سب  
 بر نوبت لقمه لکای حضرت زنده قدس سب سب سب سب  
 اورا قلوب یدیلارای خدا نیک سب سب سب بولغای  
 بویروغ نیک بول قلمر سب سب سب سب سب سب سب  
 ایلایین حضرت خواجہ زنده دلان ایدیلار سب سب سب  
 حضرت سب ایدیلار سب اول و که در عبادت زده جفا نیک  
 برده دورین فرومایه کاسقات قلمر سب حضرت خضر علیه السلام  
 ایدیلار سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب  
 مقلد و سب حضرت خواجہ نیک و سب سب لارین سب سب  
 دنیا خست سعادتین انکلا در اندین سب سب سب سب  
 ای خواجہ آسمان طبقه لار ید اقس سب سب سب لار نه مقلد  
 حضرت خواجہ خضر علیه السلام ایدیلار بعضه فرشته لار قیام داوینہ  
 لاری قرات داو بعضه لاری که خدا بعضه سجده داوینہ

لاری قرات که در دنیا و دنیا دار سب سب سب سب سب سب









و بپیش ازین قوی سالیب پر دیوانه لاری روم حاضر بولدی ایسا  
 ای فرزند تا به وقت عجب منینک مقیدید ایردینک بولون کیم جیستیانه  
 و لعلنا لطف غمیر برله مقیدین خلص مقیدی مقیدی سیکاموند ابول  
 مصیحت بوق دور مکه سفیرین خستیا مقینل مدینه کاهم ساریغ  
 بوزدنک سورکای سپن مالمقینوسات بدینم جسد نیکد آت  
 سیوک مقیات خفایه ایردی بالخلیه بولعای سپن اول ایزم  
 بزور انا لاری نینک خستیر برله مکه معظمه سفیرین خستیا مقینل  
 ایزم لاری مفعلا ملید اهر لونا برلونت مکه کاتبه ایردی لاری  
 ولینک لاری بر طوطی فافله دین عبد ابولکاس ایردی لاری رو سچ کمر  
 حضرت شیخ نینک بوال لاری دین اکه ای کاس ایردی لاری روم و  
 درویش بر ایردی مکه لونا مفعلا ملید اهر حربه **حضرت شیخ**  
 قدس سره البیضره یولدا امل قات مقیور ایردی و بعضی  
 یوشمند لاری ضرر دار مقیب ایردی بولون دوزت شریف اهر  
 قنبره شریف لیتوراد و رتا مدنی مونک برله اوتا و قافله  
 روم فیه تیر ایردی اول رویش برله استیقبال مقیدی وار انا

و بپیش ازین قوی سالیب پر دیوانه لاری روم حاضر بولدی ایسا  
 ای فرزند تا به وقت عجب منینک مقیدید ایردینک بولون کیم جیستیانه  
 و لعلنا لطف غمیر برله مقیدین خلص مقیدی مقیدی سیکاموند ابول  
 مصیحت بوق دور مکه سفیرین خستیا مقینل مدینه کاهم ساریغ  
 بوزدنک سورکای سپن مالمقینوسات بدینم جسد نیکد آت  
 سیوک مقیات خفایه ایردی بالخلیه بولعای سپن اول ایزم  
 بزور انا لاری نینک خستیر برله مکه معظمه سفیرین خستیا مقینل  
 ایزم لاری مفعلا ملید اهر لونا برلونت مکه کاتبه ایردی لاری  
 ولینک لاری بر طوطی فافله دین عبد ابولکاس ایردی لاری رو سچ کمر  
 حضرت شیخ نینک بوال لاری دین اکه ای کاس ایردی لاری روم و  
 درویش بر ایردی مکه لونا مفعلا ملید اهر حربه **حضرت شیخ**  
 قدس سره البیضره یولدا امل قات مقیور ایردی و بعضی  
 یوشمند لاری ضرر دار مقیب ایردی بولون دوزت شریف اهر  
 قنبره شریف لیتوراد و رتا مدنی مونک برله اوتا و قافله  
 روم فیه تیر ایردی اول رویش برله استیقبال مقیدی وار انا



طی هر یک از این بولدی و اسل فامده که حضرت شیخ نیک احوال  
داریدین بیان ابراهیم و لار حیران قالدی لار و بر لار  
طاهید لاریم عجب ایلم بو لشرخند وقت ترور نیز نیت بر لار همراه  
و نیز لار دین هیچ پروا اینک طاهید مطلق ایلم دور خجیم  
لورهای تقدیر این بایشنا لیس قلیب سن اول درویش ابدی  
ای یاران سلطنت لاریم دورویش لار روز میثاق دین  
ضردار و دور لار بو مقدار نرسه لار مزدی دور دب و زحمت  
بر لار نابت میثاق معامده بولدی **حضرت شیخ** ایدیل لارای دین  
انابت تا اول مانده موقوف بولغا یلم خدای تعالی نیک غایتی  
بر لار مکه معظمه کانت بولغا لار تو مینق بولس بایست بولغا اول  
عنه همراه بولغا مزمار حضرت و شارت بخون بولاد و در اول  
وقت هیچ مانع بون دور که هر نه دیب انک میل این اول  
درویش بجان دل قبول قلیب همراه بولد خجند تو نیزین  
لین عنایت علیت بر لار مکه کانت بولس بولوب طواف منقول  
بولدی لار ایر سیش دور ایسب یر دیل ریشخ نیک تو

لاری غه آواز کلدیم کم ای عباس خجیم مقبول بولدی و بولوز الیک  
تن درویش تم خجیم حیران و لار اینک ضابطه چون درگاه  
مقبول گوشه و فامان طوا نیز خجیم قلیب سنخ بس خجیم حال بولوب  
طوا فیدین یا ندی لار و کون خجیم غه لیدی خجیم دین باب  
اونا ایر سه شیخ تنها طواف غه منقول بولوب تمام مکتب لار طواف  
اعامیدین لین نیاز بشین با نیاز استانه بسیکا قوبوب جات  
میل و لار او شومین و آواز شیش لارای عباس ماز خجیم  
روا قلدیم ایدی سن هم جاتین رو قلیب **شیخ** لار  
بایز مکتب حضرت با نیاز دور کا هد اجبت ایدیل لار با کا پرو و کا  
معا جسد در مانده همه کا محاج دور او زکا لار نیک منکانه جات  
تو ش و لیم حاجت لار سن روا قلیبای ماینه آواز کلدیم و نیان  
سیر قلیبای سن تم غایب لار بسیار دور لار چون بولس  
اشبیب جات دین بش لومار و لار لور و لار که صحه  
طیبت جرم دین تا سفاری جقت لار ایر سه شیخ نیک بولجا  
لاری درویش بو سعید و مرغ غه معلوم بولدی **حضرت شیخ**



حاز مبارک دین جغتو لار تهاات فو بوبایدی اسلم علیکی  
بزرگوار خجست مژده سبارک بولغای و محتاج لار شینت  
بری مند و مرانه سبکا جتیم بار دورم شیکنج بار دورم  
نیکنج خجارج لار عالم خجسته سبکا دور لاریم ایران لار دورم  
اولا راز راقونغان بولغای که الکاشناق زار اراوت  
لما باو حجت لندی کردن لار لیکالو سماکان بولغای ضلالت  
جامه اومالت زندانید اگر قمار **حضرت** ایدیلارای ابو  
سعد نینک ایستق مامور بولغانم فایده بدین بید نیک ایدیلار  
سپن مناجات خجسته لیجان حالت اروجوم روحونک خجسته  
ایردی چون موتی استیبت بول ساحت اراوتین بول لار  
شیخ ابو سعید لوزالیک تن درویش برله انا بت متید لار **حضرت**  
شیخ قدس سره العیز نرکه دین باینب مدینه کاتوبه بول لار  
حضرت **سید** احمد علی **سید** اسم رو فنه لاری طوافدین  
لین اوز ولایت لاری طرف لار لوز لانیبم تیر لار بر  
تأمرم فیه سیدیلار ایریه دن ایدیلارک خجسته اراوت

دولتی کاشف بولوب علی بن القیاس و مدین تا فوغانه خجسته  
متید لار دولت مند لار دین لوز یلمه مک نشود و سترایدی  
سیرمدی کا قدم فویدیلاریم مرید لار خجسته بابا سید احمد ایردی  
بابا چین الکا عبارت دور که بزرگوار نیا روقت و بابا سید احمد  
نظر متیدیلار سید طاهر من مرینه سید کا فیکور دیلاریم هر فیکور که شلا  
بیش لیله شیخ نینک نظر لاری کا بارش کلین من میلور ایردی  
اندین هو نکر اوز اوزول لاریدا خلیفه متید لار و ارشاد خجسته  
رضت بر سید خجسته نینک اومتند لار دین و متعلقا تین لکا  
تقویق متیدیلار دینه ایدیلارای سید احمد بابا چین فیه سبکا  
حواله ایدیم که هر دو لمتدی اول طرفین لیله لغت و دوز  
جهت دین اول بزرگوار غایب بابا چین انا دی لار **حضرت**  
باینب خجند کا بتب بر دیلاریم تا سمرقند جانبر خجسته بار خالار قولقا  
لار خجسته آواز لیله شای عیسی است ارکا نیک بلنج دور  
بارفاق لار اندام بود دولت کا سحیح دور لار اول ایریم  
حضرت شیخ نینک ای لاری متعلقب لیدی مرید لار سیدیلار



لای بزرگوار سهر قذکار مقرر ایدوی بخوک بولدی که را  
لاری باندی حضرت شیخ ایدیلاری یاران سپنکسر لاری که و  
دیش کا وقت میقد و در حضرت کا تاریخ دور زیر که در وین  
تخته اوزر غزل ایلید که اولوک هلمد تروریم الکات شیخ نوز  
جنیار یوت دور اول اول ایدوی آتس بولدی الکات شیخ حضرت  
شیخ بلخ قه قی لاری سالیار شرف لاری استقبال مستبد لاری  
و بزرگوار سوز مقایله بولوب همه عالم غیبین خطایت لاری  
ایدیلار نینک هلمد اسل حاضر تکلیف مستبد لاری که ای  
بزرگوار موندین است اک ایل لاری بنیر فمیترا کا قلیقه  
بزرگوار بر در بر شومار اک سی لاری بر معنی الکاادی  
لاری اول مان بلخ شهر کا سی لاری ادا کا بر لاری دین بر  
بلخ نینک قاضی سالیاری **حضرت شیخ** نوز اوی کا تکلیف قلیقه  
اولار سول نیکاد لاری بنیر بن سبیل و بنیریم بولول  
اوزر اتر و مینیم که اوید ایلوی قیتر ما سبیل و بنیریم  
شیخ ابو سعید روملوق کلید ایدی ای بزرگوار مجانت

ایدیلو کیشر چیل میما سالیار جنیار موایلین زیر که نینک لاری  
الید اتمام ایدیلاری بر لاری تکلیف قلیقه و در سهر نوز بولوب  
مقیل حضرت شیخ سعید طرفینا قریب ایدیلاری سعید اگر سبیل  
مصلحت نوز سالیار نینک ایلین عاقبت شیخ سعید نینک سوزی  
بر لاری قاضی نینک اوی الکات سبیل حواله نینک ایدوی سبیل  
بولدی کونا لاری طعام لاری سبیل لاری سبیل قلیقه ایدوی  
فر لاری طعام تاری ایدیلاری سبیل نینک نظر لاری ایدیلاری  
و جفته طبیب ایدیلاری نوز بولدی **حضرت شیخ** سبیل طرفینا قری  
و لاری شیخ سعید سبیلیم نینک سبیل و جوت لاری الکات  
اوسو نینک لاری و نوزی ایدیلاری سبیل ایدیلاری نینک  
عالم ظاهر و ایلینا نینک ایدوی و بولوب مقدار سبیل قلیقه  
ای بزرگوار لاری حوز معلوم ایدیلاری باعث اوسو ایدوی  
قدم سبیل لاری نینک سبیل لاری بر دشت و قلیقه ای تم  
لاری ایدیلاری دور لاری و نینک سبیل قلیقه قلیقه لاری  
بر دشت بر ما که بر لاری و نینک سبیل لاری ایدیلاری







لاریتخا پیلادی لارا اول یردیم چون بجه بولدی ایسه  
شیخ همه دروش لاروسید اول روس کافا هر بولمان بنکلی  
طاهر بولدی لاروسه زمان اول روس کوشین قبول مستبدیل  
علی الصبان بولوق فایر بر لیا تیشتر لار شیخ ابو سعید فایر  
مفتی سرب بر لاری اورمید اعلیٰ تیشتر لار و همه لار اوست و  
لاری کابندی لار تاشخ فقه التریون اولن اکی ایدی ایم  
بوققه بنخ شمدید ادر یایی امود اولوق بولدی و افسد اسم  
بالصوبه الیه مرجع و الحاب **ان الیخ من یون حضرت**  
**شیخ ابو سعید قدس سره علیه السلام علیه السلام علیه السلام**  
اولتوردی قرنجی فی شیخ لاری حقیقه افزان قازان  
قابلیات و اولوب لوب شتم قران غه بویردیلار دروش لارا  
فریار دیلار دروش لاریم بقدر حال استیا کیلتور دیلار  
شیخ ابو سعید بر دروش کابویردیلار ایم ای دروش قران تاشخ  
بارشیلن بر سر نربار و دروش ایم منرا ابو سعید سکا انیشک  
ایبار دیم مسجتمیز کاکفایت فلیف و یک و شریطان لار دین

لاریتخا پیلادی لارا اول یردیم چون بجه بولدی ایسه  
شیخ همه دروش لاروسید اول روس کافا هر بولمان بنکلی  
طاهر بولدی لاروسه زمان اول روس کوشین قبول مستبدیل  
علی الصبان بولوق فایر بر لیا تیشتر لار شیخ ابو سعید فایر  
مفتی سرب بر لاری اورمید اعلیٰ تیشتر لار و همه لار اوست و  
لاری کابندی لار تاشخ فقه التریون اولن اکی ایدی ایم  
بوققه بنخ شمدید ادر یایی امود اولوق بولدی و افسد اسم  
بالصوبه الیه مرجع و الحاب **ان الیخ من یون حضرت**  
**شیخ ابو سعید قدس سره علیه السلام علیه السلام علیه السلام**  
اولتوردی قرنجی فی شیخ لاری حقیقه افزان قازان  
قابلیات و اولوب لوب شتم قران غه بویردیلار دروش لارا  
فریار دیلار دروش لاریم بقدر حال استیا کیلتور دیلار  
شیخ ابو سعید بر دروش کابویردیلار ایم ای دروش قران تاشخ  
بارشیلن بر سر نربار و دروش ایم منرا ابو سعید سکا انیشک  
ایبار دیم مسجتمیز کاکفایت فلیف و یک و شریطان لار دین

۹۹



تو تو ببارهای سپن اول رویش شمع نینک ایشارت لاری  
برده یول غه یوز لاندی لار او زبکا ایدی بو عجب قلم شیخ ابوسعید  
نینک قلم فرمایین و چشمه لور لار قبول قلمی مسک لور نهایت  
سول سیر دابار مو ایلیین دیر ایدی یول یوروب کیم کی  
مانع ارا سینه تیرا بر سه تور دیم دامنه کوه داشیری تیرا  
ان لور و جان و هم دین لور لور کاسر قور قونج خوش خواه  
لاو کم بالغانی شیر بکین کومار سبیلغه کیدل ایدی ای  
دروش او چون کلایک دینک او چون بارنا رسپن دروش  
ایدی ای شیر نینک الدنک غه کیلیب سیر دم و هم قور قونج  
یانیم شیر ایدی دروش کیلیک که مرا آدم حوزر ایلاس دور  
او هم غه نیشل دروش نینک او جاسر غه مندی ایر سب  
روان بولدی و به کاسینه یار و مستلدی زمانیدین بکرا  
ایتن سید و رغان و چشمه لور دین هر طرف دین کرده کیده  
بولد لار شیر دروش غه ایشارت قیدی ایو سه او جاسر  
آهشت اول جالور لارنه تو تو ب با قیب و سیم سیمه دور

الیک غه باغلا دی اول وقت داشیر نیه ایشارت مستلدی  
دروش قولین لغدی و شیر ایشارت برله نیه بر حوش جالور  
او جاسر غه مندی و شیر جالور لار نینک باره سپن الدی غه  
سایب ان بولک دینج دره ارا کاسر نیکوروب یاندی اول  
دروش حلیف نینک حوالا سیر برله بو حوش جالور لارنه فالغا  
الیک کاتیرودی ایر سه حلقه تجر غه قالدی لار حلقه کاسر  
دین ایانغ لصد یون باغ لب لصد یون ایلادی لار و شمع ابو  
بولدی قیم ای دروش لار به قی قی قی قی قی قی قی قی قی  
بولغوز لار بولج بولج لار و شمع حلقه غه ایندا ویرا چون مجلس  
هر انجم تا بتی ایر سه حلقه شمع ابوسعید مجلس قور لار قور  
مت کار لیت بولدی لار کیم **مجلس** مجلس مجلس سیر  
الغیریز سفره اوز را حاضر کیلیب لار شمع ابوسعید ایدی لار  
الحمد لله شمع حاضر کیلیب لار غالب لکه بو حوش معقول بو  
تو تو در شوق برله خدمت مقبل و بک لورنه تا شمع غه خاوم  
ایردی لار نینک لار شمع لقیه مستلدی لار هنوز بو دعوت



طیغ لصف بولاب پردی صوفانه توفات قبول چه هم ناکونه  
خج او بنو لوع انش نقسم مستور ایردی رهنوز تمام بولاب  
ایردی علی بن الفایس بولون عجب مجلس مستایردی چهره  
شیخ عباس قدس سره العزیز سفر با شیدین نو بادی لارا  
بولابون فاما بولادی سول مجلس حضرت شیخ عباس حضرت  
شیخ ابوسعید تربیت مستبدیل رهنش کما فی خدی اوز کادر  
لار تربیت میل بولدی لار و بر لاریدن سونکر اوز بول  
یس صلافت مستبدید اولور دجه ویش لار فی تربیت قبله  
ولین حریه امدادی لار ابرار است و غنه حفت بولوب پردی  
زیراکه درویش لار نیک کوبرا که کبزر لوار نیک تربیت  
نابای نوبت تیمی تمام قالی پردی لار تا بار هم بهره  
درویش لار حضرت شیخ ابوسعید الدیدی تربیت ناپس لار  
یمی لار بودجه دین مرید قبول میادی لار بر ثونی صلت لار  
اولور و بولدی لار قبوله خاطر لار شیخ تربیت مرید قبول  
بولدی لار گوش لارید که ردی لار نیم بر لاری **حضرت شیخ**

عباس قدس سره العزیز حاضر بولوب تسلط لار ایدیلاری ابوسعید  
ایده شیک احسن عمر و اندک کابار مات کراک لغز غنیک نموند و را  
مال لاری نه کلیت بنجال بولدی لار و ایدیلاری **حضرت شیخ**  
بولنده کانون دولت عظیم دور که حجت منظر اول مقام شریفه  
بولغودیک مرید قبول لار و بفرین خیار مستبدیل رعایت به  
علت بر لار بات یا و ق کما یستفانه تعبیه طوائف منرف بولدی لار  
حج عمره بجا کیتور دیلار و ادب کون انداز پردی لار کوشش  
بر لوبت عمره بجا کیتور دیلار لور تو پنجه لار و صبح و قیام طوائف  
مستول ایردی لار نیم مولا لاری نه اواز کلدیم ای ابوسعید  
مژده سبک کیم مسجد حرام ار قاسمیدرون بر دیم چون بول  
اشیتب حقیقانه و تعالی نه ستر بیایدیلار **حضرت شیخ**  
افند علی و سلم فخر و در دجه شمار ابار دی لار اندین سونکر  
باشلارین بایاز استانه سیکامو بولوب حق نه جان ایلم  
مستبدیل لار عند الصیاح مانه معطم مجاور لاری حاضر بولدی  
ایرسم کوردیم صاحب ویت ابر کاشف بولوب دور



حیران بولای تم نه بیگانه لڑائی او شومندیده ابرویم قولانی  
 او از بیلدی ای عجب اندیشک بر تم بوندانینک و سترنک او  
 بچند اسم ارقه سینه بارودی نور دیم و جدر است بولوب و  
 آبی ای صند انینک عزیز کرده بنده سحرش بنده عزیز سبب تم  
 جفشی و تعالی بولوب بر له عالمین ابرویم بولوب تمام بر له  
 اوی کا آتباردی و فرم بوی بر له طهارت برودی لغزش  
 لار کا یور کا ببرد ابر له تینا و تبر کا مبارک بنانه لارین  
 نور دیر لار دیر لارین ابر له بنه بر له او استلد لار تم  
 بقره سیر سیر و ابرودی لار اندین سونکر اوق من مستلد لار  
 معلوم بولوب ابرودی و ت سیر علی اسلام نینک ظری ایدیه ابرودی  
 لار و حضرت حفر علی اسلام نینک باطن لار دین تربیت تابی  
 لار و اسلام بالصواب **مکر سحر پنج باب شیخ اولین و ثانی**  
 افرین عزیز روی زمین و باودی راه بین و سراج مله  
 والدین خیر المقتنین و امام المهندین و مرجع المبیین  
 حضرت شیخ فرید الدین ماخرزی رحمه الله علیه احوال لار کا

ذکرید ابرودی او شومند صفت لاری کا موصوف اما الله یا شیده  
 اما اتالاریدن تم قالدروف لاسه ساقلا دی و قالا یا بی نینک  
 ابر بلسه سیر کرد ابرو سیر افعال و کفایت مزانشه ابرودی و لیکن  
 هیچ نر زندی یوت ابرودی با وجود نر زندی سبب لک بر له بولوب  
 باقی قفد راضی ابرودی اما خلق نینک مروتین و مالونان  
 رعایا سیرین لم بسا صاحب محال ابرودی لک مال یوت دین ضرورت  
 نوئی راضی ابرودی و بولوب و ت سحر بولوب و محالی حنین  
 مال سحر نینک عجب بار ابرودی بولوبین کو یوسه سحر بولوب تور کا  
 بوسه و ابرودی مالونی راضی ابرودی ای بخت اینده  
 لک نینک بس ایس مویتم اوز اسکا بولوب نه خواه لاسین اگر موند  
 نیت نه تکلیف متب تک ملا تمیز بر شین تم بونده ندانه سحر  
 بولوب با بین کیوسه او ناماس ابرودی او شومند حین بار بار ادا  
 جک واقع بولوب بچند لیت بیبید و دشتام اشیتور ابرودی  
 احسن لاسه بولوب و مطلقه میقات بولوب مدی ای رحم و نامس  
 بولوب جان منم و در که بنه میسین لک خود مولا طاعت



بود و ریم غذای لسانی نیک بنده لاریت بنده غا اولیور ماکت  
 بولهای ماشا یکدک بولهای و یا خود مرد صالح بولهای و یا  
 بولهای غای لسانی نیک بنده لاریت بنده و فایده تیلور کما  
 و یا مردی و هقان بول که کیم نرا عتیدین خوش طبع و نفع است  
 لاریت بادشاه جازی لاریت معتبر بول که کیم نرا عتیدین خوش طبع و نفع است  
 سینه غذای لسانی نیک بنده لاریت بنده و فایده تیلور کما  
 نه او چون اینهمه معتبر است که بول لاریت کما کیم برون اولیور  
 ماک کاسه معتبر است نرا عتیدین خوش طبع و نفع است او چون معتبر  
 بیزدین وقوع نه کیم نرا عتیدین خوش طبع و نفع است که امن و صدق کونند  
 بولهای سیدین دونی و اقا لسانی نیک بنده لاریت بنده و فایده تیلور کما  
 طقت بول دور نه اولیور نرا عتیدین خوش طبع و نفع است او چون معتبر  
 طقت لسانی نیک بنده لاریت بنده و فایده تیلور کما  
 قولیدین لسانی نیک بنده لاریت بنده و فایده تیلور کما  
 چاه غه نرا عتیدین خوش طبع و نفع است او چون معتبر  
 ادرست لسانی نیک بنده لاریت بنده و فایده تیلور کما

سبب اولدی و اولن کون چاه نیک بنده لاریت بنده و فایده تیلور کما  
 اول بخت بول کون لاریت بنده لاریت بنده و فایده تیلور کما  
 الیدین لاریت بنده لاریت بنده و فایده تیلور کما  
 منی وین لاریت بنده لاریت بنده و فایده تیلور کما  
 ای بول نرا عتیدین خوش طبع و نفع است او چون معتبر  
 بول نرا عتیدین خوش طبع و نفع است او چون معتبر  
 دور کیس با بول نرا عتیدین خوش طبع و نفع است او چون معتبر  
 ماحل لاریت بنده لاریت بنده و فایده تیلور کما  
 ملامت وین حل لاریت بنده لاریت بنده و فایده تیلور کما  
 بول نرا عتیدین خوش طبع و نفع است او چون معتبر  
 چاه اوزره لاریت بنده لاریت بنده و فایده تیلور کما  
 برده با علل چاه غه نرا عتیدین خوش طبع و نفع است او چون معتبر  
 غه نرا عتیدین خوش طبع و نفع است او چون معتبر  
 دکان بول نرا عتیدین خوش طبع و نفع است او چون معتبر  
 حال با بول نرا عتیدین خوش طبع و نفع است او چون معتبر



تو لکدین آتی مارت و کر به اعانه قلیب ی ای فدا نیک و ای  
معدور تو قیاس کم صدای لعلی نیک دست لاری غنه و دهنم لاری  
طلم بیت و راندین کین آسب سبیا لیلادی لار و خواه لادی نیم  
جاه دین چهارغای نه اندر به قلیب سراسر حلقه لاری چهار سبک  
بود بخت انصاف و نیکه خوب در و کون نه منول قایل بر له بولیه نه او  
ماک مقامید بولور اول زمان نه قیاس و دور کلیل یکبار انکارا  
بین اگر خیر بولیه چهار این بولور ایریه او شوی فراغی دافوت  
اول ایردیم ایرای شوهر بولور و کون عجب سیه شده مستبدیم  
شوهر ایردی نه کور و کون ایردی بجه ترکی و در جراح الله بداد  
بستر سستید او فراغت بکسیر سیداقو یو غنوت تر و حول  
شوهر مونی استیبت تعجب مکی دی و باور تو لادی و ایرد بولور  
دور که سوت اما دورغان کور کون بجه لوندوز موندان بر و  
ترکب قالی و بولور دولت غنق سیرالکال تو لادی مکر این که  
و با دور حال تو فی ایرد اگر باور تو قایل سبک تنوب کور شیل  
شوهری ایرد اگر شول بیلکس چهار سبک نیم کور کوم دور

اول ایردیم برز تو لاری خاله سی رحمت بستر لیک بولور کاب بیدین  
باغلاب چهار سبک بروی نین کین جبراعنی بر تو لینه آسب نیکه  
نه بر لیکید تو لوب و زنی جفت سیر سیرای طایم سج بولور  
سین که حال بندور بولور کون شش کون دور که اولاک مقصد و اجاه  
سالیب ایرد نیک لور و کون جفتیانه و لعلی قدرت کماله  
و حکمت سالیب سیر لوبور و سالیب لادی سج اسبیر الکاب  
دور که بولور اغت دولت نه عنایت قلیب رک بادشاه و ایم  
دور سبد نیکم و دهنم نیک مقصد حوت لعلی اراده یتما خواجه کار  
اعاس الکاح من بعد بولور و غول فی بخش خا فطت قیاس کر  
نیم رزق برکت دور کیم جفتیانه و لعلی لطف عمیر بر لور کور  
نیم نه ایباریت در حال تو فی نیک بولور و زنی تو لک کال سیر  
قلید می ایرد ای قاتون بولور نیت خیار سبک موی و نولند  
دور کیم هر نوع ساقلا سبک ساقلا من مرم بیهای دور مرم  
بولور کون لایکان و سبیلک من کراه کون لک کال اولور  
سالیب لکان الحمد مدیم جفتیانه و لعلی قدرت کماله







بوی بخت حسن این مبتلا دور او شو جان و خاطر ی غم  
 بترجم یوسف عابدین و اوز کالار دین نه غم دور که خدای نکند  
 دور منایتی کاتیه لیکر نیک میو رحمتی نه و کتسای باره نرس  
 قادر دور هر نه خواه لادی میند و محوک خواه لای با فیتور این  
 سو کمر ای ای سو مو نه غم جلیق پیش این لار او لکان  
 واقع دین جبر بر سه لار نه اوجون فتنه بولسوخ بلکه اورا کاع  
 دلالت میور سپن خود مرد هنر مند سپن و سبک لازم دور  
 برونی اور نو تک الغیب متغیای سپن تا هنر نیک تفراق سعید  
 قالمغای بسن هنر غم اورا کاع با صیت مرسه کاک اور کاک  
 تراک ترورانا اول فنی دوریم صاحب مراک دور به منت  
 خدای تعالی سبک کرامت قلیب مرراک کم و نیک بن خوش  
 حال بولغای سپن بولوع تا خوشنوق قلمغای سپن  
 خاتونی نیک و شوخ خوش کسیدی ایر به بد برای خاتون  
 حوینا سپن لیکن بولیم بار دور که بوی که اندک فرصت  
 الشین فتنه اولکار و دور منیر سوخ میور خاتونی آید

اگر موی فتنه می بخت نیک ترور کم آهوده حال و تور و سپن  
 و بار به پیش نایب کور و نیک بولیم سپن تا که اوز و نیک پیش  
 قبل سپن بهتور اول و رانغ اوز و نیک یا و ردد کار متغیای سپن  
 بوجو معلوم دور که او ستاد نیک سپن تا کر دین استلال  
 میور لار بولوسف علمای ای فاکون نیک بولیم بولاق خوش  
 بکمالید و رانغ میلای نیم او ملای و استه نیر منیر اور کای خاتون  
 ایدی موی فتنه نیک منیر الحال تا سفاری حق و زمانیدن بهنتر  
 سبک سبک نایب کیتور و بوجو به بالدی و بر کچه کو مدوز مسودا  
 نورغان دین کین صاف متغیای فتنه کالادی و اندک  
 قند غم فتنه و بر رتوار غم انداب کونج بر لاجوردی و بول  
 بد بخت نیک غرض اول ای بس بر دیکم اورا کک نایب بولغای  
 بلکه مقصودی اول بر دیکم برز کور نیک استخ صفت کونک  
 آینه هر کیم غم غیب است همه کمال محل دور با صلیه میره  
 بولغای غیب پیش رانیک و صیوه متغیای بوی بخت ملای  
 مطلق بولوب سپن شمس بولمای چون که اول غم بخت



جہود ایردی بیج کمر سہانہ پیکار ایردی حشر کہ خالق انہنگ  
 ہم خبری بوقت ایردی اول جہود انہم مالابن ونا ہنسہ  
 لارنہ بزرگو از نیک حقیقہ مستبد او شہو سبب بن ایردی  
 در واقع اول قد پس ہرہ العیہ نر نیک لکھ آئینہ سے حبس  
 میرہ بولدیم طہر نرسہ لارادر الہد اہیران قالدی وچند  
 مدت مونیگ بر لہ چتر ایرسہ تا بزرگو ارادون ہستی قیری  
 اول وقت اوز لکھ ہمہ مستبدی کم کل کار بوقت مستبد  
 برکای تیس کل کار بوقت مفعول اباب مذراغ ہنرمند قلدیم  
 راجع مہکوند امانندی بوقت ایردی بر لونی بزرگو ارادنا  
 ایس متلب لور و ایردی لار راق سعال قرہ لکھ لارینہ  
 کلیدی بکودیم ای نرندہ خجہ بن وکر کہ بوسین قہ مفعول بن  
 بزرگو ارادیم سہیل کجیو نہ ہور ویک بولدت لار دالو  
 دین بیج نینچہ لور و نینچہ بزرگو ارادیم ای بابا نینچہ سے  
 اول وکر کہ لکھ و پالک لکھ و رحم ہر ایردی ای نرندہ بول  
 نینک فایہ ہر شہو الہانی معلوم دور مینہ بولیم معلوم دور

دنیا نینک عمارتی با بنیہا ہنر نام غنہ لای جافلار ہنسہ ای  
 فرزند از غفلت لکھ لکھ لکھ ہم دنیا عمارتین دنیا وین اوز کا  
 حاصل بولکس دنیا دین حشر نرندہ امت مین لکھ غریب قویا  
 تا چند دنیا نینک بنیہا ایردی کالای اور و نینک لکھ مقبور  
 سپن اگر ہوسونک بولہ مصلحت نینک اور کہ دین او بن  
 عمارت متلب استہ لکھ نینک ہر اوق دور زیر اکہ قیامت کوئی  
 دین ملت دین ہور ار لارنہ خاند زینت بن حیدر لکھ  
 تو بنش بل لکھ بزرگو ارادیم ای ہر لوز ویک منسہ نیندیم  
 ہمہ کار مینما یور و ایردی ای نرندہ بولہ نینک منسہ اولد  
 جہتجانہ و لکھ نینک عبادتیدہ بولیم نینک کار نینک و  
**حضرت سہیل** نینک سہیل لاری ہری  
 لغین متلب ہم بول وکر کہ ہر کیر طبل بول تا کسین طبل بول  
 بنیرار اولغیل کہ حال متونینک اور سپن لکھونک صحت  
 سہجانہ و لکھ غنہ متوبہ متلب نظر گاہ حق بولعانی اور دور  
 بزرگو ارادیم ای سہیل سہیل و لکھن کو لکھوم و اول



قابليت استحقاق بوقت دور که بومعوض مستحق و سپردار  
 بولغاى زير که بدختر عبايت برله مويس قتيبت رک بکړه  
 اى نه ندم بکيل کم نيتک است سبب دور بزرگوارا  
 بخوک اول بپايدى مه لمبيط ذوق دور مه کار برومخ مبرم  
 عبايت و سافت هم رک بکيل اورون ايت است ايت  
 اولو صاف الالب پاکيزه مستور کم نيتک من انزى  
 انزى قالمس و لوقت و لوقت کو لکلونک او سبب منزه لبت  
 و سپردار بولغو سپردور کم بزرگوارايدى اى سپردار  
 ضمير اگر موند قتيبت اما لبت سفتق لولاد و کم بوج بد لبت  
 حقيقت ايتور سبب حواه لاف نيتک قتيبت اول ايتور  
 سپردار سپردار سبب حواه لاف نيتک قتيبت اول ايتور  
 لوتقار سبب بپايدى ايتور سبب بزرگوارا حواه لاف نيتک  
 بپايدى ايتور سبب بپايدى ايتور سبب بزرگوارا حواه لاف نيتک  
 لوتقار سبب بپايدى ايتور سبب بزرگوارا حواه لاف نيتک  
 بپايدى ايتور سبب بپايدى ايتور سبب بزرگوارا حواه لاف نيتک

ذکر يه شغل بولغل که ايش شغل و بزرگوارايدى ايتور  
 ذکر يه ايتور سبب بپايدى ايتور سبب بزرگوارا حواه لاف نيتک  
 ايتور سبب بپايدى ايتور سبب بزرگوارا حواه لاف نيتک  
 روال بغير ايتور سبب بپايدى ايتور سبب بزرگوارا حواه لاف نيتک  
 ضرب برله ايتور سبب بپايدى ايتور سبب بزرگوارا حواه لاف نيتک  
 بولدى ايتور سبب بپايدى ايتور سبب بزرگوارا حواه لاف نيتک  
 اولو عکم سپردار بپايدى ايتور سبب بزرگوارا حواه لاف نيتک  
 سپردار بپايدى ايتور سبب بپايدى ايتور سبب بزرگوارا حواه لاف نيتک  
 لوتقار سبب بپايدى ايتور سبب بزرگوارا حواه لاف نيتک  
 ايتور سبب بپايدى ايتور سبب بزرگوارا حواه لاف نيتک  
 لالا لاف نيتک لوتقار سبب بپايدى ايتور سبب بزرگوارا حواه لاف نيتک  
 بولدى ايتور سبب بپايدى ايتور سبب بزرگوارا حواه لاف نيتک  
 ايتور سبب بپايدى ايتور سبب بزرگوارا حواه لاف نيتک  
 ايتور سبب بپايدى ايتور سبب بزرگوارا حواه لاف نيتک  
 بولوب دور يه ايتور سبب بپايدى ايتور سبب بزرگوارا حواه لاف نيتک



دین خبر بر کس نامشکال معلوم بولغای اگر چه فرست علم بر له نومی  
بلیب مردم که حضرت نیک کیم دور اما خواه لاریک مشفق بلیب و بلیک  
کسایلیق جدی کا قدرت ناماید و مرزا که اخیر بر له بوز لاریک  
الغای مرزا که اسم رسم لارین بیان فیله ناما که معلوم است  
نامیه بزرگوار ایدری فرزند اول شعی دور مرزا که فرست بر له  
بلیب و سپین اثر اول شعی بولیم ابردی علم طاهر داسپیک  
ملاقات بولکاس ابردی دیب **شیخ زید الدین نیک حق**  
فاتی او قیدی و سپینه لاریک دم قلیبی ای فرست لاریک  
اشنیک اوستوار بولینیل بولسف علی جهود کولکلی جریک  
ولایت تیرنای بر له ترش قلیبی بیایب بولدی لاریک  
بزرگوار خوشحال بولوب بولسف علی جهود مالی خه متوجه بولک  
دیر کونین کین اوز طرفلیکا فدیبه مستیک اول جهود به خیار  
برزوار نیک لیدی خه قلیبی ایدری فرست لاریک  
چولکان بر له سداذن کوی خه بلیک لاریک به مدین بخند باش  
بلیک دور سپین تو قلیبی و اوز دینم دین بیزار بولدم اولک

اوقایم فدیله و ذرات بد حضرت محمد مصطفی صل  
الله علیه وسلم نیک دین لاریک کردی و اسلام دینی داغی  
لازم لاریک قبول قلیبی و دین بلیک دین بایلیک و بلیک  
بتوا ولایت کر اشک خه مفاد و مقصد بولدم ای حسن  
نیک دلی سپین سوز و توب بولوب کور کیم این همه ناحق و نا  
سپین این لاریک نیک حقیق اواقع بولدی بولوب و بلیک  
بلیک و بلیک نایق لاریک اول کردیم بزرگوار کلیم سداذن  
الکلیقین ایلاب سلمان قلیبی و بلیک بولوب عازاد ب  
لاریک سلمان جلیق کراک لیکت تعلیم بولدی اولک فالتین  
دول و طیفه عبادت خه اور کانه و همای طاعت کاسفول بولک  
بخندیل مونیک بر له بلیک لاریک **شیخ زید الدین** خه بخود لوق و بلیک  
لیک عالم دست بر کایا توردی کایا کون است و کایا کون بخود  
لوق چال بولدی سب بخود لوق عالم و مبارک شل لاریک  
جاری بولور ایدر کیم انما من الله و العالم منی منی من خداون  
و عالم مدین حضرت شیخ نیک بولوب لاریک عالم **شیخ زید الدین**



ایدی ایریه بعضی حق احترام مقام ایلدی لار اول  
 شه ابرو نتمندی بار ایردیم مولانا سیف احمد عالم دیر  
 بهر اولوغ دوشمندی ایردی مدق و محقق کیم شیخ علم دین  
 انشیک الید ایل سیده قالماسک ایردی و تصوف علمیه کمال  
 ایردی وینه اسل باطن دین ایردی چون اکابر لار اول  
 بزرگوار انشیک الدین کلبه بدیل ایرای مولانا فلان انشیک اولی  
 بولوغ سوز لار نه همیشه شکار ایتا دوشس حواء لایه در بزرگ  
 انج حساب قیقا غیرت بر سر نیدور اول عالم ایدری باران  
 نه او چون حساب قیقا لوق دور کیم حق سوزنی ایتا  
 برو سوز دیک ای عالم بولوسوز نه منبر سوزور عالم ایدیم  
 اولدوریم عالم دهر غربه که موجود دور مدای لغات دین  
 ترور و مزاج عالم ندین دور منبر انشیک جسم دین ترور  
 ترور کیم عالم انشیک دور بولوسوز حق دور نه او چون حساب  
 قیقا سوز لار اول دین برو تو بولوب یارای عالم مولانا  
 تادیل عالم لار قیقا اول غربه جابل دور بولوغ تادیل

خامی غنایه دین نبیون عالم ایدی و کیم جودین تحقیق متیق  
 ترک دور اول بر دیکم اکابر لار **منشیک** الدین کلبه بدیل اولدور  
 شیخ بخود دور بولوسوزنی دیدور تا زمانه توقف منبر لار ایریه  
 شیخ اوز فالیقه کلبه اول زمانه اراوس برو تو بولوب ایدی ای  
 شیخ بولوسوز انشیک منبر سوزوریم هر زمان مبارک انشیک غنای  
 بولادور شیخ ایدی لارای جابل لار اوزونکین لار غنایه خود اول  
 جود یوقدور که انشیک سوزنیر منبر قیقای سوز لار و عالم  
 سوزنیم قبول قیقا سوز لار منبر سوز دور که سیف مد عالم  
 بیان قیقا انشیک سوزنیم باور ایلای انشیک الدین کلبه بدیل  
 بولوبت کورونکین لار نیم اول بر دیکم **منشیک** مد سهر  
 المنبر بولوب جاعت دین منبر غنایه منبر لار منبر بولوب  
 و بخود لوق عالم کور دیکم شیخ بر منبر اوزرا اولدور  
 دور جوترا سوز اولم جن برنده و هرنده و اوز کاجاندان  
 منبر لار و شیخ طواف قیقا سوزنیم ان تو مار لار منبر  
 انور لارای بزرگوار سوزنیم انشیک و منبر بولوب غنایه



لاریم ای تور لار چون حضرت بزرگوار کوکرامت فی اوست  
 جماعت کا کورست لار اندین کین لایت نظرین اولارین  
 لومار دیرلار ایریه اوز حال لاری خه لیلک لار رسولان  
 لاری قبولوب خدر لقیض لار حضرت شیخ نینک لایت کرامت  
 لاری خه بتی لار وایدیلاری بزرگوار لوبو بتی سلم کم مری  
 دپانک لایت وسمه اوار دور ویت کم اراوت سیمه مقامیدا  
 بولدی لار شیخ ایدیلاری باران حال محصل ایرمال دوله  
 اراوتمند بولمائی سیمه لار بزرگوار لایان سیمه لار سیمه سیمه  
 زمره سیمه تا اول وقت خه موقوف قوتی لار کم استحقاق  
 و استعداده قبله منیر اول مان سیمه مان بون دور اول  
 ایردکم سیمه موقوف لوت لار چون مومنین بر لاش سیمه  
 حضرت شیخ قدس سره الغیر خه حضرت خواجہ زنده دلان دین  
 ارشاد حضرت بزرگوار لوت خوارزم خلقین اثری نینک  
 لوت لار کاشتم حضرت شیخ نینک مرامت لار لیکار یب  
 مینمای لار کرده لوده کیدیلار ایریه تور دیرلار کم شیخ لار

عالم داور لار و بولولک عالم دین سوزلار لار اول فی سیمه  
 توقف ایکه بوز یکسان کسرکار اراوت عقیدین بابل و زقیدلار  
 لیتوروی لار بوجاعت اراوت مجلس سیمه بولمائی  
 لیتن ایدیلاری باران سیمه لار کم مریتم سیمه اولاندی  
 بولدی مریتم اولاندی سیمه تفیق خه اولتوروی ارشاد  
 رخصتین سیمه اراوت سیمه خوارزم و شیخ ایردی لار و آلله بوز  
 اراوت و لوت سیمه بولدی لار و یکم کینتر سیمه سیمه  
 لایان سیمه لار و اوزلاری حضرت خواجہ زنده دلان  
 دین سیمه سیمه لار و سیمه ای تور ایردی لارای دور و سیمه  
 دور و سیمه سیمه لار کم مقصود سیمه حاصل بولمائی و دور و سیمه  
 دور و سیمه سیمه لار کم سیمه دور و سیمه مقصود  
 اسل و سیمه سیمه دور و سیمه سیمه مراده مقصود اسل  
 دور و سیمه دور و سیمه سیمه سیمه سیمه سیمه سیمه  
 دور و سیمه سیمه سیمه سیمه سیمه سیمه سیمه  
 اندر سیمه سیمه لار کم سیمه صادق لار کم کوی سیمه



که بمقصودش رسیده بود **نیم صدق** برده طلبین متینان طلب  
 مقصد بده که یک کس **نیم صدق** بولغای نیم بر تو از نینکا  
 تربیت لاری اول طرفه و ایرد یکم هر لونی مرید لاری نیک صلیف  
 نظر سارو ایردی لاری تربیت نیک نوسیم سیه او ارد و سول  
 بوع بر لاری تربیت مقبول ایردی لاری وینه مرید لاری لاری نیک  
 مکتوب بار ایردی هر لونی بر مرتبه متوجه بولور ایردی لاری و سیم  
 سیم جالبین بولور ایردی لاری اگر هر هست نینک سینه عطفه و اف  
 بولغان بولیم نیم نینک خبر بولیم ایا که هست بولور ایردی لاری  
 بر لونی اولتور و ایردی لاری نیم در و شیر ملازمت لاری لیک لیک  
 وایدی ای شیخ **نیم صدق** مناجات زار لرد کلام خبر عشق و کرم  
**نیم صدق** مندوزم عاشق فدای کرم عشق بین اوزر کایون و سیم  
 نینک برابرید حضرت شیخ ایدیلاری در و سیم عاشق اول  
 طلیح ابریم نیکلن اودزی اوت غه تامل سیه چون در و سیم  
 شیخ دین بولور غه ایشتر ایردی لاری شیخ بولور خطا  
 خطا سیم بولور اول که عاشق اول و نیم عین اوت بولور غه

اوت غه تامل اوت قانچ ایش و در که نورهای سپن کیم بر  
 شوند غه صغیف لیس بر لاری اوت دین هر سهری بوق دور اوت  
 انینک دین زیاده هم بولور لاری لاری اوم لیک کاسه او اربو کیم  
 دور **نیم صدق** ایدیلاری در و سیم سینه نیک رویش لاری دین لاری  
 اوت غه اوت لیک لیک ایشتر دور و سیم بولور غه خوب ایردی لاری دور  
 اول رویش ایدی بولور دین لاری دور شیخ ایردی لاری معلوم بولور  
 اول رویش اید در و سیم اوت غه ایردی لاری غه نینک اوت غه عطفه و اف  
 خانه غه لوتان غه اوت ایردی لاری لاری بولور تمام لول بولور  
 شیخ ایدیلاری اوت اوزر نیکلن سار لاری اوت غه و سیم  
 شیخ دین واقع بولور ایردی لاری اوت اوج بود رویش بر و سیم  
 لوت لاری اوت غه اوت اوت غه لوتان غه لوتان غه نینک لاری  
 اکی سیم لاری نیم شیخ اول رویش غه بولور لاری کیم غه و سیم  
 اول رویش بولور غه ای شیخ سیه بولور رویش لاری اول  
 بولور سیم سیم سیم غه و در که اوت غه ای نینک لاری لاری  
 دور سیم بر مرتبه سیم سیم سیم غه و سیم غه و سیم



اسپن انکند و حضرت شیخ ایدلار آری غلبات موقوف بین  
بین دین اوندو کازیه فاطمه بیجاوی بنه اولکه دروشی لار  
نجهت شش دور لار بس رسم کما حاج ایچس و دروشی  
ایدی ای شیخ خویا بدینکیرا ما با وجود نجهت اول معدوم قیلا  
ترک نم بعد ایق دین یونکر ایا دقتلای لار شیخ موقوف  
سور دیلار اول دروشی ایدی شیخ بکلیل که مر ابدال مجاهد  
سید دورم هم محض ستر نیک به انش الفت افاق او جوال  
مر ناما ستر که ابدال بین قه استحقاق بدلولعانی وقت داووز  
مجامع ار ستر الیبت رغوم دور شیخ ایدلار ای روی کر لوز  
نیک برله لوبانک تبدیل با غوم دور نه با اولکه مجامعکین  
بولعانی مازیر که مر مذ انیک عاشق عشق اوتامه سوزنه ستر  
و عاشق بیک لولیک ابدان دور اول ایدیکم برزکوار مبارک  
پسین خرقة چیه تارقه دور و برله اند و پیر بر حقیقت  
جیبرن در و جنب سیرت بولاد دروشی کورکم شیخ  
لو بوب کول لودی لار ما بعد معلوم بولعانی سم حضرت

شیخ قدس سره العزیز الیک لوفوزیل غر کوردیلار و جلال  
مرید تربیت ملیدلار و او زلار حضرت خواجہ زنده دلان  
دین تربیت تابعی لار حضرت حبس علیہ السلام نیک قلب ایدلار  
ایردی لار تاسخ قه الله لوز میره بیج الاول ای نیک  
اوناماز شپان و قتر ایدوی کوبوب کول بولیدیل و قیات  
لار دین یونکر ایدلار و دروشی کوسید کورکم جلد بر لوز  
جو عثمان لار نیک اسید ارحت ستر لوز ایدلار  
لار و دلان لار خدمت و التور و بولار سور و کم ای شیخ  
بودولت منزلت قایدین دور ایدیلار حنیفانه و لعلی دین  
تروریم کولیکان لار نه حله بر غه لوز کار لار کم لوز  
جرامی کاسنه اوار دور و اولکده السلام  
شیخ صاحب اسم ایدلار و اولکده السلام  
درگاه حضرت کردکار و مظهر کرامت با شمار و شیخ شریح  
و ساکن فرخار شیخ ایشون روز کار عینی شیخ محمد طاهر  
رحمه الله علیه ذکر یارید کم و دی ایدلار شیخ و جوال



مردمان ده قوت داده بارت که مسئول ابروی اما  
اول مالدا مردور لوف قیور ابروی وقت از اوقات اول  
بزرگوار نیک سهری فرقا طمس کجا تو شته ایر سه دفتی  
تور دیکم حسن بر جبال ابر همان خوشخوی نازک طبع بلاغت  
مر نه سی کاتیشکان ابروی اسخ بنا کاه کور و بی زمانی ابر  
بور جان بر له عاشق بولدی و کونکین قولدین ایباردی ای  
اندیشه قلیبت ای عطار بکیار که کار سوی جنت بولدی و نک  
تم تدبیر نند و رویت صید بر له ملازمیت ابولفونک و حسن  
مولکات ابر بر دیم قیور نیک نایس تو انگر کشد و راندین  
بد اوج یوقم نیک لایه ابر اکرا میت و فذ میتی قبول  
میل بین تا بولفیت بر له قد مید ابولو لوف نسج جالیدین  
بهر انوم دور و حسن لایح سامی دین بر اق بولفوم و اول  
ایردیکم جک است که دین قویور قیور نیک نایسی خواجه ملک  
حالین عرض قلیدی ایدی ای خواجه نرسد و مرد و اما لوف  
دور نه بولور کم مرا غنچه است زنده علما جاروب لوف غنه

بول قلیبت خواجه ایدی ای کوکشت بردین سپن اید  
حصا دین مرد و مرد خواجه ملک ایدی نه تقریبین موند انوش  
بزرگوار اید نفسیت بولیکان خواجه ملک ایدی قبول قلیت  
اما به حقیقت لیک منامای سپن سخی اید سلیک بد و من که سلیک  
جایت لار دین بولک بولفوسیت بولمایتین تقیر بولمایت  
کراک خواجه ملک ایدی اگر سلیک بولپوز و استقامت  
در سچکام بولیم هم نرسد لیک قبول ملیدم که بر خاوه دین  
اوز کاف نرسد نرسیم لوف و سخی خوشحال بولوب خواجه ملک  
من زیتید انجند کون نچتر ابر بر بزرگوار خواجه غنه عرض ملیدم  
ای خواجه بیکار لیون خواه لایه بد و سلیک و سلیک بر این تقیر  
قیم قبول بین ابولیم نادر لیکر لیک نفع بول خواجه ایدی ای  
فرزند ملک جنان خدمت کالار بار دور کیم ایش بایا ای  
بیکار دور لار سپکا نایش بولیدین سخی اید منکام نایش  
بولید و سلیک منان بر دار دور سلیک اگر ایش تقیر قلیت  
بولما بسم خواجه تنک بولوب ایدی ای فرزند منکام اندان سخی



لوی و در کیم بنکامنا بلب بنای شیخ اید کر ایس  
تو لومیدن کلمسی هم موزا غولارنه باقا رستم خاللم نش  
قام برله حوازه ملک نش موزا غولارنه باقا رستم خاللم نش  
الفا قان و موزا غولارنه باقا رستم خاللم نش  
حضرت بزرگوار انا اولور ایدی و مقنوق فرمده انا انا  
لارست بولور ایدی و مقنوق نش بلیکینج سیمادی  
و مالیدن خبردار بولمادی نایه سیل فحش ایدر سیه قیر قیر  
تیبنا لاله لوبله عشق بلیکینج سیمادی بولمادی  
بورادی اول وقت ای قهر مالیدن اندک طالع نایه  
ایرسم کاهر کوزا و حیر برله بزرگوار جاننی غنه نگاه ایلاریم  
منوق اکنیر نگاهیدین بزرگوار نهادیدین و دو حقیقت  
تو نکل کسب بولور ایدی او کاهر غلین کولکوس برله کولک  
کبا با غنه توز سیر ایدی و زمانه سیمادی و ان بلیکینج قدی  
صلوه سیر خرام فیکور ایدی کیم بولمادی و سیمادی  
موزا غولار ایدی و سیمادی اول شیخ بابر کات بولور

حس کات نایه کور عشق انا حرات صد حید ان زیا دوه بولور  
ایردی و بلیکینج لیکینج کیم موزا غولار ایدی بزرگوار  
موزا غولار ایدی بزرگوار کیم موزا غولار ایدی بزرگوار  
جدا بولدی و شیخ ایدر کلبی حال تکی برله ایدی ای بزرگوار  
این همه در دهر لاله یاد فغان و سوز بکیران هر زمان  
میدین دور **ای** ایدی ای بزرگوار منیت مالیمین سیمادی  
موزا غولار ایدی ای بلیکینج او حیر بلیکینج کیم بزرگوار  
بزرگوار همراه دور سیمادی ایدی اگر بلیکینج عالم او سیمادی  
دور که کور سیمادی و منکا کولکونک کولور بزرگوار کلبی سیمادی  
لیدنیک ماحوازه منک قیر سیمادی لفتیک ماحوازه کلبی  
نیم بیل لاله سیمادی و سیمادی موزا غولار ایدی ای بزرگوار  
زمانه نکر و اوز حوازه منک عشق بولور ایدی بزرگوار  
ملک کلبی فغان قدت نایه انا فغان ایدی عالام مقنوق  
غنیار ایدی و منک ماحوازه ملک قیر نک بزرگوار بزرگوار  
بولور ایدی عالام مقنوق ماحوازه کلبی بزرگوار

۲۷



بروز از ایل بیسوح داکو بیجای سپین تا مقصود و نیک  
قول غلکوسیر و در موز اغونینک سوز سنج نینک کونلکی  
بسرنا بفرملیدی و سول ساعت مایوی مددین نظرین  
قطع ایلادی جبرله قنبر دین قطع لغات مستکدام موز  
باقات نترک ایلادی زبراکه مایوی مدد نترک صیفات  
سول سولبیکی سول لونی حوت بجان و لغات نینک عباتینه  
شغل کور کوزدی اول نو علم من لارغ اوز و قنبداد  
ایلادی و همیشه طهارت برله بولاق ناختیار ایلادی و دوا  
ذکره مشغول بولدی زجه بیج غریبه بیجس ایلادی انصاف  
و لغات لطف عمیر برله کونلک کاول مقدار علم کرامت مستلیم  
انینک برله نماز ادا باقی اند بکلیه کشف بولدی  
ایرپ او سبوسم ذکره مشغول بولدی چون پیش  
بس مونینک برله کچت و بنر کوار حالیدین تغیر سلا  
و انیدار و پیش لیک کيفتر هویدا بولوب مبارک پشانه پشانه  
ولایت لوزی ظاهر بولکده ماه رمضان کچه لار دین بونجه

اولوب ایردی برکچه خواجه ملک نینک فاطری فله کلبه کیم بین  
مالین مل خط صیغای لفظ شب برله توپی و عصا توابعه  
ایبیر قنلا **سوز سنج نینک کونلکی** نینک نینک لاری  
یح ایرپ کور و کیم اول قنودا دور لارا مبارک سینه لار دین  
اند زنی و لاری نینک و آزی کیلا دور زمانه مبارک سینه لاری  
نور دی ایرپه کونلکی که در و سوزی نوشنه لربان  
بولوب او بیکه باندی بوس غرقا اعرشی مساله می خوا  
نمای غمناک و زار لی بلبا باه کیم پاکه بر و دکارا  
بها ویم و بیله من لکمدین بولوب لیک می خدمت کور  
لطف عینک برله جو نینک مشغول انما و اقول لاف او اکر  
ای ملک خدمت که زیک غمناک و اعیون قنیل  
صنعه بوندانی اشیتاب برسه شول کچی تا صبح غمناک  
ماله صیغه ایردی علی الهی شینک الهی غمناک  
اما غمناک لکمدی و عذرا بد کیم ای غمناک  
ول سینه و رید لعل که نینک نینک معلوم بولک

۴۴



جلال دانیس وین بولونج بے ادب کیک واقع کون  
کیم بیل لا خدمت کا بوسہ و دم بولون اول کون  
من سنک خدمتک ابولغای من شینج اشیک  
تقہ بیدل ایدل رای خواجہ منکا نیم خدمت  
بولغای مناسرک ولد و رکہ خواجہ منک خدمت  
بولون سین کیم سنی او ز خدمتی او جوں  
بیرتیب دو و خواجہ ملک ایدی ای بیار  
سنک رنک خدمتیم اول و رکہ بوسه  
بار دو قبول قنک شینج ایدل رای  
و جی بولایان برل قبول قنقوم دور ای  
ای بزرگوار سوز اول و رکہ اوزون  
میل کیم منکا دنیا سید ایدل  
وین او ز کدینه مزرند بون و خوا  
لا شکیم بولعاز من سنک خدمتک لا  
قنیم ان شک طهارت سونین بیکور

تینوسه بوسه و دم من خذ ارضایقی او جوں  
قبول قنیم کینج تکر در برابر زما من  
توقف قنیل لا اوزلاری برله اندیش قنیل  
ایردیکیم قولات لار لغه او از کدیم  
عطر سوز انصوبین کول کدول کلتو شینج  
لار انکا اسسه بر مریکا محله و برک  
شعوت ایردینکیم اول هم وقوع غی  
کلاسای بری ملک ما کا ایدی مسرله  
تکلف نه در کار جینج شینج بوند رخ  
اشینج قبول قنیدی و خواجہ ملک فاکال  
عقد نکاح با غلاب قرین ماکوردی مکر  
شینج اول کجه قریه هم قنیشینج قنیل  
و کد و رنج قائم ایردیل ایدل ای لقایان  
و مناجات قنیل ایردیل رکیم با کد بورد  
خند کدولک مبارکیم بیکون بیکون بیکون



زیرا که نفسم مراد چه اینست و مقصودم غنیمت و کونکوم مرادی  
حاصل بولدی به آواز کبیده ای شیخ محمد عطار بطایم حبیب بولدی  
و لکایت عین خطا دور زیرا که فرمان الهی بقول بنیاد  
برده و چسبیده بر روی لیک ایاماک برده در و بر سر است  
نه او چون حبیب بولور چنانچه بویرون و در لار فانی کویا  
لهم من الب مشروفت و در باب لغز لکایت لار غنیمت لکایت  
انچه نفیم بلال و در سب لار کافالون لار دین اکبر و اوجی  
و لور لوب مرزبانی قدر به بی نفیم بر فالتون اما علیق دو  
بنیت برده غل او چون حبیب بولور ای عطار در کاه خداوندی  
حق و یک معلوم و در سب دلیکانیک بر کاسر سیکس که در لکایت  
بر سب دور اما فالتون اما علیق و اچندان شیخ لار بار  
از ظاهر احوال و کیک نفس بولور بر دی دوست لار سب لار  
خود تو را بر دی هوش برده بولور نفیم که بنظر علیه اسلام نیک  
بعضی لاری بوزا یک بوزا و اوج بوزا کن ایست لار بولور  
لار فالتون اما حق نیک فضل لیکه کالات قینو صر دور

مرد اول دور که روزگار حبیب عالمید اما هو الله دین غنیم  
بولور چون حضرت شیخ بوزا لکایت بنیاد بولدی لار دین  
لین قینو لکایت ایلا و لار اوج لوندین لکایت حضرت شیخ  
بنیت کونک لار بکاتانقاری حقیقت بنیت هو اسر لکایت  
لیکایت ایلا غنیمت لاری حقیقت کور و لار نفیم بزنش اوزره  
چند میل لار اوتور و بر بر بکاتانقاری و در کس شیخ محمد عطار نیک  
شندین ایرک کشت بولوب حرف و ما هدا بولور سیر دور  
بر سب سب قلیب مان بولور کاک **در سب** بولور  
سوزیدن نشاء هدا بولدی بر سب اوز لاری کاید لاری  
شیخ محمد هدا نفیم شیخ لار مونیل دین عبارت الیکان و بنیت  
برده به میل شیخ زلین اون کک فرزند کاصیب لاری  
بر کوفی اوتور و ب اید بلار واقع و اکور و بدار نفیم حضرت  
ابراهم خلسر لکایت حاضر بولور کک بلار اید لاری  
شیخ محمد عطار حال نفیم بولور نیک نیکین اما نیک حیات دو  
نیک طریقم کاکیکیل تا نفیم آغیر لوبک لرد و نیک لوشنیل



عبدالکونینک کلبانی فی دنیا وین وجود رختین کوتار شیک  
لازم تور ایل عبدالکونینک خد متی و ابو یوب محافطت مطلقه  
چون شیخ اوزیک کیده یو واقع فی ایلک سبک ایدی حجت  
تیلادی خواجه ملک بن هم اجازت طلب سید می ابراهیم  
جبار رخت برده حجت بر دیل اربزر تو ارا و لوغ علین  
اوزیک همراه ایلاب قوی استمداد برده که یولین تو ایل  
ایم لیل یول بار سید یردی لیم جبار لولوفتی لایه  
یم ای سمان لار با نیکتر لار یم لول خوف ناک ورنر کوا  
ایدیلار کجک خوف ناک ورنر جبار ایدیلار لول اوزوهای  
مید ابولوب ورنیم منقذ فی ایلک مستلا و ورنماد اگه سینه لاری  
ضایع الی شیخ ایدیلار تو کلت علی الله و لار جو بسوی الله  
لغیر ضایع تو کل مستیدم و اوز کادین ایدر شتر سبن  
اوزوم دیل لول لول لول لول لول لول لول لول لول لول  
درها مسکن تو قان برکته شی لار ایدر لول لول لول لول  
براندین کوروب سبن تو مار سید محمد سیدی و سبانی

لازم سید و ملیدلار شیخ ایدیلاری باران غم عیال نکلا رخت  
لعلابارجه غریبه کافا و ورنمده لار کالیم دین ظلم کوی  
سکراک ب حراجه کایدی لار سبانی دین سوکلا ورنه  
دین بانی کومار دیل ایدر سید لول لول لول لول لول لول  
بیتوب شیخ اوزوهای برابریدیا قاجار لول لول لول لول  
هم خدای لعلابنک سبانی برده لولوفتی اوزوهای لول  
انینک دین ایلی برابر اوز ورنمده اول اوزوهای لول  
ناخیر مستلای دینه اوزوهای لول لول لول لول لول لول  
شیخ دین طاهر لولدی لول ایدر دی **سبانی لول**  
لولدی لول لول کونینک کین مکه معظمه کایتی لول لول  
یم حرم نیک جو کرایه بار ایدر دی خانه کونینک اوز کاحضرت  
شیخ قه اسم مستلا لول شیخ سبج متی فی التفات لول  
لار بری سبوریم ای خواجه نه لول لول لول لول لول لول  
حال تنی برده سبانی برابر کلتوردی لول سبن التفات  
میلدیک شیخ ایدیلار آرزوهای مقصودوم و منظور نظیریم لول



نرسد ابروی مقصود وین اوزر کا کا نه او چون التفات  
ایلا بن و ب طوافه مشغول بولند و طوافه خیر کو  
مقام صغی از فاسیده اولتوروی لار و زمانی اوتوب  
ایر و یکم اوزر لار بدین غایب بولدی لار ایر کور و دیار  
حکم مکه معظمه نیکبختی حضرت ابراهیم علیهم السلام قول  
لاری غه سفره آئیب حاضر بولدی لار ایدی **الحمد لله**  
بوسفره فی الغیل کیم خوان خلیل مونیک وین عبارت دور  
حضرت شیخه سفره فی الغیلین کیم حضرت بر دیار  
حکم با غیل وینه البک بل عمر کور کسین و بومرد اکره  
حکاکم خدای تعالی بنده لار کا خوان باریکای کسین  
وینان بر کای کسین حون شیخه حال لار غه کلید بین  
حقیقت لار ایره لور دیاریم اولون نشین لاری خوان  
ابو القاسم خانه تعبیه غایت کور و ب و لار و حضرت شیخه  
نظر مستلک لار اول مان حوز ابو القاسم نظر پادشاه شفا  
بولدی لار و غیب کسین لار وین انت بولدی سول لونی

**حکایت از سلطان کان یکی در شب ماه ربیع الثانی**

اطلس و ف بولن و ب طوافه مشغول بولند و طوافه خیر کو  
مقام صغی از فاسیده اولتوروی لار و زمانی اوتوب  
ایر و یکم اوزر لار بدین غایب بولدی لار ایر کور و دیار  
حکم مکه معظمه نیکبختی حضرت ابراهیم علیهم السلام قول  
لاری غه سفره آئیب حاضر بولدی لار ایدی **الحمد لله**  
بوسفره فی الغیل کیم خوان خلیل مونیک وین عبارت دور  
حضرت شیخه سفره فی الغیلین کیم حضرت بر دیار  
حکم با غیل وینه البک بل عمر کور کسین و بومرد اکره  
حکاکم خدای تعالی بنده لار کا خوان باریکای کسین  
وینان بر کای کسین حون شیخه حال لار غه کلید بین  
حقیقت لار ایره لور دیاریم اولون نشین لاری خوان  
ابو القاسم خانه تعبیه غایت کور و ب و لار و حضرت شیخه  
نظر مستلک لار اول مان حوز ابو القاسم نظر پادشاه شفا  
بولدی لار و غیب کسین لار وین انت بولدی سول لونی



دیار الله لورت آتی دین هو نکر اصبا لوطن ممالایان  
مضوی برد او ز وطن لار و عیسین قلید لار و بعد او  
بنی حید لار اسید اسخ مغزالدین آتق و رویش بار بار  
بسکار کرده و من رفت کا استخفاف و یاقوت هدا صلیب  
ایردی ان خلیفه صلیب و یازت نامه صلیب شاد و عت حضرت  
برد لار او ز لاری وطن لار بعد روان بولک لار عدا و  
لغار نیک عنایتی بر لار بے استیطن لار لیکاتیر لار و برای  
رمضان بحسب مال از وطنی حصار دامت الله لار لاری  
خواه ملک من از قسرا کلید لار خوا به ملک حضرت شیخ  
مجال روز فزون لاری ان فتن بولوب حضرت برد  
عنه شرب لیا و استلیم و ایدی محمد مدغم الحمد که ایدی  
خشت کا آسوده بار غوم دور اول ایردیم اوج آتی  
هو نکر خوا به ملک عالم دین کبر حضرت شیخ قدس  
سپه العزیز فالین مجاہت بر لار تا بولت او ز راجه  
بولدی لار و نماز و تاب جازه سارقا سپیدین

بار دیلار و دمن ابلاب تقیات اوز را اولتور و بایردیلاریم  
سوال فرست لاری کردیلار سوال فیکای لار تور دیلار  
شیخ مبره سید اولتور و بایردیلار ای شیخ مصحت  
نید و ریم وجود استیفیک ربان و در سوال فیکان و  
حضرت بار مو یا یومو حضرت شیخ ایدیلارای مقرران درگاه  
رب العزت فرمانا بر لار محض او شیخ مصحت او چون لیلی  
و بوقدمت کا پیر صلیب سرفانغ فتن مان قلید ان فتن تلیک  
از مر بوب هم بهج جاره بوق دور اول ایردیم فرست  
لار سوال عنہ مسؤل بولدی را او بوجون و او از قلعه کیم  
فرست لار مقرر نیک عطار و کیم سرفانغ اوز را اولتور  
نه او چون اسایش بولما بولون کیم اول سلطان او شیخ  
قون او شیخ مصحت او چون عطار غار زو مستی لار ایردیم  
مذای لقا اخوت لومیدا ان لقیب تبغای سوال فیکای  
بانیکنیر لاریم باره کنه لارین محض عطار او چون جوروم  
و بهشت کا استحق مستلیم اگر چه بولما استحق نیک بولت

71



ابروی او بنزدیکم تیرا بر سر فرشته لار یاندیل راول  
 وقت داجرت شیخ شوق و خوشحال بقی بر له خوا به ملک قری  
 پشیدین تو پتی لار **الحامد من حضرت شیخ قدس سره**  
 یتیش شپس پیل عمر کوردیلار و لو شمر شپس میلین زباد  
 ریاضت مار تادیلار و لیکن ریاضت کس لار وین  
 لور و نراق مقصود لاریغه بی لاری درویش سلکسل درگاه  
 خداوند در اول بسیار تو دریم بار خای لار مقصود لاری  
 تیکای لار چنانچه ایتنی رلار الطراف الی الله بعد و القاب  
الحلال بق لیکن خداوند لعل لار کاهی فی نفس لاری خدا  
 لول لار بار و دریم هر شپس لول بر له باروی و منزلگاه  
 مچ اگر خواجسته سبب حوازه لاسایح و ریاضت  
 درگاه پس و بر تقدیر لولیم مقبول کویافت  
 بر له این مقام لولای دور اگر ریاضت مقبول  
 اندک لولیم مقصود حصولی غه و مطوب و طوی  
 سبب و رجب کج غنیمتی عالمه اچره ریاضت

نامه و بعد و پنج نوروی و فائیدین سوکرا حجتخانه و لعلای  
 اول غیر نزدین تحفه طلب سیدی ابریه بدی پاک پروردگار  
 درگاه کج غنیمت موندغ تحفه لار کیتور دوم ندالیدیم نه مقبول  
 دورینه نه سر کیتور و ونک ل غیر نزدیای کرم با کرم  
 محروم کج غنیمت لاریغ اوشو ویردیم عرض ملکیم نه ندالیدیم  
 این همه نام مقبول غل بر له قاید ابار غنیمت و رایدی ای باد  
 عادل بار و بریم و لور و جایم و ونغ نینک مقصود لول  
 مقبول جان داینه ندالیدیم ای بندم اور لوتک بهشت و  
 دور زیر که بر کونی لول بر له بار و ریدینک لول اوزرا  
 تکان تشو باروی خصائینک و بی بر له لولاریب کناره کا  
 ناسل و نیک کیم مسلمانان نینک یا غنی خدا لول کای که موسی ریح  
 ابارات حدوث دیر لار لولایس بار خای لولین درگاه  
 مقبول کوشته اوشو سببین سنر تجور دوم و بهشت کاه  
 ایلایم و لول لالت مستور مونکاکیم از لول حجتخانه و لعل  
 نینک فائید اکین **الحامد من حضرت شیخ قدس سره** الیز نینک کج



ریاضتی کم ابردی و لیکن کرم خوانشی بادشاه با کرم نه  
لاریدین درین تو عادی وجود سخاوت قلبی بر دیم  
هر کونی که راتبه دین اوزکا بکرم ملک میانی رفیق لایق  
صدقه برور ابردی وینه معلوم بولعای کم بزرگوار نینک  
خون کرم لارید ابر کونه اکیست دین کم کشت طعم یاس  
ایردی لار و تبلیغ راتبه لاری اوسکیو ابردی وینه  
اوزکا هیچ ریاضت لاری یوق ابردی با وجود راتبه  
کم یک برله اولن اکیست زنده لاریدین بولک لورت  
بوز نشین تربیت قلبی مقصودی آغه تکیوردی لارا اوزلا  
حضرت ابراهیم علیه السلام نینک و مع مظهر لاریدین تربیت  
تا جی لار و هم اول حضرت نینک قلب لارید ابردی لار  
اول سبب حضرت بزرگوار حوآن کشتایق برله مشهور  
ایردی بر کونی اولتور و رایدی لار کم آسمان و زمین  
فرست لاری طبق لار و توتو شفا رب صف و صف  
**حضرت شیخ** حرم لاری جو کراسی و حاضر بولبلار

چون مونی کور و بل و زلاری کاردی لاری عطا غالب  
او که نزع حالی لقیق کلبی نیم این هم فرشته لارید  
لار اوسکیو انا و حضرت شیخ نینک قولایق اوز کلبی کم ای  
خمس عطار سه نینک خاطر نینک کلبی یک یک یاس دور بله  
اولی کونیم اولیاد و نینک علی مرتبه سکا و عده قلبی  
انقلاب بق مرتبه سیر در لار سکا بولل دور اینه مرتبه  
لار مبارک با لوق و کلبی راجون بومزده شیخ نینک  
بتر ابر سه خوشحال بولدی لارینه اوزلاری کلبی لارید  
ای محمد عطار خوشحال لوق خلایق یاس دور بله لاری خلایق  
دور کم این هم عزیز لویک لار و نینک کونبار لار جو کلبی با  
دور که لومار کای سبب ویب ندای لار آغه ناله مستدل  
با کاه پروردگار امان بنده ضعیف و مرزا و لویوک کونبار  
طایفم یوق دور عتبات ارباب لطف عظیم برله بومزده سبب  
اوت کار قیل بنه اوز کلبی کم ای محمد عطار سبب ناله مستدل  
واشیک ناله پروردگار نینک قولی نیم این لاری برله



جلوسید و در اول ایرد یلم قطب لاقطاب لبسین لیبو  
هر چند در مستبد لار شیخ قبول قلم اول حشر ایدل لار  
موندان دولت نام قبول قلم لبسین کم شک دین برکا  
میت لوب کس حضرت شیخ ایدل لار اول حبت دین قبول قلم  
منع کنه کار کوده دور مزبور بونده کنه کار او سبود دولت کا  
چوک سزاوار دور حشر قطب لیب لبسین کلبور وب  
لره برله لید و ر و ب حضرت لار ایدل لار فاکه متقدده او قوب حشر  
با و متقد لار بزرگوار قطب لیب نامند اینه پس بوز کرسنا  
مرید الیب تربیت مستبد لار بریل یه اول انی قطب لری  
لار بر لونا انسان و شتر و نماز عه مشغول ایردی کور  
ویل که صحرای شمال ایران لار بزرگوار ننگ جو لار لار  
مکت نامرتب قول با غلاب لور و ب و لار بعضه لاری سچ  
دور لار چون **حضرت شیخ لار** لور و ب لار ایرد نماز  
تلم ایلاک کاستاب قلیب فایغ لوبد لار و ایدل لاری  
یاران غالب لار لار تقال فرده لبسین لستور کان سب لار

اولار ایدی لار لاری سب و سبت ایدل لار و شیخ خوجا  
بولوب ایدی لار لار حشر قلم استیاف و غلط لیب حد دین  
اولوب ایردی امار نامانی توقف غه یول بار مویا لوب قور لار  
هر نه مصلحت دو و فکینل اول ایرد یلم شیخ فرزند لاری حشر  
ابوالعاسم نام ضریلا دیلار و ایدل لاری فرزند درویش لار  
حقیر غیل حوایه ابوالعاسم نام سفاری حبیب ویش لار کا صبر  
بردی لار فرجال درویش لار مستبد لار ایرد لور دی لار  
شیخ خوجا لار اولور و ب و لار لار ایدل لاری بزرگوار کرسنا  
لیق فرده سب و سبت خوجا لار سب شیخ ایدل لاری درویش  
لار ایدل لاری بزرگوار و واقع بولدی **واقع اول دور که**  
اول قمر مشایخ لار لار و ایدل لاری حشر شیخ لار ذرات  
لار صفت در صفت لور و ب و لار لار کمان زمین فرسته  
لاری قنات قنات خد سو قوب قنات سوتا جوم و میر جو لار  
سبید اسیر و اور لار کمان میلاد و درم که روح علوی  
سه بایزین عالمنا هو تیدین عالمنا هو تیفه ترقه برور

ایدیلار







توروی بر سر مور و یک ای بزرگوار شلوع اسید او عا  
وندز کار زیارت مبرک کا و دق ابادان توروب بوقد  
خیا ربیلماف نه بدین ایرودی اسخ ابدی لاری اور و  
از نیک و چون ایردی که حضرت سلمان پیغمبر مسواة الله  
علیه و سلام روح لون اول پر و احصیانه و لغا نه عبادت  
مسکد لا راول موضع اول حضرت قدم لاری بر لبیدن  
له مفتی برسم تبنا و تبرک اول بر نه اخیا رسیدیم که کج  
لکای مرد و نارخ نه الله بوز بکره پس ایرودی بسع الا  
اتی ده دو سینه کون بر و به پنت بوداق فر فار داق  
بولدی و امد اسم بالصواب **در حدیث حضرت علی**  
را که حضرت سخی قدس مکر و به لغیر نروقات لاری کون  
فرزند عزیز لاری خوا به ابو القاسم بزرگوار الیک مای  
دا ایرودی لاری لاری بزرگوار اما لاری نظری  
بر له طواف کونا کا نه تیر و صیت طریقه سیر له اما لاری  
تقدیق فکما فان لا راول بزرگوار نه تقدیر و مستبد

زیر که ولایت لاری قوت اما لاری دین زیا ده ایرودی و  
گرامت لاری جمله دین بری اول ایرودیم اول سل حضرت  
شیخ عالم دین وجود خیا ن کون لاری بر سر خط بولدی  
اندکیم سلمان لاری بر نیک قانینه تشنه و کوشش غم که سینه  
بولدی لاری و نهایت بی طاقت لبیدن بزرگوار نیک لاری  
لیس نه مای و لغه نیک استیانت تل و لاری خوا به قول مجید  
قول کوناریب عاصی لاری بون حاجات نه اقلید لاری که  
بادی ها که نیک خول عالم دور و نه لاری نیک کنایه  
یوماق نه نیک معیور بدین قطره تا و دور و بوضیف  
لاری نیک حاجت دین جفا عیش و رزق لاری شکایت  
بیم مقصود لاری اول و روح نه نیک اول و حقیق  
فلیمان و عا سبن قبول فلیل بومده ضعیف و اعتقاد  
باغلاب نقیای صلیقای لاری اما اول لاری عیا و نیک نه دلالت  
صلیقای مرد اول ایردی که خوا به نیک قول نه غم او از کلیل  
ای ابو القاسم بر بلند بر کا حقیق و نیک لاری نیک نیک

۲۰۰



مقیل و پروردگار منک قدرین شده مقیبل چون خواهم  
موی استیست او گزده او زرا اچیتب یک نیکلارین سیتول  
مقدلار بر سر هر یک نیکلارین بعدای قویو لو شخ الی بی  
ساعت امشب بود اول وقت داخل اولی حضرت برد  
چیم مسلمان لاریتیا جیکلار غه باقیب انک لار چون کشته  
لاریتیلدیلار و قانجه لک بعد ایدین کوتار دیلار و قاجا  
لار غه کوشه زدی لار ایدین سونکر ایدیلار امیر احیات  
قالا در مقیبل قاجا دن عاقل لید و اول وقت ده خیر  
خوا به قدس العزیز مبارک نیکلارین بریر کا قاقه لار من  
الحال تو خد و چون خلایت بو کرامت غه توروب جهان  
رینر مستیلدیلار چیم فر فارده بر سر اوست بنه قالادی  
سول کونه حضرت خوا به خد خوانا لوم ات قویدی لار و یکرم  
سیر فرخا در شیخ لیت میلدیلار ایدین کن مک طوافین  
دغه خد سبیل اولدی لار بر سر رویش لار دین بر ایدی  
ای بز کوار بار باق نالازم دور که کعبه و میدان عبارت

دور که خدای عالم نیک بنده لار دین بر بنده عبارت مقیبل  
دور اچ اولادی حقیر ایدی بجا کیلتور و و کینر بنه بارما  
غده مصلحت دور اتر موندلر بویانک مومن لار کونلک او بی  
چیم خدای غزه چیتیک غرنه دورا نینک اغیر نینک سچ نون  
منعیر لوت دورا ن طواف قیتیک بهرات بو کامویم سچ  
جل بسلا نینک ضایق مومن لار غیک کونلک کاهه داشت  
برماک برله دور حضرت خوا به ایدیلار ای درویش رایت  
ایا سبیل و لیکن اولکان اولیا لار بو توروب مقیبل  
دور لار غرنیز لار متا بعین مقیبل و درویش لیک اطرقت  
شرط کورانا دور درویش کالانم دور که اوز کالار شبعی اوج  
نفل طوف میکنده و لوت قوت فرض غه ادا عیادت بو بنده کور  
فرض و درویش بدست تلکان اولیا لار متا بعین سسم ط  
سینا لار بنه فقیر لار حاضر اولیا لار من در وقت بعین دین کج  
به ایت ایز و اکونیر دور اول یر و یک شک شلو سفده  
مواقت جلیک کور کوزوب همراه کتر لار کور خدای کما

۱۰۷



منتهی بمانی برله حضرت **عبدالله بن عباس** **رضی الله عنهما** منتهی کردند  
 لاریدن جوش جانور لاریدن یوزن طاهر بولوب لیلیدی  
 لاریسید هر مندرله ادروشی لاریطعمه بولوب لاری ادر لکونیکم حجاب  
 قافله سنگا قوشولدی لارینگ کیک طاهر بولوب اهل قافله منتهی  
 منتهی ایردی **حضرت امام علی بن ابی طالب** **رضی الله عنه** لاری  
 قافله کالقمه منتهی لاری دروشی لارینگ هر کونوسک رابط  
 بی بولدی چون اهل قافله بکرهت نه خوابه دین منتهی  
 این اول منتهی منتهی لاری اصل خوابه منتهی  
 منتهی لاری منتهی طوافینغه شغول بولدی لاری دروشی  
 قافله بارماق نه لازم دیب حضرت منتهی غنای طایق منتهی  
 حبیب ایردی اول وقت و اخذ از قصر قوییدی وایدی ای  
 بزرگوار سلیمان ورمیرکم بزرگوار منتهی کله کابارماق  
 واصلحت لاری لاریکان طوافینغه قافله بولغاندین  
 بولغان حضرت خوابه کوشه غایب لاری دروشی  
 اول تور و بایر لاری منتهی منتهی بولوب منتهی احوال قوی

روان بولدی لاری بر سه منتهی کورولار کیم منتهی ارون منتهی  
 اولیا بیک ریدین قافله در لاری کیم کیم و افریوق اول  
 لاری خوابه غایب لاری ایمان ایدیلر کیک با بولغان حجاب  
 خبر سنگا کیم منتهی زمانه اوج کیم منتهی منتهی بولغان  
 ایردیم بولوبت سنگا منتهی اهل قافله منتهی بولوبت  
 خوابه ایدی لاری سلیمان صاحب لیت منتهی منتهی نوشته  
 ایلین منتهی لاری منتهی منتهی منتهی منتهی نوشته  
 منتهی و اربولغیل خوابه ایدیلر منتهی منتهی خرابی کایه  
 ای اهل قافله منتهی منتهی منتهی منتهی منتهی  
 منتهی منتهی لاری خوابه ایدیلر لاری درگاه اهل قافله لاری  
 منتهی منتهی کایه منتهی اهل قافله منتهی منتهی  
 لامای دومه لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 منتهی خوابه ایدیلر لاری منتهی منتهی منتهی  
 خوابه لاری لاری منتهی منتهی منتهی منتهی  
 لاید و منتهی اولک منتهی منتهی منتهی منتهی

منتهی



لارلار بو منصفی نصیب کوردلار و منم غرور از خواه لار منم  
ایم خدای تعالی زباده را که بر منس قیامیم چون منس  
لار منم اند بو ایک سو زون نجیب قالدی لار و بر لار  
کایدلاری یاران و رکاهه نیازی و از و ر لوت برله  
ایرکس دورلنا و زختیار عشق تو کونکتر لار ادرین بنه  
بر لاری ایدلار بو قایدین معلوم و ورکه قلبی بو نوسحال  
عالم دین ایلکای لار کاهرا انداغ و ورکه اولون بیل و کرمه  
بیل بو منصفی حیات بو لار بزرگوار ایدلاری میز لار  
و لوق بو لاد و ورکه منم کم و ور لوت نینک منم و ور  
خواه منم خفت بر دی لار و فواید طواف دین تمام فایغ  
بولد لار ایرسه فواید لاری خه اواز تلیدیم ای الواق  
چون که غرور از خواه لار نیک یوز یکم میل غرور امت مستلیم  
و خواه منم بو خروده دین خوشحال لیت و دست بر دی و شوق  
هدا بولدی ایرسه شوق خوشحال لیتدین اولون بیل کعبه  
عبادت لیتدین خیا و قلب بو بیل بولدی لار و خا و ر لیتدین

بقیاس شینجه و پاید لار لور دیر اولون برنجی میلست منم کوه  
کاسر منم کاردینه اولون بیل **منم کاردینه اولون بیل**  
**منم کاردینه اولون بیل** ایردی لار اندین کین با منیم  
تیرلار و شینجه قیامی کبیر کاشم و اصل از مت منم لار نیم قلب  
زمان ایردی لار و شینجه الواق منم ایر قیدین کور و منیم  
قیلیب بیلاری الواق منم جو و کلیدیل حضرت فواید الواق  
حضرت شینجه نیک بو سوزینا شینجه شوق بو لوب و ور  
ایم و ر ایه جری بار دی لار و خیا و ر منم بیلد لار کم خج  
لید که بو مذاع سخنه جهود لوت صفت برله با و منیم خالا  
لیقدین جری بار و و فواید منم اولون نینک کونک منم خط  
معلوم بولدی ایرسه بو لوب بیلاری کول لار منم او چون  
خوشحال بولماین کم بیل لار بو مطالعه و ایریم بیلکای و ر  
بیل منم نینک قلب ایرد و منم او بیل منم سخنه الدین  
ایلیک اول ایردییم خوشحال بو لوب جری بار و و ک بولنده  
منیم **منیم کاردینه اولون بیل** قلب ایرد



ایکان اول زمان اسیر مجلسم تویتلا کیم حیا  
 لیتق پسچا او شو ایکان اندین سوچر سیندین حقیقت  
 تیلار لاری سیخ ایدیلار زمانی قوضا عین لم سندن  
 هولیم بار دور تا جواب بر تل خوابه ایدیلار سوشل سیخ  
 ایدیلار باعث نه ایدیلار اول کول که مینا واقطبل سوت  
 حربه سندن عرض ملیدیلار قبول قیما و نک خوابه ایدیلار اری  
 سرم تو کوم که سنیک شریف و مود و نک او شو منقلب زرا  
 بولیم سمنک کمال مالک افان لیت دور چون شخ  
 بولیم سوشل قیلدیلار سحر لاری افاقه او قوب  
 رخصت بردی لار خوابه سنیک ملازمت لار دین حقیقت  
 لار و مدت مدید بوللا اقلادی لار تا فرخارنه قیبینه  
 فرخار و او تو زبشیل فرخار و ایدیلار بکرم سیش  
 او خول دن اکی غایزه تا بچی لار بولیم مجموع دین اکی  
 او خول اوج عاجزه بزرگوار نیک حیات لیت لاری اولاد  
 مرتبه سیکانی لار بر کونا اولتور و ایدیلار کیم قولات لاری

پسچی

اور کیلدیکیم ای البوالقاسم سیکیل که غرو نک خوی خه یادق تیب  
 دور ایدیلار سیکامه چن طرفیکار سفر قیما کراک نیم نفر غینک  
 سونداد و حضرت خوابه قبول لونی به تا فرو به توقف اولن  
 اکت دروش برله مایلین سفرین خیار مستدلار و ملان  
 الدین اطلع بر او غلاندین هم همراه ایلادیلار هم علم  
 طایر ادرست تمام لاری بر ایدیلار کیم هم سحر و مناظره دیک  
 قادر ایدیلار او شو جهت دین طالب علم لیت وقت ا  
 غوغایی ویر ایدیلار تحصیل لاری هم غوغایی ایدیلار تحصیل  
 انشا سیکامه چن کور و بقیع قتلور ایدیلار بنا کاه فیه  
 تله لاری تحصیل دین قالدیلار بولیم سحر و انا لاری خه خه  
 بوللا لار اتفاقا بول لار کویستان طرفیکار تو شتیر ارس  
 حسن لغزانه تیر ویر کیمه نه بیدار اولمکار و لار سول نهجه  
 ایت رت بولدیکیم ای البوالقاسم خوش کینه کنیز و قد منکیز  
 مبارک بولیم سون نیم فلان بر دابر اغرنه بار و در صحت  
 ناچانه سمنک مبارک قد منکیز تیا کاکامه موقوف دور

102



چون بود واقع فیه کور و یلا علی الصباح روان بولد لار  
و بر سوسک سبب مانی توختل دیلا رطبای ایدری خواجه  
زمانه توقف خ لول بر مویم و لکش روح فزاکو شایگان  
طعام بوسه این تا و رسول لار طبع دغین قلیخ لار این  
روان بول لک خواجه بول ملید لار اول ایردیم خیمه دفه  
تیشلار خواجه اولی قوت مشغول بولد و روش لار طبع  
مشغول بولد لار **فصل ششم** توختل لار  
تور دیلا رقیم مریط طاهر بولدی و ایدی ای خواجه سبب نیک  
او چون بو او ماخذ اندک فانت قویوب ایردیم اما فک  
له سبب کاتلق و در خواجه مضطرب برله اولیغاندیلار و دروش  
لار نه خجفت و نیم ای دروش لار جمع بولونکین لار بولوغ  
مره معلوم بولد و روش لار نیک بل کتم لاری باربرد  
هر طرفین رخنه مستبد لار ایردیم بر کوشه و اولن پیمان  
فانش ای تاجی لار و روش لار نیک کفانه خه حرف تیل  
مشول کونی حضرت خواجه اول نسرل فاش او ماغ انا دیلا

**الفصل** مشول کونی بولد ایرد لار تا تکلا فیه خلیق ایدی  
کایم لار تور دیلا رکه خلیق قوی حال سوار و در حضرت  
خواجه بولاقا سبب او غلان لاری لار سبب فخر الدین خه حواله  
ملید لار رقیم ای فرزند بو خلیق جیتدافا فچه او قوی سبب  
اول ایردیم لار فخر الدین فچه او مبتدلا خواجه این دیلا  
و من الجال نیه بل بولغان خلیق او رنیدین قوتی فیه  
مقامید بولد اتفاقا اول نشه ساریر و یکم و لایین اوزی  
پیکس ایردی و من لایح اما اوزین قلندر لیک صور تیدا  
تو مار ایردی صراف دین ایردی هنوز منک با کتوب  
پاستام و پاک ایردی ملا نیک سوزنی نیک بر ایردیم  
فچه لاری در و یکاد و بولدی و بر ایرد و بولوق  
دین مولانا خن لیدین فیه و ایدست انا دیلا و الا  
ات لاری ملا خن لیدین و تخلص لاری غوغایی ایردی  
و غوغا مجنه کومدین کین غوغایی این غوغایی خه نهال  
ایلا ب ملا خن الدین غوغایی ایرد و بد لار حسن مونتک



براست سرت تا بتی لار الوهت حضرت خواست لار الوهت  
 اوج کون اندا ایردی لار لور تو بهی کون و فایست لار  
 و قال ریدین بونکر اوغل لاری تو سید لور و یکم  
 ابدی ای پدر بزرگوار من غریب لیق داپنوا قیلد نکیر  
 غرت یو کین تارفاق خط طایم یوق دور ما براق  
 هم اوز و نکیر کا و اس قلیک اول ایردی کم فرق کوندا  
 لنین من خسته الدین عالم دین رخت کومار دی اریه  
 شول منر لالما لاری یابند او من مستبد لار و شول  
 لار نه فرق کون تفات لاری ماسید ایردی اریه  
 حضرت ابوالقاسم نا تو شلارید لار لار ایردی لار و اریه  
 لارین سور دلا روضا اید او ذوال لارین بیان  
 قیلد لار اندین کین اید لاری و و سول را عید سول  
 رخت دور نه برن طایر یک لار تار شنه شوندا الوطاف  
 لار اول ایردی کم هر لار رخت بر لار بعضی لاری اوز و  
 لار لجا یاند لار بعضی لاری هر لاری است نه سید

مجادر لیق فی اختیار سید لار و الله اسلم الله و محمد بن  
 شیخ مسعود بن یوسف کما فی کتابه و فی کتابه  
 غفرنا و بان مع عالم برت فی شیخ عالم و هر کذیده نسل ام  
 عشر شیخ سمعان سمنه قدس قدس سهره احوال لاری  
 ذکر دیردی ایردی قدر منست لار لال منع نشان  
 و بلند مرتبه عالم طاهر و همه بادشاه لار نیک ملک است و اریه  
 مشورت و مصلحت او چون احتیاج لاری مایه ایردی اریه  
 بستره بیکر لیک قوی فراست لیک بلند او را ک حافظ قران  
 ایردی کم هر کچه قران نا فتح مکتور ایردی و قوا عدست ان  
 بخش ضابطه مایه ایردی اول بزرگوار نیک و ضیفه اول ایردی کم  
 برو قمر که قران نا تمام قبله ختم رسول بویور ایردی نیم خندان  
 حاجت فوت ما منقه سلمان لار عذ بو ختم دین فیض مایه ایردی  
 اما اول حاله انداغ ضابطه بادشاه شب ایردی کم اول اجاه  
 برمای هیچ کمره نیک بک کرد یک مکتاف نه مایه ایردی  
 یوق ایردی و سده انداغ ضبط و سه انجام مسطور ایردی کم

109



اگر باز از بوزید اش بر پس گوشه ای بسیدین او  
نیز تصرف بملای اول پس تو را برودی و بوضع  
دین به منایت مال جمع میدی و مدتی موندنک بر نهج  
و ضبط هر انجام دین بادستاه خضریتیم فلان عیشینک  
چنان ضبط ما بریم شد آنکه شب کاغذ یا لای دور چه  
حای این که بر و پروکا تقدی بملای بادستاه ابدی  
موندنک غریب بولینک ملازمیند ابولما قرین و بول  
اول بر و بول بادستاه عیشینک در چهار باب ز خدی  
کاغذین چون بادستاه در نیک خراست لیک کشایدی بر  
نیک عالیند نظریادی کوردیم عجب حکمت من است لیک نیک  
مردی در تربیت مقامید ابودی و ملوفه علانینک  
چون راز این دی مصلحت به باره رسم کا مقدم بیلدین  
نیک ایجه این عمل قبله نول و لیک نیک بولور برودی قادی  
اول بر و بول بر سمان نیک بادستاه حاجتی بولینک  
بادستاه غریب بولور بول حاجت دین چهار دور برودی او

حبت دین ملا یق حنبر بر و عایشه مشغول برودی لاری  
بر کوفه بادستاه نیک ملازمت کا بار و برودی قولا قیت  
نیک ای سمان تا کما سلطان ملازمتی دایور و سب  
یکبار آسمان زمین بادستاه در کا هر کیدکای سب  
تا دوسه لاری زمره سیدین و فرشته لاری سیدین  
و قتل بولند قولا قیت نیک ای سمان بولور و قتل  
نیک ای سمان بولور و قتل نیک ای سمان بولور  
نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک  
لاری نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک  
و جبار و بولینک نیک نیک نیک نیک نیک نیک  
لاری نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک  
دورای سمان اشکاف قاف کراک دولت انکیزی  
بولعای اول الشک ابولنولوت ایرکاس نیک نیک  
دی بولینک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک  
بولینک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک

سین



محل ساعت قرا تیر فخر لار نه جودادی بوبردیم اولوینه  
تاریخ میل لکتر لار و شکا بولادی ن فلاح لیس بر نیکتر لار  
طرفه العین بحسب انداخ عارت ایلادی لار کیم کتله لور  
دین و جها غار دین بولک سچ نرسه قالمادی و بولوداق  
دین بادت هغه ضربتیر ایرسه نیک لار دین بر نیک ایرسه  
سمعان نه کلتور نیل ندیم باریب بوجال برله کور و سچ  
ایدی باریل که من بعد نیک بادت شک برله سچ علام قالم  
والفیل منی اوز جها سیمه قومیهون و ندیم کلیب ایرسه بادی  
شایسته بر ایچ ایردی و انلکیم اوسوبوز نه وید خیر  
الام بادت ه اوز کس سید ایرسه کور دیم بزرگوار غلور  
حال واقع بولوب دور و بولاک عام داد و راود کا بر دین  
هوز لایدور بادت غل غل ایردی ایدی ای باران  
بهذا قریه تو کیم کو کشتنه اوز جالینه قوبالیک تا فذای نیک  
نیک رکاید کن کار بولالک اول ایردیم بادت ه آندین  
جفتیب و ز اوی کا بار دی و بادت هغه سچ کتیر عد بولدی

اوز بکا ایس غل نیک بادت ه فاسطنت کا و بقیه منز لکا  
فریفته و مغرور سپن و کوسپین چو جانک قریتر من بر دین  
تثوب سپن من لب ل دور که جالا اوسوبو بادت ه نیک  
بارجه غربه کا قادی سپن لراک کیم خست بادت ه لیتن قول غه  
کیتور کای سپن اول زمان سچ نیک بادت ه لکا بولدی  
نه واقع بولوب دور **الکسیر** بر بفته جالا برله ایردی  
نه اوز کادین ضرور بولادی و بر بفته دین بولک اوزی  
نیک ایرسه کور دیم بولادی ده بر کتله لور یا و بر جها غار دین  
بولاک سچ غل نه قالمای و بر نیک سجده کا قوتیر ایدی بولدی  
نیم این همه خیر لیک نه کور و ندیم البی رلار امید دور که  
بولوبت به تعلیق و غل غل غل غل غل غل غل غل غل غل غل غل  
ولغا نیک عبادتیز اولنوع قیا کور کوز و لار کیم بکره  
بیش یل نه کچه ارام آلدی و نه کوز و زهش کوردی  
ولیکن بولودت و ادر ویش بیک واقع لار دین سچ غل  
معلوم بولادی با وجود او که مسایخ لار استیب و رلار



هر کیم مرق کون بار بار یافت تارک الکاشف متوجه حاصل  
 بولور اما بزرگوار غنای او به مرتبه هم بسطی کیم در ویش  
 لیت مرتبه مقامات لاری نیک افکند و غنای دور بر کچ ضلوع  
 آنچه کردی خدای تعالی بیا ناله و زاری مستبدیم  
 خداوند ابراهیم سوز برده منی اشفت و حیران مکنیک سیر کرد  
 یلادینک مژداجوک تقصیر تجریم منقض شکک بالکلیه بکلا  
 او به سوز و ایرد کیم قولای غنای او از کیدلای سیمان  
 یتره پیش سل خوان لار ار اید ایرد بکد عوام غذا دین  
 لوقت و بوسه تنک هر بولای نه بکره پیش سل انیک کذا  
 شید بولاق کرکات اثری تمام زایل بولاق اولاق  
 سبک و عده لار و در کیم حاصل بولفوسه و در چون بولفوسه  
 اشینب خنحال بولای بکره پیش سل مونیکن برله تجر اندین  
 لین بر لجه ضلوت محله ایرد کیم اون بر نشی کردی لار  
 اولوقت بزرگوار قیو بقیسم و تواضع مبدی و اوی لوی  
 اولور غوزدی و اوزی اشیک نیند ایرتوت و زمانه

باشقی سالیب لوروی لار اندین کین در ویش لار دین  
 هر کیم همکام مقدم ایردی پیش کومار دی و ایدی ای سیمان پور  
 مای سین که سزلار نه کشود و مینرو قایدن کیلو مینرو این  
 لیب و مینر بزرگوار او را قوبلاید یلاری غیر نزلان فیتنه  
 نه مد بولفایک بولسم فلیق غنای و لیتن هید و اید و و و و  
 لطف عیم برله بوفیتنه سرافراز فلیق لار اول لسی ایدی  
 ای سیمان بپنر اون برتن بارجه مینر سبک دوات ترو  
 مینر بغیر سبک صاحبیک در مینر کیم حق جسته نه و لعلی خیرت  
**لوح علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام** اوز تر متید اتوماد و و و و  
 ضلوع فلیقان کونین بری لوح بنی علیه السلام تر متیدین  
 عالا ایر مایس دور مینر اما سبک عتیک بولفوقیدین و حوادین  
 مانع لارین سبک نمودار بولاق دور بولکون نیم منس کلین  
 تنینک غنای اشکده سید اکوید و روب و صافی و پیش  
 فیلد نیک کبفت جسته و بجاست بدنه دین یراق بولوا  
 تنینک پاک یلادینک آینه صفت کونکونک سق صفت برله

۲۳۱



روستا بولوب جنت نا بولدی ایرسم امر بولدی کم ای ذوات  
اوز جیا نینگ لایحه نمودار اولونک لار اوچو دور کیم الیک غه  
کیدی ونگ اقف بولغیس که تا نکلانچه یازا محمد تشیف کیتو  
لار دوش کونکونکات حاج تو قیقل و هرین بولماین کم اولار  
سیاست لیک دور لار و لیتن قدم لاری تیغاس فایده لار  
سپنک حاصل بولغوسی دور زیراکه اولار اولونو ایران لار و  
هر نه خواه لایحه شول بولادور دینا بولدی لار بزرگوار لار  
الحمد لله که مر عاصی خدایت همه حرب بارالیک و انکام تو بلور کم  
یچه بونته اول ایردکم یچه بولدی ایرسم بزرگوار سوره سن  
ختم غن مشول بولوبون بر مرتبه ختم صلیه لار و ثواب نیشوده  
همه کد پیشلادی زمانی اولتور و بایر دیر کم حاضر بولدی  
ولطف برله ایری لار کم ای سجعان قور قما غن کم ذوات  
معهوده پندور سن اولان نینگ او سببوز لار بزرگوار  
دین قور قونجه پست بولدی زمانه اولتور عا نین بونکرا  
عزل ر شول کونارینا کت او قیدی لار و زک لاری پین

ویدیلار بزرگوار کم اورا قلوب تور و باین دینا نین کین  
اولار دین بر سیدی ای سجعان دینا خست و منزل مقامیک  
مهور و مزین بولغای همه لاری ایتن دین بزرگوار نینگ  
یوز یلکام مستلایل رانین چتیب کتر لار ایرسم شول یچه بزرگوار  
اول بر مرتبه عرش شغ غن قول لارین ایردیلار کم اولان لار  
نینک نمایتی دور و بود دولت نیم حضرت شیخ فقه مب بولدی  
ایرسم شول یچه پادشاه غن او شوق معلوم بولدی  
حضرت شیخ نینگ من ز میت لاری کاکیلک کم دین حضرت  
شیخ خوشحال اولتور و پین لار پادشاه انشیکدین کرایی  
ایسلام علیک یا باقی مال عرش شیخ ایدیل علیک اسلام  
پادشاه فرشت پهلونک کم من بولچه عرش کاکیتب ایردیم  
پادشاه ایدی ای سجعان پین عرش برله ایرد نینگ عرش  
نیشک برله ایردی اول حمت دین موند غن دیر من شیخ  
قالیب اوز لاری برله اندیه قالیب برلار کور کاکیلک  
عمل لغ و عمل سهر مکر کین دورا و از کیلدیم ای سجعان



رحمت بسترید ایدار یون فلیقان قمر القلعه او بسترید  
 پنجو ابلیق فلیقان بدین بهرات دو چو کما شیخ مونی شنب  
 ربنا ظلمنا ویدیلار روزمانی بادشاه برله صحبت توتلار  
 نانا فانیق توتیلر برله تامل مستبدلار اولر زمان باد  
 شاه ایله ای شیخ ایدلر وقت بولدیم شیخلیق بسترید  
 اولور قلم بیل و قدا لعلانده لارین دعوت فلیقانی بیل  
 شیخ ایدلار ای بادشاه به حضرت نجوک بولور و قمر که  
 ایشارت بولور توقف یون دور کول شیخ واقعه دام معلوم  
 بولدی که مرید الماق کراکد لکن **حضرت شیخ خضر علییه السلام**  
 نیک فایده سیکاموقوف تر و اول ایرودی کیم شیخ اول  
 دیک کون توقف مستبدلار تا اول وقت دا و عده معیار  
 غیر بر سر اول او چو پنج کون نیم جاشت ایردی که حضرت خوا  
 خضر علییه السلام حاضر بولدی لار و ایدلار ای سیمیان  
 مرید ایست بر بیت مستحاق شیخ ایدلر شیخ مانع بود  
 حضرت شیخ ایدلار ای بزرگوار حضرت کا و فتح فایده

سیکاموقوف دور حضرت خوا خضر علییه السلام فایده  
 او فوت حضرت بر دایار اولر زمان شیخ یون فلیقانی لور دی  
 لار اول بادشاه لولدی بدین امر او وزیر لار بدین کین  
 اولر کما شیخ یون فلیقانی پیش منی کشمندان و شیخ سمعان  
 مرید بولدی لار و پیش یک سیمیان و شیخ ایرودی لار و بار  
 دین پنج و منیک مرتبه سیکام بولوب قوی کرامت شیخ  
 بولدی و ولایتی و مالیتی زمانه اسلام دین شیخ شایه  
 یون ایرودی و نام مشرعی پیش لار دین اثری ظاهر بولدی  
 ایرودی زیر که ولایت لور زی برله تمام ولایت به هر کون  
 روح مرتبه تیرنا فلیقان به دستور ایرودی هر کیم فلیق  
 بولیدین بر قدم تا تقاری قویله لکاتینه مستبدلار و  
 و هر کیم بادشاه شیخ فایده لار ایرودی شیخ ایدلار  
 ای بادشاه ملک شک فایده یکبار مستبدلار سیکام فلیقانی که نه  
 دور بادشاه ایدلار شیخ هر کیم بر فوت سیکام فلیقانی  
 و فلیق فلیق و مرید شیخ ایدلار بوزمان هم یکبار نظر

او کما بر دایار و فلیقانی بر دایار و فلیقانی بر دایار



ساعات کراک اول ایردکم بادست و پاشین مراقبه کاسیاد  
لایر و کم کلخن و ابرایر برله بر صاحب جمال خاتون منقذ  
کلتور و پت و رلار بادست بانک میت اوروی یاغادی لای  
دوم باره منع مستبدیل راولیش لار دین منع بولمادی  
و دغریس لار دین زیاد و راک سیدی او جو پنج مراتب  
منع ایادی ممنوع بولمادی لار دغنی بسی لارین زیاده  
راک میلدی حسنیه و شاه غضب بولوب قتر برله هر ایلکونه  
کلخن و اوروی ابریه کولوب کول بولدی لار اندین  
لین او مال لاری و کیددی لار شیخ ایدیلار بارک اند  
در ویش لیک رفاهه پسند بولمقدار کارکر بولمق کرک  
الحمد لله اول مقدار بولوب سپین نیم اوز کلانک  
بودین تار نار سپین ایدیلار عیش که منک و جنیک  
قلمار و ورا و زایشیک مشغول بولمیل و شکا مکمل  
کا بارخان حضرت پیرل نامشرف بولایین بادست  
ایرلار شیخ نوک کم مردم قد موالبوم شیخ

ایرلار انکلیتیک فیکما فو یار سپین بادست ایدی آسمان  
زمین خدای تعالی نیم فیکما فو یار سپین امانت فو یار مردم  
و قیل فیکما فو شیخ ایدیلار ای بادست بولوشونی کیشی  
امانیت سپیانه و تعالی علم قدیم برله پاسب بولمقدار سپیانه  
اوز رفاهه رت بریب ناله بربر لاری کاسم لغدی فیکما  
اوسبو مصلحت جنتیدن بارخانینکدن تورخانینکدن  
دور زبراکه ثبته ابروی دین اوزر کانه طواف فیکما  
یوز میلدی و دور کم نهیست تعمیر سپیانه لازم دور و جوب که  
مؤمن لارینک فونک تروارکر بولور طواف فیکما اندا  
خی فیکما بن خوبرافه و رفاهه ثبته فیکما کورماک و اعیه  
بارماق حاجت ابرماک و درکم سپیانه کورماک و اعیه  
شیخ فیکما بوزلاری مقول نوشته ابرماک و اعیه  
نخست ایدیلار خواه لاخان فیکما لار شیخ ایدیلار  
ایرلار بادست ایدیلار و مقول بولدی و شیخ فیکما  
ایرلار بونکر ایدیلار ای بادست فیکما فیکما فیکما



حضرت شیخ قدس سره العزیز حکیم بریل بادشاه مستبد  
طرفینکامتوبه بولدی ایریه کی قاش اسید خانه کعبه زار  
میتد شیخ بنه ایدلاری بادشاه طوان قلیقل حضرت شیخ  
نیک بولای برله بادشاه طوان غه مشغول بولدی اندین  
لین شیخ او میتد لاری ایم ای خانه یا قلیقل اول ایردکم خانه  
لقبه یزی بادشاه هوردرای بزرگوارین طوان غه  
ترک قلیقلینک او چون ایردکم منکار اهر لیک مستبدانیک  
حضرت شیخ ایدلاری بادشاه موند طوان غه ترک  
میتان نیک سببی ل ایردکم حسلافی وعده بولمغای  
وعد حسلافین دورین لاری دین خوب برکس دورینه  
اولک خانه کعبه قلیقل موم دا ایردی طوان میتان بولای  
چون بادشاه بولوب شیخ قه حضرت بردی و خنی جا  
بود سیریه حضرت شیخ قدس سره العزیز او تو زن  
دوش برله کعبه یار قاصد ید استوبه بولوب حسلاف  
لارنا قطع قلیقلینک بولده قالدیلار زیراکه هر سده

اونی دو تمند لار دین بار ایردی لار حضرت شیخ  
نیک ملازمت لار یلجا تیب ارادت دولتی کامش  
بولور ایردی لارنا جابر شیخ قه هر سده خست وقت لوزوب  
سوک لوبین سبب میتان لازم بولدی **الفک سبب**  
حضرت ملک کابنی لار شول ججه شیخ قه معلو بولیکم سبب  
توقف میتان کراک اندین کین طوان غه مشغول بولای  
لازم دور حضرت شیخ قه بونارت دین حیرت دست  
بردی نیم سبب بولیکم ناصر تاتی اینهم تا خیرکم بولای  
بولدی پس ایرماس ایردکم موند ایم تا خیر بولور او سبو  
اندیشه ایردکم خیر بردی لار که ای سبب بولیکم بر خاند  
نیک نشی کین تا شلر نیک نیک او چون سبب نیک  
هم پس کون کین توفی شیخ ایدلار کوی سبب دانا  
سبب پس مده که متی سبب نیک شین تا خیر میتد بولای  
دوم باره اواد کلید ای سبب بولیکم سبب کاد  
لین در نه پس اینک او چون کرامت مستبد لاری



ولین الدنکدا کین بونای در واقع کین هم ایردی نه  
بولدیم پیش کون کوک لوبنر کوک مادونیک هستجانه ولتا لانیک  
عاصم لارین بنده فاضی بولدن پیش کون کوک بران ایردی  
ضربنا بتی کیم خندی لغا اولیا لارین برولان شریف  
لغتور دود و در پیش تاب برله ساز منیک بولورودی و  
عاجز تا پادی راوت دین غم یاندی بولشون اول  
پیش کون منیک ملک فامندور که تار مارین **خوشه سحر**  
**مناجیه کربان بولور** **عذر تقصیر مستغول**  
بولدیم کون مجا و صیتر یلیک فامیک یانغان و مت ده اول  
غیر نرس و قسم غنی یانین تخریغ استارت بولدی پیش  
بی کیم ای سمعان ایدی طواف غنایع یوف دور اول  
ایردی که سحر او تو زن درویش برله طواف غنایع  
بولدی لار الله شوط یغیر الله درویش برله طواف  
لاری غنایع اواز کیلیدی که ای سمعان بیور مادونیک اولدو  
لتمند قاید ادر شخ طواف دین توفت بولور نیک یقین

میلیدی اذین کین نه شوط کا قدم قوتید لار و طواف دین  
فانغ بولغا نین کین درویش لار دین بر سر و کیم ای بولور  
یتیم شوط و الوف فیتحات نینک سیمبره ایردی سحر  
لار او شوبو مصلحت او چون ایردی **الف** کون غری نیکدی  
و چیم بولدی ایریم حضرت شیخ ننما طواف غنایع لار کور  
دیلار که فانه مهار کفما تور او و طواف فاضل بجا کلتور  
او شوبو طواف دایم سیمبره پاید لار کور دین و طواف  
انسا سیدا او از کیلیدی که ای سمعان طواف دایم فیتحات  
نینک سیمبره دین بری او شوبو ایردی کیم طواف فاضل کیتور  
بولد او دین کین **حضرت رسول کرم صلی الله علیه و آله**  
روضه مطهر لاری مدینه طواف غنایع بولدی علی الصبای  
مدینه سفین خیار ایلا ب مدینه کایتی ایریم حضرت رسول  
تعالی صلی الله علیه و آله و سلم روضه مطهر لاری طواف غنایع  
بولد برار و بریل اند ایردی لار نینک سیمبره فیتحات  
حضرت بقی مولا کون درویش لار دین بری فوت بولدی



حضرت شیخ لوقت صلیب لک رویش منزل مسکات لک  
و تعلقا به روان بولوب لک و ایردی لار تا جلدک تیر لار اول  
و تهمذ و قتر غنه تهاک و عده لارین اونوب بریم کونوک  
او توب ایردی لار حضرت شیخ قه اول واقع دین مزیردی  
لاریم ای سمیع و عده کافلان مستحق درویش لار دین  
مذاوند تهاک و کاهیده بخون رواد و رعد مکتا و لک و ایانک  
موقیم یا نغان وقت داخلان به قتر غنه تهاک چون شیخ  
جزدار بولوب بنظمتا و یب یا ندر لار اول سعادت مند لک  
هوان ایلا بکته کوند تیر لار ایر سه کور دیلار که پلای  
بوز لک و کوبان کوز لک مرد ضعیف دور اول سعادت مند  
شیخ غنه کور و تهمذ بیلاب باغ لاری غنه نفیسکه حضرت  
شیخ هم میلاب کنار هاله لار پشیمیش بوزین سیلا و لک  
لیق مکتا لار سکول زمان ارادین قبول ایلا دیلار و دینه  
لونه صواه لادیلار که طالعای لار تولا لاری غنه اواز  
تیمک که ای سمیع یا نغان غنه اله ارجنه ای طالع و دین

میان میثاق اول ایردیم شیخ قدس به الغیر مزاج ای  
تور و بول و رویش کالیغ تیکور دیلار اندین کین خبر  
بیت کم ای سمعان ابدی حضرت در شول کونی بولغ  
یوز لاندی لار و یک تیک لک لول کلیل ایردی لاریم  
عالم قرائت بولوب لول تیر ایر سه پنه ایکه ای طالع و شیه  
سهر صندید بیابان و ایردی ارجنه ارجانه و طالع بر کون  
تشنه و کرسنه قویادی شیخ لاری و قتر غنه مکتا و لک  
هم یا بادی مفیدین بغیر ای لول بولور کان لارنی رات  
لول غنه پشیمیش جان غنه تکر و کمره و سه کردان ایر سه  
اواز کلیل کم ای سمیع غلکین بولمیش کم بولکره بیوا ایر سه  
دور بلکه عین هدایت و کمال عنایت دورینه ایکه لک  
صبر تحمل مکتا شیخ بولغنه اشتیاق خوشحال بولدیلار و کب  
لارین تیر راک سور دیلار درویش لار غنه ایر لاری ایان  
غناک بولمیش لاریم عنایت ابدی سعادت سه مدی  
اوشبوکره بیق دا بولسه کراک تیرا که اولها لار سه بیت

۲۲۰



حکمت یول یولور مسلا رک حکمت خداوندی مونیک دلولکم  
 انیم بیایان داسر لردان بولدوت **الکیر تو منین**  
 لنین کوه لبان عه حقتلار و قطب زنیلار و ام مطردون  
 و معطرلارین طواف و ریاضت مستیدلار قطبلار و همهم  
 الله علیه و آله و سلم لاری هم حاضر بولوب **خبر**  
 باشلیغان بارجه دروش و لنوازیق متیدلار و شیخ بولوت  
 دین بیخبر حال بولوب دروش مخ مژده تکوردی لاری  
 سنین تا پنج شش وقت بولدی لار اول کون اندا  
 توختادیلار بولوتوزن دروش او شیواون کون **میل**  
 قطبلار و ام لاری دین تربیت تا هب بسیار نتیجه  
 لار و پیغمبار فایده لار کوردیلار **حضرت مقدس**  
**میرزا ابوالفضل سبحان** **الکیر تو منین**  
 طواف متیدلار اول حضرت حضرت ایشات لاری برلا  
 شام نه کلتور دیلار و اکیس سیل شام دالولدی لار اندین  
 لنین اوز شدر لاری کایوز لاندیلار و شدر **مقدس**

لاری نه حقتلار و بادشاہ نجیب و فات متیب برودی حضرت  
 شیخ اول دستاه نیک منار عشق بارش یارت متیدلار لیدین  
 لنین حالقاہ لاریغه بارش لغان حسنلارین عافقاہ و اماپی  
 و ارادت قولین ایستاون سیل شیخ لیت متیدلار برکون اولوتو  
 روب برودیلار نیم دروش عالم ولایت و اولایت نوری برلا  
 نور دیلاریم برنامش دروش قیام لور کوزوب و رشو لکان  
 بروروشن ایبار و لاریم منان زجلاب ککلیل دروش  
 بارش بنداب وری برکله کلتور دی ابر سب شیخ ابدل  
 ای بدخت با سعادت مدای عالم دین نور قیامی سپن  
 و رسول اکرم روح لار دین شام توتمای سپن شیخ  
 باطن دین جیل و شمس بولمای سپن دروش راسبد  
 حیات دین اندیشه ایلای سپن **شیخ لودای**  
 پلکان پهای سپن و دروش و زلفیغه فکر بولوب نیم  
 باد مستلایکم واقع مندرین وقوع غه کلمه  
 شیخ غضنک بولوب بدیلاری با سعادت بولون

۱۲۸







اسلام یا ملک الموت رب العالمین کیلکین کیم انتظار بیرون  
توزی لولدا ایردی دیست بلم شین برکات قودی می  
لغایه جان بردی لار اول کونه حضرت شیخ غفره عن  
تاجور کادیلار زیراکه حسلا یون کرده کرده او سخوان  
لارین طوان میلو ایردی لار تانکلا بی علم الصباغ چیل  
میلدوروب جازه کابل لار و نماز لارین او تابیلا  
تا بوت لارین تمنا و تبرکات نوبت برله کوتاردی لار و نزل  
لار یلکا تیکوروب لغزاف لاری غه تاجور دیلار **تبرکات**  
**طه** دا تو بولوب و لتوروب پیلار اغود با صد مهم سبط  
الکیم فی انما انما بشر خلکم لوجہ الی انما الکلم الہ و اجدنا  
کان یرجو الفار فی عمل الصالحی و لایسکر بعبادة  
ربه اهدا **لکین** قبله غه با قیبت رخ لار کچم یانه لاری  
دغن متیل لار لغزاف غزاف می خجده **الله** برب  
موندین اوز کایر ماسی کیم من سیر لار نیکیلین اوما دور  
و صر فلو و شکاکیم پروردگار نیکیلار مسعود و یکان و نور

برکیم امید تو تا دور خان بولم پروردگاری ملاقات غه  
عمل صالح و قیامی و پروردگار علیت اید ایدج برافه شریک  
قلمتی لغزاف غه دار یا ایا ملکای و ربانے شرک خفدوب  
دور لار وفات لار دین کین برکیم تو شیلد کور و  
ایریم پروردگار ای شیخ هذای لغزاف غه کانه فیست خجده  
شیخ لغزاف غه بید استیم متیل لار و اهدا **الله** با الصواب  
**اولا** **برکات** **لکین** **تبرکات** **طه** **لکین** **تبرکات** **طه**  
در کاهی غه قرین و پاکین غلدرین و را هم طریق لغزاف  
و مفرج دلنای قرین غنی حضرت مولانا جمال الدین رقیه  
الله علیه احوال لاری ذکر لایکیم کدک منسوب یردیلار  
کاشف ملکیت منک تیه یوز مقام معروف و مستونیک است  
و مبتدی و ورثه ابا کن و متوطن ایردیلار **الله** علی  
و سلم بالمن داو شمند و فرا بیت لیک علم حکمت و علم سیا  
و ایدیم بی قوی بر کمال کبات لیک ایردیلار او شبو  
جهت دین بادشاه لار نظر لاری اقدار تمام و مرتبه مالاکلام



حسنت بیبا و خستار با شمار لاری بار ابردی اما حضرت  
بزرگوار مونینک دین کریزان بادشاه وقت اول ذبت  
شریف نینک غلبه حاضر بولاق لاری غنچه خوانان اند غنچه  
بادشاه هر توفی بزرگوار ملازمت لاری بکافرت سیر برده  
روان و بزرگوار شوق محبت بر اوج اوج او بتدا سوزان  
و کچه کوندوز کریم و نالانان و بر کچه حسد القایه بسیار  
نال زار مستیدی لاری اوز لاری کاید لاری جمال الدین  
اوز و نکانه عجب و شکر لاری به اعتقاد پسن کم هیچ و به  
بر لاری اولار دین ضلالت یوق کوی اوز کر منک بر  
نسب لاری لاری دین ضلالت یوق کوی اوز کر منک بر  
کو نکلیدن کونار کس علمت کم شک عطا قیاس پسن اولار  
یا و قلوغ سیر و دور کار کینک دین پراق بولاق علیق  
و جبر و دور کونکوم صفح سیدین جو قلیقل تا نینک  
و یک دی و یک ل بولایین و نذ نینک استقامت بولایین  
مناجات اثنا سید اقوالاق لاری غنچه اواز کید کم ای

بروردگار

جمال الدین بکلیل کم سنک بولاق غنچه ایلماک انینک اوجون  
ایر کاس دور که درگاه ایدر و بارگاه صمد دین بر علیق سیر  
بولغاییم ملک یا و غلوغ جندین اوجون دور اما بولایین  
ایر کاس و سعادت سمدی و قتی قرین و قیاس بولور که با  
شاه مجازی قاتل ایا و قلوغ ایزد اسبانک و سخن کذا  
لیق قیاسک و عذای لاری نینک دین غنچه حاضر بولایین  
لاری حاجتین با حاضر و با توقف رواق کینک لقیق  
دور که مقصود غنچه بیا سیر بزرگوار ایش لاری کسایت  
لاری ایش لاری کس ده قیاس علیق و اوز و لوشن سیر  
اشنک صفت دار جلیما پس تا جمعیت بادشاه مجازی لقیق  
پسن ایزد اما کونجه جم جندین فرد مایه سلمان لاری  
سنینک سیر کونجه موقوف تر و پس سلمان لاری شلاری  
داسیر بنجام کور کوز کیل که سلمان لاری شلاری  
کور کوزماک فتح کسایت سیر و لوشن و سنک معلوم  
دور که بادشاه عصر طایع دور و سیر محط انینک طبع



مرام لقا چون دور پهن بس انکین براف بولمان  
بهرت دور تا اول زمان که وقت بولور سوال وقت و سهر فوج  
بند کرانک بولایش بن غلین و اندوه نال بولمان کم انکین  
لش و لقا موعنک ادر بر بر کوار او سبوندان با لقا دین  
انکین لار ایر سب تا فر سلطان متیس مل از متکا بار  
لار و سلطان متیس حضرت بر کوار غن بر افدین کور کوی  
همان استقبال لار غن بولور دی و ایدی ای مولانا  
ملر تو شنکیند اموغ بولور دی لار کم علی الصبار هم  
تیلد نکینر بولور زمان غن تلر بولنده نینک ستره کوزی جال  
فرخند نکینر طلوعی بر لب بولور وقت و ابر نور بولمان خان ایر  
بر لوار اید لار ر سعادت مشرفین ستره کونکوم  
کا او سب و بر لوار غنست هم مل از متینک بولور غنما اما اول  
سط بر لکم خور سید نکینر بر کونکول کا تا بیش لار ب  
روشنایق بایش غنای سبن اند غم خور سید عا و تید  
چون سلطان فرزند تیز فم ایدی بر کوار انکین

سج الفامین لقا سیدین استلال ملکیدی ای بر کوار  
منت تو لغوم دور بر نه بولور و سبک تلغوم دور و سبک شاه  
لیق تخت اوزر ادر و ن کور سب تا ایر سب بر کوار ایدی ای  
متیس غنای متکالین ایلار سبن جیشی و لقا و نیا و انکین  
او چون ایر سب دور و مینا ملکیت رخت اوزر سبن  
ماق او اوزر در کا هنک نینک کدی ای دور غنمت کار لار  
قنارید بولمان غنم علی سبن علی طاهر اوزر سب نکین  
بولغیل و مرهم اوزر غنمت ااما مغر علی لید ادر و سب لقا طریق  
سب ابولغیل تا و سب لقا متیس دین و و سب غنک و  
سب لقا حاصل بولغای چون بادشاه بولور غنمت  
خوشحال بولدی و بر کوار انکین مل لار کچ سب سب اول  
لونا امیر و وزیر لار غنما رفعت بر دی و اوزی سب  
بر کوار بر لقا صحبت لونا آنجه غنم دیکو لوک ایدی ای  
و سب لقا لونا سب سب لقا لونا لونا لونا لونا لونا لونا  
غنمت همان واقع بولدی اندین کن سب لقا لارا



نیک هم پسر بزرگوار غنچه نقولین صلیبی و بزرگوار غنچه میدا  
او پسر جان او زلیخا الدیلم نه چیه رایت اسایش و نه  
توندوز قرار و ارم امیش یوت ایردی و پادشاه اند  
اطاعت ایل و کم بزرگوار بر نه دیه لار غنبت اختیار بر نه  
مقبول فیکور ایردی و بزرگوار سلمان لار کین کردن  
لار کالای صیحت لارین پادشاه الیدار و ایتور ایردی  
لار او سو بستی بن جغتو خانه و لغا اول بزرگوار شین لار  
تو ندین کونکا تر قمر و التوت و مونیکنک بر نه فرق بل نهجی تم  
**مهر بزرگوار که در دستش بر نه که در دستش بر نه**  
و بوفرت میل همه استعدا و تمام هدا مستبدیلار و باو  
شاه نه هم بومرتبه کاتیکور دیلار و بر کجه صفتی و تقا  
نال صلیب دیلار کیم کرجا و رسیما و مینیک بن سچ کشته  
تو میدا یک کس دور بوبنده لار شینک باره سید او عده  
و عید نیم ایل بسین طرف بولما غوبه دور بوبنده صغیف  
جغتو ایتلیان و عد نک بن فرق میل اوقه و عری هم افر

کیدی هنوز اول عده کا و فابولای دور مکنکا فریب بر نه  
لار یوت ایر نه لان انینک دین طاهر بولغای ایردی او سو  
اشاد (او از کلیلیم ای مجال الدین خدای تقا مینک عجم  
رضطراب بر نه میسم بولما غوبه دور مکنک کیم عطا و کوم  
و قنیر اوق ترور و بوفرت و دن کین نه فرق کون تا صیر  
تا بقی فرق بر پنج لونی فاست کلان و قنیر اوقه نماز او ذرا  
اولتور و ایردی لار کیم خیسری فروده پسر کمال  
هوش بر نه بولغیل خدای تقا غنچه عامی بولما بدور خان  
بنده لار کیم سید بن بنده عامی پسر قنیر غنچه  
کیتور او دور بزرگوار **پسر بزرگوار که در دستش بر نه** خوشحال بولک لار  
فرجال طهارت تازه ایاب دو کانه برای یکانه او اکور  
توزدی و سجده کایش قویوب مافات مستبدیل  
و باشلارین کونمار دیلار ایریه کور دیلار کیم بر اقی بها  
مژد نفیس لباس بر نه جای نماز نینک و جید اولتور و  
دور آیین غنچه قول کونمار نوب حضرت بزرگوار او رون



لاریدین مطرب برل قلوب مبارک یان لاریفه  
لقلل اولکان احوال لریں اما بلماریلار که نجو  
اوچه کون عیسه ایریدیلار اول عزیزتر اسیما  
هورایا لادیلار لوبو کونلارده تربیت کورد  
ملک و ملکوت نینک جمیع سلا رین ضربا بتی لار اولما  
بلدیلا که اول عزیزتر حضرت خضر علیه السلام الکابلا  
عذر تقصیر لادیلار اندین سونکر حضرت خضر علیه السلام  
فتح فاکه سبن حضرت بزرگوار نینک حق لاریدا  
اقوب خضت بریدیلار وایدیلاری جمال الدین الیدی  
حق سخانه و لقا ایشیلد سب سبیا و ایتما بی ستمینیل  
وبرادر لیک عیدیت قلیقان کمره نه ضایع ایلا کسل  
وبووردنه اوزونک شعار ایلا کسل قال الله تبارک  
ولقا کنتم خیراته افرجت للناس هدی و رحمة للعالمین  
سبحانه ذی العرش العظیم حضرت سبغری علیه السلام نینک  
توبراک لاری نینک کت و لقیق مونیکن سن و وره

منی کوز تو لقلل و عیال لیدی لار ایریه شول ساعت  
شاه مل از بتر کا کبیدی لور دیکم شیخ اوزکا عالم دادورلا  
و بنه لاریدین ولایت لوری ملکور ادور و بولاک بیرون  
سوز لاید و رایدی ای بزرگوار برادر لیک عیدی حقیق  
لیق حقونی حرمین بجا کیلنور و مالک معینده احمد باغلایا  
ایردیکه تنهالونلای سبن مینی باویده با بیان وایغوز  
حیران قویقای سبن من نه قیلای و نه برکا بارای  
ایدیلاری دین داین و ابرادریم نکلین بولما سبیلیم  
لریه کیم منی مونکا تیلوروی سنه هم مونکا حواله مسکد  
اول ایردیم شیخ قول تو مار بی فاکه او قوب پاشا سینه  
سبکا دم صلیلا رابره بادشاه بخود بولور و بخود لوقا  
عالمیدا کوردیکم انک کیش کلیل سینه سبن بار ویدیلار و کجدا  
فلاط لاریخ قام جفاردی لار و سوزله بولب ملن خ لقا  
نمره لاریخ قلوب قلوب تکیتر لار و فاکه او قوب سینه  
سبکا دم صلیب سب بولدیلا رجول بادشاه اوزی کا



کیدی ابرو حضرت شیخ ایدلارای جنیس سارک بولغای توج  
 یک تافرخه اینهمه سبیل باطن مقامید ابوله و نکا دوشا  
 ایدی اولار کور و راندین بونکر با اتفاق حوت سچاز  
 و لغای نیک عبادتینه قیام کور کوز دیلار اون بیل مونینک بر  
 تخریم هیچ کرمه بولایک عزیز نیک جالینده واقف کولاد  
 بر کونی کرمه نه بالغان کواه یق برله ظاهر لیت داکنه  
 کار فلیک پشاه قاضی حکم برله اولتور و سلالر اولتور و لکانا  
 لمره نیک ساقی لاری بزرگوار نیک لایقه کلینسه یا ورس  
 لیت بیل دیلارای بزرگوار بولاولو چهره بالغان کواه لار کواه  
 لیت برله بکناه اولتور و لدی کرم و عیالت لایسنه یا  
 منیر خیمه تیب لک پادشاه دین داد منیر فایس لک عیالت  
 بولسه کورک چون که پادشاه خادم ملازم لاری بوزین  
 اوتانما لاید و ریزر کوار حرافته کاتب سالیار و بیاز  
 در کاهید مقتول جالین عرص منید لارایر سیه اوز لیلیم  
 ای جال لاین واقع داولار دیکان دیک دورا مانیمه قلیقا

کم کخ هر شیفته افت و قتل و جلد بر روی کور اولتور و بزار شکر کی  
 سینگ لکلیک اوزوریم بار بشتول نیک حوت اوعا قلیک  
 لراک دورتا تیر بلکای کواه لار حیدر خط تار قلی سبن تا  
 لکای لار چون بولدا نه شیتیق شیخ یغلا دیلار و ایدلار  
 لرجانا بولوقت ختم کور و مالمنر لوسید تو تو نیک بولون نه  
 بولایم منیر لکهار ایتور سین اوز لیلیم مصلحت مونیلدا  
 دور بولغایم حسن لیت بالغان کواه لیتدین کوفتای  
 اول ایردکم بزرگوار چاره لکلیک بار دیلار لور و لار  
 بخرش صورت لک لمره شکر سوک یادور پادشاه نه  
 ایدلارای جنیس بیکانه کور و سلیب بالغان کواه لار  
 نیک کواه بقیر برله نه اوچون اولتور ماک کور و دیک  
 و بیکانه لیتین پلما دیک پادشاه ایدلای بزرگوار سیدیم  
 اما بچوک قلیک کطاهر شیت لیت دامونا لازم کولت لار  
 حضرت شیخ لطف یوزین مقتول پاشینه بار دیلار و قتل  
 کور ریب عاصیک لار ایندن کین ایدلایر بیده بکناه



مذای عز و جلال قدرتی برده تو فیصل اول اردکم اولی ستراب  
اور بندن قوتی وینه لواه لایف الدیلار لایف جلال دیلار و  
برده دعا ملک خط تار سیل رابر سه بر ایکو کواه من احوال  
بولدیلا چون خلوت بوجایا ناماده ملک قیاسی قوتی  
لار اندین بزرگوار فیض لاری دین بیهوشی سیر مستلدار  
اما انصاف و اطاعت قیاد لار و مرید بولما دلال بزرگوار و  
سیر بر لایف لول غنه انداد لار قبول قیاد لار بزرگوار و  
عزت لاری قیادی اسیرم نمیک صیف بقدرت و جلال  
نمیک کونک قیاسی بقدرت و جلال و جلال و  
در کاهد اسیران لوزاری قیاد لاری قیاد لاری  
بحکم قدر نمیکدین ایاسی ورنه بولوریم اومن قیاد و  
دولت لار کاهد نمیکدین بلای ایبار سنان اول بلایه  
بولوب نیت نالود بولوب لارنا اولارنا لور کاهدیم  
بجده دین بیهوشی کوهارما بولور لارنا اولارنا کاهدیم  
الدین اوز قیاد لاری بولوب لاری کاهدیم بولور کاهدیم

بولوب خواه لار دین لاریم او بدین حقای لار مودنی بیهوشی  
ایردی انظر ایله بیهوشی ای بزرگوار بولوب سهر اوزر اسما  
بلای نازل بولدی شیخ ابدلار لار و لایف بولوب ستراب  
زیرا که جلال انکض بر دین لاریم اوز کونک قیاد لاری  
بولوب لایف دین حقای اسعدا دین قیادیم جیهوشی  
مودن فیض لاری ایدلاری بزرگوار و جلال مندر و  
مزاین همه انکض بولوب قیاد قیاد و قیاد بولور بزرگوار  
مودن نمیک جلاله دین لاری کیهوشی ایدلاری مودن  
چهار پانک بر ایدی پیش و بزرگوار ایدلار و لایف اول  
بلای قیاد و چهار پانک لار غنه بولوب لایف و قیادیم  
در رفت لار دین بلند و در حسمه جلال و جلال لار  
اول درخت نالود ایلاب چهار پانک لار کاهدیم باغل بیهوشی  
قیاد ایدد و در کاهد نمیکدین لاری دین بولوب  
مودن بزرگوار نمیکدین بولوب و جلال لار غنه بولوب  
اول قیاد نالود قیاد بولوب دین بولوب لاری بولوب







و محفل علوم دایم یک لاری بار ایرد یکم ریاضت بر لفظ  
 فیتو را یرد لاری بر کونی شریک لاری محفیل داعیه سید سفر و غده  
 سبن غنیبتا دیرت خست را یرد ب غم مستلدار و بزرگا  
 هم او شبنو اندیشه دا اولیا لیکل متفکر اولتور و بوزی کا  
 ایدای فقیه الوب مصلحت مند و ریم او شبنو جماعت بر لاری  
 علم محفیل متیل سبنو یا والد نک فذ متیل اولاسبن موکر  
 مقصد بد اسفر متیل نک فذای کرم و ریم دور سید دور که  
 علم کرامت متیل عالم اولونک دور اما انک فذ لقیهین  
 محرم قانک دور ازانک خشنو و لوغین ایزد اب سفر  
 سبک نک لکه لوجماعت الید اجمیل و منفیل اولور سبن و  
 فذ سبک یرکاتیکو اما سبن او شبنو اندیشه خاطری فذ بیت  
 ریم ای فقیه الوب نانت هم غم متیل سبک روزگار  
 متفکین اوز لیک الیب حفت بر سید دور که سفر نک دنا  
 بهر انا سبب شبنو لاری کوار سبن اول ایرد یکم انا سبک  
 بار سبک یردی و فز که کلیدی کورد یکم فز متفکر اولتور

دور سورد یکم ای فز متفکر سبکانه اولدیم سبک سبن حال  
 و غلین کور ار مر مرنا خوش فز شبنو سبک مو یا کر سبن مکرو  
 لور و نکمو خوا به یردی والد ه سبک خوش لوف و کر و تاد  
 اما سبک لاری بدن جمعیتم حکم سبک سبک سبک سبک سبک  
 بر لاری سبک لاری و کون محفیل داعیه سید اسفر اختیار  
 متیل لاری اول غنیم بار دور که لکون بار سبک لکله حاضر تلیب  
 و شبنو ظاهر لور لاری و مر اول لاری اندان اولوب  
 سبک یرکاتیکو انا کاس سبک اول فذ متیل اولونک  
 نیمه لاری و لاری و نه باید برور اگر متفکر حفت بر سبک  
 روزگار شبنو سبن اوز و نک انا سبک علم فذ لوم غه کلینو  
 سبک امید دور که فذای علما علم فذ سبک متیلای ریم سبن  
 غدا ب به یردین حسل لاری لاری و مر سعادت سبک لک  
 مشرف لور مر مر جانا سبک سبک لاری اگر فز سبک علم اور کاس  
 مقصد انا سبک لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 اور کاس سبک سبکانه و لاری لاری لاری لاری لاری



ملاص متعای اول تا ایکه جان او چونچو است سها تور تو  
علم او رکانه و جان او بخت با شاد و دل جا کین کور سها  
ایدی ای فرزند سهره و نیک و خون با میت جو نکو تا دم  
بیش عا صیر لیم و قیما و قوت رفقا و دین قانغا پندا  
مذا ای لقا و دین او زکا مزاید رسم قانغان جانغا پندا  
لعلای سها نیم مردم است خوار لیم برله کجای و او  
تا تو بیدا قانغای و سک لار طعمه سهره لعلای نصیحتی قبول  
نیکیت متیما بولنیل و خشنود و قو منرا نیر دایمل مذا ای  
لقا با منت بر کوچی دور سها ید که علم در یکا سیدین قله  
ملقنک نه تا میر ما یکم سها یک لار نیکد یک یوز منک کت لا  
بر اغنیر سوز و نک فخر و عا صیر کلیل سها قانغای  
و نیه سیکس یکم علم لوقما قیدین مراد مقصود بر یا عمل سها  
علیق دور عمل برله بولنیل تا اولوغ بولور سها دین  
رحمت بر مادی بزرگوار تو مید بولوب باران لار  
قاله و ان سها متیل غنیمت قوت و کوه و زو او تون

لتر ایردی بر توده او تون کیلتور و بلفف نه سها  
معیت کا فرج فیلور ایردی و نیه بر لصف نه کوه و روب  
بچه لار معیت و لقا عیاد متیما بولور ایردی برای منیک  
برله کچتر یکم سها کریمه زاری برله او تون قو سها  
ایردی لار نیم بر کوه جنکال نیک بر کوه سها او تون  
زار زار لیل لار او ز جالیغه مذمت لار بایغ لار ب  
اه و له و ز و سکر سوز مار تار ایردی لار یکم بر طرفین  
پهری روشن صغیری سها بولدی با وق کلیل سها  
مز زنده جالک با رو نیکای سها سها بزرگوار ایردی  
ای بابا نیک او چون لیلار نیم مجامعت برله رحمت  
مختصیل سها لور ایردوک مختصیل او چون کت لار و منکا  
والده سها سها مانع بولدی او سها رحمت دین او ز جالیغه  
لعلار رحم که تا نکه باریمه سها یک لار یکم علم و نیش لار  
تا هر بولور لار اول کوه منیک جالیم اول مجامعت نیک  
الده اچوک بولور اول سها ایردی ای فقیه لوب لوب



دین نمکین بولما غیل صفت او لعلای برله بولغیل برکون  
اوشبو منزل لک کیکیلیم مرم حاضری بولوب وینکادرسین است  
مقصود و نک منی حاصل قیلای بیجا بولدیلا بریزر کوا  
خوشحال بولوب شوق ناک او کی کلیلک الصباح قویله  
بر جز کن بپایب بلبلان ائمزاج تالیفیم بقدم مانلیک  
مقصد ملقان منزل لک تیردولیف او توینین لغیب منتظر اولو  
ایردی حضرت بریزر کوارینه پسدا بولکددر پس ایجا  
اندین کین فاجده او قوب بریزر کوارنیک سپینه لاریلک  
دم ملقب یی لای تا نکلاییم هم مونه فیکد **الف**  
**تقویر** اوشبو طریق برله طاهر و باطنی تربیت لای  
ایریم علم ظاهر اولونوع بولدییم اگر بر یوزی نیتک لای  
پس حاضر بولوب بر مقدمه سیکامتن بولور ایردی و علم لای  
اول نیکلیم بولدییم اگر لیج مپکون و احاده واقعه  
بولوب بریزر کوارنیک علم احاطه سیدین تا شقاری  
ایرکاپس ایردی احاطل اولونچ سیدین داسفر ملقان

باران لار کیدی لار و خواجه غفرتیر برسه ایدلار خوش  
لک لار اتفاقا بحثینه کون اکیغانا سید ابو مجاهد  
لغیل لار ایریه خواجه ایدلار نیم تا نکلاییم جمعه اباران  
لار نه ملاقات قیلایین اول ایردیم تا نکلاییم سجد جامع و  
حاضر بولدی لار و بریزر لاری برله سحنه قلیب صوالین  
سور ایتیلار **حضرت** عزایت برله سیدلار که بولمجا  
خواجه غفرت کوزی برله باقادر لار اول وقت داقا  
اول ایردیم بر کیش ففلیت سید قلیب منبر کا جفتی غطا بیت  
حدیث معربین تفسیر بیان قیلور ایردی لار تا حشمت  
یلور ایردی لار که بولکشف ففلیت پسدا قلیب رو غالم فا  
بولوب دور اوشبو بین و حضرت **عزیز** ملقبیم  
حاضر بولوب ایدلارای منزه تورکان سبن کم اولک سزک  
اولقر تکد افت لار بولکون اول کون ترور کم منبوز را  
جفتی غطا شقای سبن اولار غنه لوبت قویما غای سبن  
اعامز هر نه دبیم سبن هم شون و کای سبن نینه بفتنه





اولاً رفته قولهای سپید خوابه ایدیل را رای بزرگوار بویرد  
 غایتک میبایدین اول بر دیکم حضرت خوابه نفعه الیوب مرید  
 لاری حضرت خضر علیه السلام نینک حضرت استارت لاری  
 برله نماز جمعه دین کین منبر کا حقیقت بیغیری برله اولتو  
 لاری لاری حضرت خضر علیه السلام هم منبردا اولتو ردی  
 لاری بریه خوابه وعظ کا لوری لاری لاری حضرت خضر  
 علیه السلام نینک سج استافشیدن جاری بولدی  
 بعینه بزرگوار نینک تمکیدن جاری بولدی اول کون حضرت  
 مجلس تمام بعینه زاری دایردیل رخصتم لاری کم خوابه نفعه  
 نظری برله بابت ایردی هم حیران قالد لاری بزرگوار و  
 اداسیدن چونکرا اوسبو مجلسی کا حاضر لاری نینک  
 فاتحه اومیدلاری و باران لاری عذر مقامید ابولوبیلا  
 ای باران معذور تو قات کر اک کم اگر چه بوجیه فیه  
 بولویع کسب فلیق میقات فیه باران یوق ایردی  
 اما لاری کور و ندکم روشنا صغیر نینک لاری شک مکان فیه



تو سیمکای دینی جابلخ نسبت ملکیت کار بولمغای سبز  
 لاری و پلنگین لاری نیم حوت سحانه و لغای نینک کر معام دور  
 و غربت وطن کین دور خوابه نینک بوزلاری اوسبو  
 جماعت کابسه تا غیرت سیریه اولتو زین صدقنا  
 و سیمنا و بیکر دلیق خطیان بر سیریه رجه شاد  
 بولدی لاری همیشه بزرگوار نینک فذمت ایردی لاری سیل  
 مونینک برله کچشم لاری جماعت کا درس استی لاری اندین  
 لاین انا لاری عالمین کتیه و بزرگوار قطع تعلقات بلا  
 نوشته خیار میت لاری در یا صنت مجاهد و شعار ایل  
 قالدان کدورت بشما و ملومات نفستادین صاف  
 بولدی لاری هر کونه برلویت **حضرت خضر علیه السلام** برله صحبت  
 توت لاری نینک سیل موداع کچشم ایریه بزرگوار دین  
 طهور غنظهور غنظ کیددی اول ایردیکم منابت سیر کاروان  
 و ملتان طرمیندن کیدل لاری التون کموش و زکا اموال  
 لاری هم بکشم بار ایردی دریا بیکه توشیتلاری و ایکه







کشتن و بیدار کردن ای خوابه ترا کو بگو و یک بوی بیدار می ده  
اینکست نیکت جوی شمیمه سیر و شب و در اول ایر ویم  
کار و اینلار مال لارین تمام جقار و دیکلار اندین سونکر  
خوابه بلند آواز بر لایه لارای دریا آف و قانکین  
بجای و زیمه اول ایر ویم بومر فالت لو توپ روان بومه  
و اوز قانکین بجای و زیمه دی تا اوج کون بر منوال  
اقرار ایردی بواج کونده بومر بولوب تا میزدی  
تا قیام قیامت عجزه نول منوال دابو لغوسه دور و کار  
و اینلار کو نیکه قینانندین سونکر استغیاب لارین  
جمع مستبدلار و مقدر متعلقات لارین حضرت خوابه نیک  
الدید حاضر ایادی لار حضرت خوابه باده نقدینه  
بعضی نفع لار غنقه ملک لغاتین سابقا ویناریم  
تا ضای غرضه بولید انکر لار بنایا بانه صرف  
متعلق ای اول ایر ویم تو قوز نکر نکر تا دی لار و بر نکر  
حیات یوت لارید ایتکار سید بولید لار اوز کالکر

لار سکرید ایردی لار نیم این رت بولید و بشارت  
یتی ای فیه یوب و تکان اولیا لار و سونلاری بولید  
سپن مکه معطر طوافیه بار فاق کراک اول ایر ویم خوابه  
مکه طواف غنقه خرمین متکب لار تا بسد مجاز غنقه یتی لار  
الفاق **نسخه مجاز غنقه** بولید بولید بولید  
صحبت لوت لار ایر سید لارید ابرادر لیک عهد می افق  
بولدی اندین کین خوابه ایدلاری دن دار برادریم  
سپن این امیدم او شید و در که غم و حزن و دما صر  
بولوب لیلکای سپن نیم مشکا اوز لایتمده خرمین عجب  
لقدینه لار بارد و روتو قوز نکر نکر در قیاب ایر ویم  
اوز کاکا کو مینق تا باید اول نقیضه لارنی انکر لار کاف  
فیل ماید و بولومقدار سید لور من که تو مینق تا با غنوم  
دور سبک حواله مسیله تا لرم عنایت ایلای و شید  
نکر نکر اوز ایلای کردیم سن با قضا متعلق سپن  
چون که برادر لیک عهد در میان دور کیم حقیقین بجا



تلیو رب تک عند الله ما جور بولوبه کراک حضرت شیخ  
خواجہ نیک بولوبه متین بولوبه متین و او شیخ وقت ناکردنجا  
الهی و ایدی ای خواجہ الرضای العالی توینق برپه  
بجاکلیو رکوم دور اول وقت خواجہ آرام دل وضع خاطر  
برله حج کابریب حج او تا دیلا رد تو قوزانی حضرت کده  
تورویب نینب و زولایت لاری کاکیدی کیدیلار بریل  
دینه پشای حیات ایردیلار برکونه صلت مزده به  
پته ایرپه لشکر او زرا جفتیبلین او از برله مختبریلاری  
شیخ وقت سفرد و سفر متماق کراک اول ایردیلم غزدا  
و قیه کون فراتش او زایانه دیاران لاری جمع بولوب  
ایدیلاری بزرگوار ثمان قیلور مینر که حضرت تنک عالم دین  
وجود ختین کونار و رسپن وقت که سنبه فده سه تا  
قفه دین پرداز کور کوز به و تنر فاکلفرا غده است  
الیه و رویش لاری صحت بین کیم که حواله قلیفونک دور  
قریه نه سیکاقویفونک دور خواجہ ایدیلاری رسیا

لاریسم یما کینر لاری صحت کینر لاری اول کشرع سید  
قلیب رما او شیخ صورت و نشانه برله قرقنجر کون سید  
بولفوسر دور و صلیف سول تر دور و علایمان اول دور که  
سول کون منرار یغدا یکجفت جالور کیکوس دور و سهر لاری  
بولغوز لاب قزان غدا لیبت یا قونکینر دور اما قان  
ماغوسه دور اول کشته صاهر بولوبه اش داند مترا ت غه  
جکت بر دور من حال قزان قاینا مش یا قیت من ماندا  
بولونکینر لاری شکل پش لاری و جفتیبلین او از برله مختبریلاری  
ایردیلم قفیه و حیدین هم استعانت تیلانکینر لاری دین  
جن علایمان جان سهارش سیدی وفات لاری دین  
لین بر و توشیه کوردی سورچک ای خواجہ خدا  
تعالی سهر کانه سیدی ایدیلاری دروش اولکانه  
بزرگوار لاری حلقان نه سیدی و الله اعلم بالصواب  
**این نورانی مختصر بیان کراکیم حضرت خواجہ نیک**  
و قال یدین قرق کون اولوب ایردی دیلار نایا



و قوع غه کیدی بوعوزلاب قزان غه سالدیلار  
 یا قزلار ایر بر اولاغ اولون کویک لیکن قزان  
 هر کیز خوش نه کلادی حیران و منتظر اولتور و بایر و پلا  
 برت لال کین لیک اورک سنج لیک سرب اولوب بی  
 و دروش لار کاسلام قلیب غه آدی مال لارین بکوا  
**حضرت** خوابه نینک فات لاریدن تحقیق ایرادی اول  
 وقت دروش لار بیدیلار کیم خوابه اتقان کنه او سبوت  
 باره لاری قوبوب عذر ققیق قوبدیلار و ایدی ای بزرگوار  
 خوابه منیر و صبر و شکیویر دیم قرقیم قون بولون غه کنه  
 هدا بولونوسور و عا سه برله قزان قاینا بروس  
 لار ایر اول غر نرالده ایا حق نیکویر و روعیب  
 خزینه لاری اسکا نینک ابقوسیر نینک کره کت ایلک لول  
 لراک نذر قیلغان لیکرم نینک عمارت برله معور بولونوس  
 و ورکان غالب لکه اول غه حق نینک بولغای حضرت  
 سنج ایدیلار برات ایاس و در ایدیلار ای بزرگوار و احوال

و عا قبل لکین قزان قاینا ب طعم شقای به فرو مجاور  
 و دروش لار طعم بولغای اول ایر دیم حضرت سنج قول  
 قوتار بیب عامست لیلار این کین مبارک قول لارین  
 انشودان غه نیکور و ب و ت غه حرکت بر ویدیلار ایر قضا  
 قزان قاینا ب طعم شقای و دروش لار قلم بولادی معنی  
 و دروش لار شول خلیق خواه لادیلار که ارادت مستول  
 قلدیلار **حضرت سنج** کجیل قبل لکین لار کیم بود دروش  
 حجاز ملکیدن باریب کلبیک اندک سوده بولغای این  
 سونکرا هر نه بویرو ب نیکین لار قبول قلیق و دروش لار  
 سنج نینک غرض لاری اول ایاس ایر دیم دروش لار  
 قبول قلیق عا برله بکله مقصود لاری اول ایر دیم حضرت قوا  
 ملاقات قلیب لفاق برله ایش قلیق لار حون نهجه  
 بولادی ایر سه **حضرت سنج** الغریر حضرت قوا  
 نینک نزار لاری غه کردی لار حون اول نهجه نیکور  
 ناسه صوت لاری و اطا هر بولدی لار سنج ایدیلار ای

۲۵۵







وایدی ای شیخ فیتنه موندین زما ده امانت و دیار ان  
 یوت دور و موغام عزیز لار خاطری او چون قبول  
 فیتنه اول ابرو دیم شیخ بو اموال غایتی انا خان لنگه  
 کا فرج ای باب عمارت فیتنه لار و طلبه لار تعین ایل دیل  
 و بولمیش کرامت کیم شیخ دین کور دیل ربه درویش لار  
 و سیه بوش لار غلبه شیخ نیک خدمت لار اید بولدی لار شیخ  
 دین تربیت تاپتی لار و اوز کاشانلوق ایم اول عصر  
 پادشاه و حاجیم لار طلبه دین قاجیب شیخ قدر نیت لار  
 آست لار غایت بولدی لار اول لار حق شیخ قدر بولمیش  
 دیل لار و سیه بولمیش پادشاه لار **شیخ** با شمعین ایم  
 درویش لار کانا غولوف هدا فلیب و سیم عداوت نیت  
 و معارنه مضر من بولدی لار و دیوان لوق کلف لار دین  
 اولنوع طریقه یلور دیل لار ایم هر نیت لار قاسید  
 برطالما غایت لار تا نرسه انای چون درویش لار کاشان  
 ایتیرک شیخ الدی لاری غایت بار بیز با ورس لیک

تیل دی لار حضرت شیخ شفاعت مقامید بولوب پادشاه  
 نصیحت اعجاز مستید لار بولوب دولت با سعادت لار قبول  
 مقامی لار و تقبله اید لار ای شیخ ناکرامت کورس  
 لور سوز و نیت قبول فیتنه سیم سیم نیت شیخ سیم  
 و نه بیرون هدا بولدی لار و لایتمه نیت فیتنه تمام  
 تکفیر و دین جفا و دینک حضرت شیخ غایت بولمیش لار  
 سوزیدن عزیز تا هدا بولدی و اید لار ای سیم جهنم  
 لار لکونیت نیت لار کان نرسه و امتحان و ازمانیت نیت  
 بولوب و زحمت لار اید لار نرسه ناکرامت غایت نیت  
 اوت کاشان متفوت نیت و ورکه اثر لار با کاشان  
 وقت و ابا و ایل لار نیت و ورکه سیم غایت لار نیت  
 و سیم نیت و سیم درویش لار غایت نیت و سیم  
 بولوب اید سیم نیت لار که با نیت لار غایت لار نیت  
 نیت که و انا لار دین نیت نیت لار اول لار اوت  
 لور کاشان لار **شیخ** قبول فیتنه لار پادشاه اید



اوت غه کرکانه بیرنه خواه لاریست حضرت شیخ ایدیلار  
 قم سلسله فی صوازه لاری میزن سوند اوت بافتان کرکاک  
 نیم مقامات لاری منتهی بهراتی دور و منازل لاری نشینند  
 اول ایردیم فرق لاون قناریتوه لارده اوتون کینتور  
 جمع مستبدلار مانغان اوتون لمبیکه اولان  
 شیخ قد صبر بر دیلار ایرسپ **در ویش لاری برله حله**  
 خانه دین جقیق دین بولور **ان هم شری برله**  
 بارودی اتفاقا حضرت شیخ نینک کدر لاری برکت  
 توشیمک لایقندوق ایردی اندا عایبه اطلعه قانون  
 عابده نوزوسن بر ایردی بر صلیح ذاکره خدا ترس  
 جمعی باو حسد ادم اورکاپس ایردی و بر نفسی بذر  
 چهارکاپس ایردی حضرت شیخ قدس سیره الیزنراو  
 بیایسم وقت لاری خدایتیر ایرسپ اول لایق درگاه  
 وستیق تا برکات **الیزن** شیخ غه اوی کا تکلیف نیکه  
 و حاضر حاضر ایردی حضرت شیخ اوسبو طعنا مدین خند

لقمه کورودی و بولونچ اوزلار لیکاسمه ایلاب بولمخه  
 یوز لاندیلار ایرسپ سول لونی قم شایسته غیری لاری  
 رعبان بویرو دیلار که اوت یا قنای لاری اول ایردیم تور  
 طرفین اوت یا قنای **تخت** اوبه کالکم دوریدین هوا  
 تور و نماوی و سهرت تا شیدین نغزلار باوت بار  
 نماوی معاوند و شهم لاری ایدیلارای کویو صلیح اوز و نکیز  
 لاری اوت غه تا غل نیکس لاری و یب لاری اوت نینک کال  
 حاریتین قاجیب اوت تور دیلار اول ایردیم حضرت  
 شیخ در ویش لاری برله حله اور و ب کر غه مشغول بولور  
 میر حیدر زور مستبدلار ایرسپ صحبت لاری بر اعلی  
 و صله ذل و قریبای **در ویش** یور دیلار نیم ای  
 لاری اسل ایلان دین **سج** در ویش اوشبو مجلس حاضر  
 بولمای کوشه دافالدی بولعای ایلور اودین بر در ویش  
 قویو بیایدیم آری یار کند و اور ویش بار وور با سودو  
 ویرلار و شهادت **سج** او غل بار و ویش کال کرده ایران



لار دور لار شایدا اولار غه موقوف بولغای **مهرت**  
**مهرت** بخشای نیک دل ایردیم حضرت شیخ بر دوت  
 قوم اوزرا جفتیبلند اواند برله اول غیبه نزلار نیک  
 این تو توب غره بریت برله محبت لاریم بابا اویدا  
 ایردی لار خوابه فیه حسمه حله خانه دایه کاکریب  
 ایردی لاریم هر اگونیک مولا لار شایدا **مهرت**  
 لار شایدا بر سر ملاقات فیک کیفیت حال نه  
 بر بر لار شایدا لار اتفاق برله عاز صورت  
 بولوب پرواز مستی لار و طرفه العین کجه  
 تم شایدا خه تیر لار لور دیلاریم شیخ حسیه  
 هر طرفه کاکران منتظر دور لار قات قات خه  
 و صورت اسرارید بولوب شیخ الدیلار غه باردی  
 و شیخ خوشحال بولدی لار شایدا مانده لار و دم  
 لوت لار و محبت کرم بولدی **مهرت** قدسی  
 العزیز غه وجه عالی کلبه سوف طیفان مستی ایرد

خوابه محمد فیه کاکریب عبادت برله از برتوف ایملار  
 ای خوابه معراک خوابه ایملار برتوف غه لور غیبه  
 اشک غه درانه چلیک عایش لار دین غه فیکل ایرماسا  
 اینساره لور حضرت فیه محمد سیل لار ایله اویست  
 جاری بولوشه همان کور دیلار که انیمه بولوش اوت  
 کولک سیرب زکرم غه اربولدی اول وقت **مهرت**  
 مجازی به خیار غه یا د فیکل زلار دین اوت غه اوز  
 مدته غایب بولدی لار و ساعتر دین بونک انیه بر طرف دین  
 طاهر اولک لار بوطر فیز کرب بولاک طرف دین حقیقه  
 لاریم دروش لار کوزید اشکارا تورت بول غایان  
 بولدی اوشه اوت کجه لور و بسم یا د اوروب  
 ایملارای دروش لار ایدی شیخ مانع بوق دو  
 هر کیم **مهرت** کاکریب اوز غه بولوب برسون اولاریم  
 دروش لار طایفه جوابت دین اوز لار دین اوت غه  
 تا شلادی لار اول مقد آفیه لاریم ایان لاری خدای



۸۱۰۴  
بولا رظا هر بولدی اوت تمام اوست و صحبت دین فارغ  
بولغان دین فارغ لین در ویش اودین قدر است  
قلیب **در ویش** بولغانیم در ویش لا  
اچلارید احوالته بار ما غدا هر بیره و اوزنکا میوه لای  
هم بولسا یردی تناول قلیق لای تا حیرت قلیق لای  
ایردی شج ایدلار خوش بولغانی اول ایردیم حراجه  
کابش سالد لای و زمانیدین کین بکسلارین کوتا  
بر در ویش کایدلاریم بوقوم یوق غنه کولیس منبره  
وهر رنگ میوه هقارین تا در ویش لای تناول قلیق  
لار در واقع جان باز یوق مستلیدیلار اول ایردیم  
در ویش لار امتقا و تمام برله قوم یوق غنه قدم قویق  
کور دیم بر میوه دین لوده و خربزه ضرور ضرور  
قوم یوق اچس یانین و کونار شکر بایق  
چقیب عزیز لار نظریده قویق ایدیلای عزیز لار  
اگر یوزنک کشتی ب میوه لار دین موصدا لاری

بایق کونار سه ذره نقصان تا بایق اول ایردیم  
جمعیت حواله مستلیدیلار که کر کزیک لار میوه لار حقا و نک  
لار بولاریم کر بایق میوه ای حقیقت لار در ویش  
میوه پاک کاشغول ایردی لار ملکان کشتی بایق  
که لار غنه کولیس که اولار دین هیچ رنری قلیق  
دور بلو ممو اول کشتی ب کوردی که هم لار اولو غنه  
بسلامت دور که تار موی لار خطا تا بایق دور غنه  
فراغت کاشغول دور لار رز و مستلیدیلار کم اول میوه  
لار دین منکام برکای لای بیچک انکا التفات مستلید  
احسن حضرت شج نیک هم لار لایک خبند امل و بر صاف  
اوزوم بر دیلار ایرسا اوز و منریست امل لار دین بر امل  
الیک بر ملکان کوردیم قویق ابر امل باز سور دیم بولان  
قابیل آنه نیک که لار ترکی مونه ایش قلیق لار بولک  
ایر او لار نیک تا موی نقصان تا بایق دور و غنه  
فراغت لاری بار دور کم سیر لار ایشک لصف لار کم



فراغ نیک لار لوتور بادنه یوح اولار غنه مسلم دور اول  
 شکر کاندین بر در ویش چور دیک ای بزرگوار نه حکمت  
 ابر و ششم اول و شکر کاندین بویوه وین بر یکس اوزنی بوی  
 اول سکا جنه کاج ایب بوی **سخت سنج او بزرگوار نیک**  
 مسلک بولماق سول بویه ده دور اول جسته دین رسته  
**سخت سنج** ای ملک موندین کین اول جماعت غنه  
 جرمش غولوت ایما پس کم عین ضرر و آتش جانگاه دور دین  
 ابر و شکر کم اوزک سول کسکو جود و ملک بولماق  
 قوتخانه ایب و نه بولدر با ایلیک تیکور دیک سنج بولیدا  
 اولتور و بولور لار ایدی ای سنج بولونع کرامت  
 لار بول کدالار نه منک ایلمدین ایب جفا ما پس بیان  
 مقرریه بر کرامت بر له سهر افغان قیام غولجه سنج لاری  
 بدجنت اولیا لار کرامت لاری حوت دور کمان قیام  
 نیم سحر کرده ورا کرمونیک بر له انقیاد اولما با فک ظفر کشت  
 بیکان نه انیل اول با دولت ایدر اکر اوزونک نه

اوسبو دریا غنه ناسل سائک غوط بیسائک بول لار سائک  
 اولرمان مسلم لوتوب مرید لار نیک غنه منق عوم دور  
 نرسه برماک کالکلیف هم ایلا کوم دور سنج با لوتوفت اوز  
 لار نیر دریا غنه ناسل ایل راج لوتوب جو کوب حقیقه لار نیک  
 نور دیکم سنج نیک کین لار لیک سولوفت اب دور ضرر دین  
 صدقنا و سلیمان دین انقیاد مستل لار اما کونکلید ایب  
 دو شمر لوتوب **سخت سنج** ولایت لوتور بر لیل لار اول  
 بدجنت نینک لغضت بیلیک ای بدست لار که الی ملک بول  
 بولغای و بر ایدر لولغای و ملک دیوله اکیلور ایدی  
 شکر کاندین ایدر تیر ایدر سه لار لار دین بر ایدر ای  
 ملک و سنج سنینک حقیقکه اوسبو و عان مستل دور کاش  
 نیک سنجاب بولوب غش نیک کاسه است ایل کای جول  
 ملک مونا آتش قویله ایدر کرامت الی سیر هوا غنه مال  
 ایدر الی کول کایت بر کالو سکو نه حق بیور مان  
 بولور اول ایدر دیک الی اظ نینک سهر غنه نیک اظ او



کوب کو تاریب برکا اوردی ابریه ب لغزت قدرته  
 برله بونیر سندی اولدی شول بر د اوقن مستیلا  
 اول کونی درویش لارا اول بدجنت شهیدن حلال  
 بولیدلار **حضرت امام محمد باقر** ارام دل جمع خاطر لوق برله دوست  
 لار تربیتی کا کوشش لادی لار و قیام لوز مرید پرور و پیش  
 مستیلا لار و اوز لاری **حضرت امام محمد باقر**  
 اعد غنه روح لاریدن تربیت تاپیب بر دیلار الهی  
 معلوم بولغا کیم بزرگوار نینک اصل سیم لاری منقو  
 ایردی حجاز لوق اوچون شیخ حجاز و بیست شهرت الیلا  
 و سکیان یل عمر تاپیب ان برنجی سیل وفات تاپتی  
 لار و الله سلم بالصواب و الیه المرجع و المآب **اولاد**  
**اوچون بزرگوار نینک** **حضرت امام محمد باقر**  
 و مدقق سایدن شکره کنای مشکلات سایدن  
 و سایدن حضرت حوایه حسین فضا رجه الله علیه  
 لار و اطوار مقامات لاری ذکر یدامردی ایردی

لار و دوزکار و استغندی اوز عصر یدامردی عالم لار اعلی  
 تجلی لوق علم نرسه سلور ایر و لا و علم باطن و اهرم برکال  
 ایردی لار و لوق اراوت نینک **حضرت امام محمد باقر** برکال و ق ایردی  
**حضرت امام محمد باقر** نینک و ح پرفوت و  
 لاریدن تربیت تاپتی لار و الیو سیمبر علیه الصلو و السلام  
 نینک ظهر لار ید ایردی لار و اول لاری شام سید لار  
 ایردی و لیکن سید لیک برک شهرت لاری لوق ایردی  
 و توغولغان بر لار کاشقیر ایردی اول بزرگوار نینک  
 انا لاری شام دین حقیقات نینک سپر اول ایردی و یکم  
 زاعات لار سیم صفر کجوه ظاهر بولوشق الی اوزلا  
 کا ایدلاری مسلا امدشده بولغا بولکس اندین  
 بهرات بولق حقیق غریب قلم حلال لوق سیدین  
 فلام بولور مزا اول ایردی کیم سیدین حقیق لار حقیق  
 لاری غنه خوشحال بولوب حضرت پروردگار فرست  
 بسیا اوستلیدلار و یوروب هر شهر کاتیر لار و اهرم

۲۹۵



۷۱۰۴  
میل و اکا شفره لیدلار بر سبل کا شفره اگو شنه نشین بر  
ویلار و ایلده ختیار مستیللار بر سبلدین کین بشارت یغ  
نیم ای سبلدین **حضرت الهی علیهم السلام**  
مزار عشق بارگاه کراک اول یردیم میر سلا لبعده اوسفرین  
غرم ایلاب توفیق الهی یاورینک برله حضرت امام عظم  
رحمه الله علیه نیک مزارلار یغ متیب طواف غه مشغول بولر  
لار رسول کوناهن غه اولاندیرلار اول یرداد فن قیلا  
**حضرت خواجه قاسم سید الغیرین** انا یه رحمد اقا لیب دی  
اتا یه وفا یدین کین اوج ایدین بونکر اوهود میدا  
رحمت مارت دینه کون اوتا بایردی انا لار تومید  
توردیم بر برف لیوت اقا یقال لریه طاهر بولر  
خواجه ناه قولیغ الیب بسیار سزه اوقوب یوزک اوم قیل  
حسین فضیلت فوتید و ایدرای سلیم بوزن  
نیک بخش فطرت متعینل دینا و احسن ابر و بونک  
نحت لیبک سبر ووردی عیاب بولر لار ایر

۷۱۰۵  
اهل لاری بولورق دین برحق سجال بولوب ستر شالار  
ایتی لار بخشیت بیت کاتوردی چون حضرت خواجده  
بر باریق لودی لار اول نمریه نیم مبارک سبل لاری  
بولایت لریه ابردی قال الله تعالی قل انا انما بشر مثکم لوجی  
**ای انما اهلکم الله و اهل منی کان یوحوا لقا**  
**سیده فقیه عمل سلا صالجا و لک شریک بعبادته**  
**سیده اهلک و لک شریک لاری اکتب** مایه لار توتون  
ای مکتب ابردی لار و اکتب لاری ان نه ضم ایلاب  
سوادیم جدا میدلار اندین بونکر اسلم تحفیه غه  
مشغول بولوبش سبل درس اومیدلار اندین یین  
درس کا و مدرس کا هیچ مدرس کا هیچ احتیاج لاری  
قالما دی لریه کتف غه مشغول بولدی لار اندین  
یین درس سیدلار اوتوردی بونک اقا غه مشغول  
بولوب بسیار کاردی جفا ردی لار کوندوزن سبل  
مشغول بولوبش لریه لاری غه موسول ابردی لار تا اونه



ای خانم  
 یکم پس مونک بر که کجاست حضرت حسن و ساهل بولاق خه غرض  
 فکد لاریم ای مادره زمان و یکانه دوران نه بولوریم  
 اهل به اختیار فیکه لار شایده که فدا ای لعل فرزند کی کرامت  
 متغای حضرت تنیک قائم مقام بولغای و مدبر ار حیف کم مؤ  
 منفعت لیک عینک تفراق استنداق لغای **حرف اول**  
 سیره العیز اول جماعت لفین به توقف قبول فلیب  
 اهل به اختیار مستبدیل رجون که مغز عالمید معلوم بولور  
 ایردی فرزند عالم کرامت فیکو سیر و فرزند الحال که فدا  
 بولدی لار ایر سیر پس بیلدین بونکر فرزند وجود و فدا  
 فیکد و حب بامند ادرم با عینق قزل حال ابار ارج  
 و خوابه قدیس سیره العیز نر خه اوسبونسر زنده و فو  
 شاد و لوق حاصل بولور و لیلین حب طرفیده که فایده  
 سیره ملول بولدی لار سپور دیلار که ای خوابه خوشحال  
 بیوت نه حببت دین و تیره لیکت سبب دین دور خه  
 خوابه دیلار ای یاران لار خوشحال بیوت اذل حببت

دین دور که حق سبحانه و تعالی اشک فرزند کی کرامت مستبد کم  
 یر لوزی نیک عالم لولعوسر دور و بد حال بیوت اول و فین  
 نیم بات لقیان وفات فیکو سیر و دور و لایق خه به قیاس علم  
 بهره بولمطوسر و راول ایر و نیم لمرات قوید لار بولمطوسر  
 لقب بلادی لار در واقع **حرف اول** سیره العیز و لکاح  
 نوحه بولدی لقصه بزرگوار نیک سیر زنده عزیز لاری علما  
 عصر بولدی و لیکن نتیجه تا پادوی العیز لیک لیکه اوقات  
 مستبد سیر حسن دین غیر نومزاید حقیقه و فایق لولور  
 وای اور نامازی ما خوابه حضرت قدیس سیره العیز نر نیک لوز  
 لار دیدن قطره پاس تا محادی و نفیس لباس لاریب  
 بنه کجه کوندوز اولتور خان یر لار دیدن قویدادی و فو  
 لامادی مراقبه و ایر دیلار سلالین حضرت خوابه نه  
 ملامت مستبد لار عینت شایع عزیز دور که فرزند عالم  
 بارسلول موندانغ ملبس و توراد و کوزیدین قطره  
 باش حصارهای دور و لولعوسر لار که واقع بولمطوسر



کوز و منبر کا جہان قرار کھنڈ بولوب و سیلاب لار متیب سینه  
لار کیا بولور ایردی چون حسلا یق نینک ملا می خمر  
فیس سره العزیزه معلوم بولدی ایر سیدلار که حسلا یق  
سلامت بتدین حتی لار و تعین دور که او شیو جنت دین  
عقوبت کا گرفتار اولغولاری دور لار ابدلارای باران  
طشت کیلور و نیکلار تا اوز جالیم فی روسته یلایین اول  
ایردیم طشت حاضر مستلیدلار حضرت قدسی سیر الیمیز  
مبارک انکشت لارین اغیزلاری غه سالدی لار ایر  
خون بسته اول مقدار روان بولدیم اوج حربه طشت  
لودی اول وقت ایدیلاریم ای باران نه او چون نشه موند  
فرزند کا غذا تو تا پیون دین غذا تو کوم افاطه اوردو غلام  
زیر که عزای طاهره فی لوز یا شی برله دور اولو کاشور  
غدا بتدین اوز کانز سه جال بولمای دور چون که بیلان  
نینک شی جام لار غه الیب کجور دور لار حلقه و کالبدین زار  
دین و تار وینه اولکه هر قطره بایس خدای عزوجل منطانی

برله دریای بولور و میت اول دریاده عرف بولوب دانه  
لیکته تار کجولین بولوب حوت لار نه فرزندیم کار واکور این  
چون حسلا یق او شیو این خواجه دین لور دیلار و بولوسور  
ایشتر لار صدقنا و سلیمان دیدی لار لطفه و قشکه غلبه خدای  
میتب بر طرف بولدی بر کونه خواجه طهارت او پیون بولوسور  
بار دیلار کور دیلار تم فرزند می عزیز نینک بایر لاری  
دین صبر و سید اسیر فلیب تور و لار مؤفی کور و ب  
منادین دود لار اور لادی و عروج سینه لار دین  
اوه دردناک تار سبب مبارک کوز لار دین قطره پیویر کا  
نامدی مژگال یا نینب زنده لار سبب فائز کلبه حسنه  
توجه بولدی لار ظاهر لولادی اگر چه موندین ایکسر بر جانی  
خواه کیلور لور دیلار رب العزت قدرته برله اول نر کور  
نینک روح روان لاری با توقف ظاهر بولور ایردی  
ایتور ایردی حضرت خواجه سهراف لار دین سیره و  
بایدیلار اوز لار لکال ایدیلار ای حسین فضل هیچ پتو



موسی بن کیم ظا هر بولاف خه کور و خاک نیم مانع بولدی او  
 حین دها تلف دین اواز کیدیم نزنه نیکدیت سوراج حقیق  
 ایل این فکرت و صیره خه قالیچیل پردا اولتور و یکم خواهر  
 اولتور ایست تو شلاریدا کوردی لار کیم او غزلان لاری  
 دریا بی پکناره کالتوب و درو جیها لای دور حقیقت  
 خواهر دریا بسیدن مزیا و نسیله لاری غریز من نینم  
 بونه حال دور من زنده لار حشر بر دیل لاری غریز مهر بان  
 انا اول قطره مانیش کیم نینک بارام دا کوزد کینر دین تاسه  
 ایرسه ملاک و چون دریا بی مویج لولکد نیم نینک حبس  
 بتلا دورم مونیگ جاره سپن قیلان کینر خواهر ایدی ای  
 فزنده و لبند منانه بلای کیم جاره سپن و ریسی ای  
 شفق انا او شنبو بلا و فکرت چون طهارت کبری جا  
 کلیل تور کسل و ایکر کعت نماز ادا ایل ارباعا دعا برآوردن  
 نینک کولکد بعض سورده سپن دور فتم متبیب و صوم خه  
 غنیشل غنیل صلاص لبق ایدیس بار دور اول ایرد کیم

حضرت خواهر اولتور دین او نیغای نیت قیاس و محاسن شکر ی کا کور  
 خه ایل غنیشل صلاص نماز دو کانه ادا ایل حضرت سورسپین او فتم  
 او فتم فرزند لاری نینک مرجه روانیغنه با غنیشل متوبه بولدی  
 ایرسه روح حضرت لولکد اوتکان جوالین بیان تفکیر و آیه ابریز  
 انا مفرده سنگا تم خدای تکامل کنبده لاری کجا صحت قلیش که زینهار  
 اولو کالری او چون بنوا مسجون لار اولان مولدانه بلان کوفله  
 منلی سون لار و غنیشل لای القصه ایکی سل موندن بجای حضرت  
 خواهر فرزند لاری سگ فزانی غه صبر فکالهای تمیز تن مشاکر دلا  
 برای غم حضرت ایل بیکه معطره طوفی غه و اول بولدی لار کیندن کون دماضر  
 بنی لار ارسر مصر علی لار شتی لار که ترکستان طریفین و انشندی  
 صص باطن کلد دور و بیلا ز بیت قیلان نوز لولور و بیغی لار  
 مصلحت کور و بیلا ز بیت کالکد بلار ادرین بر و خواهر حفاقت  
 نظری برای فراوی و حسن خلق تبلیغ اسیب و دیکه ای خواهر اصل  
 ایلان نبد و حضرت خواهر و لایق نوری پرله بدیلار که بوشنه بد بد  
 نه شرور ایدیلار ای حاصل اصل عال غنیه پیران دور حضرت خواهر



نامتوخت مستدلار و جابل سو غه نسبت بر دیلار باره  
 خواهر ایدلار تا نکلان بر او شوشه دین کنگان جاغدا بیلو  
 سیم لار اول ایردیکم مهر دین چفته لار و چنبد وقت دین  
 لین حسن لایق بجه فوط واقع بولدی بر بر لار کوشته  
 بدیلار و فانیفته تشنه بولدی لار اول زمان بیلدی لار که اصل  
 ایمان خنبه بر اون ایکان **مهر دین خانبه**  
 حق ایکان الفقه حضرت خواهر قدیس پاره العیتره مک کای  
 لار و طواف غه تو موثق نابتی لار ایر سه طواف اثنا عشر  
 قولایفته اوز کبلیکم ای حسین فضیلتی کنگ و اسلمتک بر لار  
 بسیار سنلایق هلاکت و تبه کای لار و بعضی هلاک بولدی  
 و قالغان هم هلاک بولغوبور و ربات یغیشل خدای تعالی  
 بنده لار نیکول بلادین ضلایق قلیل یوق ایر سه غیبت  
 کالرفقار بولغوبور و رجول خواهر بولعتاب غه اشتیاب  
 لفظ و تلبیس لار ای کرم با لرم اول بند و رکیم من الکما  
 سبب لغایمن و با نمانیم نجات لین سبب بولغای دوم

اوز کبلیکم ای حسین ایما و نیکو فصل ایمان خنبه بر اون  
 دور او سبب دین ضلایق ستمه پتخت مستدلار اول سنلایق  
 خدای بر حق غنبدین صلیق بلا سینه مبتلا بولدی لار و فقا  
 ولت نفیر دین پنجه دور لار و قمره مونا اشتیاب یغیشل  
 تیر لار ایر سه جو نله و کجک بارجه شوشه خواهر ایر گک خواهر  
 اوج کونلوک استقبال لار ایغه کلیل **مهر دین خانبه**  
 ایباغ لار ایغه لیلیک لارین سوز و میلار و ایدیلار  
 ای خواهر پلایین خطا منید و بولوغ غه غم سه خاطر پیر  
 خطور ایلاب و شوشه سبب موناغ بلایه مبتلا بولد و فقا  
 سوز شول ایکان کیم ستمه دیدیکنر و لطف کرم ایلاب  
 لغه همینه چورسایکینر و سلمات لار نیک جفت اوعا فیلک  
 شایکه مستول شرفین تا پلک مشوبل دین حسن لار  
 بولساق کراک **خواهر خانبه** **مهر دین خانبه**  
 ایمان دیدیلار ایر سه دعا بقول بولوب کون دین کونکا  
 ارالاریدار فایت بد بولوب تا اول لفظ فاعده قانونینه



بیرای درویش ز بندار اولیا لارا متجا میندا بولماغای  
سپن و ستمایق تکیین اجماعی سپن و طعنه ایا  
بسوخه تو ماعای سپن اوز و تک بسوخه بولور سپن  
زیر که اولار اوز ایشلاری حقیقین ضرر دار و ور لارا  
بر دین پوز لار و بولاک خواندین لعمه بر لار بر نیم اولار  
جامیدی یقیندی و طعنه سلیین جنو جنینک تکیین تو اولار  
ای درویش لار اولیا لارا حونی خلق حو بوقیفه قییل و قیج  
لار دین ایشیر با قییل چون که اولار قیج دین پاک و در  
لار و لیکن قیج مابولور لار تا مثالی نینک لوز یلک قیج  
تور و نوب حقیق طاهر بولور لار نیم عوام خلق ظاهریه با عوام  
لار و درویش لار باطن بویچه مقصود غنی آلا **القصه**  
رضت بر له معریدین حقیق ز لایت لار یلک لبلا  
ایر سه لورت بل یا نیت تاریت و سس تا ترک قلیب  
کوت نشین بولدی لار نیم هر کچه پیش لوز رکعت نماز اوتا  
نوندوز نیمه روزه لوتار بر دین لار نیم لار اول عصر

نینک ایشمند و اکابر لاری یغیب مل از مت مستلار  
و بر لاری قو بولیدی لار ای خوابه سلم اور کانا کلکیک  
متنا اوز اوجون ایر کاسی و ر اینهمه کیم غذای لغا  
حضر نینک کاکرامت قلیب حقیق نیم حسیلایق نفع آلا  
تفاوت استیفا لار و و ر بوعیز نزل لار نیم داشت  
لاری اول و در که عیایت لار باب رتبه بر اینک اوز اولار  
لار یدانا بیلک لار حقیق نور بولونوس دور زیر که کیم  
اندغ نرسه دور که تا قیامت غنجه نواب کیم ایا کاسی و در  
بر و دم اول وقت بولونوس دور کیم قشیک اور کاسی و در  
یله بروکا قیلم بر سه و کونه ثواب ایشیر فایده دور مقدم لار  
پوز یلک صراف بولکیم جنانجه ایتیب ورنو ایننیت ترتیب  
حصولا و دایم بولما غرض لار نینک متعاقب و در سه  
اولان و در حقیق خوابه بولوسور معقول بولدی ایر سه  
ایه لاری غیر نزل لار خفیه ویدیلار و لیکن مفت غنجه طالع  
قوت و کایمه کاطا قیامت قاطب و راکو موخه تر عیب



فلیکله لار هفته دابر کون اوزوم کار نور قیلای یوق ایز  
 اول هم بولما خوشه دور بزرگوار مودلکار منشا لیلار و  
 هم درسیل ایجا قه پنجشنبه کونسی مقرر مستبدلار ایز  
 بر و افندینر است فلیکله ایدایک بزرگوار و درسیل ایجا  
 چهارشنبه کون پنجشنبه مایه یوم حقیق کون ستر و پنجشنبه  
 اختیار فلیکله ایز میند و جوابه ایدی حکمت اول و  
 مده و ابشارت تیرکیم هر کس و فایده یس هو کرا فرق بکون  
 پنجشنبه در بزرگوار مینر لوان فلیکله سوره یسین  
 اوقوب و صوم غه بنشینلایه صیحه جان و لعل اول نشکا  
 لغایت ایل کونجه علم ایزت فلیکله ای و ماز انکا عهد کرد  
 لیل و و حرام او سبوح جنت دین پنجشنبه در اختیار  
 فلیکله ماطالب علم لار بوطریق لامل کور کوز و بول  
 فلیکله لار و نتیجه لار کولای لار اول ایز و  
 جوابه پنجشنبه و ادرسیل ای لار اوز کون لار و  
 صیحه جان و لعل اینک عبادتینه مشغول یوق فلیکله

لاریفه تیرلار وچ بریم کون فلیکله یوزلار بولون لار و  
 حضرت فواید عالمیان و بر کفیده اوسان **محبت**  
**محبت** **محبت** **محبت** **محبت** **محبت** **محبت** **محبت** **محبت** **محبت** **محبت**  
 مقدس لار دین تربیت نایب لار و شریف سیرت  
 قلب لار دین ایز و لار و لار و لار و لار و لار و لار و  
 لار و لار و لار و لار و لار و لار و لار و لار و لار و  
 اینه و و رافاده و مینا بولین اول ایز و لار و لار و  
 استعدا و مستبدل لار و لار و لار و لار و لار و لار و  
 لار و لار و لار و لار و لار و لار و لار و لار و لار و  
 فلیکله بایب و لار و لار و لار و لار و لار و لار و  
 بوقه لار و لار و لار و لار و لار و لار و لار و لار و  
 نماز و لار و لار و لار و لار و لار و لار و لار و لار و  
 علم و لار و لار و لار و لار و لار و لار و لار و لار و  
 فلیکله ایز و لار و لار و لار و لار و لار و لار و لار و  
 جوان ایز و لار و لار و لار و لار و لار و لار و لار و



حکمت کامله و قدرت شامه سر برده موندان ذات مستلزم  
 افریده قلب سرد کم کونکلت آینه ہے انجان صاف و روشن  
 هیچ زب بوسیدہ ایراس قوت حافظ ہے اندام و قوت  
 ایرد کم انیک طوطا سیدین صرف شکاری اباس برکات  
 اوزونہ نیک رت حصہ سیدین بر حصہ مقدار کچھ دریا  
 ده اوز و زنجیر کتاب یاد الورا یردی وزد صالح دابہ  
 مامند و ریاضت مجاہدہ دابہ قیاس ایردی اول کوکم  
 بزرگوار عدم کیمیدین وجود میدان صخره رخت تارست  
 آفتاب تو تو بول بول یردی بزرگوارانہ ہے جمیدین برکات  
 تو تو شے همان آفتاب صفا مایکچہ سرائی اور تانہ ی  
 بول واقع دین اما ہے اندو مکیں بولکد است یار ان لادین  
 بری کسم طبع تلین جیتی ہوال ملکد کیم ای بزرگوار  
 اندو مکیں سبیر بند و رخت نیک اندو ہنات ثوراد و راز  
 بلکہ خوشحال لیت و قسود رک موندان فرزند خدایتقالا  
 سہل اعطا قلب بزرگوار اید ی آری خوشحال بقا

متور وقت دور اما خوشحال اول وقت وہ خوش و کیم فرزند  
 نیک اتا ہے غنہ بقا شرف ہے بولہ کریم بول فرزند مادہ و عطر  
 و ہر بول بوسیدہ و رافا عمر دین ہدہ مایا غنہ و درما اوز  
 نہ بجا تو ہر دور و فایدہ نتیجہ تور ماکوم دور او شہو جہت  
 دین غنہ لین دور مازیراک آفتاب نیک ابدیت الکابشات  
 دور کیم علم کانس سے بترہ کونکلت لار نکین کو تار و دای  
 اور تانہ الکابشات دور کہ اول کونکوس تالون ایک  
 کالیفہ نیکو ہر بات زوال مایا بوسیدہ و روینہ او کلمہ الہ  
 اختیار نیکو ہر بن برون شکا بول مژدہ قیاس یرد کم موندان  
 فرزند بول بوسیدہ و رکتین بابت کنگو پے دور بول مژدہ غنہ  
 نیک فایہ بول غنہ قیدین بترہ دور مہ اول یرد کیم بزرگوار  
 مہمانے بخش غافل مسئلہ ی دایک مایک شیں و اکتب  
 بردی و تقو زای مکتب ایردی وستان ذلک عام  
 مسئلہ اندین کین کتاب لار غنہ افاق غنہ مقول بول  
 اند کیم مذکور بولدی و بلاغت مرتبہ سہل کاتیر یرد



بر کوفه در سربین فلخ بولغاندین سوکراسر دغدغه  
بولوب تنهاسه کاباردی اتفاقا سیه پادشاه جردی  
توشه غایت حسن کمال و نهایت بهر لطف جمال  
بر قیصر کوردی بوز جان بر له عاشق بولاله ایلاریم  
نیم نینگ قیصریدور و لیکن کونجی لایعشوق اوده تو تاسیب  
تو کوشی کالادی و هیچ کمره کا فلما ریلی و سحر معلوم  
پادشاه نینگ قیصر الکان اوزلیکا ایدری الماع بولوا  
براق کورانا دور کیم پادشاه نینگ قیصر سینگا مینوش  
افاد رکاه الدین نامید بولغولوت ایچا پس دور کیم  
نومید لیق کفردور سبب خدایرله بولفیل و محمد مصطفی  
صلی الله علیه وسلم نینگ وچ پاک لار نیشیغ کیتوب  
قیل و کجه لایق پادشاه نینگ پادشاه سبب سبب  
بهدار لیق برله اوتلار کیل سبب که مقصود و نیک مجال اوست  
اول یردیم حضرت سلطان الاولیاء و تاج الامم  
سبب بغرافان فخر قیصر سبب سبب العزیز است

کایسی لار اول تچه تا صبح غنچه اولومای حق تعالی غنچه  
وزاری صلیه لار نیم کوندوزی روزه لولوب اوج کون  
بولوغ برله ایردی ایردی لار تور کونجی لولوب پادشاه  
نینک قیصر لولوسید اکوردیم حضرت رسول ارم صلی الله علیه  
وسلم جمع صحابه لار برله حاضر بولدی لار بول قیصره خواجه  
حسین فضل نینگ و غنچه خواجه ابو النعمان المعشوق کلام  
قیصر لار علم عطاسی برله سبب دور اول حضرت نینگ نظر لایق  
بر طبع خواجه بار ایردی مبارک قول لاری برله الیب  
قیصر نینگ سینه اوج ساجتر لار و مبارک بادیق قلیب  
دفا تچه اوقوب غنچه بولدی لار برله من احوال قیصر لولوب  
مراغ باندور و لایق و کوردیم خواجه کا مهدا خواجه  
دور رسول ساعت نام سینه کسیر بار دی لار ایریه  
اناسه بونا خیر حاضر بولدی قیصر کبفیت حال غنچه بیان  
قیلدر پادشاه حیران بولوب یردیش قلیق کواک  
ینه ایدری فرزند مکر خواجه نینگ خواجه سبب

۳۷۰



ایشان بار دور کیم بحضرت نکاح حاضر بولوب دور لاری  
 بعد از اول بنده غنیمت شومند ذات شریف عقد نکاح  
 دور لاری زمان بزرگوار زاده در لاری کلکلا کس ایبار  
 ایر به استانه دین پادشاه جرمک حاضر لاری لاری واکا بر لاری  
 انید اب مفر لاری دین فتوی طلبیدی لاری کیم سریت مصطفی  
 و آنجور که اگر تو شایر و بزرگ **حضرت رسول اکرم**  
 اهد علیه وسلم نکاح قبله رسول عقد بر لاری تا مجور غایا بولوب  
 یا بولوب بعضه لاری بولوب ویر لاری چون که بحضرت قبله لاری  
 ضلوف بولوب خوشبخت و بعضه ای لاری تا مجور مات جان لاری  
 دور زیر که سریت قاعده هر ظاهر دور اخو بار بولوب  
 لاری مولک معتر متبید لاری که نیکبخت دین نکاح ایل لاری  
 اول دور اول ایر و کیم تجدید نکاح متبید لاری و قنینه  
 خواب بولوب فتوح المعرف تا مجور دیر لاری و ارجیل که خدا بولوب  
 قبله لاری لاری اسبوت یاد اطاف و طیفه ترک تا دی لاری  
 بر کو تا لاری الیدیا اولتور و بولوب و طیفه لاری نیک

نصفین یاد الیب ایردی لاری پادشاه قنینه کس کس کیم  
 پادشاه غنیمت نکاح و طیفه دور خواب زاده در لاری  
 دور که همراه طیفه حضرت بزرگوار ایردی لاری که نیک و طیفه  
 بار دور تمام قبله خوشبخت بار لاری و دور دور و دور  
 قبله لاری خواب زاده غنیمت کس کس کیم کس کس لاری  
 رخصه غنیمت کتاب غنیمت حبیب کس لاری و کس کس لاری  
 حضرت خواب غنیمت ماضی کس لاری لاری المعرف کس کس  
 بزرگوار نیک و کس کس لاری لاری بزرگ زاده  
 علم عطای اطوین قانما غنیمت بولوب لاری قنینه لاری  
 دین تا ضریع کس کس لاری لاری حسیب فضل خواب  
 نیک لاری و چون دور اما معلوم بولوب لاری خواب زاده  
 حضرت امام متقیین و سید المله والدین **حضرت امام**  
**معلم** علیه نیک و کس کس لاری بر فتوح لاری  
 تربیت میلور ایردی و شیش علیه اسلام نیک  
 طهر لاری ایردی واحد علم یا الصواب



**در بیان فضیلت** **عنده** حاصل اهد و عابد ملک محمد و پی  
 رو سرع احمد غنی حضرت خواجہ فقیہ محمد قدس سرہ  
 الغیر و اوصاف لاری لغوی تقریری احوال لاری  
 و احوال لاری تفسیر ذکر یکم مردی ای روی قوی  
 حال مسیح احوال و نکو صفات و جذوب لاصل یعنی  
 جذوب و بارزاد تا اول انکیش غنچه جذوب ای روی  
 اذین چونکر اسلوک یولیفه کردی اول کو تکم خواجہ  
 تو غولدی جمعه کونه نماز جمعه قسری بر د اذان اول  
 او قولی بر دیکه انا ہے رحیمیدین بر کالوشته ابر  
 او سبواتیت اوقید سقال الله ببارک و تعالی یا الہ  
 امنوا اذا نودی للصلاة من یوم جمعة فاجعلوا ذکرا  
 تعالی و ذر و البسع و الیکم فیرکم ان کنتم تعلمون بنبیة  
 الله تعالی ای مؤمنان لاری قسری که ندا قبل یعنی اذان  
 جمعه کونه نماز و قوام و چون بسی جمعه است با  
 لاری و جلدی و غیر نماز و بودا سپاسی و ذکر و

و سپهر لاری نماز و سے قیام نکینر لاری و در اگر بود  
 بوب نکینر لاری بوسیدہ قاطعاً یتم فقط لاری و  
 واقع بوب و در که ایت کریمه نیک معنوی و نماز جمعه  
 بهر مقام نیک و واجب نیست بودا سپاسی نیک و  
 بولایت و ایت ذان معتبر دور **در بیان فضیلت**  
 امام بنیر کا حقان وقت و کال از ان اعتبار فلیک و  
 وین ابن زیاد اولی ان ان معتبر بلیک و لاری  
 مناره اوزره او قوغای لاری و لاری نیک و لیل  
 رجبت لاری بار و و بولکنا بذا ذکر مقام و محال  
 دور اما حسن ابن زیاد نیک و لکان قول لاری در  
 راق دور **در بیان فضیلت** بزرگوار نیک و لاری بوجہت  
 بهر خوشحال بولدی و خیر فلیک کریم و دیر که الحمد  
 مدد سوده و ششیدن موداع و نه و جو و نه  
 تلکیم اول حاله او و بولوع کرامت ظاهر بولدی و  
 ہی سبحانه و تعالی نیک بولید ان و نه و سرفزون



صدقه لار او تکار دی و چرخ فطرت میدی و قتر که قتر  
بر پیش فرودی ابر سه همه غریب این الیکر سبک کتلی غنای  
او شویات ثریه جاکر بولدی او عوار یکم تفرغ و خیفه این  
به همیشه است به اهد ربه دیر ابردی و موندین او را  
هوز سترخ لول تا جادی هر نوع کرامت لار ظاهر بولون  
الهی و باباچه قورقار ابردیلم بو فرزند مشکا و فاطمه  
عوبه دور زیر که ولیدین هر وقت که کرامت ظاهر بول  
عمر نیه نقصان بولورینه ابردی سوده جز نزنه نک  
خجند و دور و جذوب لار نه صحت سجانه و لغا امانه  
لوتار او سبوح جنت دین عمر سترخ اعظم و صلوات بولور  
دیب جافطه غنای سترخ اتمای کور کوزدی ابر سه  
تا اون یاسق فرودی لار ابر سه جذبه لاری سکن  
تا بچی بالکلیه جذبه دین ضامن بولدیلار او نونان  
اب طعم ایدیلار تا بوقت که مکر و طعم یکس و سو  
ابجاس هوز لاماس ابر دیلار یکم ابجاس لازم

کین بیلدیلار که جذبه زایل بولدی اول بر دیکم انا لار  
خوشحال بولوب کسب بولدیلار و اندک فرصت و علم ظاهر  
و علم باطن و اسیس لارین تمام مقلد لار بر کونیه  
شعال دین زباده طعم یادیلار اول هم التوجه و مبدی  
دین بولوب بر کونیه انا لاری سوز دیلار یکم ای غیر فرم  
عنه ان موخه از یکا میندین دور ایدیلار ای پدر ایک  
دین دور بر اید لکه طمانک سبب لیک و راول حبت  
دین اشینک ترقه دالو طای دور اگر سبب ستر طعم  
طعم به اقلیت ایل پاک ببال لار سبب سترخ  
میلور لار یکم اول که نفسی ماره شکستن در یافت  
وزر شین خواه لار من زیر که خداوند بارک و تعالی  
یکم ابجاس که اولیقولاماف او چون پرا غایت در بلکه  
اوزین تا نونان و بر شین عبادت صیقا او چون  
دینا غنای بار دین رای در ویش لار سوز دیلار و شک  
ربافت کاکو شین مقلد و اب طعمی اندازنه دیکم



در دنیا بکین کجا کیل کم میات که آما و صد فنا کو بند و را  
خلق از اسید اشرف از اولوب رو سپا او غافل صحت  
نقاع یا ویدا بولیفیل و ویداریدین محرم بول غافل  
جیان لار ضرور که بول غافل بابا لیفلادی و فرزند ایلاب  
میجه لار تار تار واید لارای فرزند عجب خیر و درین  
قیم خدا لعل منکا بریب و ویدیه تر و درین کم منکا گرا  
قلیب و ریکه هر سر سینه بنجول ایلایم شبیه سیر طعم  
بهد بولوغه و سید راه بولغانی بزرگوار ایدیل لاری پدر  
اگر خواه لاسانک کم صحت املد لکای سپن که انیکه ایچ  
کست نیک صغر بولغانی زنیل تا قوما و نه انیا رتینک  
**موسی علیه السلام** با وجود و بنجر لکای برده و نه انیا  
منید لار چون که انیکه ایچ هر ب نیک صغر بولوغه و دو  
اول ایدیم بابا فضل و سده تا قوما و نه انیا رتینک  
و بقان صیق نه ترک ایلادیل لار هر کون اول سبد  
کوقوب داوی لار غن بولاب کنت لار کا ایلار و

ایردیل

ایردیلار و سلا یق بابا نیکای لار ایلخان و حکمک نیک  
بخش بلیب سبد لار نه او جاسیدین الیب بها سنی  
جاسید با لیب یاسر و رایدیلار خشت و کیکو لار  
اول وقت حوا جه مسل تمام برده لغته نه تا ول فیلور ایدیل  
توزین کولکا بابا نیکای لاری تر قید بولدی تا نه  
ابدال لار ایدیل اول تا بیتی لار لغت حال بعین مجاهد  
بسنج بولوب فرزند لاری تر بتر میاید بولدی لار ایدیل  
فرزند لار نیر حجتیانه و لغات باطن حضرت موسی علیه السلام  
تر بیت لاری برده سیر ظاهر تر سیدین بچا بت برایتیب  
ایردی اما یاشی لاری جلیک لیکه دین اما لاری تر بیتی  
کا مشغول بولدی لار **عقود** بلافیت مرتبه سیکای  
لار تکالیف شرعی فرض بولدی ایدیل عزلت کونه فیا  
ایلاب کچه لار ایدیل و کوند و زرد و نه دار بولوب طبع  
نشین بولدی لار هر واقع و حکمتر ایدیل لار هر صفت دا  
**حضرت موسی علیه السلام** دین اصلاح طلب مستیور



ایردی لار و اصلاح دین کین حکمت لاریکاسمدت  
 برور ایردی لار و حکمت اتور وقت دایچو دلو بولوب  
 لوقه امبارک کین لاریکاسمدت لور ایردی اول حجت دین  
 غلط کا و یا جازعه حمل قیاس ایردی لار و قیاس لار  
 ایردی زینر که رکن العینیه رکن اول بزرگو از ظاهر بولوب  
 دور برتیه حکمت لاری بریکایست رت و معنی خدایت  
 قیاس و ایردی جازعه ایردی لار حکمت یراق یردن  
 اوغیر و اش کاتو شارکیله منیر مرلار و او بایلو لول  
 او ناکید منیر لوقه حکمت انکایست رت دور که اول وقت که  
 حضرت شیخ جازعه جادو عظیم پیش کید یعنی ظالم لار ظلم دین  
 اوت بلایه کفر و کفر بولدی لار و بابا برله ضوایه فیه  
 محمد دین استیانت یا ورکیکیت لار و ایردی رت غار صو  
 بولوب بر داز لور کوز دیر لار اندیک اولن لور رت  
 تو بنحیض لار و ذکر قیاس و لوقه حکمت و سوخت قیاس  
 غرض او که حضرت ضوایه فیه محمد جادو و واقع بولما خوچه

حکمت ایتماس ایردی لار و حکمت هوز لاریت پنهان  
 تو مار ایردی لار و **کوتی** منصور مجازت افعه سید  
 یانه لار ایردی لار و دربارت بر مرتبه اوله اولن لار  
 اندین هونکرا قوتکوت بولیات تا فخری بار دیر لار و مخفی  
 قالمایم قیاس و رت و بولیات یقه دیب است راک  
 زابان و اتور لار و ضوایه فیه لاریکاسمدت لار و غذا  
 قمار غنی ایردی لار و قوتکوت بولیات تا غذا  
 کاروان بولدی و لیت فیکه او کیکه کلشیش لاریک  
 و بولیت فنا ذات مرتبه سیکایست رت دور یعنی  
 ضوایه فیه او شیو تا غذا فنا ذات میس لاریک  
 شول یرد اوله اولن لار و اندین کین بولما صو  
 مشق بولدی لار و اندین هونکرا است رت بولدی و  
 نیت کیم ای فیه محمد ای سیکایست رت بولما و کرا  
 دور ما انکسرتیل پنه کورما کای ضوایه ایردی  
 عار و بار بولور او از کید کم مان عاری خدای



واند اقرار الیقین اول ایرد یکم بزرگوار عارفا مامر کما باریب  
 و در الدیل اول و کلمه ی حق دین اوز و لوپ همیشه حق  
 لغای عبادت مستلزم است که یکم اول لاری کور هادی  
 و بر لارین اشتیادی اما بعضی آثار و عملیات دین بعضی  
 ریاضت شیده کمر به لایه است لاری حق ضوایه شول  
 شول عار و ابوبه کراکت یسند قالمای یکم آثار عملیات  
 لاری اول ایرد یکم اول زمان حضرت ضوایه شول غلام  
 سبک بولید لاری سبک کتنه جراح با قادی جرح  
 فویش کالک و لاری بزرگوار شیک کرامات لاری  
 ایردی او شیو حجت دین اول غلغله جراح یقین مقام  
 اندیل لاری این که بزرگوار اندا انشوده بولغا بلار  
 ایاس بلکه قرارگاه لاری دوعلم هذا القیاس صندان  
 بودا بولوغ قرار الدیل لاری سبک کتنه ضلایق استا  
 اعتقاد با عملاب نیاز مند لاری بار دور و بولوا اول  
 بر کوار شیک لایت کرامت لاری قوت و ایکی سیل

تمام بولغا دین کین بر کون اول تور و ایردی لاری کیم قولان  
 لاریغه اوز کلدی ای فقیه محمد تا که غلوت داخه سول لاری  
 ایکی مصالح شیک انیکد اوز حق جمیع است بولغا سبک  
 و ضای لغای شیک بنده لاری یکا فیض نیکو کای سبک  
 هر دین و حکمت استغای سبک و حکمت بر لاری  
 فتغای سبک تا و فتنیکدین بونکر افدای لغای  
 شیک بنده لاری متبرک نفیس کدین بهره مند بولغا  
 لاری اول ایرد یکم حضرت بزرگوار عارفا مامر دین حقیق  
 اوز منزل لاری اقرار الدیل لاری حق لغای غلغله  
 قلب تربیت کور کوز دیل لاری با بولغا شیک اویات  
 بولغا بلای دین لاری اول ایکی حق سبک ارا سبک ایزل  
 بولغا ایکی سبک لاری هر کون ربع سبک و سبک  
 لاری اول بزرگوار شیک منزل لاری یکا قلب صحبت لاری  
 ایردی لاری بولغا منزل کاشغره لاری مقدر فیلان شیک  
 یتیم بولغا مقام شیک بر دین لاری درویش سبک که اسل



طریقت عرفان اول مقام اول پر دین عبارت دور که  
حالم تا هر صبح لاری همه و یا تو لاری اندام خیر بولوب  
محبت تو به لاری روزگار واقع لاری دین هر بر به لاری  
صادق لاری مقرر می لاری او شجاعت دین اول کینت  
جمع ات تو بولادی مجتهد کونین کینت اخلاط عامه مطلق  
بر له خنک خنک بیست و بولادی بر کون او لور و لاری  
هم دروش اسکندر کریم سلیم مقلدی و ایدی ای نری  
ه لاری منکم دینا مانکی سپه قلای حرا خوا به ایدی لا  
محمد دین ایدی پس مستور ستمو ایدی اری خوا به ایدی لاری  
ایکری کیلیک دروش خوا به الدیفه کیلیک ب نیری بر له  
اولور دی ایر به حضرت خوا به کیلیک اک مستطیع  
جاطیق دایره مارا لاری و ایدی لاری دایره کافرا عین  
دروش ایدی نری کوار حرا کم کار دروش دور حرا  
مویچ بولادی کوا کما موندین ازرا قد اول کور  
سات نکا و زوا کاز و حرا مین و موندیم بلیب

دور که اول کمان اولیا لاری دینا تیرتاغ لاری و ایدی لاری  
لاری و ایدی کور سپه بیتی لاری و موم حضرت نکا سول اولیا لاری  
نیکلخ اعتقاد قلیب ایدیم سببت و که موندان سیر کردن  
ایر سببت خوا به ایدی لاری دروش اگر موندان سببت  
خواه لاری نیکلخ قتل مین اول پر دیم جلیک نکست تیر نغیا  
لور سپه لاری اول وقت دروش صدقه و سببت و سببت خوا به  
لاری و ایدی ارادت قلیکای **حضرت** قبول قتل و ایدی لاری  
و ایدی لاری دروش اگر خوا به لاری سببت سببت سببت  
لیک لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
لیک لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
طایفه سببت سببت سببت سببت سببت سببت سببت سببت  
هر زمان مجلس لاری و ایدی لاری لاری لاری لاری لاری  
بهر علیهم السلام اینه حضرت صبر نیل علیهم السلام و هر کلتور  
دور واقع لاری دین خبر سببت دور سببت لاری حضرت صبر نیل  
علیه السلام سببت سببت سببت سببت سببت سببت سببت سببت



فایکوروپ و رلار اولار دین کین جفتیانه و لعل بعضی  
بیده سیکاهایلیق و به سبن کرامت قلیق و رلار اصل الیا  
الکلا و اصل بولوب مقصود اری نه تیق و رلار ای یارکن  
بوکنی حق لعل جبرئیل نیکیلیق پیرلار کا ایبار و دور  
هوز سنی دولت پیرلار و فیضان و دیا و خیر سعادت  
سنانا بولنای که خدای لعلانیرلار نه سعادت مند لاری  
قلنای اوکیو جهت دین بود روس نه بسترل مواج  
اما دی ناره الال اصل ابره محمد الرحمن و و را و سبو و تقادی  
جیندین بات یقین ابره تمام بولدی الحاصل حضرت  
خواجه بزرگوار الیک پیش سل عمر کوردیلار بر و رویش  
که لینه تیکور و رلار و ابره هم باعث قطب ابردی لار  
بر دقیقه او توپ ابره هم فوت بونیدلار و فوات لاری  
هین بر و رویش کوشید اکور دی ابره سور و یلم  
ای خواه خدای لعلانیرلار که فیتلای ابره لار  
ای و ویش سلکلیل که ملک بر ملک ایتب ابره هم

اوچون حج عمره نواپن کرامت فیتلای حشر بر ابره  
حضرت **صلی الله علیه و سلم** ایت لاری دین بر نیش  
دور خدین سلام لاری ای و روس خدای لعلانیرلار  
الغیرلای بر نیم فیتلای لاری دین یا و ابره لاری کین  
دیب عایب بولله بلار و الله اسلام بالصلوب **اوچون**  
**شیخ** مکنام و نادره ایم و مقوی دین  
اسلام سخیل اقوام و پسر فرخنده فرغام و غیب ایتلار  
علام اثنی حضرت فواید کام فیس الله و درجه الله  
و بر کات احوال لاری و کور ابره و دی کامل  
و مکمل و کاشف ابره ابره و فاضل بر و دکار و سلم لای  
دایکانه و هر قطب ابردی اما ابره نهد و دین ابردی کین  
لیکله انا انا سیدین ابره یقین فیتلای سیدین لاری  
بولوب ابره لیک طریقه بر لای بلخ سید کاشفته و بلخ  
ایسر فیتلای کمره کا ایک سیل فیتلای فیتلای  
فیتلای سبو مکر اما لای طرفین جمع کار و ان بلخ فیتلای



باردی لار خوا به اول کمره فذ مبد اکوردی و کاروان  
فلقیدن برکم ان خوا به ابو بکر ابدی کوردی که باقی جلیله و  
اعا مقبول طبع لیکدن طالع ابر کاس دور الفاعله جمل ابدی  
ایرسل اول عمره میری لوتاراق مهابرسانک براین پیش  
یوز روینه کاساته خوا به ابو بکر طوبی رغبت بر لادی  
اول لوتار بزرگوار خوا به ابو بکر منک اوی کاکید لار روزگار  
لار برکت تابقی و عفا و باخل با رجه اموال نه بسیار  
الاب صرف خاذن بردی و خوا به ابو بکر بریل بلخ و ابا  
لوتردی اندرین کین اوز جایی خذ کیددی و اندام جمع ملک  
تفویض ابدی ایر به مقبول قیامدی لار و ایدیل لوتار خوا به  
من کجیک و درم و اشینک منط و سهرجام قیلا لاکم ایدین  
مهرات یوق دور کم من اوز مرتجد ابوسم و سبت  
منعینک ابوسم منک منکانه صد بولغای که روزگار نیک ایسی  
لارین کردن کالغای من خوا به ابو بکر ایسی  
کام اگر هم اسمندر کونیک کالسانک ام بردابر ایسم

بونیوک

بونیوک فذ الفیل بزرگوار ابدی لار خوش بولغای  
قوی باغاق فذ مقبول قیلا این خوا به ابدی لاری کلام  
سپندین جیف کور از منک قوی بولغای سپین بزرگوار  
ایدیل لاری خوا به اگر خوا به لاسانک کم دنیا یوق مالینک  
مهره نابغای سپین و فراغت کور کای سپین من قوی  
فلقیدن لار خوا به قوی بولغای ایر بزرگوار کوندو  
قوی باقی کجه لار حقیقتی و لغای فذ مقبول ابدی لار  
الوجه مبارک من لاری بوز کاجاری و سلام ایا کس ایر  
با وجود من لاری قل من کسمه هم بقدر حال بنده لیک کا  
مقبول ابدی لار بر خطه خال ایر کس ایر دیل ایر کون قوی  
لار نیک رفا بسید الو رور ایردی لار کور دیل لار کم برا  
قدس بر پری مبد ابولدی و یا و ق کیلیت ای بنده  
چمن نیک بنده سرور سپین ایدیل خوا به ابوسم  
بنده سپه پور دیک سپندین بولاک بنده بسیار مودیل  
اری نیه بر بنده برهم بار و و رای بنده فذ ایلکیل



بر خواجه غدا یک بنده بولماق چای نزد و بر بنده کام یک خواج  
 رواد و در هر یک بنیک فذ متروا بولغانی بزرگوار اید  
 لاری پر خجسته پور سپن بعد ر حال بجا کیلتور و در هر امان  
 هند و دین تر و در هر تیلیم پوز کا جاد و سلام زیر ماسپن  
 او شجوه دین بسیار المانک و در هر که بخون بولور لیکن  
 اول بر ایدر هر نوع ایلو پس هم خدمت عیالی کوک صد  
 لقمان الطیف و در لطف محمد بر لیتول ملک کر اک بزرگوار  
 ایدر و پذیر تحفیه سپر لقمان فدا او چون بنده  
 نیم عبادت کا لازم تر پ لار دین بعضی نسا اور کا بنیک  
 تا تو انی استیک بولغانی سپن بر ایدی ای بنده این  
 عاجز لوق و بنده لیک بر که بنیک مو بجه بنیک لول  
 تر و در هر نسا نه او چون بنیت بولماق سون کم عبادت  
 مسکن سپن تعلیم بر کان جنت دین طاعتنک فیه سر یک  
 بولیم اول ایدر و کلیم طیب کلیم سعادت ایمان حمله  
 و ایمان مفصل معای قنوت و ایهیات اوز کا غار ادا

لاری نه اور کا تا و ایدی تا نکلام او شجوه ایدر حاضر لوق  
 و در هر یک کیلتور و لقمان سینه لار نه تعلیم بر کان دین سون  
 ایدر لاری کام بولماق کولت کولت کولت کولت کولت کولت  
 رویش و ایلو بولوب جوت لقمان عباد و متد ایلو لوق اول ایدر و در هر  
 عبادت کا اندر غ مستول بولور لار نیم کون و وزی قوی لار نیم  
 ارقا سید ایدر لار لقمان بنیک لاری غه مستول ایدر و در هر  
 تا کون و وزی عبادت و ایش نه لارین بر کا پور تا ایدر  
 و همیشه ایدر مبودی دیر ایدر لاری بولور و دین اوز کا  
 روزانه لاری بولور ایدر و در هر کون و لار نیم کولت قاسید  
 یور و بولور و شجوه و کون و ایدر ایدر لاری کور و در هر یک  
 اوز را جاتوری او تور و بولور و ایدر و در هر که اگر کام  
 لا اله الا الله ذکر نه مداومت ملقب بابت مقصود در هر  
 یک کور و در هر حقن خواج نه اشتیاق و لاری لاری ایدر لاری  
 بنده بولور و در هر یک شجوه و در هر یک و در هر یک و در هر یک  
 انیک پوز یکا عمل قیلیل اول ایدر و در هر که لا اله الا الله ذکر



مستول بولدار و مونغه دست متیب کیرمسیل یا صنت  
تارم لار بر قوت کلمات تو پید اولتور و بوزایش لاریفه  
مقتدر ایدیلار نیت سول جالوز مبد بولدی و بزرگوار تو پید  
اولتور خان ملک و وزیر اولتور و بیدی نه خوش و نعمت  
دور اول بنده کم بصر و قشقه شاد و یوسف حاصل بولدی ایر  
اوز لاریکا ایدلار ای سادکم مکر بود دولت سبک یوز کیت  
نیم او سبک سبک بزرگ بولمورده نیکو رو و بیدار و ابرو  
یراقین کیم بید بولدی و بزرگوار طریقه سبک بول  
یا و قشقه سبک کوردی لاریکم آت بقال یوز ایش و قشقه  
تو کل لاریکا ایدلار که حالوز ایتقان او سبک و قشقه  
تو بول یا غلاری غلاری لاریکه بای لاری غلاری  
سور تو بکیم یه افان قشقه سبک لاریمین دیدلار  
حزین قشقه سبک لاریکا ای سادکم تو بقل کیت  
حاصل بولدی و مراد نیک غلاری نیک غلاری  
شادکا مبارک غلاری غلاری غلاری غلاری

سالدی لار و ایدلار ای سادکم مکر بولمورده کیم اولیا زمان  
اکابر لاری مجله سبک بولدی مکر بولمورده کیم خواج غازی  
خدمت قشقه سبک لاری سبک بولدی سبک بولدی سبک بولدی  
خواج حقیق قشقه سبک اولان لاری سبک بولدی لاری  
بنده خاص لاری و بصر بادشاه لم نیر بولدی دولت عظیم غلاری  
خواج قشقه سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک  
و یا خست بر مالک بولدی و بزرگوار بولدی لاری  
مکر بولدی خواج غازی خدمت قشقه سبک بولدی سبک بولدی  
دی لاری خواج بولدی سبک سبک سبک سبک سبک سبک  
ایر بولدی ای سادکم بزرگوار بولدی سبک بولدی  
ای سبک بولدی لاری خواج سبک بولدی سبک بولدی  
رو بولدی سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک  
دار و مراد سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک  
کلیا سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک  
کیم بولدی و مراد سبک سبک سبک سبک سبک سبک



تین سیک سپارسی قلم اگر ترک بوبم تا کی کو بول  
 حال بدن ضرور بوب سگ از خدای تعالی تو فیض بر لیس  
 قلیب بنم بنی از اد قیل این بزرگوار اید لاری خواجه  
 مرند و ضعیف تولید نه کیلور و فور کار نکند هذا با  
 عینل که نلند اردور و منق است خدمت جلی قمر تو  
 تو قلیب بولیشک غم منت دارد و در زیر که فرغ است  
 نیت قلیب بن نه او چون سبک اسل علی لک فذین  
 بان برله بول قلیب این اول ایدوی که خواجه بوبری که  
 درن الایب غیر خیار سبک لاری و غیر مانع لاری جندین ایکه  
 یل یولدا قالی آیدین بوبکر اچ دولتی کاشری بولدی  
 و طوافین فارغ بولوب قریب بقا کو شیدین لکان جند  
 سبن الید اقویوب و لتور و بیریوی ناکه حاکم لاری  
 خدمت کار است و کمر کوردی و عجب قلم بوبکشی سادکم غم  
 اوفت اید و رویند ایدی انکانه قوت بولغا یک موند اکلا  
 او سبک مال برله محقر بوب ز حصه سبک لاری اید  
 قوی

قوی نیک الو سبک اید بزرگوار الیبت سب بولدی لاری  
 ایدین لکین خواجه بوبکر بر خند اید و سقا بادی و حج وین  
 یا نیت بر سیل یولدا قالیبت بن بوبکر اوز و طسکا کلبدی  
**الفصل** بوبکر قلیب سبک سبک لاری بوبکر اوز و طسکا کلبدی  
 اید و یک بزرگوار سادکم بر خند اید و سقا بادی و حج وین  
 سبالدی لاری اوز لاری بوبکر اوز و طسکا کلبدی  
 عید غم غم باریخی لاری بوبکر اوز و طسکا کلبدی  
 ایدین حصیبت لاری بوبکر اوز و طسکا کلبدی  
 کایتی لاری و طواف قلیب غم نیت حصه سبک لاری  
 سبن وقت و اول کاکلبدی لاری و اول کو کشت نه کیلور و  
 بوبکر نیک لید اقویوب لاری بوبکر اوز و طسکا کلبدی  
 نوشک آشادی لاری قاسم ایدوی لاری لکشی همان  
 سبور و یک سادکم قاید و و ربه اید لاری قوی بقا دور  
 ایدی ایچ وقت و غایب بولدی بوبکر اوز و طسکا کلبدی  
 قوت با قالی اوز و رویند ایدی قوی بوبکر اوز و طسکا کلبدی



تیلادی درخت بر دیم تول کونه غازی پشون غنچه غایب  
 ایردی نماز پشون داینه حاضر لودی بهور و یکم هیچ نرسه  
 لیتور دیمو مالونه ایردی بهور اوکوست کیلتور دی خواجه  
 اید او سنجو اننی بنه میل نکینر لار ایردی فلان کونه اقبول  
 ایرد دیک فخر اقبال قبولیه پستجو انسر حاضر ایرادی خواجه ابو  
 بکر دیک با لوفکم که قوی نیک الوسته دور در دفتان  
 بر لاهی تارته ایردی ای ابو بکر ای نه مکم قلیب در پشون  
 منزل مراحل طریقا قدین اوزر کا هیچ ایس قلیما پشون فالونه  
 مونه اشیتب ایردی ای خواجه بونه هوزایردی که دینک شاکا  
 نه ایس قلیب ای ببا قربان کونه حج و ایردیم که شادکا  
 نه جبر لار نیک اسید اکوروم له پوزید ورتنودیم افا  
 عظم باور قلیماوی اول دور که او ترا سید بولهای سوچه  
 لیک برله اوز حصم نه بر دیم نیم قوی دالو پسر ایردی وکه  
 قوی نینک شانه سیر اول دور که او ترا سید شوق باردو  
 اما نشانه هر دیم فخر اقبال قوی و بزرگوار نیک ازلار که

سوزمان سیتی ایرسه ایانغ لاری غنچه یقینلیدی و نلایه  
 ایردی ای بزرگوار ایر پشون الکاک پشون محال و مرسه پشون  
 غافل بونوبت شکا معلوم بولدی و منی مندور کو قیسل و نلایه  
 غنچه غنچه و قلیما غنچه شکا غنچه بخیل ایس لایس و مندن نشوند  
 رخصت بولینل نیم بنه ازاد میلیم داووز و منی قیل و غنچه  
 درکار ایرلایم بزرگوار ایردی لاری خواجه پشکانه بولدی کم بول  
 هوز لار نه ایر پشون خواجه ایردی بزرگوار ایردی لاری خواجه  
 مودین اوزر که نه بولینیم پشکا ولایت لرامت مرتبه سه  
 میر الکاک و مندا خیر لوق اولکان ییله قربان کونه حج کا  
 بار عا مندا شکا معلوم بولدی بزرگوار ایردی لاری قایدانغ معلوم  
 قلیب نیک خواجه واقع نه بیان قلیب ایرسه ایردی لاری خواجه  
 مودینک سبب جبر طاهر تر و دیم محرمه ایکم سیرل خواجه  
 غنچه معینه تقیر قلیما سا خواجه درکار بهدا الکا قریبی بولماق  
 لازم و ورو اولوز سیرل دور که هر زمان خواجه حقیقه یادیدین  
 غافل بولما دیم خواجه مجازی غنچه سیدین هم قانا ایرکاسل بر دیم



منای کرم و رحم دور که بنج واکور کان فقیر نیک نای  
 بولنی بولنده جیانه خود اول مرتبه یون دور کیم بر لونه  
 حج و بارب کیلکای خوابایدی ای بزرگوار منیدین نیم پانو  
 سبن کم من خود حقیقت کار دین ضرر دار بولدوم و فاش نم  
 یلما غوم دور بزرگوار ایدلارای خواب فاش قیلن نیک و  
 ایما کیم نیم حال افا لونه نیک اید نیک خوابه قدر مقامید اولو  
 تقیرن مجور ماک نیشلادی بزرگوار ایدلارای خوابه حرا  
 بنده دور مهر و بنده کانه دور که خوابه دور تقیرن سیکاکا  
 و موند ب تقیرن مجور و ب جیل بیت سیکادی لار رسول بزا  
 بر برلاری خسته برله جدا بولونسته لار و خوابه بولونسته  
 ایدری خدا نینک غیر نکرده به بجهیل بیت مونس یق و طعام  
 حق در میان دور سیر لونه نمل برله منی موند اضایع قویوب  
 بار و سبن و منی هم هم فکسل تا هریر کا بارب تک قد مندا  
 بولایین دیب مرلار بجهیل لول خه کردی بزرگوار ایدلارای  
 خوابه سبنکا متعلقات کوبد و رومو بجهیل لول برله هم لول

سبن خوابه ایدی ای بزرگوار ملکایم لعلی خاطر قالمای و  
 بر تقدیر بولوب هم حضرت نیندن ایدوار دور ماک منی هم اور  
 نلکیک بتلق قیلنای سبن و مولا منی ماسوی الله دین  
 بود و روب آزاد ایلکای سبن بزرگوار ایدی بولایش  
 برله مبلر لولایس خوابه ایدی اولونع علامم او شوقوی لای  
 دور مهر که ایدوار دور مهر له جوت لعلی اوز قدر برله ناصر  
 و مابولون قیلنای دیب فاش ایه ماسه سولرمان سولکجه قو  
 رب لغزت فرمان برله تاشقه مبدل بولدی آیدین کین اید  
 ای بزرگوار ایدی نه دیر سبن بزرگوار ایدلارای خوابه  
 صبر کمل فکسل نیم استه مقصود و نیک جیل بولور فطر ایل  
 یا فیصل اموال استیا نینک اهل عیالتک عن فیصل ایل  
 و هم دین خشنود لولق سلاب ازاده فکسل اول وقت دا  
 منی کوز لول فکسل اول بزرگوار خوابه یارب وی کا کیلیدی خوا  
 لادیکم خوابه سبن سولر لولکامل فکسل سطل  
 علیه الله فیض لایس و چونک استار لیب منی خه ردا سالیب



و تو لیقه عصا الیب بر سر صاحب بر صورتی اظهار بولدی و  
 دی ابوتر حیدر ان میل فذمتی البولغان قل نیک سوزی  
 برله سوخته مالک فذمتی قل نیک قانغا بنی انیک سوخته  
 نابود ایلاک بارجه سالیق و سراج نیک غبریم اوروب  
 بیخامان بولغان فذواه لار سب و مقصود نیک غبریم  
 سب مونیک نیمه خوبو قی بار دور و مونه هم بکلیس که اول  
 قل ضواه لایه در که فرکار سکا جاقان لیت قیغای تنها  
 انیک سوزی لک مفرد اول غیش که رسو ابولور سب اول  
 تر و ضوا ابولور مونه اشتراک غفادی غاندک سنت  
 لوق بهد ابولدی نه اوز لک ایدی انی بکر کلیس بو بر دین  
 حج واقع سب سوزیل کم نه دیدور اول ایردغ سورده  
 ای خیر اول بزرگوار نه موبخه سلب سلبک معبرین  
 داجیر اند و حرم قریبان کونه حاجی لار چه کوردوم کال  
 اوز نصیب نه بر دیم حج دین کیلک ندرین کین او سنجو انی  
 اولوم دانا بتم اکر اول بولماسا بر کونه ان حج کابار سب

کدر سب

بکلاما سب ایردی دیدی و بولجت ایدی ای غمنا و نیمه اول  
 میدی بکلیس که کس نیتی دین بر جهان انیک برله هم  
 ضواه لایه بار دور و طرفه الین کیش کیلور واقع مونه لار  
 خبر کیتور و راول لوقی لایه ابار سب ایردی انیک صورتی  
 ظاهر بولوب جفتک الیب بونک کالیتور دی غرض اول بریم  
 سبک بولور و دین خبر برکای سب بولک فذمتی بولوب  
 رزاد مکنای سب اول هم سب بولدی ایدی ضواه لایه  
 بنه بیت لار نیک محبسه سب سب لاکای جون ضوا بولور  
 اشتیاب لک بزرگوار دین یوز او پرو بکسر بولدی او  
 ایدیم ای ابوبکری بونه هر عجب سوز ایردیم نهایت سب  
 لوق دین بولور سوز لار نه سبک وید اکر بولور و لقمه کال  
 ایردی اینی جفت بر دیکم و سب بکسر کیدین اون  
 جندان زیاده بل مال نه صریح بولدی و تاس بولغان  
 لاریقه انوس سب و نیت لاریدی و ای مونیک  
 برله کجتر ایردیم بزرگوار بولدی لار کوردی لاریم

۲۸۶



خواه نیک احوال استیسی هیچ نقصان و تغییر واقع بویک  
دور اندلاری خواجه وعده میان کسی اوزونک العیسی تم  
مذای لغا در کاهدا وعده خلاف لیسج بخوک دور حقیقت  
کار دین سبکمان بولنان شیطان علیه لعنه ابروی هر  
موریتد ابلوب فریب پردی و سپن شیطان الیکانین  
پلحای کونکونک انتظار نفس نلانی بکر بولده دکت عمل لار  
جذب ابلاب خواجه حقیقت در کاهیدین یراق کوشتونک مصالح  
خبر نیکوت دور بسل مال خنلور و نیتدین زیاده رات  
هر صلیتو روبلد یه ایلانخی بولدونک بخوله ورکه بر نفس  
هم دین محرم متبیم دیب قدیرله دوم باره پاتاسی طرفکا  
قرادیلار بر سه کرامات لار دین ریزد لغا فرغانه برله اول  
هم تاش بولدی اولقر کرامات هم بزرگوار دین ابروی ماهو  
الوبلر دین ابروی تا اوز الیکالیت و سس لک اش داکونک  
قریب سمر اتمام قلیای اندین سونکر عایب بولدی و مرتبه  
لاری حضرت بابا قنبر و استانه لاریکا باریک و نسل

ریاضت مار بیلار و مجاهدین تا بیلار و ریاضت لاری اول  
ایردکم هر میده اولون رتی لولن اظفار طیب لغان کونلارده  
روزه دار ابرو دلا و هر کجه پس بوز رکعت نماز او تا دلا  
ماز نیتده تا نیتده فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه فتنه  
وسا و ن سو برله بوز لوبت بیلن بیکلیت رودی لار و نوب  
هم اوز کار ریاضت لاری بار ابروی لار طهارت و طهارت و طهارت  
دور بر کونی بر لاری صومعه سیده اولتور و و ابرو دلا  
تم بر درویش استیکدن کردی وایدی ای بزرگوار  
حضرت نیت عینت مینان و ولایت کرامت لار نیک نیک  
سلب و نفر ایلماک معایده اوز و چون بزرگوار بر لاری  
رو صحنه متوجه بولدی لار بر سه است رت میرای **لادکام**  
همیشه صابر و سبل کرم بولغو لوق ابرهین کاهنی قدری  
در کار لوتخان کراک اول ابرو دلا بزرگوار کونک لار  
باغانه کوه صید لار اول کار دیده درویش  
نیک نیت یکره سبل بسته بولدی خدای بزرگوار







قتل انوم دورو پيشتر نيك را دين قبول مبي دي لارا  
 اما اول لاري بابا قبر نماز مع لارين تربيت تا بهي تمشي  
 سيل عمر كوردلار بر كونه مرجه لاري استانه سيد اولو  
 دورا يردى لار هم استارت بولدى اى شاد كام مره بولملا  
 لازم دور كه خواب مجازى نيك صبر منظر ليلا بارغاي سپن  
 و انيك مايندا ارم و قرار الغاي سپن تا سنيك ها نيك دن  
 اول سلمان ختم قران ثوابه عن مشرف بولغاي سپن اول  
 ايرد كيم بزرگوار مرجه لاري رخصت برله يا نديل رو خوابه  
 لاري صبر منظر ليلا كيله لار بر سيل نيه اول كون حيات ايركلا  
 و بو اول كون اچره قطب بولوب اندرين بولملا وفات  
 قتل لار وفات لارين بولملا بر دوش توشيد اكوردي  
 ايرى بزرگوار شاد كام حال ميند و راى مرد خدا شاد كام  
 خوشحال و شاد كام دور و سپن بارسيل اوز شينك بو  
 لعيل هم دينايب بولدى لار و الله اعلم بالصواب  
 او تونينج مايب شيخ صاحب نوار و كاشف اسرار شير

و بنده خاص پروردگار لعنير خوابه محبكه ه مار احوال اوضاع  
 لاري كرامات مقامات لاري ذكر بياوردى ايردى لارا  
 جيتني و لغا اعنوع او ميند اهوران و خدا دين اوزر كا  
 تونيزان و رياقت بولته سيد اكه ازان و غم تنه اوزرا  
 لارين و مجاهده با مبداء علم المشل و نادر الو قوع  
 حضرت امام حسن و همام عن نيك اولاد لارين ايرد  
 لار هم حاله اچما نند و بنده شير لفظ دا نصيح صنيكه  
 يونان و سريانه مرجه اوزر كا انغاز لار هم بيلور ايردى لارا  
 اما اول حاله اصياد ليون برله او جارسن و تارسن جانو  
 لارين جد نسايت سپر قول خه كيلتور و قيسر مسكين لار  
 نفقه بيلور ايردى لار بر كونه بر طوطر دام غه بليند ايرد  
 ايند خه ماينج سايب لار لاري غه قوند و ردى لارا  
 و يوز كوزين سيل دى لار هر زمان اول لوطر بيلان  
 توشو برله بوقور ايردى اوزر جيتن لاري كيليب  
 بر كا اوردى لارا ايرد طوطر فرمايد جبقاردى و تيله

209



خاکلیب ای ال علی النیل کم حضرت علی دین و یا حضرت  
امام حسن منی انداختن بهج فریده جقید ابو نوع لغت  
واقع بولوب مود و ر سبیدن نکاتیر ایدی که بکلیک  
بلاخت حربه سیکایکان وقت دین بری تا بوزمان  
خه نکود خدای تعالی نیکت خبر رنده لار نیر خد نایست  
بجانب میلدنک هر چند مایع بولوسیم بر کوندا حما  
نیر بولور لار دین سبیل کمان میلفاندیک ایس دور  
حالاکیم وقت فوس و فرصت غنیمت و میدنخ لنگردور  
الراغرت اشغه هر کوشش قلیک بدان ایردی جون  
مونه اشتیب خواجه نیک کونکر کا شورس نوشته و جاسیدا  
بوش بهد بولور لار سبیل اوز بکا ایدی ای محب به جان  
کردار و زنت متبع ایردی که سبیدن بولور و صور  
استمک دین بیل سبیل خالوز فرمودی خه لیل و شب  
سوزمان باندی و قلیکان لار دین سبیل بولور  
طوطر از ادست لار و خه لوز کلیلور و ببار و

ایرادی بیکبار به بیان طرفین بر اولون میلان سدا بولور  
و بوز کاکلیب ای خد انیت بده سبیدن کابار و سبیدن و  
بیدن کیوس سبیدن بزرگوار ایرادی لاری جانور غریب لیت خه  
بوز قویدوم و جهان قید سبیدن ازاد بولور اوز و طنبیدن  
یراق لوستوم بارادور من که مویش تا سبیل همراه بولور  
میلان ایدی ای غریب مایع بولور بیا بیا دغریب تر و در  
و مویش خه متان دور من اگر سبیل مویش لیت خه قبول قلیک  
همراه بولور لاری خواجه ایرادی مایع سبیل میلان دور سبیل  
و مایع اوز ایرادی بخوک موافقت و اشیا الفت سدا بولور  
میلان ایدی لوز قبول نوع و ادور اما هر ایس بر فرستیده  
کارنک خلوص و در سبیل قلیک و اشیا الفت بولور دور  
جنا بولور آیت کریم دلالت میلور مایع فریق الرحمن  
من تفاوت لیت لور مایع سبیل ای کور کور خه بولور  
اگر منشیه تفاوت یعنی بهج خلی لوقسور چون خواجه سبیل  
اشتبیح خه قالدیلار و ایرادی لار کم عجیب و کم بوتیل سبیل



خداوند عزیز کلامی دین خبر دارد و در میان این مردم که آدم  
 دور چین دور هر چوک بوسه هم بخندد وقت اینست برله هم  
 بولوبه تختی حال مثل این اگر ایست افت آیه نینک برله بولوبه  
 یوقا ایرپه اوز بولوبه منور تو این اول ایردیم موبش لوقه  
 بقول نیکد لار و بریل نینک برله همراه بولد لار ایرپه  
 عیالیه ایست لار نه کور و لار اوز لار لیا اید لاری  
 خجیلیم هم صورت دالولان دور وین آدم اما مغرور  
 اول آدم دور وین یلان دورین زیر که هر خیره فضا که آدم  
 دادور اینست اما دور وین ایست نشانه بولوبه  
 ترور او شو بولان دین عبرت الهی سین نیم حق بچانه و تکیا  
 تقرب لار برله سنکا به یه ایبارپ دور وین غنیمت  
 بلیت بولوبه منقسم بناییل و نیکدین قو لوک فیما ییل  
 شاید که صحبت وین منفعت کور این و خند لول موبش  
 برله خجیلیم بولوبه خواجه اید لاری خدا نیک منده برادر  
 انیلیم بولوبه باری ما کو نطقم قرار الهی یلان ایدی

ای عجب بریل کجتر هم موبش نینک دورم اگر آدم بوسیم  
 ایردی بولور ایردیک من نول یلان دورم که اولق لول کوی  
 ایردیک بزرگوار اید لار اما لار دورم ابدال لوقه مرتبه  
 سیکاتیکان دورین یلان لوقه اندی و بسم قلیب لاری  
 ای خجیلیم تا نینک من آدم دورم رجال القیب جماعه  
 ابدال محله سپیدن ایتیم عید دور او شو حیال اچره  
 بوسه لوقه یلان دور هر زمان که هر کتک کلیلیم سین  
 عبادت قبل دور دیب جا غل و نیک ما عبادت دارما  
 ایردیم بلله اوز جماعه برله ملک ملکوت سیر و اول طرف  
 ایردیم اوز و من سنکا شونداغ تور بایتم دیب ملکندی  
 و یلان لوقه بایتم حقیب قوب صورت و فوش  
 قامت ایردیم بولوبه بچلم کا اوختا ماس و اوختا بسم بولوبه  
 اندین کین ایدی ای خجیلیم که ندای الهی منرخص  
 سنکا و یلان بولوبه یان خه ایبارپ ایردی نیم سین  
 موزا کو شکوک دور ما سنکا موبش بولوبه موقت لیک



کور که زوب تربیت میبایست منسوب بود و عهد خرفه  
 کران هم بری برین دین جدا بولعی منیر اور نوکندین قوت  
 این یکیل نبره کور الحال قوت بقیع ویدلار ایریر  
 عبد الله قدسی سوره العزیز قاتل او قوب صواب نیک مبارک  
 یوز یلکام قیلدی لار ایریر به خود بولدی لار و خود لوقا  
 داسینه لارینی یارب بودیلار دینه میکتلار رسول پات  
 به بولدی و قاتل او قوب نیه یوز لار یلکام میسدلار ایریر  
 او زلار یلکام لار و کونل لار ایری اصفای تاجی لار حضرت  
 شیخ عبد الله بنسرایل لاری محبت کور و کور ایریلار باطنی  
 صفای کور دوم شیخ ایریلار همیش لار نیک اصل طین  
 نیک صاف یقین اورو ایریدی کار کراک و کرم اش قیلدی  
 بلبل که اگر این صاف بوبه به نرسه لار صوته  
 کور و نادره بعد بنیل و فواه لافان یرد البصل  
 و منیر سیل مدایک لغت کوز کو قیتل دیر غیب بولدی  
 بزرگوار رسول منیر لایه ایک سیل قوت و قاتلار و حضرت

شیخ عبد الله تورت مرآت کلیل لار و لویا سیل  
 مقامات علما و کرامات قوی حاصل بولدی اما میلان لار  
 برله اینی لغت توت لار منیر جو کوره لار یلکام لار و غلب  
 احاط میسود ایریدی لار و ایک سیل شیخ عبد الله دینه  
 کلیل لار و ایریلاری حجاب میست کاراک بویا باندین سفر  
 قیفا سپن و ترک نشا طیفکا باریب سوز بولعی  
 سپن بزرگوار ایریلاری شیخ قرارگاه قاید و در اندا با  
 غای می شیخ ایریلاری محبت و شمس ابن الوقت نیک ضیای  
 ایکلک ایما پس دور نه برکام مقرر و در اندا توفیق لار  
 ریب حضرت یردی لار و قاتل او قوب واع ایریلار بزرگوار  
 شیخ نیک حضرت لار برله سفر کابوز کیلور و لار قدم  
 بقدم کیتب برور ایریدی لار بر میلان را بر بوبه ایک سیل  
 بولدا قایل او بونچ میل و اما ملین ملک کایتی لار اندا  
 شبان اطلن برور و شمس ایریدی دماینت کاشعول  
 و مجاهده برله معروف انک ملاقات میسدلار و بخند بکند



اول در ویش برله صحبت تو تو بزم الله لار اول مجاور دور  
ویش نیکم نفع هر نر بزم او قد کما نارا بر دی اول  
جهت دین ضلالت و تیر ویر لار بزرگوار حضرت  
و اجازه میلادی لار نیم ای در ویش شکا و ستور کبریا  
تو نه خیار قیامت است ای یارب ز رشم نه سکون لولا  
ویش ای یارب عزیز عالم عین دین است تو نه  
اجازه بر ما کما شکا مد یوق دور اول ایردیم متوجه بودی  
و مراجه دافتر تا بتی نیم ای شعبان شکا بر اوق حواله کب  
دور رسول تراست و فین تغیل نه بر کما باریب تو نشسته  
و لم یولیه سوند اقرار الیقینی سبب باور لولعیل اول  
ایردیم اوق نه لار بر غایب بودی بر انوار قد سبب  
بار و لار قرا کاس در یک لبید کرا خذ تا بتی لار نیم نسی  
یا ویر ایرد لار و بزرگوار اوق نه باوق پیشی لاری بال  
اوق نه غایب بودی هر چند اینزاد و لار تا مجاوی لارا  
سیخ شعبان ایرد لاری یا عزیز شکا منزل او سبب و نیم

شود اولو بنزل عیالی کر اکمل ایردیم شول برده اوقات  
محارت بنا قیامت منزل یلادی لار و اوق تیکان برده  
بایب صومعه آباد مستبد لار و بر مبدنه اتفاق برله حقا  
لار ایندین کین **ایر لاری محبیری شکا حضرت**  
**بریل تا منیر کم کابار این** **رسمی مانع**  
یوق دور امار و کار و اوق لار بدین عرض جعفر فارجا  
لارید ابر بر منیر مضموری نه حاجت تو شبیه کما قیلو  
سیخ شعبان هر اوق دایر عاده نه شبیه اوق روان قیلو  
اول خط کما بایب عمل ایلا بدین بر منیر نیک فایتمیر نه  
شونیک برله بل را حضرت شیخ ایرد لاری شعبان وقت  
هلماک بخوش معلوم بود لور ایرد لار ایندین هلماسی کر اکم اول  
زمانیم اوق کیلیب کم بود و وقت نسر عیالی شکا ایش  
دور مینا لولاف کر اکم بایب حضرت برله او ز منزل لاری کما  
قیلید لار و در بعین اضیاء مستبد لار برده اوق دایر عاده  
بیتب اوق روان یلادی لار و صوابین تا بتی لار اول



بیل نوئیگ برله کجیتم بربر لار نیکور مادی لار اوق  
 واسطه برله عایانه صحبت توتار بر دیلار الققه بولون  
 بیل اچسا حضرت شیخ حبیب مودا اوردی لار و همیله  
 کیملک بیلان صومعه اسکدر اقلقه اوردوب بر دیلم جن  
 فیه بول برمالی تاشی حضور دل تپن خاطر برله عبادت  
 قیقای لار **حضرت شیخ برکات** اوسبومار محایمی  
 برله بات مقصود لار نفعیت ال لبق مرتبه سبک معرفت  
 بولدی لار و بودولت ابدی و سعادت پسر مدک و اسل بولون  
 زمان هر کون حضرت خواجه زنده دلان حضرت خلیفه  
 برله و هم خواجه بوالفیض آلم برله ایکی لوبیت صحبت توتار  
 اوردیلار برکون صومعه لار دیر اولتور و راری وی لار اوق  
 قیلب مودا اچسه توشسته و کم بولدی بر حیدر ایزد ایلار  
 تا مادی لار اوردیلار لیک ایلر لار ای محبت و عده سعادت  
 تیرکیم اوق تی زالحال قویوب صومعه دین تا شکاری  
 جعفر لار و بیلان هم برله بولدی ابر برسلایق ارسنه

کدی لار و ایلار ای یاران توز جعفر بولور دین بیل و  
 سنود بولون کینر لار و کای و عا و ایا و قیلان کینر لار کیم قنکاکتار  
 وقت بولوب ورسلا یق تیکلاشته لار ایلر لار ای بزرگوار  
 حشود لوق غیر نظر فیدین بولقای غیر فقیر لار غنه نه بولون  
 تم سیتزدیک بزرگوار بیل لوق قوتلای جعفر شکدن ایل  
 ایلار مینر تم چندین وصیت قیلا عمل ال لای سبت اوردیلار  
 سنا یاق و دنیا خرت سعادت پلسانک اول ایر بریم  
 حضرت شیخ ایلر لار ای یاران سهر لار کا وصیت اولدور  
 منی صومعه اچسه فن قیلبکینر لار و روزگار صواد نالت لار  
 اکیس یوز سیل غنه مندن جعفر ایلر بولون کینر لار وینه مادی  
 تحقیق ایلر کینر لار وینه مادی امر که لویسان ترکی و دران غنمت  
 توتون کینر لار و حال دین جعفر ایلر بولون کینر لار کیم فنیک که معتم  
 دور وینه سیکینر لار کیم هر نیاز منه مریم طوافینه کلبیب  
 نیاز اولکار سه نیاز قبول لوم غنمشیک نشانه سی دور  
 که بیلان طاهر بولور و مود غنمت فال انکینر لار دیب سبت چانه

۲۹۶



و بعد از آن بستم مقیدی ابره هر طرف کاخ را بباران  
 لاریجانبان کلبه یک و استخوان لاریجانبان  
 نماز لاریجانبی او تا دلار و صومعه است من قیلیدلار و فانت  
 لاریجانبی بونلرا بر طرف کوسید اکوردی ابره ایدی اکی  
 بزرگوار و دیدار نیک شستیا قیده او تا نایم حضرت بزرگوار  
 ایدلار هر نیم بلانیمنی کور به منر کور کا نر یک بولغای بی  
 پور دلا حندی لغا سبک کاز فیکه ایدلار فریم  
 شیخ عبد الله بن محمد کفتیان فی مقیدی و الله اعلم بالصواب  
 حضرت بزرگوار و فانت لاریجانبان  
 بونکر اول بلان بزمان استانه لاریجانبان  
 بولما دی و بزرگوار نه کورماک ارضو بولغان بعفر شلغان  
 اول بلان نه زیارت قیلور ایدلار و بولغان هم رک  
 کرامات لاریجانبی بولور ایدلار و دینه اکر بولور عجز و رک  
 حوادث لاریجانبی هر طرفه کاهنه واقع بولور بزرگوار  
 نیشک استانه لاریجانبی باریک بده کا فذ و اوت قیلور

و فی

عرض قیلیدنیاز ایدلار و زمانیدین بونکر ابره  
 مقصودینی کا غنچه بونکر کلک کور ایدلار  
 و اول لاریجانبی بونکر ایلان بکر به بلخجه قید حیات  
 ایدلار آنیدین بونکر اوقات قیلیدی خلاقی ایدلار  
 بولیلان بزرگوار نیشک بولیلان لاریجانبی نه قیلید  
 بولور بری ایدی حضرت بزرگوار غنچه عرض قیلید  
 هر نه فرمان بولغای قیلید اول ایدلار یکم پاره کا غنچه  
 و اول قلم بولیلان استانه و اقوییدلار زمانیدین بونکر  
 باریک کور دیلار یکم لنگر غنچه و فن قیلیدلار بونکر  
 پت و وراول بزرگوار نیشک بولیلان بونکر لنگر و فن  
 قیلید صوبت قبر با غلا و دیلار اول صحت وین  
 نیازی مقبول بولغان نیاز مندر کا لنگر دایلان  
 ظاهر بولاد و بعضی عوام لار اول قبر بزرگوار  
 قبریلای کما قیلید و لاراما اولار کما قیلید  
 ایدلار و بزرگوار شول میلان نیشک قبر وین







بگویند بنده حضرت برادرین دوم باره او از کس که می آید  
 الطاری بنیک اعتقاد نیک دل مرتبه و ایمان پس که یول یراق یقین برده  
 فلی ما بقای و نقصان پیش از فای او بهو حجت بن ترستان و  
 حواله نمیند نیک بر که هر چند یراق پس و لیکن اضلاع اعتقاد نیک  
 برله بوبانک منیک برله و در پس و اعتقاد پس منیک برله و در پس  
 من پس ترور پس اسلام عقیقه یس مرد اولد و در که اگر چه  
 یراق بولیه پس قرین شکین باوق دور نظم بعد منزل نبود  
 سفر و جانان و جانان سفر دایراق اولد پس منزل ای تیج ای  
 موند البو ماقدین مقصود نیک تو ای حاصل بولیا خلیق و در پس  
 هم موند ایتدن زیاده را که ثواب حاصل میور پس زیرا که خدا  
 تعالی بنیک سیما بنده لاری بار و ویر کم برداشتمند که محتاج ترور  
 لار بولیه و پس معلوم دور که هر یک که یکم هر اول یرا و زرا اولد  
 دین علمیدن سید لار دین ملک نیم قبل لار آسمان موند اش  
 اولو غلظت بر لب شول یرکا سجده قلم رو از زوایل لار کا  
 اول یر دین مع بولیه یردی تا او سب تو مع دا اول تو روب

شول سید ناکفت کوی قلیق ای بر دلا نظم آسمان سجده و دست  
 پیش منیر کور و یکده حسن و نفیس هر ده نشین آسمان  
 سجده قلمور تقییم اید اول یرا و زرا یکم یکم نگر ای و چون اولد  
 دینه هر کم بر مسلمانین سید اور کان حجت جان و لقا کوه قاف و بیج  
 فو اول شیکا کرامت قلیق ای مانج و امونجه ثواب بولیا خوسه دور  
 زیرا که حج فرض بولیان بولیه عده سیدن حقیق را کر فضل  
 دور زیاده اش از کتاب مقدس اسلام طلب خلیق ایر خا تو لغه  
 فرض و فرض تعلیم بر کوجر کا زیاده را که ثواب پس کر رک  
 چون بوندان استیج بچاره بولیل را و زرا لار لیک اید لار  
 ای مانج الطاری لوزج لال اجمال نا خوش لوق دور که او سب تو  
 و ایتور پس و سب کان حد دور که انیهم لوقف قلیق ای پس  
 بلکه بارت خوشحال لوق و قدر دور که مونجه بقا غنیک کم  
 استطا غنیک لوق موند برله **حضرت صلوات الله علیه**  
 لطف الالب موند اش ایس قه رت قلمور لار یکم غنیک  
 این همه و عده لار بولیان اول یردی که خلیق الصاب و قلوب



بوز لاله لار اوج سئل لولدا اقا لیب رکو چر لولدا انا چن ملک غ  
 رتی لار و سچ کوشه سید اقرار الی سچ سید اقرار و لکار و لار  
 لکمریه ضریر و لار نیم ای تاج العطری خوب ملک کا کلدن  
 موز اسات و متولن بولمیل و نه خیار علی ی لعل انیک  
 بنده لاری کا فیض توفیل جانج حضرت رسول اکرم صا  
 علمه و سلم بیت لار ضریرا پس مریضه النابین فی ادم نیک خن  
 بی اولد و نیم ضوق خه نفع تیلورس اما بولور برنگ لور پس  
 دو عطر الصباح قولیل بولور نیک کنت لارین سیریل  
 منزل خوش کلدن بولماق کراک اول ایدی که نه فری خه کلدن  
 و صبح سعادت اور لادی افتاب بی بر نور خا نر عالم نور  
 نارت بر کوارس کایوز لاند لار و سیر قیلور ایدی لار لقا  
 سیر لار منزل لیه نوشته نیم بسیار خوش کلدن سیرا که خوش  
 هو اجان فرسولار طاری و تان دانی دا باغ لار مملو  
 خوش ضی ایدی لار بر سولر کایر بجزدان نه مایس لار  
 قویوب اولقو نه مایر لار ایدی که بر سبال نمر

بنده بولای و ایدی ای بکیت فایدن کلدن سیرا نیک منور  
 نیک سیر و بر کوار ایدی لار نیم تاج العطری و سیرم خف  
 حضرت رسول اکرم صا لاله سیرا سیر لاریدن کلدن  
 پیرای ای بکیت خوش کلدن نیک صفاقه ملک بولور و ملک لیل  
 ادب لیک سیر نیک نیم بولمیل کلدن نیک اول ایجا سیرین  
 سور ما و نیک ملازمت میله و نیک بر کوار ایدی لار ای سیر بر کوار  
 الفریک لار میمن غریب نابینا علمید و و مرنا نابینا عالم او  
 و هر کیم خیر کایان فی الجال امتیاز میله و و اول سیرای  
 نه بر نیک غریب سیرین و نه قریب برله موند اوستونک  
 بر کوار ایدی لار ما چن غریب و مرنا سیر قریب برله موند  
 تشوب مرنا نه سور دیکم ای بکیت هر زمانه منی سیر برله  
 باد قیلور سیر نه سیر نیک نیم سیر دو مرنا بر کوار ایدی لار  
 تیلدا یا سیر کمر سه نه سیر لار و سیر کولم کاد  
 لانه سیال و و سیرا لاله نیک و زکام سیر سیر  
 بار و و سیر و یقودین بنده لولدا لار کور و لار که سیر

۲۶۸



نمر پوت فراجلال قوت پو عیسیٰ بجای کیتور و ب غار دو کانه  
 درگاه یکانه ادا الاله لار اندین لین ضعیف از سینه کردی  
 اتفاق نشو لارید اکور کان کنه تنگ اوی کا بار دیلار و اول  
 حضرت نر کو از تنگ کلکیش لاریدن ظاهر ادا باطن خضر ناب  
 و طعام پو سوروب منتظر اوتور و ب پرویم تشریف کیتور دیلا  
**شیخ حضرت نر کو از سینه استقبالی قیسه دار الاریه امصافه**  
 واقع بولدی ابریه بالفصل طعام الکیس لیکر کوسینه لیک  
 و ضررین بو نکر احوال سوردی نر کو از کیفیت حال نه بیان  
 مستبدی لار اندین کین سخ تنگ آتن سوردی لار شیخ ایدلا  
 اتم بغراد و ر و بود یار نینک شیخ تر و مرمنخسته آتینک بار الکا  
 ولین با سحر تر و بغیر ذاتیک آتینک موافق ابر مایس و در شیخ  
 اعراض بر لایدیم بخوشا سحر تر و حضرت نر کو از اید بر رای  
 شیخ بغراد بتر که سید است یوه نه ایور لار و اننگ  
 نجه حضرت لار بار دور و لیکن سندا هیچ حضرت لوق کولک  
 وین بغیر سندن شیخ ابدی بر مشغال بوک کومار نماید و سبیل بلخی اولک

بغیر انوش مشیت مخیر قناعت میلاد و ر اندین زیاده نماید  
 و سینه لار نیک اول مسم طعام کیک صدر و میما غونک و  
 ام چونچر او کله یوه لار کس سر و رید عید و ب پرو اولاد و ر و  
 هنوز اوز و ننگ قوت یاب سندن لور کونجی او کله شمس غایت کین  
 هر نر الایفه کیک سید سوردی و سندن لذت طعام حواه لای دو  
 سندن شیخ بغیر سوردی و یکم قایدن سید نیک بوک کومار الماکای  
 حاضر نر کو از ایدی لار اگر بوک کومار سید لیک ب کس غریبه  
 نابینا علمید اوز و مرمن بلیمای ایام سوردی و یقوغه بار سندن  
 نامانده لیک بر طرف بولغای ایراد الماس سوردی بوک مقدار بوک نه  
 کومار الما دینک کر سندن و اولیق جسته بوبه عفو مقام  
 بولمات کر اک سوردی جناحه اولکان اولیا لار عنوان سندن  
 لعنا علیهم جمعین مانع مانع مکروهات و تقصیرات نه مقیم جا  
 بلیق وین تجور و ب و ر لار جه جای این که میا فر لار دین  
 ایراد بولغای لار و **بکیل** حضرت سلطان العارین  
 و برهان المحققین و قدوة الالبین بایزید سبطا مقدس الله



میره الغریزین منقول در نیم یول برله بار و راسه لار نیم دور  
 ریشه یول اوز را اولتور و بایر دی بر ما یخول بجهت کاکا اکر  
 ان تله بر دی ایدی بهیت لیکنگ بو وقت بیلا ییم بو تکه لار نه  
 اکتی اول قیبت برغان کشته نبار ریشه صفت رعی بن  
 اول میدولت خوش بولغا بدیست خال بولنگه لار قدر آدی بر کوا  
 ارقه لار دین کور و بایر اول بر یوزی سلطان مینت کردل  
 لار لکا برشت هواله مسته ایره یوز لوتون بقید لارا  
 و نه فرجال قلوب اوز لول لارین توتوب وان بول لارا  
 بر کمر سو قنوجر طریفکا قرا وادی لار دویم باره مشت اوروی  
 بنه مبارک یوز لار کچه بخت لار اند ایلیم صفت لاری خون  
 الوده بولدی با وجود اوسبوسم تندی برله نیت صابنی  
 با قادی لارا و جو خرنوت قاتع مشت اوروی لار نه بقید  
 انین بونتر اقولوب سو قنوجر طریفکا بایر لار نیم لارا  
 مسته یکه مینک حقیقه انیمه تندی میکور سبب اوسبوسم مقداره  
 هنوز برله هو قعال بویروغان دروش تله لقرض مقایله

بولدییم ای با نیرید بونیمه دروش لیک در نیم اوسبوسم نیت  
 لیتور املای سوز کاکا کید نک سلیک کین بجهت کاکا برله  
 سوزن ساطان املایین قدس سده الغریزین دروش  
 اچا س لیک کینست قیبت بر سبب بچوک لوک کوا ریشه  
 لیک شیخ در سبب چون شیخ بغرا بر کوا ریشه اوسبوسم  
 لار نه بختیب عذر مقایله الوب تقصیرن لورماک غایلا  
 انین سو کرا ایدی ای نیر کوا ریکنج بر خورک یلک شک نیک  
 و جهرنه ایردی نیر کوا راید لار ای شیخ بیز همراه بولغا نین  
 بری بختیم طعام حاضر لودی بر کنه بیدین قول نینا و نیک  
 تنه پدنگ نیه اوز لوتونک با سبب لار نه بولغا نین  
 طاهر دور لور لوتونج و جهریم معلوم دو سبب بچوک بغرا لوتون  
 اورا سبب شیخ بغرا اید لار منتره بغرا ویدور لار سبب  
 مقرر قلعان معینه ایرما سبب بکه بول معینه ادر نیم هر کونی  
 بر لوتون صلیح غه بغرا بوسور ببرماک و لطیفیم بار دور کیم  
 اوسبوسم بخت دین منتره شیخ بغرا ویدور لار نیر کوا راید لار نه







کیم هر کوزه بمش مرا به طهارت عیله بر ابر و دیو و یوز و  
رکعت نماز نجی و صوا و تا ر ابر و دیو و نجین بنیغ نفس نماز  
لا رنم ترک اما دیو و هر کجه او نور مرتبه غسل و سبلور ابر و  
و نفس لارین جانچه زنون آید که بر کجه کوزه و ر و اکی  
برم انتقال وین زیاده طهارت بر ما و دیو و بریل و ابر و لب  
هو بر دیو و اول سهم عطا ر لار انتقال و ایشتر انتقال ابر و  
و نفس لارین کاهیم نجی و فیلان لاری سهم تا انکه با کله  
وین قالا عای لاری کونی خلوت و اول و تور و بر ابر و دیو و  
بر صاحب حال خانون اله بر سر بنی و کله تور و بر قوبی و کاه  
ایتماس منبلی و بر کوار فاختی و فید و ابر و بر ابر و  
یکس و در ماه پوه دور ما حضرت شک وین ایتماسیم بود و که  
خند منیک و بولیم ایشتر و در ماه هر کوزه بمش مرا به طهارت  
الور ایشتر سبب هر کجه او نور و لب غسل و فید و ایشتر سبب  
طاعت شک خند منیک کردیم کابول و نبه جوین جمال کیم حی  
سپنج و معالی من عاجزه کاکرامت قلیب و در خواه لاماده

مها فایم فایم منیک خند منیک اصال بولای و ملا هر نیم مندا و و اولیا لار  
شمار و در خواه لاری کیم منیک صلا حکت ماذا نشه ایشتر کان و کوار  
بولای بن نیم کیم به منیک حلیب لاری صلا ح این عین جمال بن  
خاتونی بولای قیامت نیم امانا و صدق کونید و اول کوندا عرس  
نیک سایه سپیدن اوز کابایه یوف و و اول کمره کاه و منیک  
سایه سپید لار مرده سپید او رول و بر و لار بول و هر اکی صفت  
ن فدای تبارک و تعالی اوز قدرت کاکمه بر لب من عاجزه و در  
تیب و ر ابر و سبب کاه اول دولت لغیر سبب سایه سپید و بول و  
دور ابر و بولیم بولیم نور علس و بر بولاد و بر کوار اید لاری  
عورت خوب و یا سبب نیم بول صفت لاری سبب ابر و دور  
اما ابر و یک صفت مندا اوز قدور و من قبول فیلما به و در من صفت  
این کتیک اول کث من ز منید بول فیلیم بر بر من لاری وین  
نفع العای سبب لاری اول ضعیف ابر و لاری کوار من ظاهر نفس  
وین اوز و من و لاری و من و عبادت باطن حصول  
استیاده و در من و بود دولت بر صاحب لاری منیک خند مندا



بولاق غم موقوف دور حضرت نبر کو اراید لار بر تقدیر فضل برود  
پس بتول تو نماید و درین صغیفه ای ای نبر کو اراید لول بولغان  
بول ساعت لایقین قوئل غزل لازم لیغم غم بچیل دور حضرت  
لیک بر لار نبر کو اراید لول صغیفه غذای لول  
نیک صغیفه نفع کلیتور دیل لار ایر سه بخاره بولوب لوز  
لره بر لول بتول بتدیل لول لول لاری غم لول لول لول  
یا و مایل لول صغیفه هم طمع میما و لول لول لول لول  
خاطر لول کلیتور مایل و سنت طریقه سیر لول نبر کو اراید  
لار لول لول لول لول لول لول لول لول لول لول  
مستور لول لول لول لول لول لول لول لول لول  
نیت لول لول لول لول لول لول لول لول لول  
**نیت لول لول لول لول لول لول لول لول**  
خاطر لول لول لول لول لول لول لول لول لول  
نیک مبارک بولغان لول لول لول لول لول لول  
لکاح وین غم غم غم غم غم غم غم غم غم

لواله و انشروافانی اباسی کیم لول لول لول لول  
حدیث تقدیر لول لول لول لول لول لول لول  
نجوم بان لول لول لول لول لول لول لول  
الیک لول لول لول لول لول لول لول لول  
بول لول لول لول لول لول لول لول لول  
اوز کاست لول لول لول لول لول لول لول  
بار لول لول لول لول لول لول لول لول  
غذای لول لول لول لول لول لول لول لول  
الما غم لول لول لول لول لول لول لول لول  
و بلبل لول لول لول لول لول لول لول لول  
الک لول لول لول لول لول لول لول لول  
سیر لول لول لول لول لول لول لول لول  
بر لول لول لول لول لول لول لول لول  
نقل عبادت لول لول لول لول لول لول لول  
لار لول لول لول لول لول لول لول لول







بارب فوکل کو مار بے عاصی دلار و روسی لار امان بر  
منور دعا عاقب بولما بے بر دی حبشی و کما نیک رت بر لیم  
فرخ لار سه نمون بولد لار سلمان لار اول برک اوده نیک  
و عالار او سبیل دین منور می لار و چنبد کون بول بول  
رو بے بر و لار کدر لاری بر شیه کا کوشته و لجه بولدی  
ابر سه بقایس رنده لار کلیم بے شیس لار نیک مر کب لاری غمده  
مسید سار و لار نرزه کا کلیم بے کن اوده لار کا الحجا لیل و رول  
اولوغ لاری حسن بیکر سبیل بدیل لاری جانور لار من شک انم  
حسن شیخ در و والد عیدت با خرو و آتیب بغا نیک خو و ر  
دیب بیکری قدم فویدی لار ابر سه جانور لار ماس لارین تو  
سبالیب او بوب یاندی لار و روسی لار دین بر شیان و ر  
لیق کلیم بے لاری بر کوار اینهمه و سالیق قوت ریاضت بر  
قایدین حاصل بولد حضرت شیخ حسن ایدلار من هادی بول  
امده لیر لول بول غوغو و در مرم که حضرت بول لیم  
امده لیه و سلم من وجود و م غمده کلما بس دین بیکر او سبیل

بر لیا و فیلد بر لار بس کمر سه نا انجرت صبا امده لیه و سلم  
لطف دین بوصفت بر لیا و فیلد بر فیلان بول لار انشکدین  
بولمده خیر و می غر سه لار صادر بولما بولجو ک ابر بولور علی بن القیما  
چنبد لوبت بر کوار دین او سبیل کلیم کرامات لار ظاهر بولدی  
و بارت تیر لیم می فرزند لاریم نیک هم نام سه لار کار کار  
لیم فرزندیم حسین شمس شمس فیلان بر غطوف فیلانی بول  
اول ابر و لیم و روسی لار بر کد لاف لوز لاند لار و سبیل طوف  
مسید لار و بر فیلان بولد لار تا کلما بے محمد حسن وفات  
تا بول لار و نیه بر کون تور و بول شونده افن مبتدیلار و لیکن صوت  
میر با غلامادی لار و نیه کد کایاندی لار و شیخ حسن مکة معظمه و لیب  
اوز کاد و روسی لار کار خفت بر دی لار و نیا و ن سیکل کعبه و انجا و ر  
بولوب مذین بولکلر وفات فیلد لار و امده سلم بالصواب  
شیخ شیخان و اولیان و نور ایمان  
و مغفور غفران و مرحوم رحیم و نجیب شیخان و و سبیل سبط و بنده  
خاص و سبیل و دیان لیر حضرت شیخ عبدالرحیم و نس امده لیه















بخشند بول که کرک روز که جوادش لاری بدن سپکا نه غم دور  
و نه بلیس که آنک غبار محمد تر و خرد است از غایت خلق غایت  
فینا از بچه چهره چون بویوزن است بخت کمال بولد لاری و ایل  
جستند بخت مشر و کجاست و منتظر ایر و بلاریم و عده میخا و یغ کسکا  
چون کچر کردس بنیغ ابر و سر نیز بر کوار و قیصر غزل  
للتور و لاری ای عباد محمد خوش بخت کیم و آت اولیای  
کبار جلد پسینج بولد و کمال ما خیا نکند و آنک غم و اوق فیل بر کوار  
ایلا رخت دارم کم هر نه بویوز و سکت قتل بین اول عزیز اید  
ای عباد محمد ریاضت اختیار فیل تا حیات و آت غم و اوق بولد اول  
ایرو کم حضرت شیخ شمول عزیز تر تامله لاری بچر ریاضت کافیا کوار  
نوز و یلار و مجاهده اختیار ایل اولار و یاران لاری ریاضت کافیا  
مستید لاری و هر کوزه اولتور و ابر و لاری کم آواز کید کم ای عباد  
الرحمان اگر خواه لایسک کاسل مین بولغای سپن و یاران لاری  
نقدین هر قیصر بولغای بولغای غارینه بارماق کرک کم آتش کینه  
اندکی دینه بیکو سپر و در چون بولد از استیاب کس سجده کافیا

قولوب ایدی لاری لاری سکر منت سنج  
مون به منت بار سبم کرک کیم رهبریم بوق  
دور و ابر و کوع جبهه بیکار لاری و ایل و ایل  
ایلا از کای کیم ای عباد الرحمن بولد قیصر و یغ  
و ایل دینه غم ی کین که اول منزل از غم  
نیم کرک او کسوندانی استیاب کمال  
قولوب بولد غم بوز لاری و کون اخوی غم  
کلیب ایردی منزل لاری هر دست کافیا  
بولد کیم نه سیو بارونه او تون و ایل و ایل  
لاری اعلیق و شنه لیک غام کله ی ابر و ایل  
شیخ و اطفا قلیدی لاری سنج اید یاری  
یار انج صبر قیصر لاری کم بود و بول لاری کینه  
و عده بسیار و رول قیصر ایلاب اسید و ایل  
لکین لاری کیم حق جبهه و لک رزاق تر و کویغ  
سینه لاری موند اغ صحراد استیاب و کوسه















خلق از اسجد بولغای بن اول اردکم غارین حبیب خست تولا  
 و لار اول دخت بدخت ایت رت قبله لار کای دخت یا فیصل پیر طهر  
 باندون چون دخت حضرت شیخ نیک بوزغ اشیت تاس حق سالیب  
 عار طر فیکاروان بولدی و عار اغریه ایلک کیدیک لایق دایر ب غارنک  
 اغریه بولدی اولی مان سخی رنج بولدی لار نجه که ندین لکن مری  
 لیل لاروش سیل اندا بولدی لار و طلب لیت مرتبه سید الانج بوزمر  
 بروریش سید لار حیات لیت زماندا درویش فیات الدین طیف  
 قویوب بر لیت فیم تلقین قلیوب سیر لار نه انکا مطیع ایلا دیلار بر  
 خلوت لاریدا اولتور و رایدیلار مر بلار حضرت **خواجه ابوبکر**  
 رحمه الله علیه و لاری حاضر بولدی ایسی لاری عبدالمحمید سید سیل  
 عمر کوردونک و عرونگ انجده بکره منش سیل ریاضت تار بیت مقصودونک  
 تیشک ایدر مصطفی اولدور که با ملکینه یادین و دینا دین لار دین کوز بول  
 دوشه اولانغای سبن کیم نیک افروده نجات و خندان در جات لار  
 بار حار و غیب بولدی لار چون بزرگوار بوجو سخره اشیت سخی  
 بولدی لار بر درویش فایض قلیوبیت طریقه سید انجده سوزوا

اولادیلار اولار لاری مستند و سببا بولوب منتظر اولتور و رایدیلار  
 حضرت **خواجه شمس** خواجه ابوالفیض الدین حاضر کیدیلار و بزرگوار  
 اوسبو جماعت کیدیلان لار لیکاب سحر سخیال بولوب دین لاری یاران  
 مدد فرود طلب چون کیدیک لار موحضرت خواجه خضر علیه السلام ایدیلار  
 ای عبدالمحمید فرود سبکایم و سبب اولانقونک زمانا انکا موقوف  
 بروریش بولکون سبن ماچین طرفیکاسی فیتا و کرک تبریک سوزدا  
 و وروا و سبب لاون بر قویوغریه با باق لازم دور حضرت شیخ  
 ایدیلار من ماچین ختنه جرایم موبزرگوار ایدیلار **خواجه**  
 لقاد و لک سخی سوزداغ حرا و استنا قویاف ناز و اوتا دور موبزرگوار  
 جمعی از نیک بولغویو و اول اردکم بزرگوار لار طر از من سیل  
 بولغان اوسبو موقوف برین درویش لار بر لاروان بولدی لار  
 و طرفه الین اچره بر صحای ختم لار نیم بوجم یوف اوت سیم  
 اوم جنبه سرت کیم سیم یوف و قوم لوقیدین اوزکا نخر ب یوف ختم  
 خواجه خضر علیه السلام ایدیلار علی الرحمن قرطبه اوسبو دور حضرت  
 شیخ خوشحال بولدی لار بر درویش لار دین ایدیلاری عبدالمحمید

۶۲۲







نیک و ج لاریدن حضرت ملا دیرلار شیخ عیاض الدین حضرت بزرگوار  
نیک و ج بر فوج لاریغه متوجه بولدی لاریضالین عرض مسیده لاری  
او چون حضرت یلار حضرت الدیرلار بر سر و روس لاریکتر لاری  
لاری تیه کون لاریکتر لاریکتر بخت رت بولدی و بخت رت  
تیریم ای عیاض الدین اییدی حضرت و در اقامت زبیر لاری  
بارغای سمن وینار و اوزک لول لاریکتر لاریکتر سمن سمن لاری  
**حضرت امام زبیر لاریکتر** استیاض که بیرون لول خوضدن  
طواف غه منته بولالما بولار و بولالما هم خداست نیک و ج  
بر لاریکتر و ان عیاضی سمن وینیکه حارس لول لاری و اگر لول لاری  
اندا لکتر عیاضی سمن وینیکه اوسبوات رت بولدی لاری  
شیخ عیاض الدین فالحال قولوب و ان بولدی لاری و عیاض  
الدیرلار بولوب طواف لاریکتر تا بولالما و طواف استن سید  
نیر لاریکتر هده منته لاریکتر کون امام زبیر لاریکتر حضرت  
اندا لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر  
ویرم کون لول لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر

ایکریار و ریری و کی و زلاریکتر اییدی لاری عیاض الدین بولالما  
نیک و ج لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر  
لیکتر که لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر  
کافا عیاضی اول لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر  
اندا لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر  
و لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر  
اوسبوات ویرم لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر  
بولالما نیک و ج لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر  
و عیاض لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر  
منکا مدوکا رکرات عیاضی لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر  
بر کرده عیاضی لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر  
نیک و ج لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر  
لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر  
فلان عیاضی لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر  
منو ندغ عیاضی لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر لاریکتر



ابرو به نول کوفی غارت تمام بولوب سپوروان بولدی سنج اکر کول  
 اندا ابرو دلا راندین کین وان بولدی لاراول کوفی ختم غجر بول  
 لید لار چون نجه بولدی سنج فزشت لیک علی کلب سنج لاری  
 عکسین برک اور دلا رابر سبب لغزت مستفی بر لنه ماش دین  
 چو حقیر اول مهر بونیر سبب سید لاراندین اوزلاری ایتی  
 لارعل العیاح ارفودین بر کمر سبب سنج ای خردند انجونی سبب  
 وقایدین بد بولدی وکت نه بلا اولوغ بونجه عقبه غیر معنادا وکت  
 بشل وکت سبب خوارم بار ابرو دلا سنج لاری لیک سبب  
 بر لنه سبب لیت لیت سبب بار دور سبب سنج ایدلار مسلمان مشکو  
 اول مقصد لوق ابرو دلا سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب  
 لارغه نفع تیکور ماک ابرو دلا سبب سبب سبب سبب سبب سبب  
 بولوب خطا بولوب سبب لیت مصطفی و خطا سبب لارغه ارشون توان  
 لازم کلبه کراک قاضی لارغه سبب سبب سبب سبب سبب سبب  
 بل لاری ایدلار ایت تیکور ماک ابرو دلا سبب سبب سبب سبب  
 قویدی ایدلاری مسلمان بار ابرو دلا سبب سبب سبب سبب

انبیل اول شنگیل لار انبیل سبب سبب سبب سبب سبب سبب  
 اول لنگر لار سبب لنگر لار ایدلار ایت بولدی وقت غدا اول لنگر معنور دوراندین  
 روان بولدی لاراول کوفی ماش بولوب کلبه لار و بر دست اوزر سبب  
 اندا هم بر لنگر سبب سبب لاراول هم اندک لار ایتا غرضتی اول ابرو دلا  
 قاضی بولغان کوفی دست طر فیدین لمر سبب سبب سبب سبب سبب  
 ابرو دلا سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب  
 سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب  
 ابرو دلا سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب  
 قوت میل لاری بولوب سبب لولاد بولغانی سن و لیجان سبب سبب  
 بولوب سبب لولاد بولغانی سن سبب سبب سبب سبب سبب سبب  
 عیانت لیدین سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب  
 قوت سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب  
 مقامات سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب  
 درگاه امدت کاتب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب  
 سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب

۵۱۷









اول تو رو بفرستیم محمد لار او لکتر سلیمان جواد بی بی بروی می چسب  
لعلی تا ولایتی که ویران غیب هم او را غوچه کیم و بیک بی بی  
لاریه احواله فیضان نان غوچه بن حصار بی بروی شیخ شول بی  
نانی بی نظر ما بی لاریه که شیخ اولان غوچه ولایت نظیر بی  
ایرویل لار لاله حضرت شیخ قدس سره الغیر ماریان لاریه اند  
صحبیت ائمه علیهم السلام و صحبتین فایغ بولوبی لاریه حوچه  
شیخ نظام الدین قدس سره الغیر ماریان غوچه لاریه اول غوچه  
حقیقه لاریه شیخ محمود خفانی دین او کرمیق در راه سلوک و بی  
تیریا با جریب بی بی نصیحت واقع بولوبی لاریه شیخ حبیب  
اوز صحبت لاریه انوار العارف برله تربیت ملک لاریه تکریم  
لاریه بریل برلاری ملازمیند ایردی لاریه دین بونکر حضرت  
بروی لاریه ای حبیب یک سبن اوز ولایتی که بارغای سبن  
انداغای لاریه یک بنده لاریه دوریم مثلالت جابریه لاریه  
لاریه و رادوت کندی برله نارینه سبن اول بروی شیخ غوچه  
نن و روس لاریه برله کاشغر طریقه ایباروی لاریه برلاری







مشکل سینه لاری معر و قدیم شیخ زون تحقیق یل کای اول ابرم  
 خانواد فداوت یی و اطوین توشتی و حالان که یولد اقرار یل ابرم  
 ثم شیخ نیک کوی لاری سیکلین اطر بر که گیر کای او منبو کان بر له یو  
 نوع آتیب و راعا مد مار سب یو یل ابرم شیخ نیک حقیقه ابو جاد و بلیک  
 میلمای **اقرار** وین توشتی کوروم شیخ مجمر مری لاری بر سر خال  
 استیکیه تور وین لاری وین کوروس لاری عیان اعرف منک لاری  
 کایا اختیار شیخ جانب لاری نیمه یو کوروی شیخ استیقبال فدیو کوروی  
 حضرت شیخ مزان کماره کای الیب دین کوروس سب سیکلید یل ابرم  
 هر نرسه علم ریاضت سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب  
 وقتد افغان نکلن تو کولدی اندین کین مری خانواد فداوت  
 میلد لاری و سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب  
 الله لاری یو کوروس قیو یو یی مدید مری و لاری و لاری و لاری  
 زور وینان سینه لاری دین هر سینه شیخ زون تحقیق یل کای  
 هر نرسه فاطمه تجادی **الامره** او و یل کای ای منطقه بر سب سب  
 یلمای یو کوروس الدین یا سب کای لاری سب سب سب سب سب سب

طعنه عین اجداد لاری کیلیک کم هر نرسه تحقیق منیل هر چند فکر من خطه  
 میلدی فیس نیک فز و منین بوال میلمای دین او کای نرسه تا جادی یی  
 ای جیبس فی زو چون موچه او زون توید و کای شیخ ایدلار سب  
 سوبین اریتمای او چون بول جواد سب یو لاری سب سب سب  
 مهان بولوب علی الصبا یا ند سب سب سب سب سب سب سب سب  
 تا سقاری حقیقه لاری ایدلای سب سب سب سب سب سب سب  
 زور بر لاری و یل ابرم کوروس بر که کیلیک یی سب سب سب  
 ریاضت لاری بر لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 او فایتمن ضایع ایلاد نیک مدید مری وین وین وین وین  
 بار وین وین وین وین وین وین وین وین وین وین وین  
 وین وین وین وین وین وین وین وین وین وین وین وین  
 غم یاکیل اول ابرم لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 فیض سیکلید لاری وین وین وین وین وین وین وین وین  
 تا بی ابرم سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب  
 زور وینان سینه لاری دین هر سینه شیخ زون تحقیق یل کای



















مریم ابروی صورتی الطیف قرار یافته همان معلوم مستند بکرم  
 الفوار الدین نور باطنش نزل ایلوی و قرار الدی حقیقتی و شفا  
 و سر بسپار و محمد پشمارا و اولیای طایفه تا بوقت غایت  
 لزمت قیامی و بولونیت آمد و اولاد و هم که لطف محمد زلم قریبا  
 بر له من عاجز و عیسی بی نیاز و رکابند اجتناب ملکی لغای نزل  
 بر او ز جلال محافل و اولاد لعین است بلکه لقمه لاری و ناک  
 لباس لاری و بر بنیر مستعد است او لزمایم روح و نکاح ابراهیم بولوی  
 اناسی قولاً فی نفسه ذکر او آری کیلیدی اما جملش بوقت غایت کیسین  
 مخفی نوار ابروی جان لعل تا لب شنبو کلید است این ذکر  
 ظهور دین کین نور غایتی ای شوهر بوس بر له بولین شمس  
 زمین برورد کار زنی سیکر کلید و ریل که موندان هر شرف  
 نیز کار است ایلا و رما بوزمانه مکر و اندک ترق و جنتین پسند  
 بنیان تو لوم بو کونم لا اله الا الله ذکر او آری قولاً میم غایت  
 ابریه هیچ ترق و دقان قلاوی اما جبار سنجک استیج سجال لیلی قلیا  
 لراک و رزیرال مجتهدیل ترق و ریم فرزند از و سوار و سپین

شوهری ابرای مریم خداوندی نیک که مریم دور فرزند بولوی  
 هیچ لب بر مایک دور اما بولونیت و ریم کلاسی انا هر قوسا قند  
 ارتقای خالونی ایدای شوهر عیسی خداوندی اگر تاس و کیک کا  
 لعلی تا بر بنیر نکر ایتور لار بولونیت و هم فرزند و ریم ایان  
 و قران و کوسجانی طریوی خیر و در نیمه استیج سجال و دور ال  
 باور ملکی باک نولافک فرسینم کا قولین اول ایدم قولان  
 خالون سیکر کا قودیت شکست می در واقع خالونی و یکانیک  
 اشته شوق بر در فضل لار باروی و ایدی نزار سکر که سلسله خاطر  
 لار و عیسی اجابت کا مقول بولدر سل لارا و سبیل ابر و هم که  
 هر نوع بولوی نه ندی کرامت عقیقی طمس لیم موندان غایت  
 کرامت ایلا ب و در کار نیکدین و مالیت بوی سجاد و خیر سجاد  
 بنده و در ریم نیکین تا بسبب ندای آتش نیک بولید اندر لار  
 او تکار دی منتظر ایدم کونی بولغای که بو فرزند مبارک و نیک  
 جلال جن استیج نظر و لوبش لوز کوز لار مجال افتا بدین شوق  
 و سوس ماعلا رمل و لوز بولیدین منتظر بولغای او سوار و رز و اید



لار دوت عمل تمام بولای بر سپاول وقت نیر شمع جبهت تا محال انقا  
 عجاب برده سپید چیتقای روز اقرون عذار نوری برله  
 علم قیر کون منور بولغای اول ایو کم سعادوت مستی بر سرین  
 ظلمت افتاب شامی کور نونک تور دی و برده در لیک عمل منی  
 بولوشن لای فالحال مبرم غلوت کاکری برده تارنه اول ما  
 طلعت منور ظلمت خورشید غمت و پرو قات و خاتون قیامت  
 بد تو قف با زنجیر برده دین حقیق کیلد بجه دان زندانین  
 برید اینده توشته عیان لا اله الا الله سجد سجد  
 نور دیکار که بر تو ما سپینه بیکاقو بولغوت و نیه بر لیکر بر لای  
 لار مطلع بولما یور عیان موضع تو تو غلوت مونه کور و بخت لای  
 قلیت برله بر دین کومار دیکار روح کون دین کین بولک لای  
 نواره همیشه همیشه لا اله الا الله ویرایردی انا اناس  
 لایکم بولفرزند بنبر کا وفا قلیت فایده یلکوما کوبی دور کونین  
 دانق تیکور سه کر اک پلما یخر کم جور دور اوم سو قید انظر کا  
 لیل دور با جور بر سر و ریم کوزلی کوروند دور یوق ابر

اوم فرزند دین موندلغ نریب و جو و خد کلیل با و اقرار لای عی  
 دور و سب مجا فیلد انعام بیکور و بر لای انا کور لار رب العزت و  
 برله بر سر شسته لار کلیل کدین الیحب لار برله بهشت چهره با صیت  
 صبح یاقوت کیتور و بول اوتوبار بر دیکار و سب کدین ابر غیاب  
 لاین بولمک اجم حال لار لای سب و اوردی الله یل مونیک برله کج شمع  
 نیم بولعشر عالیدن اطلاح تا عادی و اودین تا سفار قیامت  
 و لیکن کجه بهشت جور لاری برله محبت و کوندوزی غلوت خانه  
 کنجده انا اودن روح مایس قه کر کوچه قول کاردا کو طل برورد کا  
 نیکت وید ابردی بر کونی خاطر لای بی کم اودین تا سفاری  
 جقایی لار و اوزلار کجا ایدلار ای خدیجه ما بولزمان غلوت و اید  
 جقما دیم بر حقیق بر این جم اوی تا سفاری بر شمع و ریم  
 و اید برله قول بول جقما لار و هر طرف کا قرار اید رب کا به بر اید  
 بر صاحب رت کیمت کوریم زینا صغیر اوم صور قید او بری  
 سلیتمید اوزاد و وریو کور و بختین تیر لای ای دل رام  
 به اختیار کونلور ایشیک طایفه ریم صغیر خدیجه قید بر لای سب

۱۰۲



وایدلار ایلا اول قنچی که لا الاله الا الله محمد رسول الله فایم فایم  
مستدیک منی سنی کو حکوم کاسالیکت بید ورونک اعتقاد و  
مقصود ایکنه دور **سوره الفاتحه** **سوره الفاتحه** **سوره الفاتحه**  
نیزه نظر بیکلاید و رشکک نیمه سبب نه خیل امتحان دور و ب  
تو به سیدلار رحم من بعد هر کس را بدین حقیقتا عین و نجه نون  
مونیلت برله نجهت بر فیه صفت لاریه اوله شور و رابره و لارکم حضرت  
**خواجہ خضر علیہ السلام** حضرت شیخ عبداللہ بنیر قدس الله سره  
الغیر شریح حاضر لولیدلار چون لیکت با سلیق ابر و لار جیران او  
لوب لوزان و ترسان لولیدلار و قدر غضب لایدیلار کم غیب  
ب ادب و مسر لارم قرانکو نون وانا حرم خانه ایکنه سبب  
ب اجازت کبر است لار حضرت خواجہ زنده دلان ایدیلار کم ایکنه  
فرز ندیم بنیر هیچ کریمه کانا حرم ایکنه دور شیر اول هم سیمه  
دین سوزیل اندین بوسوزنی و کیسل چون فذیکه بوسوزنی  
استیبت ایدیلارم انیل حضرت خضر علیہ السلام ایدیلارای قنچی  
من خف و درم و بوشنر طبقه او سبب سبب لاری نیک سبب

وایدلارای به نخت می سعادت خدا دین سبب لاری سبب  
مونیلت چون برامیت که لاری ایدیلار سبب و سبب لولیدلار  
سبب سبب لاری که حقیقتی و لعل حاضر و ناظر و بند لاری  
اجوالیند عایم سوزیلو لولیکت با سبب که بر و در کار نک نرغ لول  
قور سبب و سبب صفت لاری لاری کردیلار و فذای لاری  
شکر لاری فذیکه لاری که ای شکر لاری به عالم نیک بر و در کار سبب لاری  
تا بود وقت غم هیچ ناهجر مشکا فرماوی و ناهجر مانه سوز و بکای  
لوز مانم بلا غت هدیکای سبب سبب من ایان عورت بولدم  
ناجر منی لوز مانک سوزین اشتیاق حرم بولدم سبب لاری  
نا سقار حقیقت فذرا عبت فذیکه کوزوم ناهجر کاسالیکت  
سوزین استور و ونک و شیوه عین و اها لقت دین او از کلیل  
ای فذیکه امتحان حمله لاری لولدی تا بود وقت غم لاری ایدیلار  
سبب هیچ نرغ من ناهجر سوزین اشرف لوق ایدیلار  
اولین بولدم و نیک کم نفسینک سوز سبب لاری سبب لاری  
اول ایدیلارم چون بولدم استیبت سبب لاری سبب کاتول

۵۷



بعد از آنکه در دین بودم نیک مر با سرور دین و سین هم  
او شیوه و سبب دین تر و رسیده تا بوزمان غده تکر و حضرت عیسی  
علیه السلام نیک و ج بر فتوح لاری سینک و انیک این بریت  
خانه سید پرورش لاری بو تون بنیر لاری کار بولد کم تر نیک  
بولغا میسر چون خدیجه موی اشتیابا دیدن را بجد خدیجه خدی  
تنبه ای اول نهج مانج غیصبت تو تیل رو صبح غدا و غایب لاری  
و بشیریل و شیوه ضوت خانه و اتر بیت قلب لاری نیک و دی لاری  
اول زمان خبر بروی لاری نیم ای خدیجه نیک لاری نیک و دی  
سپاس ضوت جمعیت برابر و درم لاری نیم ای خدیجه نیک و دی  
لاری بیکای شریف کینه راکت اک نیم مولغا بجهت بخون  
دوران غیز نیر لاری طریقه نیک و دی لاری لازم و دراکر به  
نیز و در کار نیک بولم بجهت و سبب و در اما ضیف لاری غیصبت کونا  
و جماعت کم دور بر بر میسر بول بول لاری لاری با خدیجه ای  
بزرگوار صحبت جامع معلوم ایما سر دور قاید ابار این حضرت  
خواهید لاری فرزند غم نیک نیم صحبت کونا ریک کم بول بول معلوم

دور اول ایردیم نهج بولد و کچر دین بر موکجه اول تو با بروی  
حضرت خواجده اکبر و درویش برله به بولد لاری اید بر فرزند  
قوبیل که خلیس کرم و در بیله قوبیل خواجده برله بولغا یوزلا  
طرفه العین حجره بر بانغ قه نیر لاری کم بیا معمور و اوی لاری  
اراسته دور و دیوار سفش و مرغ صفت قالی بر این را و کتو  
دور لاری به کرب اسلام علیک و بیلا رجه اید بر علیک اسلام  
تبلیل ای فرزند عزیز نیم انظار لاری کوزی بولونکد ایردی  
اول نور عینل با او ترا و اول نور و دی لاری بر ایدین بر کرب  
قوبیل جام است دین جو و حواله قید نیر بر لاری اید بر اید  
بر نیک کم کجیک غافره دور کونا راکت طافت کینه راکت سحرین  
به به موی اشتیابا صول لاری بیک با صیت سقا و دی لاری و شیت  
بستون بولد بر لاری اول کچر تا کوند و زنجیت نیم لاری صحبت  
لاری اید ایردی لاری بیج یادق اوی لاری بیک اید بر علیک  
القاسم شیل بولونال و کچر نیک و شیوه حال لاری  
بعض صلیق طلال بولوب سلامت صلیق لاری بولونه سبالوین

ع



بوف دور هم کوندوزی سبوس بولغای قیچ لار فایق لار برله  
 ساس خور واکار بولغای بجنلار التفات بر لانا لار لانا بکلا  
 بجم ای مغانی بونه مسلاف زیمه و افعال بیتجه دور که قیبر نیک  
 اوز بکاشا قییب کوندوزی سبتوره وکیچ لار لوندونچو او  
 انا لاری ایدیلارای یاران ملامت تلین کوتاه قسطنکیرلا  
 مبدراق دور که اولیا و الله فموند اغ نامشروع ایش  
 لارغه نسبت قیلباق غیر واقع نرسه برله تمه ایلانما  
 خوب بولغانای زیر که اولیا لار اکی بسلیغ شمشیر برادر  
 در لار که اوکسول کپار لار اول جماعت بوسوزنه ایش  
 غم قیلدیلر کیم نه عجب الحق کمره دور که بونوع فاق  
 غه اینجه اختتامی بار دور لار انا لاری خلاقی تنک بو  
 بدین بس المناک بولوب یاندیلار وادی کاکر ب ایدر  
 لارای فرزند تا بو وقت عجم من سنی اولوغ اولیا لار جهد  
 سیدیم بلیس اعتقاد قبول ایدیم بو کون خلق کس نونوع  
 نامشروع ایش غم نسبت قبول لار کلکیل حق کیم اول خدا یسی

سنه

بس و منی براتیب دور ایشیل که بومنی سبوس واقع دور با او  
 باجه سبوس قییب ایدیلار برادر کیم مخالفه لار اغترین بغلا  
 عالی بولما بون سبوس لار انا مام باغلا و بجم تا سقاری حبیب لغیر  
 لورکیل اول ایدر کیم انا لاری تا سقاری جعفر لور و بجم طیفه ملا  
 تلین اجقان کمره لار نیک سبوس لاری تا مغان لار غم سبوس  
 دور کیم سبوس لار با لاید و راندین کین سبوس لاری تا مغان  
 لار بدین جد بولما دی و ادا لار نین سبوس لار بولور  
 دین سبوس لار انا لار بولدی سول کیم سبوس لار کیم باغلا  
 لار بدین حبیب بولور کاروان بولدی لار و انا لاری رفته لار  
 لودی بر بر سبوس بان قه قیر سبوس لاری هر کیم بولور  
 باغنی کورمالکان ایشمالکان ایدر جیران قالیب بکیر  
 راک بارودی ایدر بولور سبوس لار منفق مرقع کوشک عمارت  
 لار کور و عمارت بولور ایدر بولور ایدر ایشیل توقف کور بولور  
 و انا لار صحبت بر طرف بولوب بولور بجم کیم سبوس لار  
 لور ایدر لور دی چون غیر نزل لار سبوس لار بولور لور بولور



بولدی نالار ارقه لاریجین کویبیلاری عین فرزندیم صدقنا  
 و سیم مذکور اولیق هم ناسیل بدئی خلق نیک سوز بر لبه بوز  
 نند اجندان ناسیل ایلیان **الف** سیل نو نیک بر لبه لحنی  
 ایریه بیا بایست مرتبه سبک بایستی لار اول وقت و ابر لنگر بایستی  
 است بر ماک منقول بولدی لار اول سیل لنگر اریق مستبد لار  
 اول عصر دانیس نچ لار سبک ابر دیلار اکثر اوقات بیا نیک  
 وقت لار لایفه سبک و سبک لار دین تناول میور ایردی لار  
 اوسیه سیم لوقان کرامات و مقامات و اوز عصر لار دین ایه  
 نظر بولغان طبقه اوسیه سبک سبک ابر دیلار اوسیه سبک بن  
 مانج الا و لیا و سبک لایس لایس ات مویده لار بر لونی اوسیه  
 ایردی لار کیم اوسیه سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک  
 لار لایفه سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک  
 اندین سبک لار لاری بزرگوار اوقولار و قسره سبک لار  
 لار سبک لار لاری زمانی عنایت قلیق قسره سبک لار  
 دروس لار کا طعام بوشولای چون سبک اجازده بر سبک

انکیر قید لار مباح طعام سبور غلام منقول بولوب کچکتر لار  
 سبک قسره سلامت حاصل بولوب سبور سبک سبک لار کیم کو سبک  
 لار بیا سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک  
 بیا اوجاق اوزر اوز لور و ب دور لار بر لایق لارین اوجاق  
 سبک سبک اوز لور اوز لار اول دروس بیا بوی بولوب  
 سبک سبک لور و ب سبک سبک سبک سبک سبک سبک  
 اید لار خاوس بولیق کیم سبک سبک سبک سبک لار دین اوسیه  
 دور ظاهر بولوب سبک سبک سبک سبک سبک سبک  
 نیک بولیق لاری بیا کیم معلوم بولوب سبک سبک سبک  
 اندین کین اید لاری سبک سبک سبک سبک سبک سبک  
 دروس لار دین سبک سبک سبک سبک سبک سبک  
 نقصان قید سبک سبک سبک سبک سبک سبک  
 سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک  
 نو دین سبک سبک سبک سبک سبک سبک  
 وینه سبک سبک سبک سبک سبک سبک

۱۸۱







و بهشت حله لاریدین کفن اتی لاروتابوت خه سال لاریدین  
 روان بولیفین تابوت قدرت الهی بهر لاروان بولد سرخ  
 لارکوزوت خروفریاد چقار دیلار نیم اسولیه قدر نکست چلای دور  
 شبر معذور لو لقیل دیب و نیک کنه ساز لارین اوتا دیلار لاری  
 لین جنازه اولقید نکست بایک خلوت لاری طریکاروان بولوت  
 اچکر لاری سب کئی زمانه تو تف فیلد لاراکا بر لاری بر لاری  
 ای باران مرا کبر لاری بولوتیه حالیدین خیرالابین کم نه بولدی  
 اول بر دیکم بایک خلوت لاریکا کردیلار کور دیکم جنازه بار و ورژ  
 بوق ابرای ولیه صدقنا و سبنا خوشی غریزنده و در سب کیم  
 دنیا و اوندک بولسایک خشت کابو نیکنه بار سبک فرطال  
 حبیب بولسای باران لورماق غم محل بوق دور قو لو نیکتر لار کم  
 منزل لیکایی اوز منزل لیکاکیت ورجون مونا استنب عراسته  
 لار وفات لاریدین کین بر و لو تیبدا کور دیکم حور لاری  
 بهشت و اسیر و ادور لار سوردیکم ای بایه فدای لعنا سبک  
 نه فیلد بایه لاری حضرت مریم خرافه عنما غم قلیغان بایدی

و احد اسم بال صوب اولوز کور خه فصل اول سبک  
 و خذاره عاده و صایحه و الیه و فر اللیما قایه متغیر از عورات طایفه  
 جو مطلق و لاریق جن یعنی بایه صایحه و سبک سبک چاق کر لاریدا  
 نیم حضرت امام المنقین امام غفرلهم بولوتیه کور صحنه احد  
 علیه اولاد لاریدین ایردی لارافغ ریاضت معبد و وحاجده بچیدا  
 ایردی لارکم نیم لاریق و کوندوزی صایم و نیمه کور ایردی لار  
 جلیق بر لارکسب سب بیدار لاریق بر لارکسب کاتوت  
 بر و بریدی لاراقی مرا تبه لا غت دین تا حد ایا بست خه نام حرمه  
 لوز سبک لاری و نام حرمه سوز کادغیز اچما دیلار و زبان سوز  
 بیان لاریدین دژ دین اوز کاسوز بوق ایردی و بار لاریق  
 حیدر لاریدین در کایه نیاز نفس قنیفه سوز نار ایردی لاریق  
 مایقین سکار لاری و سبک لاری و غولغان و بار لاری ایردی و نیم  
 اندا وفات صید لاراما اول حاله اوقس کسبش مایقین لاری  
 ملکیت بر و دیلار و نجه لون اوقس سوز و لاریق کور لاری  
 لریه فادغی فر عباد و لاریق کسب بر و دیلار مغریر کسب

۲۲







دو کانه درگاه یکه از ادوات این شهر است یی هیچ مانع بود  
دور بهر خواه لا ینک ملقب اول بر دیم قلوب یکه بشوین  
طهات الدیر و ایک کت غار او قوب با سر سجده که قوتی  
لار ایدلار الدینک طبعه و اناسین نیم مندا هو او هو سر متابت  
لفس بق ایرد انا بخول منایم کم فرما ینکدین تور قوت لار بر  
بواسیر متول قیدم و کر نه بواسیر نیک نیم محمل بر ایرد کم و ازوم  
سین ایرد نیک ملکا جو و کتیم و ایدر سر دور حالیم لوسه آید  
تو تار کسل نیم سول نو خدا ابار این آواز کید کم ای صالحه خدای  
لعل اسکا عمر در از زامت قلیب و رو پشمار و عده ابراب  
اول عمر کم لولما نو پسر دور اما کو بونک نیک و عین مقصود قلیب  
و عده او شو نیم تر دور اول بر دیم سجده با سر کوتار دیر لار کو دیر  
نیم کیولاری بکرات موت داد و در دوم باره سجده کا بار دیر  
و ایدلار کر یاکر نیک داد و در کم اسیم اسان نیم سر حال  
انالاری خدای ایدر دی و کیولاری نیک انالاری خدای  
ضرر لولدی و خسل مع بولوب کیدلار کو دیر لار که حق

حاجت سبب ملقب اول بر دیم اندین هو کتار ایرغ متول قلیب  
و کیلکان نو خدا انالاری او یکه یانه لار قوت نشین بولوب لار نیم  
بجسته لار دین ضرر با هو لار و کو کور عادی لار اما سنجاب عالا  
خدای لوت عین ایردی بر قوت دعا قلیب لار البه روا بولور ایردی  
اول حبتین صالحه سبب الدعوت ویدلار بر کوئی قوت خدای  
اول نور و ایرد لار نیم انالاری کردی ایردی فرزند ما خدا انام  
دین قانعان بر قوت کت دخت بار ایردی و انام یاد کاری ایردی  
موزوب دور خواه لار نیم نیک حقیقه دعا قلیب نیک ساید که حقیقه  
و لعل انیک رنی برله دعا نیک بر کاتیدین سینه و خرم بولدی خج  
هتجا البه عوسین اول ایرد نیم صالحه قول تو تار یقید لار  
و عصابین بر دیر لاری بدر باغ قد باریل اول دخت خدای نیم  
و دخت خدای لعل انیک فرمائی برله و صالحه دعا سبب برله  
بولفیل و یی صابرله فاتح اورشیل ساید که سینه بولور اول  
ایر و نیم انالاری عصا البیاب قد بار دیر لار اول دختین  
آواز کید کم ای نیم الدین هو قات حاجت ایر کسل دور زیر ک











ایدر صالح لارکا قلیخان: منیدر اما معلوم بوغنایم بابا صالحی  
 شیخ طاهر لدین سمد و روی غنیک مع منقدین لار دین خربیت  
 تا بهسایردی لار کم حضرت شیخ شهاب لدین سمد و روی  
 یوز تمیز سیر المیزی ایردی لار و الله اعلم بالصواب  
**بجز منسل** یا بدین سیر سیر لار دین اکیم  
 دین دین ایردی لار حضرت بلال حبش رضی الله عنه فرست  
 و نسبت لاری بار ایردی اول حضرت روح پر فتوح لار دین  
 تربیت تا بهسایردی لار سیر کرامت لار و بهسایر یافت  
 لار دین ایردی اول کون عدم غنوت خاند سیر و بود میدنا  
 حضرت غفر رفت تا لار سیر الا حلس غنیک او تو زجر حاکمینه  
 نوفا ایردی و تورت پست او تو بایردیم و بود لار این کتید  
 و هر کاه تو فلکان زمان قباک محمد حسن الحی لعیق رب العالمین  
 و بهسایر لار و سیر حالت دانا لاری حق غنجان سیم سید لار  
 ایردات لار سیر لار و لار طوطی لار لار صالح و ریاضت  
 سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر

بو فرزندیم و در شکیخ صدق دین سیم فالدی سوت برکا لار  
 خاتون لار و حاضر سید لار سیم غنیک اچا کینس اغیز لار  
 المادی استانا بهسایر سفت بر لار اچا کین اغیز لار لار  
 فر لار اغیز لار سیر سیر و لار غنیک فر مانه بر لار اچا کین  
 جوت نزول سید رفت کون سوت بر دین سوت سوت  
 سید سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر  
 سیم بو بجه سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر  
 سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر  
 ایاک غنیک و ایاک غنیک ایردی تا سیر سیر  
 غنوت سید سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر  
 ای سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر  
 سیم سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر  
 سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر  
 سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر  
 سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر  
 سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر سیر



استانت بیلایدورم شول مفرکون فکله مد انقش بیلایدور کیم  
بیلیمه لیلایدورای بد رعالمش موجود قیلیدن مقصود کور کار  
عالمش توفاوت و انکار استنش قلیات دور بولایدور اوز بدین  
استانت بیل ماکر کراک و کیم فاسیلطان بریم راه زن بولایدور  
فارس و نبه دنیا امتحان بریدور که بچند کونکوت عده و مهلت بر  
ایبار بیلایدور اول کونم و عده میقالینه بنیمه مهلت آخرینه کلبه  
بنده اول دور که امتحان عمل سیدین جفای انالاری ایدی  
ار سفیه حق سبحانه و علای اوز کلام ایدایتیه و کر که انشعاق فصاحت  
العقل بنیمه تحقیق خاتون لارنا مقص العقل دور لاراما سهندا  
عجب عقل کاس و کیم بولایدور اوتکان نر بیدین ضرر بر دین  
ایدیل را کرنا مقص العقل بولیم ایدور ان لیدین خبر بر دیر ویم  
مونیم عقل نینک نقصان بکلیل اوسبوسوزد ایدور لاریم بار  
قولای لارینه اوز کلبه لار سفیه اسم الدرف فاش عقاق  
خوب بیکسردورم بعد بولونع ایل لار دین زینهار دیا  
الر بیلایدور بیلایدور عقوبت کاسنر اوز بولایدور

ولیکن کجیک سبن سیدین معذور تر و بیلایدور ایدیل ر دنیا  
ظلمنا با تخیلنا با سر سجده کاقولوب دیرلاریم کر جانه ایدی  
شغول بولایدور کیم خوشنولوغونک منینک خیر نیم نینک ابولونک  
دویم باره اوز کلبه کم حال و معالذات و حیانا استه لاله  
الا اشد و کرینه مغول بولغیل زیراکه سبن سبه نینک  
دور سبن و سوره نینک عباده مخبر لولا عین اوز تر و جانا  
دور لار اوز عوار کیم تفرع و حنیفه وون لار کیم کلام بطریق عام  
دور اوز خاتون لار حقیقه افاضی س خط قلیاتی کیم حص تحت الاعم  
و بیلان و بهرله جون مونی استنبضات نشین بولایدور ایدیل  
یکومیل مونینک برله شجی برکون اولتور و ایدیل لاریم کوز لار  
اولتوقه باروی توش لار ایدیل کوروی لاریم کوریه حاضر بولایدور  
ار سفیه سبکاکراک ثم شریعت نبوی و سبت مصلحه قبول قلیات  
سبن زیراکه قور با فتنه حقیقی و علای ایدیل خاتون و لارنی  
امانت قویوب و در دنیا و حست نینک نینک سعادت ایدور و شونک  
دورنا جار کیمو اختیار سیدیل شول کچ اول امانت قور بیلایدور

وکیل











هم فرب میده افرایه ای استیک در لغت قوت تحت نظر میده افرایه  
دور یا خود جانم شلا کا و چون دور بین غم پاکیل و اندوه کین  
بولکایل که تولد دین او زکامکایج مقصود و اول ایرد است  
و قتر میرید لیدر اعراب کچم بر اول و اینک جهان از اعراب کچم  
منقرطه دین طلوع میده و قرائت کچم کچم کچم کچم کچم کچم  
بولد و ملکون رخ بریده و عجب این کچم کچم کچم کچم کچم کچم  
ایر کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم  
بیر کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم  
فایه کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم  
و قتر کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم  
نیز کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم  
کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم  
دور کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم  
بر کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم  
کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم کچم



بدر میده و لایم الاوقات کور کور کور کور کور کور کور کور  
لا کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور  
اول کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور  
و قتر کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور  
ایدی بوقیر کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور  
یور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور  
قبل کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور  
اول کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور  
و نصحت کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور  
و خوشحال کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور  
اندا کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور  
بر کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور  
کای کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور  
کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور  
کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور  
کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور





ریاست تازیانه شفت متور حاصل بولور سبکاکا اولن اوج میل  
 دور که متبر لاری نزیارت قلیک زیت ایلر سپن عجب و کر که بوز  
 حاصل بولاید ورا کر حاصل بولغان بولیده ماقعه حاجت بول  
 دوریک که نیری خواه لایساکت و اوج لاری سوزدا حاضر بولور لاری  
 شفت متور سبک بولغان بولیده موزین سوزکرا هم سبک بولغان  
 دور بیداید لاری سبک ایل کور و سبک دیدا ارغش اواره  
 دور مهر و کر که کور سبک نین نجه حاصل بولور ایلاری ایلر لاری  
 فرزند نجه کون اویدا اولتور و متوجه بولینل کور کسل حال بند  
 اول وقت حالک نسا سبک ایلر ایل اول ایلر کم اولر کاسولا  
 قیت کور و سبک ایلر متوجه بولیدلر بر کون اوتاب ایلر  
 ایلر کون نسا بولغان اوج لاری نین جمیع حاضر بولیدلر  
 وایدلر ایلر سبک سبک قاید بولر کت نینم سوزدا و سوز  
 غم حاصل خلوت اولتور و حبسجه و لغا نینک عبادتینه قاید  
 کور کور کسل چون بولور نین ایلر لاری نینک لاری نینک ایلر  
 ایلر نینک نینک نینک نینک نینک نینک نینک نینک نینک

من بعد تو به مقید لاری او کوه کوه صفت وین جفا خایه لاری خوشحال  
 بولوب یاغ لاری صفت وین جفا و در بر صفت وین ارسته ابله  
 خدمت لاری کاوی قیر لاریت اعاده مسبدی بابا ایدیلار  
 من قیر صفت خانه کراک ورنه جماعت خانه لرنکا بوجاعت همراه  
 بولوب صفت وین جفت کیم لاری ایدیلای فرزند من سبک  
 لوقونک اسیر و در لوقول فیما سانک بوقیر لاریکنا خوش  
 لیل لاری خدمت لاری بولوب لاری اول بر دویم قش لاریت  
 قلب تنها لوقول اختیار مسبد لاری مونینک بر لاریت کجی  
 بولوب فرشته لاریت بولوب بر کچه نصف شب لاریت  
 لاری اول قودین اولیغاندیلار بولوب نینک صفت خانه لاریت  
 لاریت نینک و از قول لاریت کیدیلای لاریت و در کیم  
 نینک صفت خانه سیدین کیم نینک وازی ظاهری لاریت  
 لاریت نینک لوقول کیتور بولوب و در وین لاریت  
 صفت لاریت کیم لاریت کیم لاریت کیم لاریت  
 و در لاریت کیم لاریت کیم لاریت کیم لاریت



زمانه اولتور و بخت مرادی هیچ کمر بهنا کور مادی به عانی لب لوب  
 دور لار اول سول پخت بابا قاشلار لینه کردی لارا ایدیلار فرزند  
 بخت اول مذای کیم سیر راست یون غه دورانیل لاندکدا قوچک کت  
 لارا ایدیلار بابا ایدیلار سیر مایه غولوت ایردیر چون که بپو  
 دونک ایجا قیم ضرور بولدیر میرا که خدا لقا یانینک هر مینور میان  
 میندنک است رطایب که اولار فرشته لارا ایدیلار اوم صوبه  
 طاهر بولدیلار رینهار کسکایمیشل ضرر کله کار مار سیرنیه اولنیل  
 مونیکنک که بخت بر بابا و وزغ لنت بولدیر موزخر لاری کوروب  
 اولار حالینه رحم مستدلار سیر لارین سجده کا تو بولایلار  
 با کابر و روکارا ارضه مریضه لیکو زسانک اوز قدرینک سیر اول  
 مقدار چونک مینک کیم و وزغ و میندن اوز کار کسکایمیشل غای اول  
 لارا ایدیلار بولنی اوز کیدیم ای خدیجه پوزشک خداب لارینک  
 قاشق لیقیدن اوسوبوزنی ویر سیرن اکر اولار سلام طاعت  
 کاپوز کلتور و سیر سیر اختیارایلار بفریم سیر سیر سیر  
 ایردیر سیر بولایه ارفقار بولمالک سیر ایدیلار سیر لاری

اوسوبودور عدل یایس لیکن کان قلمی یایا ایدیلار رینا ظلمت اول  
 بخت لاون مونیکنک سیر له بخت مینک لنت بولدی ایریه جور عثمان قسود  
 والدان لار غه کوروب بیل ایدیلار اوز کیدیم ارضه کچه نه اومون  
 ییلار سیرن کیم مینک خوشحال لیتا سیریدور ایدیلار کیریا نینک او  
 چون ییلار مینک اکر مینک لار دین بولم اوز لوم غه ووزنی  
 لار دین سیر سیر سیر کسکایمیشل و مینک اوز رینا قلمی قلمی تمام خداب  
 بولغای مین اکر ووزخر لار بولناز نعت لار فرشت لار ایردی کوفت  
 لیتا قه سیر بولنودیک سیر قه سیر کیر قلمی سیر ایدیلار اوز کیدیم  
 ای خدیجه بولتیدیل قلمی سیر ایر سیرن دور هر کیم مینک سیر  
 نور ایر سیر تور اما سفاخت مینک نک مصلحت ووزر بابا ایدیلار رضان  
 در کایمک اسن عافو غه سفاخت مرتبه سیرن قلمی سیرن دوباره  
 اوز کیدیم اوز سیرن عاجیز بولبکت سن قادر ووزر خواه لار غا  
 نایلانیل بابا ایدی کیریا کرمک عا ووزر نه خواه لار بکت قلمی سیر  
 بند اوز کیدیم ای خدیجه مینک لکاموی لار عده و بکامت حور  
 جنیم کایمیشل بولغان لارنی سیر کایمیشل اوزیم که انبیا

۶۹۹



بقاءت بخاره یک برنده لایم نیک طالعه مو بخرم مسو برکن  
 عذر لایم ارم الرحمان دور نه او چون رجم قیما سون علی بن القیما  
 نو بدین کو نکاح اسم ارسف بولد او نکاح اولیا لاریجان دور  
 لیت نهایی کاتیر لار او زکا و رجه لار دین بولک هر کچه او نیک  
 عرس ساقیر تو تو بغیر شیخ تو ماراد و رخان فرشته لار بر لاد  
 ایرو دی نیم کشیک دین عمر به کر لیت سیدی سلام علیک بن هم  
 ای وای منی ولایت بند و رو وای کم دور به ای جنت لقا ع  
 مشغول بولما غریق تر و رو وای او لکن دور نیم غنیک دین کرامت  
 و فارغ عادت ظاهر بولیشه سوردیم اسلا بند و رحمان  
 نیم دور اسلا جنت غن بولون بولما غریق و فرمان تو تاق  
 دور رحمان او لکه بولصفت نیک اول عمر به ای سید فرای  
 لقا نیک فرما نیک بولون بولما غریق کو کت با به سید لار که حال نیک  
 بول عمر به کم دور اید اصغر بن و حج بنی و الا سلام دینی لکته  
 بولستر و صلوة فریست المؤمنون اخوانی و المؤمنات اخواتی  
 بغیر بر در و کای خداوند و سیدم حضرت محمد و نیم سلام

قیم کعبه نماز فرمن مومن لار خواه ایر بولسون خواه فالون تمیزه  
 بر او رجه و رکبیل کیم هیچ مانع یوق و در اما خدا بر له غیدم اندا  
 غنور که کور سبتا نیک لار دین بر کایم فرشت امان بر کیش  
 قیل این و خست لباس بن تکمین اول کمر به ای سیدی با به او  
 بند خست و دور فرصت خواه لا غایت نیک غنیک کیم بن  
 امانت دار سبت و ممانت ان الفوج حاکم بر سکت مول وقت  
 الومر اول ایردکم با به من الحال موبوب غنوت کا کرین غنیک  
 نماز و کانه او کور کوز دیر لار دین خست لباس بن تکمین  
 لار دین بجه اباب کور سبتا نیک غن بار دیر لار خست منز لین  
 رایت اباب نازه غنیک خست لباس بن کیش کا کوز دیر  
 او لک لار سیمجه رو بقیده سبت حق غن جان سیم متدیر  
 ایر سیم طراف جواب غن ضراب بار دیر لار طرفه بعین و ضل  
 بعین لار عالم لار نیک بعین اید لار اول غنیل طهارت  
 بس غنیک لباس رانغ خست لار نیک بر لار دین لار  
 یوق و غنیک تر کیک دین لار نیک نه بایده سیم اول ایردکم



قبر دین جبار پیل قید لاری و نماز لاری اونیاب لاری و اونیاب لاری  
ایرین پیل قیول و لوتور و پیل لاری و اونیاب لاری و اونیاب لاری  
و سبقت الدین القور بهم اما الجنة و را حشر اذ ابا و ما و فحش الیها  
و قال لهم خذوا منکم لیتیم فادخلوا بها فالین و یب از تاربت  
یا تر لاری و یب فبا و قوتیر اندین بنو کمر و فن الیاب یب لاری و یب  
فچه بر و تو سید اورد کم ایرلی یی با با فدا ای لغا سبکانه  
قید لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری  
قید لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری  
روح قید لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری  
**بکره بکره** یب با عینه قید لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری  
و لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری  
ایر و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری  
حال قور کرامت لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری  
لواحق لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری  
اما لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری

شریف لاری و ولادت لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری  
سید اوردی کیم بر پاک صورت کیم بر پاک صورت کیم بر پاک صورت  
فدا ای لغا سبکانه فرزند عا جره لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری  
بولغوسر و ورا نیک شریف و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری  
بولی کراک اما نور پاکیزه قرار لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری  
سبکانه لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری  
سین و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری  
نیک کیم نیک لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری  
باسم هم اول کیم و لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری  
ونه یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری  
لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری  
نام نشین سورماق حاجت ایرماس و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری  
قول غه کیم و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری  
نیک کیم نیک لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری  
بولدی لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری و یب لاری



کما ایدیم ای محمد بوند نوع تو منی ایردیم کوردونک مکر فدا ای تشا  
 ستر او آره لیک ببالا دور که موندانغ تو شادونک مبادا که سیک  
 بونیم او سبب فکر او اولوق علیه سیدرینه او سبب تو منی کورد  
 ایدر استغفر الله عیال دور علی الصبح قوی و یول استغفر الله  
 علیک لوز لاند و بعضی مانع لار جهنم آله ایدر شیرین  
 بواور بوند ابرو شمعان حیران قاله ایدر ای محمد بواور الیک  
 نیک ستر او سبب دور قدم بیکر حق یوب برور ایدر وی نادرواره کا  
 نیک کوردیم بر قوی شکل و شکم کلان اتصال عاود کمر برور واره  
 دالتور و بوند و شمعان شمس کسیدر ایدر سلام علیک ایدر شمع  
 مونا استغفر الله حیران قاله ایدر ای محمد بونیم ایدر بکانین نه  
 بیدر نیک ای خال دنیا اولیا قدوین فاما ایدر کمر دور اول  
 نسیم سیک نشونک ایدر منکا بیدر لیمه ایدر برور حوب کسیدر نیک  
 نیم افکار ربق کوزی یول دایر دور ایدر شمع بوردیم ای مرد  
 خدا اتیک منیدور و ایدر نیک آینه دور و کورد فرزند نیک بارتان  
 ایدر مس فرایم شمع بود و او یوکوم نیک آینه شمع بارتان

فرزند منیدور و او سبب سبب کما حواله فلان او سبب دور کیم مقدر  
 فلان و ایدر نیک وجود دین دور که مبارک آینه عتبه دور و بیکی کا  
 الیک بوی و صیاف فلک رسول طوطی سبب نیک مکر و کورد  
 و ایدر ناکرم لیک مجیدر ایدر یوم و اولوق سبب کسیدر بکان  
 یس قه مقدر دور رسول شمع سبب ناکم کورد و ایدر بر شمع  
 نور شمعان سبب خورشید بوند و بیا زور کا بیدر اسپا سکر  
 ایدر مقصودم غم نیک زیر که سبب صاحب عال و صاحب خوشنویس بوند  
 اوز بکا ایدر شمع شمع هر سه نیم بزرگوار کورد سیدر ایدر رسول کورد  
 دور چون که بوند ذات دین اکر اول آینه بیدر ایدر سبب استحال  
 بار دور لیک سبب بلاغت بیدر بکا بکا کان ایدر وی یل توقف  
 بوند رانین کین بوند بکیر در نیک شمع ایدر اقرار الله ربق زیا  
 او تو بوند نیک ای ده عالمه وجود خدایان مانع کورد و ایدر ربق  
 اغرید ایدر یوکوم نیک لیک مظلوم لارا ایدر لار بوعا جوده مانع کورد  
 مانعم خد بوند لارا کما سیدر و بکانه کوز بکا مانع سیدر و نیک  
 ایدر قایدین معلوم قبله نیک ایدر لار تو نیک ایدر کما قویا نیدین معلوم



مقدود و **الفقه** بود عاقله بر سینه خیزدی است قوی و دلدار و است  
و توان گفت که ابرو دلدار اگر چه با پسر غرض عالم ابروی اما انا بی غرض  
قبل پسر بود و خیرات با لاری آخر بر کوی بود که ایام را بر دی بیا  
نسبت ابروی و الله انیم عبده و رسول است بر له اما نکند و عاقله  
بوده و نه یک سال بوز لامادی و حجم دین او را کاکا کوز با لاری  
بر کون ابروی در زمانه موند و میسر بود پس و موند ابو لا فیکند  
نسبت دین زیاده با پس ابروی اول است تو کادی ابروی موند ابو  
نه مصطفی یون دوزیرا که نسیم هر چه برید و رسد که حقینکه اند  
فیکند موند از ارفا رلیق غدا لور پس نارسید نیک و نسیم  
بوزی اما پسینه فاتح از مشید را پس لول استبدادین ابرو  
نسیم دین حقینک لغز کوند از کسافه تیر لار و بو طرار من  
مجه پسین ابروی و مشرل لار بر افرار لار و لول سیل موندیک  
نیمتر با عینه اوان اوج پسر قه لول را و بسودند انا حجم کابون  
و جاولار و کوزیم با لار با و نه وقت غم خیر نیم من انا نیک  
خیر لور نیک صلیح و فاعول نسیم و ولید و و اول بر دم با و نه

املا ری

املا ری نه خیر ابرو دلدار خواستگار لیت قینای اما لار ابروی  
الحی از پسر نیم حسن جمال اوج صاحب لیدین کم ایک پسر دور انا  
ایر فالتون صلیق لغز قیدین با خبر دور اوز بر بر له مورت فلیک  
خیر بر این و بی خبر لاری نه ابرو لاری فرزند با و نه عمر سنکا خوا  
سنکا رلیق موند و در نه دیر پسین ابرو لار بر له مورت فلیک  
بر و لویق و در عین اول پناه لیت و ابو لور و نه که ایق ایتیک  
ایتیک از منیر مورت و موند رسید و رلو ابرو لار بر له مورت فلیک  
دوم باره شسری ابروی بود وقت با عینه کاه ارض فلیک سیدی  
و ابرو لاری در زمانه کسیر پسین تو کور پسین یقین فلیک کور  
پسر کاه و رویب نظر لاری ابرو لاری کور در ابرو لاری کور  
ارادین اوز و لار سوچ لیک بر له با و نه موند کسیر پسین ابروی  
او سبکرامت نه با و نه کور و ب کف کوی دین غیر لور و لار  
و لور با و نه موند کسیر پسین ابرو لاری کور در ابرو لاری کور  
بر له قیر اوز را سکر نارا ابرو لاری غیر نیم انا عینه با و نه موند  
دو شمن مزا نسیم رسد ابو لور و در و کسیر و در موند موند و ر

۲۲۸



بیا عتبه کول بیدار اگر عاقل عالم باشیم اوز را کلبه منکاح  
 نقصان بولما غوسه و در اول ایدیم شکر تیر و شکر کیکور  
 انیل جیستون ضرر بیدار ایدر سه با بولوز لاریکافقا بارت  
 حقیر لار و ایدیل ر انیل که سوز و نک نید و اگر خواه لایس  
 انانک لاین تو آقایی سبن منکا جرمه منیل با و نه زاده ایدی  
 ارسا لوس نیه خیال قیور سبن که انانک انتقامین سبنین ایدر  
 ویقن انانک اوز نعلانک ترقی بر لار اوق با سنب زیکا  
 ندر و سلا کولدی چون بوکرامت نه با وین کور و بیکر  
 حاجت لار اندین سوکرا با ایدلارای بدرمه ایدر کعبه  
 بار عاقیم لازم دور اول ایدیم انالاری همراه بولدر لار اول  
 بولوز لاندیل در بریل بولوا اقلایب سبن کین که عظیم کایتی  
 تو منی تا بقی لار و طوان اشنا سید اوزریم بولوب بیدی و از  
 لیدی کرای عتبه کلبیل سبن عتبه خادم لار دین دور سبن عتبه  
 بولن نینک خجاف دور و با فاق منقشیدن ایشین اهلانک  
 بد اوق دور چون منی ایشین خج نجال بولدر و سوز بر لار ایدر

زیاده سیدلار اول ایدیم کول اقدین فارغ بولوب مالاری  
 ایدلاری بدینک افراق موده بولدر سبن با فاق کراکتیم ایدل  
 خاننک سبیا انظار مار مار لار و روز کار شفق ایدل کور و لار ایدل  
 جهتین عتبه کالتو سها کای سبن و نیه نیدن امید اوز قیل  
 و بیل طراط و اید و سلا کیل انالار ایدلای فرزند سبنیک سبن  
 بخوف بار این و نه جواب باین با ایدی لار کور کانیکنک  
 انیل اول ایدیم مالاری بر لار خولک شفا لیل لار و سبیل طراط  
 بولدر لار و سبیل حج التبریح کیتور و لار و نک سبه بوز مره ایدل  
 بر کونی مره غه بار و لار ایدل متخیر تور و بیدلار نیه قولاق لار  
 غه او از سید کیم ای عتبه بوز وقت خج سبج نا حرم کالبت نما و نیک کون  
 سلا و نیک نا حرم لار نظوری بولما و نیک خمر و نک امو نه و اول  
 موسبن موسبن سال لار لوز سبکا تو سها کای عتبه ایدلار کرا عتبه  
 اولکایم برنده و سبیل لار لقمه سبیل لار لقمه نا حرم لار نظر بکا منطو  
 بولما قیم دین بد اوق دور او از سید کیم اگر موز خواه لایس نک خج

حج











انا پی خدیویدین قوغادی اوزی حقیق حضرت امام متقی  
 و برهان محققین سر حله مله الدین سیدالاسلام و السلام  
 ابو حنیفه کوفی صوفی رحمت احد علیه شیک منار فیض انوار الایض بار  
 و فریاد مبتدع کما ای امام المتقین سنینک و چونک فهدب مطهر نیک  
 حبیبشاه و علما قائمدا بر و جانیده کواه لبق بر کو نجه فوت و مرید  
 بار و درم بنده صحر و جافا خا لواه لوفیل ثم لکون تو منق  
 الابرار لولوب و زهر و درکارم طریکایانیم افعال مبتدع لاری  
 تو به یلیدیم مزاجاره نه منق و اوست سرخه سهریقان امانام  
 دین بنیرار لولوم شکا درگاه خداوندید اسیح لول بار مو  
 حضرت امام نیک متبر لاری دین اواز کیدیکم ارضه که اگر تم  
 عروکت منق بر لاه و تحارسات کس کلیلور ما بنانک تو به  
 فیک منق مید دور که مغفرت تا بقای سبن زیراکه حبیبشاه و علما  
 نیک محترم عطر کنه کار بنده لارا و چون دور بار لیل خداوند  
 علما نیک قلو عنید الوفیل و لطف جمیدین نو مید اولما لیل  
 اول اردکم فندقه حضرت امام نیک استانه لاری نیکانیدا

صومعه اختیار مبتدع عبادت کالو زکلتور و بیان اکبر سید خواجه  
 طاعت یلیدکم کوندوز نجه کاه و لجه نجه کوندوز کالو لادی و لوقه  
 اوزی کاهرام مبتدع بر خط یا نسر مرغت سیر لقا و کادی هر کونی  
 ایستغال دین زیاده طعام یادی و بومنده حضرت امام نیک  
 مقدس لاری دین تربیت تابی و فنا فرط حد مرتبه سیکایی و فغانی  
 اعد جذبه سید اوزین حفظ میلادی سترق قالدرا کرام لوز  
 زهر لولوب صحر و لک کاسر ایردی خر صومعه دین حقیق کوه پسا  
 طریکایا دوی و برناغ اوزرا قرار لاری لیل اکبر سید سترق  
 اویردکم هر کون حبیبشاه و علما نیکانجا جلد سیرا بریدی بر کون  
 مستغرق اولتور و رایدیلا ریم اواز کیدیکم ای فندقه ایدین  
 استغراق ناکونورم اول اردکم سول خطه اعال لاری کیدیکم  
 نور و لار که ناغ با سید التور و ب و لارا دیرا لار کرایا و رحیمی  
 خبر بر سید نیم نجه لیل لیل فایزیم فغانا لولده فغانا سبن اوین  
 اواز کیدیکم ای فندقه اولن سول دور هم سترق سبن سول  
 فوت لولغان فازلارا فغانا سیر سر و سبیل نجه کوندوز ایدین



ایر بر سر کسب کسیتو ردیل از سر کوفی فند طر فکا متوجه بولوب  
 اول نور و در ایر دیل ریم بر جیان الیلار دین اضطرار برله اوینا  
 قوبولوب قد سینه کروی باره یول بار بر سر او سوتونک بولوب  
 اول جیان بودین بی لای تحیر نور و بر دیل از سر بالیق پیدا  
 بولوب و جاش ایست کاروی اوزر یانند فندقه بودین حبیب  
 جیان ایر غش بر سر بر همواره بر کار دیل از سر بر یون خست  
 نینک بر کار دی تو کولوب و در تختید ابر ضعیفه یا تیب لفظه نینک  
 و بر یلان انکا محمد قلیت و نینک که بولوب هلاک مل کای جیک  
 یشتی همان یلان خمر کسبیش و روست قد اول مقدار  
 نیش و در یلان هلاک بولوب بر سر جیان یا ندر یان فندقه اول  
 ضعیفه بنین نینک لایک ایست نور دیل از یون نینک زینر جی  
 نور و کم بر عو نه بر سر اوزر اول نور و بر و فر احوال قوبولوب  
 ارفندقه قایدین پیدا بولوب و نینک با فندقه ایس لای قانون لا  
 بخش سر قایدین جلد نینک کم ریم فندقه دورای فندقه سول نجم  
 در و چونک لفت با دی نینک و حوم هم قابلیت کروی اول فضا

ایک لایه نینک و صحره راه ایردی لایکم علای علیین دین نوشته  
 لایسول انس الفت حقیقه و در کم سهر تنو و نینک با نور مرید  
 فندقه او شجوه خست تو میدا تو غولوب ایردیم بوزمان غی و نینک او سبو  
 دور با فندقه ایدر امانا نینک میان کسرام منر تو فغان زمان  
 عالمین کسرام کوندرین کین امان اولدر ایس لای نینک نینک  
 قیسیدر ای فندقه ایسیم بکار لیت و علیم بر کار نون در جفا جان  
 ایسیم قیسیدر ای فندقه و جیلان بولوب و نور و بر دیل از سر طر  
 جمع کسیدلار و بهشت جلد لایس کسیتو ردیل از بر با بولوب و در کار  
 نینک قیصل تر و دور ایردی لایکم اواز کسیدر ای فندقه پیکیل  
 سندن استغراق نایر طرف قیفاق مو نینک چون ایردیم  
 خدار لای نینک بود و سهر مو سهر حقیقیک با غای سهر فند  
 دولیتدین سرف نالغای سهر چون با بونی استیب  
 فرا حال قوبولوب بودیل از رطه لایک یورکاب فن فیکس و نینک  
 قدم کسیدر دیل ریم قولاق لایس اواز کسیدر ای فندقه  
 سنینک برله ایس حقیقه بر ایردی بوزمان سهر او سبو

۹۵۱



میا باند استنها قبول و قبول بار و سرت چون من استنیفت قف قلب  
 مترود بولد کلا را بر سر مالفت دین او از کید کم دست ایاد و در پائیل  
 انسیل لفت لیل با جار با نیب باند اقرار الدلار اکی کون او حال لاری  
 برله اندا ایردی لارا و چون خرقونی استپراق ویت بر دی بکره کون  
 مستغرق ایردی رسول قف و ابر حله نشین در ویش ضای کسا  
 نیشک ویت لار دین بر نیشک نکلان منزل اسبس بار و دران  
 تا بسکوب کاک کراک اول ایردی کم در ویش جده خانه بسیدن حبیب  
 جوی ایلا بخرافتی کورد کم بچ استپراق وور لار وچ کون  
 منظر توردی کم اوز حال لار دین اسبد ضر بولمادی لور تو بخرقونی  
 حال لار لید کید کلا را بر سر لارای روی لوز یونکت تو بوسی  
 اوز حایمه قولیل زیر که قدر لغا ما هر شکا بر ضامول غرامت  
 علیک رسول لول برله منزل کابا ووردی جان بر دیلار ورویش  
 جبران قالد لاری کویا استپکا بنده لار بار ایکن کم نیر لار کا بنده لیک  
 لافین اور ماق حرم ایکن دیک بفس ایلا بفس میماق بچا  
 بولد تاله استپکان اول مقدار فرشته لار کوشتر لار کم عدد لار



بگویم که تو بخیر و فصل باب نهم در حدیث است  
 و در این سر صاحب جمال و خوشحالی و قوت و ابروهای آید و تقدیر  
 العبدین مع طریقی که خواجہ اوجیم ایلیک کافر و لولہ مصرعہ  
 تو شکر کا نیک سپر اول آید و بر سبیلین مع غریب کلمہ ای زاعت  
 کر اک لولہ بنگ لیک بدلولی خواجہ اوجیم خطای سفرین اختیار  
 اول در این سر بولدا قالمات لولہ قوب ہم اس کاروان فایراج  
 فقیہ لار و خواجہ اوجیم نیک امول بقیاس آید و سحرنا اللہ لار اسیر  
 بی طاقت لولہ ناچار آرد و سپیدین کر سبک ماستان نہ تیر  
 فایان کافران فقیہ متین قبول فقیہ جالین عرض ایادی  
 اول کافران و تیرند اوجیم اگر سپین نیک طریقی کرب تک میل مالک  
 خطا بر این یوت اگر سپین باره فقیہوم دور لولہ فایان  
 سیدین عاریت دی بلی و کم اول تیرد و رو لیکن ایلیک بر لولہ  
 است و فقیہم کافرنیک کو نظر کو نیک طریقی و اول لولہ سب  
 قرار تا تیر اول کون خفته کلیم کچ بولدا بر سر بولخواجہ کون  
 ایلیک بت فقیہ و فخر لقا فتم بسیار ناله و زاری اول آید

بگویم که تو بخیر و فصل باب نهم در حدیث است  
 و در این سر صاحب جمال و خوشحالی و قوت و ابروهای آید و تقدیر  
 العبدین مع طریقی که خواجہ اوجیم ایلیک کافر و لولہ مصرعہ  
 تو شکر کا نیک سپر اول آید و بر سبیلین مع غریب کلمہ ای زاعت  
 کر اک لولہ بنگ لیک بدلولی خواجہ اوجیم خطای سفرین اختیار  
 اول در این سر بولدا قالمات لولہ قوب ہم اس کاروان فایراج  
 فقیہ لار و خواجہ اوجیم نیک امول بقیاس آید و سحرنا اللہ لار اسیر  
 بی طاقت لولہ ناچار آرد و سپیدین کر سبک ماستان نہ تیر  
 فایان کافران فقیہ متین قبول فقیہ جالین عرض ایادی  
 اول کافران و تیرند اوجیم اگر سپین نیک طریقی کرب تک میل مالک  
 خطا بر این یوت اگر سپین باره فقیہوم دور لولہ فایان  
 سیدین عاریت دی بلی و کم اول تیرد و رو لیکن ایلیک بر لولہ  
 است و فقیہم کافرنیک کو نظر کو نیک طریقی و اول لولہ سب  
 قرار تا تیر اول کون خفته کلیم کچ بولدا بر سر بولخواجہ کون  
 ایلیک بت فقیہ و فخر لقا فتم بسیار ناله و زاری اول آید

۴۵۵







کین ز بهار شبنم طریقم فو قیاسیل بودیم ای والدہ طریقتی  
 دور بیان فیض تا اول طریقہ و الہامین ایاری فرزند طریقم اول  
 ہر تہجدین بولاک بوز پس ہم ایک لڑکتہ نماز او تا صبح سلام دین  
 او سب روز و دو قورم کہ اللہ علیہ السلام سیدنا و سید خلق محمد و آلہ  
 و نماز دین فاتح بولوب غای قریش و صلوة نماز و قورم انین کین  
 اولن ایک لڑکتہ ہنس بر لہ کرمہ تورست کت نماز تہجد و تا صبح و نیمہ اف  
 و استخارہ و حنا و زوال و ابین و صلوة نماز الابدال و سب نماز لاری  
 ترک تھا بدو مرغ و روزہ و او و دین و طیفہ قلب و نماز روزہ و تک پہل  
 و بولار دین بولاک ہر طوطی لا الہ الا اللہ ذکر دین فاتح بولام و کور  
 ہم او سب طریقم و یور سب کت مید و ور کہ بات مقصود و تک خیر یارین  
 و بوجہ حق و جان ہنس و فیکر و فائیدن ہونکر ابابہ زہرہ با قصاب  
 خطا و نیکت بکینک عمل بر و دست یافتی کانر نہ زیادہ مسد اول  
 بولار ہم نماز تہجد شبنم ہر سب مبدین ہونکر انبیل بجا کینور و نتیجہ  
 سنا بکینک تا بہر القضا و انیکر سبدا او ز اسبہ تمام میدی  
 اندام ہر کونما سبہ و ہر کونما سبہ بر نوبت یا نیت ہر کونما سبہ ہر کونما

کین نہ کرمہ سب یا فست تا سبیل اول مرشد کابیر لکم تجتہوی  
 واقع بولدی ہر کونما کینور لاری ای بیابنک بخییر کابیر سب  
 بار و دورا بولام و اید اید کاس دور با اید لاری سب ہر سب  
 تجل فیض اول بوز ہم کینور لاری تا صبح ہر تہجدین ہونکر  
 تیروی طین ابجرہ الید اید لاری سب ہر لاری او ز کابیر لاری  
 بوز شبنم و قورم ابین بولاک نیا ابجرہ و بخییر شبنم ایک کاف  
 بار و دور کویا سبدا کت کت بولوب و در لہ کت ہم او سب  
 خالون سبیدین عرس سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب  
 و در لاری کرمہ شبنم بکینک بکینک خالون بولوب سب قیامت کونست ہم  
 عرس سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب سب  
 ہر و لاری تا قیامت اسب سب سب سب سب سب سب سب سب سب  
 خواہ لاری کہ ہر کونما بکینک بولام معلوم بولام سب سب سب  
 بولام و غرض عمل فیض ہم خطا و توت سب سب سب سب سب  
 بولامی عرض او کہ بولام لاری بکینک ہر زمان ظاہر بولام  
 ہر کونما اولنور و بولام سب سب سب سب سب سب سب سب سب







کور و کیم جور لار بر لایق است سیر و او در لار سیر و کیم ای نه  
 طای لایق است کیم ای نه سیر و او در لار سیر و کیم ای نه  
 ای لایق مونی و بی دان بول لار و احد سلم بالصواب  
 بگویم **بسم الله الرحمن الرحیم** ای لایق  
 و کیم ای نه سیر و او در لار سیر و کیم ای نه  
 سیر و او در لار سیر و کیم ای نه  
 کیم ای نه سیر و او در لار سیر و کیم ای نه  
 طعم بر لایق لار بگویم ای نه سیر و او در لار سیر و کیم ای نه  
 ای نه سیر و او در لار سیر و کیم ای نه  
 بوز کور کیم ای نه سیر و او در لار سیر و کیم ای نه  
 کیم ای نه سیر و او در لار سیر و کیم ای نه  
 فکر کور و کیم ای نه سیر و او در لار سیر و کیم ای نه  
 بسم قلم بر لایق لار کور لار و کیم ای نه سیر و او در لار سیر و کیم ای نه  
 نظر سیر و او در لار سیر و کیم ای نه سیر و او در لار سیر و کیم ای نه  
 الاوقات روزه تو را بر لایق لار کیم ای نه سیر و او در لار سیر و کیم ای نه

غازدا ای لار سیر و او در لار سیر و کیم ای نه  
 فالک سیر و او در لار سیر و کیم ای نه  
 ای لایق ای نه سیر و او در لار سیر و کیم ای نه  
 کیم ای نه سیر و او در لار سیر و کیم ای نه  
 و بول لایق سیر و او در لار سیر و کیم ای نه  
 او ر کانه و کیم ای نه سیر و او در لار سیر و کیم ای نه  
 و خوش خوی و خوش مقال و بسیار صاحب جمال ای نه سیر و او در لار سیر و کیم ای نه  
 شکیم سیر و او در لار سیر و کیم ای نه  
 هیچ نیست خور و سیر و او در لار سیر و کیم ای نه  
 سیر و او در لار سیر و کیم ای نه  
 از نغمه انگیز ای نه سیر و او در لار سیر و کیم ای نه  
 ما لور ای نه سیر و او در لار سیر و کیم ای نه  
 احسن الامر بادشاه مصر کاخ قلیب قلیب ای نه سیر و او در لار سیر و کیم ای نه  
 طبع لیکرین لایق سیر و او در لار سیر و کیم ای نه  
 بر لایق سیر و او در لار سیر و کیم ای نه

۱۰۰



و لعل آنکه او در ششک حسنا صلی الله علیه و آله و سلم است که در او چون  
 آنکه ناله ای اول بر دیکم خدا را اول عافیه نینک اول عافیه  
 نینک معایر نیاز در کا هید قبول قیامت صمد ابروی که بار  
 مرکب عافیات غنیمت اول در و بظن و شمس اول بپسین  
 کا فویر ایدی که یاقا و قادیان نینک کامل دور که خواه لا فانی نینک  
 هر نه خواه لا با نینک متورسین و شیل کوز لوی که لیک دین تو  
 قلیب لای را حیات سیدین اوز و کدر هر چند ارا میرد اول بغیر و شیل  
 ایلادی لا قبول عیال رسول وقت ابر میرد ابر غیر نینک بار اید  
 لا قطب عالم اید اید اول اول غیر نینک بار اید ز جالین و ضعیف  
 و اید برای نیر کو ادر نینک نکاح بر قبول قیامت اول نیر کو ارا  
 اید برای مجلیه بن حسن محبان ابر کال من قیاس بقدر مثال  
 و سبب اوج جوان بقدر او من مناسبت هر بقدر ابر نینک اید  
 صحبت بخون کلشنو عیال اید نیر کو ارا کو سبب منیج بونش  
 و من قیاس راق و در هر اکر سبب هر سبب و در هر سبب  
 خیر لوف و در حق عالم اید رضا پس او چون من قبول قیامت

اید لای را عیال نینک نینک نینک نینک نینک نینک نینک نینک  
 و نینک نینک نینک نینک نینک نینک نینک نینک نینک  
 نینک نینک نینک نینک نینک نینک نینک نینک نینک  
 اید ویم اید نینک نینک نینک نینک نینک نینک نینک نینک  
 لا ریفه لای را اما قشاید لای را نینک نینک نینک نینک نینک  
 اوسو حجت نینک عیال بسیار نینک نینک نینک نینک نینک  
 اید نینک نینک نینک نینک نینک نینک نینک نینک نینک  
 بر لای حجت نینک نینک نینک نینک نینک نینک نینک نینک  
 رفا نینک نینک نینک نینک نینک نینک نینک نینک نینک  
 شو بر دین او لکار در عالم نینک نینک نینک نینک نینک  
 بر لای نینک نینک نینک نینک نینک نینک نینک نینک نینک  
 خواب نینک نینک نینک نینک نینک نینک نینک نینک نینک  
 اید بر لای نینک نینک نینک نینک نینک نینک نینک نینک  
 کون نینک نینک نینک نینک نینک نینک نینک نینک نینک  
 اید بر لای نینک نینک نینک نینک نینک نینک نینک نینک







بر سر بکنند و در فتنه اند و ایردی اول عزیز بزرگ صاحب دعا بد  
 دستور ایردی یا نصت لاری قور مجاهدت قلاری بایر ایردی  
 اول کونم عدم کفیند و جوید اند صحنه کینه لاری غایت بخت مجده  
 خون آلوده بر کاکشستر زمان ایردی کار کم اعوذ با قدم سبط  
 الرحیم نفر من صد فتنه قریب بشر المؤمنین و اول عابد زهره چمن  
 و عابد و مورن من نیک با لاری بسبک کرده ریاضت تالقان  
 و مجاهد زهرن تالقان مرد ایردی لاری با اول بزرگ ارشیک  
 ای کاک لاری کباب لاری و ولادت و قیامت انا سلامت ا اولار عن  
 بیان مستدر لاری بر بقیل لاری ای لاری از فرزند بو فرزند نیک  
 و یک ضمیمه پاک باطنراق و باغ کونکری موت قی بولنا را حاضر  
 کار و اسبید بوبه کراک نیرا که قان سید لیک سلا مترو و ریب  
 قاتع نیکلادی لاری و نه خوشحال بولید لاری ارا لاری بوردی لاری  
 در بزرگ اربو ایک منظر نیم بر بخت کاصد و در سپهر لاری دین قان  
 بولد شاد و چون ایردی لاری ارا لاری نیرا نیک او چون دور  
 نیم بوجانم بر طایم نیک ای لیک اولتور و لک و هر دور و خوشحال

لیتق بو جهت دین ایردی که قیامت کون انکاشفات ملعا  
 قیلغان لاری و سپیدین بولغو منیر و راقصه تولد دین  
 بش کون و ایردی بسبک کابال لاری و اندامیه نفر من  
 و فتنه قریب بشر المؤمنین و ایردی لاری چون مو نیک بر لاری  
 کون کجتر بر بخت با لاری تو سید کور و نیم  
 علیه و سلم حاضر بولید لاری لاری لاری بسبک کاکه نین بزرگ  
 قلیل سوت بر ماکای سبن و غلیظ طعام تا تور ماکای سبن و  
 ترا جبین اچور کاک سبن بیا کاک آله و نور ماکای سبن نیم  
 اول بسبک جمال و صاحب لیت دور و سبن بولید لاری  
 بزرگوار اولیقا سبن من طالع قور لاری و قیصر لاری و بکا باریب  
 بولوق نین بیان مستدر لاری و فرزند نیرا نیک منظر غایت  
 قیصر لاری و توش لاری کور کاک عمل نین بولید لاری و نیک کون  
 ایردی لاری بوجوین کرامت ظاهر بولوش قان اول غریب  
 نیم و قوع غه کید لاری ایردی کم هر کون عدل الصباح بابا سبن  
 بابا بسبک و ایردی سبت رت بر کک سلام قیصر لاری و لاری

سج











محمد سر اسید لار لفر کما اهد و فتح و توب و بستر المومنین  
 دیب حق غه جانیم قلمه بلار علی الصبیح انالاری ملار  
 لاریکا کور دیلار کور دیلار کیم شهید بولوب و لار فریاد  
 جبقار دیلار و کوریه اغاز ایله دمراد لوک تنخ دینج اواری  
 کلکیم اسید منزه دریا سید افرق قیدما غیل لاشا جودید  
 محروم ایله ماکیل انالار موزالیشیت فاموش بولور لالجال  
 نواف غه تاجور و درو لجه نیک تورت طرفه منج او از کلکیم  
 الحمد مکیم بود دولت و لیکه کتزل بولدم وضوت خانه لاریین  
 تا سر خاک لاری غه بوز القی سریر دا او از کلکیم یا یقین کت ترا  
 و قیر و قولغان زمان قولوب لولور و بولار احو ذی با صفا  
 الرحیم یا ایها الذین امنوا اوبوا الی الله تو بیة الصوفی اندین  
 لنین قید غه با قیبتین لار کجه یا سیرا سیر به من قلیک عینی  
 لار و اولور کور جهنم تو لار لار قرار سید لاری پدرا اول قلیب  
 ندر کاتیر سن ندر کاتیر سن و لوز حالیه فو لعل انیک  
 جانیه لجه مده غلیل نوسل شیت نیدین قول لید لار

لچ بولور لاری توب سیده کوریم با با منقش او را کجه  
 التون نخت او زرا اولور و بولور لار جهنم زبا او قتل  
 الیلار یا قدامت التور و بولار لاریک لور قرا بر پاریج  
 اوست سید اقان بیا یا سید روبرو کیم افرزند بولور لار  
 بولور قینلار و در اول نجه یک ترور اید لاری پدرا بولور  
 لوشک و در بولور قینلار و در اول لار اول بک مرزا کنه  
 نیک قاتل و در کیم خدای انالار او ز قتل بر لول صورت و قلیب  
 دورا بر در زینما نیک باره انیلا مایل و صبح بر لول بولور  
 قید لار و اهد سلم بال صوب کور شینج فصل یا سید و در  
 علیها احوال لار فز لید الو غولغان بر لاری خوار زم نیک صفا  
 نیدین اید و در شینج غریب نسی رحمة الله علیه نیک اولاد لاری  
 اید و در لار جهنم و جندیه لاری اصل لاری خلق دین او ز لوب  
 تاغ و صحرا و الیور دیر لار جهنم و پرنده لار بر لول انیلا لار  
 بار اید و طعم لار کیه لار نیک لید نیر و لار کیک پو  
 اید و دی باج لاری تیر لاری غه و دی میان لار اسوق



لاریت کور و ایرودی لیسر حق سجانه و لغا مدرت کاسه سر لیس  
 دین مایان غورت دور بولنج برله کوسیده تو مار ایردی معلوم  
 بولغایم با بولغایم سیر بالیر نزل کچه روحا نیت عاقل دین جیش  
 عاقل مله لاری جیش تی نیک اولن تو ز چهار سینه لونی ایرودی اول  
 نجه ای تو لو بول بولایت قرانکلو بولدی و قسز که اول مالقار صخر کا  
 نوشت ایر پایی جیش قرانکلو کچه کوندوز نیکلن رو سهر بولدی نیکلن  
 بولس ایف نیکلن انا لاری دولت خانه سیرای دیک طلعت لاری لکست  
 جنان رو سهر لیک تبدیل ما پیر کیم کویا جوغ لاری بند و رو ب و ر لاری  
 القطة و لقا نیت و مرم منقبت چون برکا کوسر ایر پ کوزا  
 ایدلار کیم چینه سیر الله تو جی الحیم ربنا انما الله بناسنه  
 و فرالافه حسنه و قضا عذاب لاری لیسر خداوند سیر دیک حجاب و نیت  
 لاری کادینا و نیت و نیت لیسر نیت و نیت لاری نیت و نیت لاری  
 ساقا نیت انا لاری نیت لاری نیت لاری نیت لاری نیت لاری نیت لاری  
 جوغ و نیت نیت سیر و نیت لاری کراک لاری لاری لاری لاری  
 ایدلار لاری نیت لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری

لاله و نیت لاری نیت لاری نیت لاری نیت لاری نیت لاری نیت لاری  
 لیکم طبع فادله با حال دین انا لاری نیت لاری نیت لاری نیت لاری  
 ای خالون عالیه لیک نیت لاری نیت لاری نیت لاری نیت لاری  
 نیت لاری نیت لاری نیت لاری نیت لاری نیت لاری نیت لاری  
 ایر سیر سیر سیر لاری نیت لاری نیت لاری نیت لاری نیت لاری  
 لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 نیت لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 ایر سیر لاری نیت لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 اول جوغ و نیت سیر سیر لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 جیران قالیب کریان و مالان باند خا تو نیت لاری لاری لاری لاری  
 سیر سیر لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 او ز لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری



بولنیک کیم من بعد اول منیرا فرزند دین امید او زماں کرک او کوک  
 جانشیناوت کرک اول ایردی که حج کون عذاته تو باندین کین پ  
 دین کو کل لارین منیرا قید لار القضا با قدر سر با کو پت اچره  
 یوروب چرنده و چرنده لار برله اسیر الفت الی لار طعم لار کلاه  
 سید نیری و لیک لار سنا پور ایردی لار همیشه سیرت کمال ایردی  
 ایردی لار اوز لار دین اوز کادین بجز حق دین بولاک کیم مو  
 و خلوقات غنظر لارین با لار لار بر کو فضا و صید غلام و صید  
 بر کیک ایندی و صیاد کیک از قسیدین کیتب با و ایردی در سنا  
 اول دیا سیرت لار لار تیر ایردی که ردیم هر عیب نرسه باغ اوز را  
 یوز نیر سنا طریقا قلبیه این بولوب دور بولوب بر کون اوقه  
 سید انور دی اوز با لیفه کلام دی تا نکل ابر صید نیک اگرنه فردی  
 و صید قول غن کیتو رو باندین که ردیم هنوز اول صید یک لوروب  
 دور یا نید اسکان تو لوب کیم اتی اند ایردی با با اوز حال لار لار  
 کسید لار کور دی لار کیم کیم با لار لار اید اهرم قلبیه اید لار کیم با لار  
 بجز منیرا لار کور با لار و نیک اوز و نیک بولاک که کوزوم کون سنا

روا لار و نیک بولون نه بولدم شکنا حج منیرا کوزی تشو و تشو  
 تو زوم انکا لول تا جی و منیرا منیرا لار بر دی اول کون انا وین  
 تو غولدم منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا  
 سیر منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا  
 قالدی و عده میعاد لار نیکان دین بولک اول پست قیر و منیرا  
 سنج عید منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا  
 هیچ کیم کیم لار بولوب کون بولوب منیرا منیرا منیرا منیرا  
 ریب ز لار دین کستر لار و نیکه منیرا لار لار لار لار لار لار  
 حق منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا  
 لار سید اوز و نیک لیک غیری و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک  
 قیلنا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا  
 اوز غای منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا  
 انجمن نیک منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا  
 منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا  
 حضرت سلطان غاز منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا







طه انو منيلا را کيک کچ سيل مکدا جا و ربه لدر لار سيل مکدا کلام او سبورانه  
لاری بار ایر و درو نیاه و جیل مدینه الورد بلار مدینه منوره و طیف  
درین برور ایر و لار و انداز با جلوی ای آقا غزل لار بر کچ حضرت رسول  
الرم صا هند علیه السلام شنگ و ضلار یکا باریا رنج هده لاری  
بر کاپور لوپ عافه قول آیتی لار و اید لار کربا و حیا تفرغین و کوه  
بر و اقبیل بو حین و اقول ف لاریغه آواز کبلد کم است تفرغین  
سوده اود و اما سبک کرا کیم اوز منیر لکشت بار خای سبن و بو حیت  
چیم موافقت کور کوز و لار و از منیر لار یکا ملتیب تربیت ایلاب  
عزیز از اخو یغه تنگور کای سبن و دمن طی هر نیک ضلایق خاند کوا  
سپاس کرا کیم و ازل وقت موند حاضر بو جاق لازم تر و اول  
ایر و کم غل الصباح اوز یاران لار بر لار و ان بو لوب اوز  
چند کایر لار و با لاری اسپانه سبک طواف قلبیل لچه اندا بر کوا  
واقعه اکور و لاری کم کر نه حاضر بو لوب لاری با جلوی ای منیر لک  
بو ایر ما بر و در کجک یار کند سبک و در کجک آند با رخای سبن  
اول ایر و کم با قد سبک بر با طر کند سبک بر رخیا منیر لار و لک

بیل یار کند و اعدا و اندر لغا یا صفر منو ابر ما کاشفول ایر و لار  
او سبک لاری وین سبک سبک تربیت ایلادی لار اوز لاری **خبر**  
**ایر و کم** لاری وین سبک سبک تربیت ایلادی لار اوز لاری **خبر**  
و خبر و خبر لاری لاری ایلادی لاری و خبر و خبر لاری لاری  
سپاس خصال جهت بن سوت با و سبک لوب لاری و لک لاری  
بیل عمر کور و لاری لاری سبک سبک سبک لاری لاری و لک لاری  
شنگ کایر سبک لاری سبک لاری لاری اوز طیف و اقبیل و لک لاری  
قوبوب است اولتوره با یلار اوز با سبک سبک لاری لاری و لک لاری  
است سبک لاری سبک لاری سبک لاری سبک لاری سبک لاری  
لین ایلار قال البنی علیه السلام اوز سبک لاری لاری و لک لاری  
سبک لاری سبک لاری سبک لاری سبک لاری سبک لاری  
و لک لاری و لک لاری و لک لاری و لک لاری و لک لاری  
و لک لاری و لک لاری و لک لاری و لک لاری و لک لاری  
و لک لاری و لک لاری و لک لاری و لک لاری و لک لاری  
و لک لاری و لک لاری و لک لاری و لک لاری و لک لاری



ابدلار و قتر که چنان بول بکلا رنک شیرلار و ابر کور و سیدان  
 استغاثت بول کثیرلار و جواب نمانیک منیر و در کاریم الله  
 اعلا و بفریم حضرت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم  
 فرزند سلطان لار خواه خاتون بولسون خواه ایربار و بفریم  
 ۱۸ ایروراندین بولند و از نامت لار منور لک نیک اغزینی با طاعت  
 ایرودی کیم با طاعت دین غایت لار لار و کرامات حاضر باد و بود کور  
 و لار ایربار لار بفریم شکر صورت و لار رسول کیم بر دروس  
 لک سید اکو کیم الی با سید کانه بولد کیم خست منیر بفریم بول  
 با ابدلار لاری منانی من کیم بولوغا کیم حضرت بفریم علی سید  
 سبقت لاری منی بول علی فارم اما منیر کیم طاهر عالمه اول ارک  
 و لکن حقیقت اول حضرت نیک مدینه لار ایرور و از منزل  
 کاکبیلیم الفقه مدینه و اخلاق اللین بر خیز منیر و لاری و ولایت  
 نوری بر لک سید لار که منیر عالمه حضرت بفریم علی سید  
 نیک حضرت لار بر لک با عالمه لار بارغان کیم سید کیم سید  
 عالمه دین رخت کور و در و منیر بولد کیم اول سید و نیک

آخرت منزلی با موضع معش و راست قلعای اول ایردیم  
 بزرگوار و شبنام کاشغول بولدیلا رنج کیم سید لار کلیب  
 ایدیلارای فلان منیر کیم مصیبت تی موایدیلار آری  
 جنس نیک مصیبتی از نیک دور کیم بر سید و تمنی  
 عجم و احق کیم اولاندی و در و اتوماتدیلار کیم مبارک  
 جواره پسی کیم بولوغای و ان اندین کور و دیلا و شبنو  
 قیر نیک و چون قازار من و شبنو حالت دایره سی  
 لار کیم آپسمان طرفیدین بر تابوت ظاهر بولدی  
 و قبری و از کلیب توشتی حضرت خضاف خواه  
 و دیلا کیم جماعتی بر لک نماز قلعای لار دین آواز کیم  
 ای حصان بر و لک کاکبیلیم نوبت نماز و تاماک سر  
 شریعت و انجک بول و نیک نماز منیر و دیلا رجون نور  
 لار ایربار مدینه خلق حیران فالدر لک اندین کین و من قید  
 و احد اسم اولوز بفریم حضرت بفریم علی سید  
 لاری و کیم کیم حضرت سلطان الاولیا و حاج الا صفا و



اب لیکن و برهان الحقیقت سراج الملة والدين بادالاسلام  
 و مملکت بلیان حضرت سلطان سبقت بفرخان غازی و ستمت  
 اولاد لاریدین ایردیل و حضرت سلطان سید علی سلطان  
 خان علیه الرحمته والرضوان نینک قنیر لاریدین ایردیل و لاریدین  
 ریاست تارلقان و مجاهد زهر نیر تارلقان همیشه روزه دار و شیخ  
 لاریدین ارجمه عالی ایردیل و هم همیشه اولوغ مستوره ایردیل و لاریدین  
 انا لاری خدمت کار لاریدین بیج ایراکت اوج یاسق کور کاخ  
 لاریدین بونکر مطلقا کور مکان ایردیل و یاسق تارلقان کینزک  
 لاریدین هم بلاغت کا و قلا شقان لاریدین کین خدمت  
 تو ما پس ایردیل و بر بقدر فند کا قیا کور کوز به لاریدین قبول قیما پس  
 ایردیل و بر کوز انا لاریدین و لاریدین و لاریدین کینزک لاریدین  
 خدمت نینک قبول قیما پس نینک سبقت و لاریدین و لاریدین  
 اول و در که اول لاریدین و دیده بسیار کور کاخ و خنجران از نو  
 قلیان مکره نون و فریب نون اور کا نکان دنیا نینک حرم  
 غالب کلکان و قس لاری کالین تیکان و در لاری و مرز مار سبقت

ناقص العقل و در مرز باد که نیر بد بخت دنیا نینک کین خدمت اول لاریدین  
 انا کین تو شقاریک سبقت بفرخان غازی که اول لاریدین حرم دنیا نینک  
 و در مرز کالین و لاریدین و لاریدین کینزک کینزک لاریدین  
 عظم ناقص و در سلطان لاریدین کین و در و در با کاه اول لاریدین  
 کینزک و لاریدین و لاریدین و لاریدین و لاریدین و لاریدین  
 نینک طرفیکان و سبقت قیما نینک قیما نینک قیما نینک قیما  
 و کین خدمت سبقت لاریدین و لاریدین و لاریدین و لاریدین  
 بونکر اوج و جهت کین قبول قیما پس کین انا لاریدین و لاریدین  
 انا نینک کین نینک لاریدین و لاریدین و لاریدین و لاریدین  
 انا کین کین کین خدمت لاریدین و لاریدین و لاریدین و لاریدین  
 کینزک لاریدین و لاریدین و لاریدین و لاریدین و لاریدین  
 نینک قیما لاریدین و لاریدین و لاریدین و لاریدین و لاریدین  
 خدمت قیما و لاریدین و لاریدین و لاریدین و لاریدین و لاریدین  
 سبقت نینک کین لاریدین و لاریدین و لاریدین و لاریدین و لاریدین  
 و لاریدین و لاریدین و لاریدین و لاریدین و لاریدین و لاریدین











اول ممکن شد یار کند و معاودن هر جا جفتند و آنرا بنظر و کمال و پذیر  
 غیر خواهم شد سرف بفرستاده بشراه و جعل الجنة منواه عمره لار  
 صرف الای یقین قیامت و تالیف رسته سینه الفان بوقت  
 ثروت انبیا لار نیک نیکین بوز لار کم فصیح عبارت لار و طیف  
 است مرقه لار بر له با بر لفظ اید است ایرو دی او شبهه صریح اعمال  
 و سینه افعال قلیل البضاعت معدوم الاستطاعت کمترین بنده کار  
 خداوند را هم محمد که ابن محمد ابراهیم غفر منونو بهما و بنو عیوبها  
 ترک مخالفت بده و ر بولامی اد چون اول ما نیکم ترک تلبیه و غیره  
 و اجمال و تفصیل الی ما که شروع قید را بر به صبح می باشد علی السلام  
 طلبه بر او یسید و لور و ب معز قوشلارین صید او چون استقامت  
 و این فور و بی سامان باشند تفکر لقا سینه بایب سینه  
 قد من غزلت ایما کالایه که کوز دی اید به با کاه سیم عنایت  
 حضرت اله و ششم فیض فوضات نامتدیر مضاحت کاشنیدن  
 رفعت مجیدین است بوز لار لار را بجه سیر لار م و ما عینی  
 ایلادی و کلام خضر نه لاری نیک حکم فضل لار نیر جنال احق و

بر له خیر و امید الی نیک فرج افزا صبح الحف مشرقین نو کمال  
 است و در ساحتی و کاهی وقت لارده مقصود و خورشید مدعا  
 سهرید اجمال کور پشایر بر پختن نقاش و تامل ملامی جزوت  
 و زیاده سینه غوث اور و بنو لار نیک و ر کران ببا کبر معنی هم  
 ایلان بقیه بیان ملک بر له سندی و بفر ساحت لارده کونکلیت  
 اندیشه و فکر نیک با بیان با و یه سید الی لار کم و یک کور و ب  
 آخر مراد کعبه سینه عذارین سوز و ب سوز نازنین لار نیر تازه  
 بازده الفاظ لار لیا سیر بر له بلش لار ب صغیر سیر اوز را نیر و  
 حاصل الکلام اول ملک سلامین و بولوباب سیر ایتام و کوشش  
 تمام غه توفیق ما بیهمت کم نیر جان بک با غلاد دست دید  
 عهد بعدی شوق لوف ایلاب صدای و المنه نایخ قد نیک لوز بیک  
 اوج نیکیل ماه محرم نیک بیک سیر سینه کونی تقوز کنت  
 ولایت ایا کولیا موصوعه اول صاف حمیر و سیر با نظر لاریت  
 بخت دولت و شمول لطف عا لقت سوزمند عاقل و برون کمال  
 عالم لار و بخت و فضل لار سهراری صاحب طایه عزت و مالک طای



تربت فراست اهدنیک منم تربت فراست خدینیک شک بربت  
 خیر الانام و فاضل اسلام غنیمت مند خواهد این شاه رخ یک دام  
 امد اقباله و النج باطن مراد نیک علما لایزم کابر مدرسه نونه  
 و علم آباد تازه بنیادی و ابوبسته شریف و مفرح لطیف اتمام و  
 اختتام و غنیمتی و صاحب ربه سیرتین بمرحوم بطن لطیف نظم پنج است  
 میو اول بخیر صمیمین بودید ایست بطن بدو ازین اوز کاس  
 ضلالت میو طاعت و غنیمت بدو غنیمت فراست فاضل و دین اربور  
 منکر نیک عین نراکت نراکت است شرف و کرامت بولور علم  
 اول خلق و غنیمت بهر غنیمت و لایق قدر است کرم خواند نیک  
 نوق برین بطن سیرتین لایق اتمام بهر حجره صانع  
 بولور صانع نیک و غنیمت اتمام اربور دوران ارامند شریف  
 مناعرفان بالفرح ورم برده میو جلال از ابد کرم برده او  
 ابل اول ناد و بهر اورد اکت به نقص تقصیر کتب کج و ناهنجاری  
 علوم اهدن اولد و حرم راز جنون خلد غنیمت بولور اتمام  
 و کمالیک لایق اربور سیرتین نیک صادق انکاس نفع النابین

محبت او مید انا امان کذا ترش غلط مبدع اربور اول عین بهر ریش  
 اربور کرام و فاضل انام بولور خلد نیک غیر نراکت اربور خاص سلیمان  
 حاجتین کرا لایق من بهر حاجت و اتفاق چون غنیمت شریف است  
 کیدر فاضل حقیقت غنیمت اولامان غنیمت اربور اکر شعار بولور  
 نرد و بهر بولور غنیمت اربور کولور اتمام با و صانع بدین اربور  
 کانا مان کلیل غنیمت اربور نراکت نراکت نراکت نراکت نراکت  
 میو غنیمت غنیمت بولور نراکت نراکت نراکت نراکت نراکت  
 انکاس با و ربه ایت برده نراکت نراکت نراکت نراکت نراکت  
 لایق دور و کمالیک فراست کج و غنیمت اول طرف او غنیمت نراکت  
 زبون کیدر غنیمت با و اتمام انکاس نراکت نراکت نراکت نراکت  
 قلور غنیمت نراکت نراکت نراکت نراکت نراکت نراکت نراکت  
 رفیع لایق نراکت نراکت نراکت نراکت نراکت نراکت نراکت  
 نراکت نراکت نراکت نراکت نراکت نراکت نراکت نراکت نراکت  
 وصف سیرتین لایق نراکت نراکت نراکت نراکت نراکت نراکت  
 نراکت نراکت نراکت نراکت نراکت نراکت نراکت نراکت نراکت

۶۱۵









۳۱۴ عم و  
چهارم  
جمع سبب یمنه شود آن یک

دو از قلعه نی ۲ بکره سبب کان

چهار طبعه افند و رالت

جمع مدت نیز علامه بود

سبب بازو و حدیث